

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اجتماعی
روان‌شناختی
زنان
مطالعات

سال ۱۷، شماره ۳

پاییز ۱۳۹۸

شماره پیاپی ۶۰

فصل‌نامه علمی - پژوهشی

صاحب امتیاز دانشگاه الزهراء (س)، پژوهشکده زنان

مدیر مسئول دکتر زهره خسروی
سر دبیر دکتر خدیجه سفیری

هیأت تحریریه

دکتر زهرا افشاری
استاد دانشگاه الزهراء (س)
دکتر احمد جعفرنژاد
استاد دانشگاه تهران
دکتر زهره خسروی
استاد دانشگاه الزهراء (س)
دکتر هما زنجانی‌زاده
دانشیار دانشگاه فردوسی مشهد
دکتر خدیجه سفیری
استاد دانشگاه الزهراء (س)
دکتر محمدمصداق مهدوی
استاد دانشگاه شهید بهشتی
دکتر سیده‌منوره یزدی
استاد دانشگاه الزهراء (س)

ویراستار فارسی

ویراستار انگلیسی

دبیر اجرایی

صفحه‌آرا

طراح جلد

ترتیب انتشار

شماره پروانه انتشار

شماره علمی - پژوهشی

شمارگان

وب‌گاه

نشانی

تلفن

فکس

تلفن عمومی

پست الکترونیک

فاطمه سفیری

علی‌یار احمدی

فرزانه شکری

فاطمه سفیری

اشرف موسوی لر

فصلی

۱۲۴/۱۴۰۶

۱۶۸۹۳۴/۳

۱۵۰۰

<http://jwsps.alzahra.ac.ir>

تهران، خیابان ونک،

کدپستی ۱۹۹۳۸۹۳۹۷۳

۸۸۰۵ ۸۹۲۶

۸۸۰۴ ۹۸۰۹

۸۸۰۴ ۴۰۵۱-۹

داخلی ۲۰۸۰

jwsps@alzahra.ac.ir

این فصل‌نامه در پایگاه استنادی علوم جهان اسلام (ISC) و نیز ایران

ژورنال (نظام نمایه‌سازی مرکز منطقه‌ای اطلاع‌رسانی علوم و فناوری)

نمایه می‌شود و دارای ضریب تأثیر در این نظام (ISC) است.

بخشی از هزینه این شماره از سوی «معاونت پژوهشی دانشگاه الزهراء (س)» تأمین شده است.

مطالعات اجتماعی - روان‌شناختی زنان

حق چاپ © ۱۳۹۷ پژوهشکده زنان، دانشگاه الزهراء (س)

همه حقوق از آن ناشر است. چاپ، بازنشر و کپی این فصل‌نامه یا بخش‌های آن، به هر شکل، نیازمند اجازه کتبی ناشر است.
چاپ شده در جمهوری اسلامی ایران

درجه علمی - پژوهشی فصل‌نامه **مطالعات اجتماعی - روان‌شناختی زنان**، از سوی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری در تاریخ ۹۰/۸/۳۰، با شماره ۱۶۸۹۳۴/۳ تمدید اعتبار و ابلاغ شد.

فصل‌نامه **مطالعات اجتماعی - روان‌شناختی زنان** در پایگاه‌های داده‌ای زیر نمایه می‌شود:

- مرکز منطقه‌ای اطلاع رسانی علوم و فناوری (www.srlst.com)
- پایگاه اطلاعات علمی، جهاددانشگاهی (www.sid.ir)
- پایگاه مجلات تخصصی، مرکز تحقیقات علوم اسلامی (www.noormags.com)
- پایگاه اطلاعات نشریات کشور (www.magiran.com)

- مقاله نباید پیش‌تر، در مجله‌های فارسی زبان داخل یا خارج کشور چاپ شده باشد.
- مقاله باید در ساختار سازگار با Microsoft®Word2010 به نشانی <http://jwsp.alzahra.ac.ir> فرستاده شود و به ترتیب دارای این بخش‌ها باشد:
- ۱. شناسه‌های نویسنده(گان): نام؛ رتبه و وابستگی دانشگاهی یا سازمانی به فارسی و انگلیسی؛ نشانی ایمیل؛ و نوشته‌ای کوتاه دربارهٔ پیشینهٔ آموزشی و پژوهشی؛
- ۲. شمارهٔ تلفن و نشانی نویسندهٔ مسئول؛
- ۳. عنوان مقاله به فارسی و انگلیسی؛
- ۴. چکیدهٔ مقاله و واژگان کلیدی - به فارسی و انگلیسی؛
- ۵. متن مقاله؛
- ۶. فهرست منابع - نخست منابع فارسی / عربی و سپس زبان‌های دیگر.
- متن مقاله نباید از ۶۰۰۰ واژه و چکیده‌ها نباید از ۲۰۰ واژه بیش‌تر باشد.
- در متن مقاله، باید با آوردن نام نویسنده(گان) و سال به منابع ارجاع داده شود. برای نوشته‌های برداشت شده از منبع، باید شمارهٔ صفحه نیز آورده شود.
- فهرست منابع باید به ترتیب الفبایی نام خانوادگی و با نگارش زیر آورده شود.
کتاب: نام خانوادگی، نام نویسنده(گان). سال چاپ. نام کتاب، شمارهٔ جلد. نوبت چاپ. نام مترجم به فارسی. محل نشر: نام ناشر.
- مقاله** نام خانوادگی، نام نویسنده(گان). سال چاپ. «عنوان مقاله» نام مجله دوره یا سال(شماره): شمارهٔ صفحات.
- پایان نامه** نام خانوادگی، نام نویسنده. سال نگارش. «عنوان پایان‌نامه». دورهٔ آموزشی پایان‌نامه، گروه، دانشکده، دانشگاه، محل دانشگاه.
- برای همهٔ اصطلاح‌ها و نام‌های نافرسی، اصل آن در پانویس آورده شود.
- **مطالعات اجتماعی - روان‌شناختی زنان** ترجیح می‌دهد نوشتارهایی را چاپ کند که دست‌آورد پژوهش‌های ایرانی دربارهٔ مسائل زنان در ایران باشد.
- **مطالعات اجتماعی - روان‌شناختی زنان** در ویرایش مقاله‌های رسیده، بدون تغییر در محتوای آن، آزاد است.
- مسئولیت مطالب آمده در مقاله‌ها، با نویسنده(گان) است.
- مجله **مطالعات اجتماعی - روان‌شناختی زنان** فقط مقاله‌هایی را می‌پذیرد که در قالب موضوعات اجتماعی و روان‌شناسی اجتماعی زنان و جنسیت باشد.

فهرست

- ۷-۳۰ بررسی رابطه ابعاد احساس نابرابری جنسیتی و به‌زیستی اجتماعی زنان شهر ایلام
مجید کوششی
محمد میرزایی
حسین محمودیان
مسعود الماسی
- ۳۱-۵۶ سهم خودکارآمدی و هیجان‌خواهی در پیش‌بینی اعتیاد به اینترنت در دختران
آلمارا داراسیان سلماسی
سیمین دخت رضاخانی
- ۵۷-۸۶ حمایت اجتماعی ادراک شده و افسردگی پس از زایمان با نقش واسطه‌گری
راهبردهای مقابله‌ای
فرزانه ابوالقاسم فیروزکوهی
مسعود شریفی
حسین پورشه‌ریار
امید شکری
- ۸۷-۱۲۰ پیامدهای روان‌شناختی قربانیان قلدری در بین دانش‌آموزان دختر
(مطالعه‌ای در حوزه اجتماعی - روان‌شناختی زنان)
شهرزاد نعمتی
رحیم بدری گرگری
رقیه صدر
آرام کاتورانی
- ۱۲۱-۱۴۶ تعهد زناشویی، احساس تنهایی و هیجان‌خواهی در پیش‌بینی ترجیحات و انگیزه‌های
باروری زنان
زهره سعیدی
نسیم نوری
- ۱۴۷-۱۸۸ تاثیر آزرده‌گی عاطفی بر بی‌تفاوتی سازمانی با نقش میانجی هوش فرهنگی در استادان
خانم دانشگاه علامه طباطبائی
حبیب‌الله رودساز
عقیل قربانی پاچی
فرخنده صالحی

بررسی رابطه ابعاد احساس نابرابری جنسیتی و به‌زیستی اجتماعی زنان شهر ایلام

مجید کوششی

استادیار گروه جمعیت‌شناسی دانشگاه تهران

محمد میرزایی

استاد گروه جمعیت‌شناسی دانشگاه تهران

حسین محمودیان

دانشیار گروه جمعیت‌شناسی دانشگاه تهران

مسعود الماسی^۱

دانشجوی دکتری جمعیت‌شناسی دانشگاه تهران

چکیده

در راستای توجه به سلامت و به‌زیستی در جامعه، در این پژوهش، رابطه ابعاد احساس نابرابری جنسیتی با به‌زیستی اجتماعی زنان شهر ایلام بررسی شد. روش پژوهش پیمایشی، براساس طرح مقطعی بود و اطلاعات مورد نیاز به‌وسیله توزیع پرسشنامه در بین ۵۹۷ نفر از زنان شهر ایلام گردآوری شد. یافته‌ها بیان‌کننده آن بود که پاسخگویان دارای احساس نابرابری جنسیتی نسبتاً بالا و میزان به‌زیستی اجتماعی متوسط بودند و همبستگی بین متغیرهای احساس نابرابری جنسیتی و ابعاد آن با به‌زیستی اجتماعی و ابعاد آن در بین زنان مورد بررسی، معنادار و معکوس بود. تفسیر نتایج تحلیل رگرسیونی گام به گام نشان داد متغیرهای احساس نابرابری اقتصادی، اجتماعی و حقوقی طی ۳ مرحله وارد معادله شده و در نهایت بیش از ۱۸ درصد از تغییرات متغیر وابسته یعنی به‌زیستی اجتماعی را تبیین نمودند. در مجموع، ارزیابی یافته‌ها نشان داد مدل پژوهش حاضر قدرت تبیین و پیش‌بینی متوسطی دارد.

^۱. نویسنده مسئول: almasi_57@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۹/۸

تاریخ ارسال: ۱۳۹۸/۶/۱۳

واژگان کلیدی

به‌زیستی اجتماعی، احساس نابرابری جنسیتی، زنان شهر ایلام

مقدمه و بیان مسئله

یکی از محورهای اساسی و مهم ارزیابی سلامت که نقش مهمی در تضمین پویایی و کارآمدی جامعه دارد، به‌زیستی اجتماعی^۱ است. این مقوله ارزیابی و شناخت فرد از چگونگی عملکرد خود در اجتماع و کیفیت روابط او با افراد دیگر، نزدیکان و گروه‌های اجتماعی است که وی عضوی از آنهاست (شربتیان و طوافی، ۱۳۹۵). اسمیت^۲ (۲۰۰۸) به‌زیستی اجتماعی را «ارزیابی رفتارهای معنادار مثبت و منفی فرد در ارتباط با دیگران» تعریف می‌کند و آن را یکی از اساسی‌ترین شاخص‌های سلامت هر کشوری می‌داند که به کارا بودن فرد در جامعه منجر می‌شود.

امروزه موضوع به‌زیستی اجتماعی، به‌ویژه در بین زنان - یکی از مهم‌ترین اقشار جامعه - یک مسئله حیاتی است که با چالش‌های فراوانی روبرو شده و به تعاملات پیچیده‌ی بیولوژیکی فردی، رفتار بهداشتی، زمینه‌ی تاریخی، اجتماعی، امنیتی و سیاسی زندگی آن‌ها بستگی دارد. زنان، در صورت برخورداری از به‌زیستی حقیقی در ذات و شخصیت خود، احتمال موفقیت خود را در تمامی شئون زندگی در زمان مجرد و تأهل افزایش خواهند داد و می‌توانند با چالش‌های ناشی از ایفای نقش‌های اصلی اجتماعی کنار آمده و مشارکت بیشتری در فعالیت‌های جمعی داشته باشند در نتیجه، تطابق آن‌ها با هنجارهای اجتماعی بیشتر خواهد شد.

به‌زیستی زنان، به عوامل متعددی وابسته است که در این بین، نقش فرهنگ، ارزش‌ها، هنجارها و باورهای جامعه اهمیت خاصی دارد. بر اساس یافته‌های جدید، احساس نابرابری-های جنسیتی، عاملی مهم در ایجاد اوضاعی است که با فرض اعتقاد به الزامات، محدودیت-های اجتماعی، قوانین و هنجارهای اجتماعی و اخلاقی و آداب و رسوم که تبعیض‌هایی را

^۱.social well-being

^۲.Smith



علیه زنان نشان می‌دهند، به کاهش سلامت و بهزیستی منجر می‌شود (بارتلی، ۲۰۰۴). نابرابری جنسیتی عبارت است از برخورد یا عملی که براساس جنسیت افراد به تحقیر، طرد، خوار شمردن و کلیشه بندی آن‌ها می‌پردازد و نشان دهنده یکسان نبودن دسترسی زنان و مردان به فرصت‌ها و امکانات است (میشل، ۱۳۵۴) که پیامدهای اجتماعی از قبیل کاهش نقش زنان در مشارکت اجتماعی، تاخیر در توسعه اجتماعی، هدر رفتن نیروی انسانی جامعه و در سطحی بالاتر، مانع دسترسی زنان به امکانات، تسهیلات و مشارکت در تصمیم‌گیری آن‌ها می‌شود و این امر با استمرار نابرابری‌های جنسیتی، باعث اختلال در بهزیستی اجتماعی زنان می‌شود.

در جوامع امروزی، با وجود تلاش‌های گسترده در جهت رفع نابرابری‌ها و کاهش شکاف‌های جنسیتی در سطوح ملی و بین‌المللی، این نابرابری‌ها در ابعاد مختلف آن، هنوز در سطح جهان دیده می‌شود. این شکاف‌ها که از مهم‌ترین چالش‌های پیش روی کشورهای در حال توسعه هستند، بر توسعه انسانی و ارتقای کیفیت زندگی افراد تاثیر منفی داشته و سلامت و بهزیستی کل افراد جامعه به‌ویژه زنان را دچار اختلال نموده است. از آنجایی که موقعیت زنان در جامعه تحت تاثیر وضعیت و سطح توسعه در جامعه است و از طرفی، هدف مشترک توسعه یک جامعه در تمامی سطوح محلی، ملی و بین‌المللی، بهبود کیفیت زندگی از جمله سلامتی انسان است، بهبود بهزیستی و سلامت زنان نیز جزء الزامات اصلی در بهبود شاخص‌های توسعه در هر جامعه به‌شمار می‌آید.

زنان تقریباً نیمی از جمعیت شهر ایلام را تشکیل می‌دهند و بهزیستی آنان زیربنای بهزیستی خانواده‌های ساکن در این شهر است. مشکلات این قشر، بر سلامت جسمی و به‌ویژه بهزیستی روانی و اجتماعی خانواده‌های ایلامی و حتی نسل‌های بعدی تأثیرگذار است. از این رو مطالعه بهزیستی آن‌ها بسیار حائز اهمیت بوده و باعث ضرورت انجام پژوهش حاضر شده است. در حال گذار بودن از مرحله سنت به مدرنیسم و رشد روز افزون مشکلات و مسائل ناشی از شرایط زندگی شهری (از جمله تضادها و تعارضات فرهنگی ناشی از شکاف بین نسلی و تبعیض‌های جنسیتی)، زنان این شهر را با مسائل و چالش‌های متعددی همچون افسردگی، خودکشی و ... مواجه نموده که لطامات جبران‌ناپذیری را در سطح فردی و اجتماعی به دنبال

داشته است. اگرچه آمار و اطلاعات دقیقی از میزان و تعداد خودکشی زنان در ایلام از سوی مسئولین امر ارائه نشده است، اما نتایج پژوهش قاسمی (۱۳۹۷) نشان می‌دهد که براساس آخرین آمارها در سال ۱۳۹۵، استان ایلام با ۱۵۲ اقدام به خودکشی در بین هر صد هزار نفر از زنان، در بین ۳۱ استان کشور، رتبه اول را دارد. این میزان ۴۲ برابر میزان خودکشی در کل کشور است که ۳/۶ اقدام در صد هزار نفر است (قاسمی، ۱۳۹۷). بی‌تردید تقویت روحیه زنان ایلامی و بالا بردن سطح به‌زیستی در بین آنان، علاوه بر پیشگیری از به وجود آمدن آسیب‌های مذکور، زمینه‌های رشد فکری و بالندگی ایشان را فراهم خواهد نمود. دستیابی به این مهم، انجام پژوهش‌های علمی متعدد، در ابعاد مختلف را حائز اهمیت می‌نماید. بر این اساس و با توجه به عدم انجام پژوهش‌های علمی کافی در این زمینه در استان ایلام، این پژوهش، از زاویه‌ای جدید، به‌زیستی اجتماعی زنان شهر ایلام را مورد ارزیابی قرار داده است. در واقع هدف اصلی پژوهش حاضر تبیین نقش احساس نابرابری جنسیتی در به‌زیستی اجتماعی زنان شهر ایلام است.

پیشینه تجربی

لک و محقق‌کی کمالی (۱۳۹۸) در «بررسی رابطه احساس نابرابری جنسیتی و رضایت از زندگی در بین دانشجویان دختر» نشان می‌دهند علی‌رغم احساس نابرابری جنسیتی زیاد و خیلی زیاد در بین پاسخگویان، رضایت از زندگی آنان متأثر از همبستگی قوی با این احساس نیست که می‌تواند تایید کننده این موضوع باشد که احساس نابرابری جنسیتی هنوز به یک مسئله چالش‌برانگیز برای شرکت‌کنندگان مطالعه تبدیل نشده و نابرابری‌های جنسیتی تا حدی در قالب باورها، اعتقادات و نحوه جامعه‌پذیری آن‌ها توجیه‌پذیر است.

سفیری و جلالوند (۱۳۹۷) در پژوهشی با عنوان «بررسی رابطه نابرابری، تفاوت و ستمگری با مطالبات اجتماعی زنان» نشان دادند با افزایش متغیرهای نابرابری، تفاوت و ستمگری، مطالبات اجتماعی زنان به نحو معناداری افزایش می‌یابد.



سپاه‌منصور (۱۳۹۶) در پژوهشی با عنوان «پیش‌بینی بهزیستی اجتماعی براساس شخصیت جامعه‌پسند و واکنش روانی در دانشجویان» ۲۰۰ نفر از دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران را مورد بررسی قرار داد. نتایج نشان داد بین بهزیستی اجتماعی و ابعاد آن (همبستگی اجتماعی، انسجام اجتماعی، مشارکت اجتماعی، شکوفایی اجتماعی و پذیرش اجتماعی) با شخصیت جامعه‌پسند رابطه مثبت معنی‌دار و با واکنش روانی رابطه منفی معنی‌دار وجود دارد. همچنین، بین شخصیت جامعه‌پسند با واکنش روانی رابطه منفی معنی‌دار وجود داشت.

شکریبگی (۱۳۹۶) در «بررسی نابرابری جنسیتی و عوامل مرتبط با آن در بین زنان شهر بوکان و میاندوآب» نشان داد بین نابرابری جنسیتی و جامعه‌پذیری نقش جنسیتی، ایدئولوژی مردسالاری و باورهای قالبی رابطه وجود دارد.

رضایی و نوغانی دخت بهمنی (۱۳۹۶) در پژوهشی با عنوان «بهزیستی اجتماعی دانشجویان و عوامل موثر بر آن» ۳۷۹ نفر از دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد را مورد بررسی قرار دادند. نتایج نشان می‌دهد که متغیرهایی نظیر سن، وضعیت تأهل، عضویت در انجمن‌های دانشجویی، رضایت از زندگی و حمایت اجتماعی بر بهزیستی اجتماعی دانشجویان تاثیر گذارند، اما بین جنسیت و بهزیستی اجتماعی رابطه‌ای مشاهده نشد.

سفیری و منصوریان راوندی (۱۳۹۴) در پژوهشی با عنوان «کلیشه‌های جنسیتی و سلامت اجتماعی» نشان می‌دهند تقویت کلیشه‌های جنسیتی منفی در زنانی که سطح تحصیلات پایینی دارند، به کاهش خصوصیات مثبت برای رشد و تعالی فردی و اجتماعی آن‌ها منجر شده است. رهنما فلاورجانی و کیانی (۱۳۹۴) در پژوهشی با عنوان «تأثیر احساس نابرابری جنسیتی بر سرمایه اجتماعی زنان تحصیل‌کرده شهر اصفهان» نشان دادند احساس نابرابری اجتماعی، نابرابری خانوادگی و احساس نابرابری اقتصادی با سرمایه اجتماعی رابطه مثبت و معنادار آماری دارند.

نبوی (۱۳۹۳) در پژوهشی با عنوان «بررسی نابرابری جنسیتی در سازمان‌های بروکراتیک» نشان داد زنان در سازمان‌ها درصد اندکی از نیروی کار را تشکیل می‌دهند و در مقایسه با

مردان، در موقعیت‌های نابرابری از لحاظ حقوق و فرصت‌های ارتقای شغلی، آموزش و ثبات شغلی، شبکه روابط شخصی و تمرکز قدرت در ساختار سازمان قرار دارند. خاوری و همکاران (۱۳۹۲) در پژوهشی با عنوان «رابطه ابعاد احساس نابرابری جنسی با سلامت روان» نشان دادند رابطه مثبت و معنی داری بین احساس نابرابری جنسیتی و سلامت روان وجود دارد به طوری که هرچه احساس نابرابری کمتر باشد، سلامت روان افراد بهتر است. صدقاتی‌فرد و سخامهر (۱۳۹۲) در «تاثیر نابرابری جنسیتی بر میزان مشارکت اجتماعی زنان» نشان دادند بعد سیاسی نابرابری جنسیتی، رابطه معنادار و معکوس با مشارکت اجتماعی زنان داشته است.

ساراسینو^۱ (۲۰۱۳) در مقاله‌ای با عنوان «مقایسه سرمایه اجتماعی و فرایند به‌زیستن در بین یازده کشور اروپایی» به بررسی رابطه بین این دو متغیر می‌پردازد. او از نتایج تحقیق خود دریافت که سرمایه اجتماعی و مؤلفه‌های آن با به‌زیستی رابطه مثبت و معناداری دارد؛ یعنی وقتی افراد از شبکه‌های بیشتری برخوردارند و سرمایه اجتماعی بیشتری دارند، رضایت از زندگی و به‌زیستی روانی و اجتماعی بالاتری نیز دارند.

یاماوکا^۲ (۲۰۰۸) در مقاله‌ای با عنوان «سرمایه اجتماعی و سلامت و به‌زیستی در آسیای شرقی؛ مطالعه‌ای مبتنی بر شاخص‌های جمعیتی» به این نتیجه رسید که بین سرمایه اجتماعی و به‌زیستی رابطه معنی‌داری وجود دارد. به عبارتی افرادی که در زندگی، اجتماعی هستند و دوستان بیشتری دارند، از سلامت اجتماعی و به‌زیستی اجتماعی بالاتری برخوردارند.

چارچوب نظری

نظریه‌ی مورد استفاده در این پژوهش ترکیبی از نظریه به‌زیستی اجتماعی کیز و دیدگاه نابرابری جنسیتی بلا و چافتز است و فرضیه‌های اساسی پژوهش حاضر از نظریه‌های فوق و پیشینه تجربی تحقیق گرفته شده است. مدل چند وجهی کیز از به‌زیستی اجتماعی، میزان

1. Sarracino

2. Yamaoka

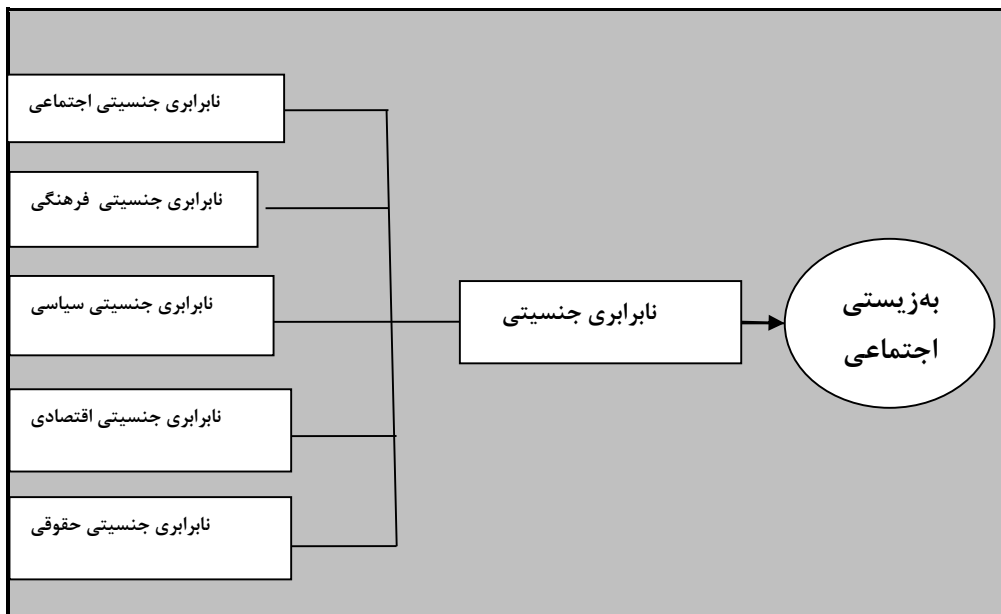


کارکرد بهینه افراد در عملکرد آن‌ها را معلوم می‌کند. براساس این مدل پژوهش‌های متعددی انجام شده که برخی به بررسی تاثیر سن، جنسیت یا وضعیت اقتصادی-اجتماعی بر بهزیستی پرداختند و برخی بهزیستی را به‌عنوان عاملی متأثر از تجارب زندگی (ازدواج، بچه‌دار شدن، طلاق، احساس نابرابری جنسیتی و ...) و یا تحولات زندگی و نیز چالش‌های خاص (داشتن والدین الکلی، داشتن بچه عقب مانده ذهنی، پرستاری از همسر یا والدین بیمار) مورد مطالعه قرار دادند. در پژوهش حاضر و بر اساس مدل کیز، بهزیستی زنان شهر ایلام به‌عنوان عاملی متأثر از احساس نابرابری جنسیتی (به‌عنوان تجربه زندگی) مورد مطالعه قرار گرفته است.

بر اساس نظریه کیز، فرد سالم از نظر اجتماعی، اجتماع را به صورت یک مجموعه معنادار، قابل فهم و بالقوه برای رشد و شکوفایی می‌داند و احساس می‌کند که به جامعه تعلق دارد، از طرف جامعه پذیرفته می‌شود و در پیشرفت آن سهم است. بهزیستی اجتماعی در این مفهوم درک افراد از تجربیاتشان را در محیط اجتماعی منعکس می‌کند، فرد به‌صورت یک مجموعه معنی‌دار، قابل فهم، دارای نیروی بالقوه برای رشد و شکوفایی همراه با این احساس که متعلق به جامعه است و خود را در اجتماع و پیشرفت آن سهم می‌داند. از طرفی از دیدگاه بلا، برابری مفهومی است اجتماعی و اجتماع دارای هنجارهایی است که تخطی از آن را نابرابرانه می‌شمارد. از نظر بلا، فرودستان بر پایه هنجارهای اجتماعی، خواسته‌های فرادستان را ارزیابی می‌کنند. اگر این خواسته‌ها برابرانه باشد، آن‌ها راضی می‌شوند؛ اما اگر این تقاضاها نابرابرانه باشد، آن‌ها خود را استثمار شده می‌پندارند و در صدد اعلام نارضایتی خود بر می‌آیند (توسلی، ۱۳۹۸). همچنین از دیدگاه چافتز نابرابری‌های موجود زنان در اجتماع، نشان از تفکرات قالبی، ایدئولوژی و هنجار جنسیتی است که در مورد زنان وجود دارد و این تعاریف به بی‌ارزش کردن کار زنان درون خانه و خارج از آن می‌پردازد و باعث سرخوردگی بیشتر و احساس نابرابری جنسیتی آنان در جامعه می‌شود. زنانی که بر اثر تفکرات قالبی، ایدئولوژی و هنجار جنسیتی موجود در جامعه، با تبعیض جنسیتی مواجه هستند، با مسائل و چالش‌های متعددی دست به‌گریبانند و لطمات جبران‌ناپذیری در سطح فردی و اجتماعی بر بهزیستی و سلامت آن‌ها مستولی می‌شود. بر این اساس، تضادها و تعارضات ناشی از احساس نابرابری-

های جنسیتی، زنان شهر ایلام را با مسائل و مشکلاتی همچون انزوا و گوشه‌گیری، افسردگی، خودکشی و ... مواجه نموده که به‌زیستی و سلامت روانی و اجتماعی آن‌ها را مختل کرده‌است.

مدل نظری پژوهش



فرضیه‌های پژوهش

- احساس نابرابری جنسیتی اجتماعی با به‌زیستی اجتماعی نمونه مورد مطالعه رابطه معنادار دارد.



- احساس نابرابری جنسیتی فرهنگی با بهزیستی اجتماعی نمونه مورد مطالعه رابطه معنادار دارد.
- احساس نابرابری جنسیتی سیاسی با بهزیستی اجتماعی نمونه مورد مطالعه رابطه معنادار دارد.
- احساس نابرابری جنسیتی اقتصادی با بهزیستی اجتماعی نمونه مورد مطالعه رابطه معنادار دارد.
- احساس نابرابری جنسیتی حقوقی با بهزیستی اجتماعی نمونه مورد مطالعه رابطه معنادار دارد.
- احساس نابرابری جنسیتی با بهزیستی اجتماعی نمونه مورد مطالعه رابطه معنادار دارد.

روش تحقیق

در انجام این پژوهش، از روش پیمایش بر اساس طرح مقطعی^۱ استفاده و اطلاعات مورد نظر در زمینه متغیرهای وابسته و مستقل از طریق پرسشنامه جمع‌آوری شده است. جامعه آماری پژوهش حاضر همه بانوان شهر ایلام اند که بر اساس سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۵ تعداد کل آن‌ها ۹۸۶۷۴ نفر است. حجم نمونه بر اساس جدول لین، با فرض حداکثر واریانس $p=0/5, q=0/5$ و با $0/95$ سطح اطمینان، ۵۹۷ نفر است. جهت توزیع پرسشنامه در بین نمونه آماری مورد مطالعه از شیوه نمونه‌گیری خوشه‌ای استفاده شده است. در این راستا ابتدا مناطق و محله‌های شهر ایلام به ۸ منطقه تقسیم شد. سپس از هر منطقه دو محله و از هر محله چهار بلوک انتخاب و در نهایت با حضور پرسشگران در این بلوک‌ها و مراجعه به در منازل، افراد واجد شرایط حاضر در منزل، پرسشنامه‌ها را تکمیل نمودند. در این راستا ابتدا هدف از انجام پژوهش برای پاسخگویان تشریح می‌شد و پس از اخذ رضایت شفاهی از ایشان، درخواست می‌شد پرسشنامه را تکمیل کنند. پرسشنامه‌های مربوط به افراد بی‌سواد را

^۱. Cross- sectional

نیز محققان با مصاحبه تکمیل کردند. پرسشنامه مورد نظر از دو بخش تشکیل شده است؛ در بخش اول متغیرهای زمینه‌ای، سن، شغل، درآمد، سطح تحصیلات، محل تولد، وضعیت مسکن و ... مورد پرسش قرار گرفتند. در بخش دوم، دو متغیر احساس نابرابری جنسیتی (با استفاده از پرسشنامه ۳۴ گویه‌ای دهنوی) و به‌زیستی اجتماعی (با استفاده از پرسشنامه ۳۳ گویه‌ای به‌زیستی اجتماعی کیز ۱۹۹۸) سنجش شدند.

تعریف مفاهیم و متغیرها

- **به‌زیستی اجتماعی:** به‌زیستی از سازه‌های مدرن روان‌شناسی قرن اخیر است که از دو واژه well «خوبی و برخورداری از ویژگی مطلوب» و being «وجود، بودن و هستی» تشکیل شده است (سیمونتون و بیومیستر، ۲۰۰۵). کیز، به‌زیستی اجتماعی را با توجه به ارزیابی شرایط و عملکرد فرد در جامعه توصیف می‌کند (رادزیک، ۲۰۱۵). بر اساس نظریه کیز (۱۹۹۸) به‌زیستی اجتماعی به شرایط و عملکرد فرد در جامعه اشاره دارد و به‌عنوان گزارش شخصی افراد از کیفیت ارتباطات آن‌ها با دیگران تعریف می‌شود. از ابتدا نیز به‌زیستی اجتماعی به‌عنوان ادراک افراد از یکپارچگی آن‌ها با جامعه، پذیرش دیگران، پیوستگی با اجتماع و احساس فرد از مشارکت با جامعه تعریف می‌شد (لارسون، ۱۹۹۶). متغیر به‌زیستی اجتماعی مشتمل بر ۳۳ گویه (۶ گویه مربوط به عامل مشارکت اجتماعی، ۷ گویه مربوط به عامل انسجام اجتماعی، ۷ گویه مربوط به عامل پذیرش اجتماعی، ۶ گویه مربوط به عامل همبستگی اجتماعی و ۷ گویه مربوط به عامل شکوفایی اجتماعی) است که نمره‌دهی آن بر اساس طیف لیکرت (۱ کاملاً مخالف تا ۵ کاملاً موافق) ارزیابی شده و حداقل نمره کلی ۳۳ بیانگر به‌زیستی اجتماعی نامطلوب، و حداکثر آن ۱۶۵، بیانگر به‌زیستی اجتماعی مطلوب است.

- **احساس نابرابری جنسیتی:** عبارت است از برخورد یا عملی که بر اساس جنسیت افراد به تحقیر، طرد، خوار شمردن و کلیشه‌بندی آن‌ها می‌پردازد و نشان دهنده یکسان نبودن دسترسی



زنان و مردان به فرصت‌ها و امکانات است که پیامدهای اجتماعی از قبیل کاهش نقش زنان در مشارکت اجتماعی، تاخیر در توسعه اجتماعی، هدر رفتن نیروی انسانی جامعه و در سطحی بالاتر، مانع دسترسی زنان به امکانات، تسهیلات و مشارکت در تصمیم‌گیری‌شان می‌شود و این امر با استمرار احساس نابرابری‌های جنسیتی، در به‌زیستی اجتماعی آن‌ها اختلال ایجاد می‌کند. این متغیر با طیفی مشتمل بر ۳۴ گویه و در ۵ بعد احساس نابرابری اجتماعی (۱۲ گویه)، حقوقی (۵ گویه)، فرهنگی (۷ گویه)، اقتصادی (۶ گویه) و سیاسی (۴ گویه) مورد سنجش قرار گرفت و نمره‌دهی آن بر اساس طیف لیکرت (۱ کاملاً مخالف تا ۵ کاملاً موافق) ارزیابی شده و حداقل نمره کلی ۳۴ بیانگر احساس نابرابری کمتر، و حداکثر آن ۱۷۰، بیانگر احساس نابرابری نامطلوب است.

یافته‌ها و نتایج

- یافته‌های توصیفی

ارزیابی یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد میانگین و میانه سنی پاسخگویان ۳۷/۸ و ۳۷ سال بوده است. ۵۹/۵ درصد پاسخگویان متولد شهر و ۴۰/۵ درصد متولد روستا بوده‌اند. در مورد وضعیت تأهل، یافته‌ها بیانگر آن بود که ۵۵/۱ درصد پاسخگویان مجرد، ۳۱ درصد متأهل، ۷/۲ درصد مطلقه و ۶/۷ درصد بیوه بوده‌اند. از نظر سطح سواد ۵/۶ درصد پاسخگویان بی‌سواد، ۱۷/۹ درصد زیر دیپلم، ۲۴/۹ درصد دیپلم، ۹/۹ درصد فوق دیپلم، ۳۰/۵ درصد لیسانس و ۱۱/۲ درصد فوق لیسانس بوده‌اند. از نظر توزیع شغلی ۴۴/۰۸ درصد پاسخگویان خانه‌دار، ۱۷/۷ درصد بیکار، ۱۷/۵ درصد دارای مشاغل آزاد، ۲۰/۸ درصد شاغل در بخش دولتی بوده‌اند. در توزیع پاسخگویان براساس مالکیت مسکن داده‌ها نشان داد که ۸۴/۱ درصد پاسخگویان در منازل شخصی و پدري ساکن بوده و سایر پاسخگویان مستاجر بودند. در تبیین متغیرهای اصلی، میانگین نمره اخذ شده ۱۱۸/۴۱ بیانگر آن است که پاسخگویان احساس نابرابری جنسیتی نسبتاً زیادی در مقایسه با میانگین ممکن (۹۹) دارند. همچنین میانگین نمره

۱۰۲، در مقایسه با میانگین ممکن (۹۹)، نشان می‌دهد که پاسخگویان دارای میزان به‌زیستی اجتماعی متوسطی هستند (جدول ۱).

جدول ۱. مشخص‌کننده‌های شاخص احساس نابرابری جنسیتی و به‌زیستی اجتماعی و ابعاد آن‌ها

شاخص	ابعاد احساس نابرابری جنسیتی					احساس نابرابری
	اجتماعی	فرهنگی	سیاسی	اقتصادی	حقوقی	
میانگین مورد انتظار	۳۳	۲۴	۹	۱۸	۱۵	۹۹
میانگین واقعی	۳۹/۵۷	۳۰/۰۸	۱۱/۲۰	۲۱/۲۴	۱۶/۳۷	۱۱۸/۴۱
انحراف معیار	۷/۳۹	۶/۱۵	۲/۵۶	۴/۴۵	۴/۶۴	۱۹/۹۵
شاخص	ابعاد به‌زیستی اجتماعی					به‌زیستی
	مشارکت	انسجام	پذیرش	همبستگی	شکوفایی	اجتماعی
میانگین مورد انتظار	۲۱	۱۸	۱۸	۲۱	۲۱	۹۹
میانگین واقعی	۱۹/۴۱	۱۹/۲۶	۱۹/۴	۲۲/۱۱	۲۱/۸۳	۱۰۲
انحراف معیار	۴/۱	۳/۸۵	۴/۲۱	۴/۶	۴/۹۵	۱۶/۰۹

- یافته‌های استنباطی

ارزیابی یافته‌های جدول ۲ بیانگر وجود رابطه معنی‌دار و معکوس بین احساس نابرابری جنسیتی و ابعاد آن با به‌زیستی اجتماعی در بین زنان بزرگسال است. به‌عبارت دیگر، هرچه میزان احساس نابرابری و تبعیض جنسیتی و ابعاد پنج‌گانه آن در بین زنان بیشتر باشد، از میزان به‌زیستی اجتماعی آن‌ها کاسته می‌شود.



جدول ۲. همبستگی احساس نابرابری جنسیتی و ابعاد آن با بهزیستی اجتماعی

معناداری	ضریب همبستگی	همبستگی
۰/۰۰۰	** -۰/۳۱۸	احساس نابرابری اجتماعی با بهزیستی اجتماعی
۰/۰۰۰	** -۰/۲۸۱	احساس نابرابری فرهنگی با بهزیستی اجتماعی
۰/۰۰۲	** -۰/۲۰۵	احساس نابرابری سیاسی با بهزیستی اجتماعی
۰/۰۰۰	** -۰/۳۶۳	احساس نابرابری اقتصادی با بهزیستی اجتماعی
۰/۰۰۰	** -۰/۲۴۹	احساس نابرابری حقوقی با بهزیستی اجتماعی
۰/۰۰۰	** -۰/۳۶۳	احساس نابرابری جنسیتی با بهزیستی اجتماعی

* معنی داری در سطح ۹۵ درصد ** معنی داری در سطح ۹۹ درصد

- تحلیل رگرسیونی چند متغیره

تفسیر نتایج جدول ۳ جهت تحلیل رگرسیونی چند متغیره نشان می دهد که متغیرهای احساس نابرابری اقتصادی، حقوقی و اجتماعی طی ۳ مرحله وارد معادله شده و در نهایت با همبستگی ۰,۴۳۰ و ضریب تعیین ۰,۱۸۵ بیش از ۱۸ درصد از تغییرات متغیر وابسته یعنی بهزیستی اجتماعی را تبیین نموده اند. در مجموع ارزیابی یافته ها نشان می دهد که مدل پژوهش حاضر قدرت تبیین و پیش بینی متوسطی دارد.

جدول ۳. تحلیل چند متغیره برای پیش بینی متغیر وابسته

مرحله	R	R2	تغییرات R2	خطای استاندارد
اول	۰,۳۷۲	۰,۱۳۹	۰,۱۳۷	۱۵,۱۰۰۳۴
دوم	۰,۴۰۸	۰,۱۶۶	۰,۱۶۴	۱۴,۸۶۶۳
سوم	۰,۴۳۰	۰,۱۸۵	۰,۱۸۱	۱۴,۹۳۵۰۹
Constant = ۱۳۸,۰۸۳				Sig= ۰,۰۰

با توجه به علائم ضرایب Beta موجود در جدول ۴ مشاهده می‌شود که متغیرهای احساس نابرابری جنسیتی اقتصادی ($B=-0,218$)، احساس نابرابری جنسیتی حقوقی ($B=-0,154$) و احساس نابرابری جنسیتی اجتماعی ($B=-0,144$) دارای اثر منفی بر به‌زیستی اجتماعی زنان اند. به عبارت دیگر سه عامل فوق دارای رابطه‌ای معکوس با متغیر وابسته هستند.

جدول ۴. عناصر درون معادله برای پیش‌بینی متغیر وابسته

متغیر	ضریب B	Beta	T	Sig
احساس نابرابری جنسیتی اقتصادی	-۰,۷۴۷	-۰,۲۱۸	-۴,۶۹۷	۰,۰۰۰
احساس نابرابری جنسیتی حقوقی	-۰,۵۱۳	-۰,۱۵۴	-۳,۲۹۲	۰,۰۰۱
احساس نابرابری جنسیتی اجتماعی	-۰,۲۸۸	-۰,۱۴۴	-۳,۰۰۸	۰,۰۰۳

معادله پیش‌بینی رگرسیون چند متغیره با توجه به جداول فوق برای پیش‌بینی به‌زیستی اجتماعی در بین نمونه مورد بررسی به صورت زیر است:

$$Y = (138,083) + (-0,747 \times X1) + (-0,513 \times X2) + (-0,288 \times X3)$$

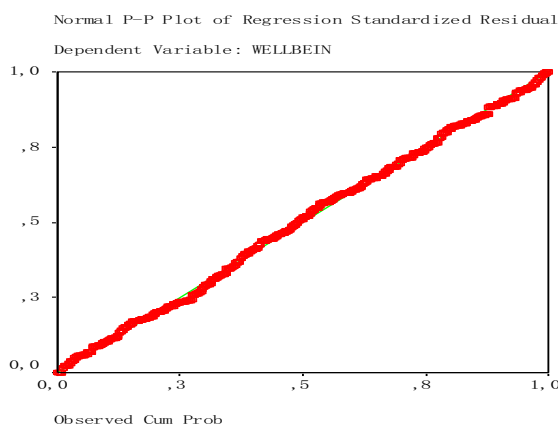
جدول ۵ نشان می‌دهد ابعاد احساس نابرابری جنسیتی سیاسی و احساس نابرابری جنسیتی فرهنگی خارج از معادله قرار گرفته‌اند. این مسئله به معنی کم اهمیت بودن متغیرهای مذکور نیست، بلکه از آنجا که در روش مرحله به مرحله، هدف انتخاب بهترین متغیرها برای پیش‌بینی است، حصول این نتیجه به دلیل وجود همبستگی بین متغیرهای خارج از معادله با متغیرهای درون معادله است.



جدول ۵. متغیرهای خارج شده از جدول به روش گام به گام

متغیر	همبستگی جزئی	Beta	T	Sig
احساس نابرابری جنسیتی سیاسی	۰,۰۱۲	۰,۰۱۵	۰,۲۹۷	۰,۷۶۷
احساس نابرابری جنسیتی فرهنگی	۰,۰۰۸	۰,۰۱۱	۰,۱۹۸	۰,۸۴۳

برای اندازه‌گیری چند همخطی^۱ در متغیرهای مستقل، از دو روش ارزش تحمل^۲ و عامل تورم واریانس استفاده شد. در نمودار ۱ نقاطی که روی قطر قرار دارند گویای آن اند که احتمال تجمعی مشاهده شده با احتمال تجمعی مورد انتظار یکی است. در واقع هر چه نقاط حول قطر بیشتر تجمع کنند، دقیق‌تر می‌توان متغیر وابسته را پیش‌بینی کرد. در نمودار زیر ملاحظه می‌شود، وابستگی بین متغیر وابسته و سایر متغیرها وجود دارد. این نمودار نشان می‌دهد که این خط تا چه اندازه با واقعیت منطبق است. اگر خط کاملاً برازنده باشد، هر مورد احتمال تجمعی مشاهده شده باید با احتمال تجمعی مورد انتظار هم اندازه باشد و نقطه روی خط ۴۵ درجه بیفتد، ملاحظه می‌شود که نقاط از خط انحراف ندارند و اکثراً روی خط هستند.



نمودار ۱. وجود رابطه بین متغیر وابسته (بهزیستی اجتماعی) و متغیرهای مستقل

1. Multicollinearity
2. Tolerance Value

بحث و نتیجه‌گیری

به‌زیستی اجتماعی، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین زیرمجموعه‌های به‌زیستی و سلامت در برگیرنده سطوح مهارت‌های اجتماعی، عملکرد اجتماعی و توانایی شناخت هر شخص از خود به‌عنوان عضوی از جامعه بزرگتر است و به چگونگی وضعیت ارتباط فرد با دیگران در جامعه یا همان جامعه‌پذیری وی اشاره دارد (آلبرت، ۲۰۱۲). گالاگر^۱ و همکاران (۲۰۰۹) بر این باورند که ساختار عاملی مربوط به به‌زیستی اجتماعی، دیدگاه فرهنگ غربی را منعکس می‌کند و احتمال دارد که برخی مؤلفه‌ها، ارزش متفاوتی در فرهنگ‌های گوناگون داشته باشند. برای مثال، اشاره شده است که به احتمال زیاد عوامل فرهنگی همچون هنجارها، ارزش‌ها و شکل روابط اجتماعی (اوتیس‌گرین و خوارز، ۲۰۱۲) بر به‌زیستی افراد تأثیر بگذارند و حتی ممکن است ساختار و ترکیب به‌زیستی در بین فرهنگ‌ها متفاوت بوده و همبسته‌ها و علل متفاوتی داشته باشد. در این میان آیین‌های یک جامعه، به‌عنوان رفتارهایی که داده‌های مفیدی برای حفظ روابط صحیح هر فرد با محیط و دیگر اعضای جامعه به همراه دارند، می‌توانند در به‌زیستی اجتماعی افراد نقش داشته باشند (کومار، ۲۰۱۳). این نقش همواره مثبت نیست و در برخی موارد، به تاسی از برخی عوامل فرهنگی، اجتماعی (برای مثال نابرابری‌های جنسیتی) می‌تواند آثار منفی نیز از خود بر جای بگذارد.

در راستای توجه به به‌زیستی اجتماعی و عوامل مرتبط با آن، این مقاله، به شیوه پیمایشی و با توزیع پرسشنامه در بین ۵۹۷ نفر، به بررسی این مسئله در بین زنان ساکن شهر ایلام و رابطه آن با احساس نابرابری جنسیتی پرداخته است.

ارزیابی یافته‌ها بیانگر آن است که احساس نابرابری اجتماعی (به‌عنوان یکی از ابعاد احساس نابرابری جنسیتی) با به‌زیستی اجتماعی رابطه معنی‌دار و معکوس دارد. یعنی هرچه احساس نابرابری اجتماعی در بین زنان بیشتر باشد، از میزان مشارکت، همبستگی، شکوفایی، انسجام، پذیرش و در مجموع به‌زیستی اجتماعی آن‌ها کاسته می‌شود. بر اساس نظریه کپی، فرد

^۱. Gallager



سالم از نظر اجتماعی، اجتماع را به صورت یک مجموعه معنادار، قابل فهم و بالقوه برای رشد و شکوفایی دانسته و احساس می‌کند که به جامعه تعلق دارد، از طرف جامعه پذیرفته می‌شود و در پیشرفت آن سهیم است. بر این اساس زنانی که بر اثر تفکرات قالبی، ایدئولوژی و هنجار جنسیتی موجود در جامعه، با تبعیض جنسیتی مواجه هستند، با مسائل و چالش‌های متعددی همچون انزوا و گوشه‌گیری، افسردگی، خودکشی و ... دست به گریبان اند و لطمات جبران‌ناپذیری در سطح فردی و اجتماعی بر به‌زیستی و سلامت آن‌ها وارد می‌شود. یافته‌های پژوهش شکرپیگی (۱۳۹۶)، رضایی و نوغانی دخت بهمنی (۱۳۹۶)، سفیری و منصوریان راوندی (۱۳۹۴) مؤید این نتیجه است.

همچنین یافته‌ها نشان می‌دهند که احساس نابرابری فرهنگی نیز با به‌زیستی اجتماعی و ابعاد آن رابطه معنی‌دار و معکوس داشته است. انتظارات سنتی خانواده از زنان از یک سو، و فرایند جهانی شدن و شیوه‌های زندگی متفاوت و ایده‌های نو پیش روی زنان از سوی دیگر، نوعی شکاف نسلی و فاصله فکری در بین خانواده و زنان ایجاد نموده که در کنار محدودیت‌های فرهنگی و فرهنگ سنتی حاکم بر منطقه، حضور زنان در عرصه اجتماع را محدود نموده است. بر این اساس زنان از یک طرف به سبب این محدودیت‌ها، اختیار کمتری برای شرکت در گروه‌ها و برقراری ارتباط با غریبه‌ها دارند، از سوی دیگر با به‌کارگیری ابزارهای مدرن همچون ماهواره، اینترنت و شبکه‌های اجتماعی مجازی، با شیوه‌هایی نو از زندگی آشنا می‌شوند و آن‌ها را با شیوه‌های سنتی مرسوم خود مقایسه می‌کنند. پی‌آیند این مقایسه، دگرگونی هویت آنان است. این دگرگونی، محتوا و سوگیری نوینی دارد که بر اساس آن، آن‌ها در پی انکار یا تعدیل هویت‌های پیشین اند و به سبب کنترل از سوی خانواده، با نوعی دوگانگی و تعارض مواجه می‌شوند. این تضادها و تعارضات فرهنگی ناشی از احساس نابرابری‌های جنسیتی، مختل شدن به‌زیستی اجتماعی زنان شهر ایلام را به دنبال دارد.

در بررسی رابطه احساس نابرابری اقتصادی با به‌زیستی اجتماعی، یافته‌ها بیانگر آن است که این بعد از احساس نابرابری جنسیتی نیز با به‌زیستی اجتماعی، دارای همبستگی معنی‌دار و معکوس است. بر اساس دیدگاه محرومیت نسبی، انسان‌ها عموماً به مقایسه خود با دیگران

می‌پردازند و در این رابطه وقتی احساس فقر و بی‌عدالتی می‌کنند، واکنش‌های شدید عاطفی نشان می‌دهند و وقتی این احساس به درجه بالای خود برسد، به احساس تضاد اجتماعی می‌انجامد و تعارضات شدیدی را در پی دارد (رفیع‌پور، ۱۳۷۸) که اخلال در به‌زیستی روانی و اجتماعی فرد از آن جمله است. به سبب وضعیت نامساعد اقتصادی جامعه در حال حاضر (به‌ویژه در بین نمونه آماری مورد مطالعه در این پژوهش که عمدتاً از طبقات میانی و پایین جامعه هستند) احساس نابرابری اقتصادی اهمیت ویژه‌ای در وضعیت زندگی افراد و به‌ویژه به‌زیستی آن‌ها دارد که زنان نیز از این قاعده مستثنی نیستند. بلوم‌برگ در نظریه لایه‌بندی جنسیتی معتقد است که کنترل منابع اقتصادی، به زنان قدرت اقتصادی می‌دهد و این قدرت بر قدرت سیاسی، منزلتی و منابع دیگر لایه‌بندی تأثیر می‌گذارد. بالطبع زنانی که امکان داشتن قدرت اقتصادی را در سطوح بالای سازمان اجتماعی ندارند، نمی‌توانند اشکال دیگر از قدرت سیاسی را به‌دست آورند. در این راستا نبوی (۱۳۹۳) در پژوهشی نشان داد زنان در سازمان‌ها در مقایسه با مردان، در موقعیت‌های نابرابری از لحاظ حقوق و فرصت‌های ارتقای شغلی، آموزش و ثبات شغلی، شبکه روابط شخصی و تمرکز قدرت در ساختار سازمان قرار دارند. همچنین صداقتی‌فرد و سخامهر (۱۳۹۲) نیز در پژوهش خود نشان دادند بعد سیاسی نابرابری جنسیتی، رابطه معنادار و معکوس با مشارکت اجتماعی زنان داشته است. بر این اساس، یافته‌های پژوهش حاضر نیز بیانگر آن است که احساس نابرابری سیاسی در بین پاسخگویان، رابطه معنی‌دار و معکوسی با به‌زیستی اجتماعی دارد.

در بررسی متغیر کلی احساس نابرابری جنسیتی با به‌زیستی اجتماعی، یافته‌ها نشان داد رابطه این دو متغیر معنی‌دار و معکوس بوده است. به‌عبارت دیگر، هرچه میزان احساس نابرابری و تبعیض جنسیتی در بین زنان مورد بررسی بیشتر بوده، از میزان به‌زیستی اجتماعی آن‌ها کاسته شده است. در این راستا نتایج پژوهش خاوری و همکاران (۱۳۹۲) نیز نشان داد رابطه معنی‌داری بین احساس نابرابری جنسیتی و سلامت روان وجود دارد به‌طوری که هرچه احساس نابرابری کمتر باشد، سلامت روان افراد بهتر است.



آنچه از نتایج این پژوهش (همسو با نتایج پژوهش لک و محققى کمالی ۱۳۹۸) استنباط می‌شود آن است که با وجود احساس نابرابری زیاد در بین زنان مورد بررسی، برخی از ابعاد نابرابری هنوز به امری چالش برانگیز برای آن‌ها تبدیل نشده و این نابرابری‌ها تا حدودی در قالب باورها، اعتقادات و نحوه جامعه‌پذیری آن‌ها توجیه‌پذیر است. همچنین بی‌تفاوتی نسبت به زندگی اجتماعی، عدم آگاهی و یا آگاهی کم از حقوق فردی و اجتماعی خود، سبک زندگی سنتی، میزان تحصیلات پایین و پایگاه اجتماعی و اقتصادی متوسط به پایین پاسخگویان نیز می‌تواند در حصول این نتیجه اثر گذار باشد. در نهایت، ارزیابی مدل رگرسیونی پژوهش حاضر نشان می‌دهد که ابعاد نابرابری جنسیتی تنها توانسته‌است ۱۸ درصد از تغییرات بهزیستی اجتماعی پاسخگویان را تبیین نماید که این نتیجه بیانگر آن است که این مدل قدرت تبیین و پیش‌بینی متوسطی دارد. لازم به ذکر است که احساس نابرابری جنسیتی نسبتاً بالا در بین پاسخگویان و میزان بهزیستی اجتماعی متوسط آن‌ها، حاکی از آن است که بهزیستی اجتماعی زنان مورد بررسی متأثر از همبستگی قوی با احساس نابرابری جنسیتی نیست.

پیشنهادها

رسانه‌های جمعی و نظام آموزشی می‌توانند با مطرح کردن توانایی‌های بالقوه زنان و نشان دادن توانایی‌های به فعل درآمده، ذهنیت جامعه (هم مردان و هم زنان) را نسبت به نگاه جنسیتی به امور، اصلاح کنند. بی‌شک مهم‌ترین اقدام در این مورد، اثبات نمودن توانایی‌های زنان، به خودشان است.

منابع

- توسلی، غلامعباس. (۱۳۹۸). *نظریه جامعه‌شناسی*، تهران: انتشارات سمت.
- خاوری، کبری؛ سجادی، حمیرا؛ حبیب پورگنابی، کرم و طالبی، مهدی. (۱۳۹۲). رابطه ابعاد احساس نابرابری جنسی با سلامت روان *فصلنامه رفاه اجتماعی*، ۱۳(۴۸)، ۱۱۳-۱۳۰.
- رضایی، امید و نوغانی دخت‌بهمنی، محسن. (۱۳۹۶). به‌زیستی اجتماعی دانشجویان و عوامل موثر بر آن. *دوفصلنامه علوم اجتماعی*، ۱۴(۲)، ۳۱-۵۶.
- رفیع‌پور، فرامرز. (۱۳۷۸). *آنومی یا آشفتگی اجتماعی*. تهران: سروش.
- رهنما فلاورجانی، زهره و کیانی، مژده. (۱۳۹۴). تأثیر احساس نابرابری جنسیتی بر سرمایه اجتماعی زنان تحصیل‌کرده شهر اصفهان. *فصلنامه جامعه‌شناسی کاربردی*، ۲۶(۲)، ۷۷-۹۰.
- سپاه‌منصور، مژگان. (۱۳۹۶). پیش‌بینی به‌زیستی اجتماعی براساس شخصیت جامعه‌پسند و واکنش روانی در دانشجویان. *مجله روان‌شناسی اجتماعی*، ۲(۴۴)، ۹۳-۱۰۵.
- سفیری، خدیجه و جلالوند، انسیه. (۱۳۹۷). بررسی رابطه نابرابری، تفاوت و ستمگری با مطالبات اجتماعی زنان (مطالعه موردی زنان شهر تهران). *مطالعات اجتماعی روان‌شناختی زنان*، ۱۶(۲)، ۷-۳۲.
- سفیری، خدیجه و منصوریان راوندی، فاطمه. (۱۳۹۴). کلیشه‌های جنسیتی و سلامت اجتماعی. *مطالعات اجتماعی روان‌شناختی زنان*، ۱۳(۲)، ۳۷-۶۶.
- شربتیان، محمدحسن و طوافی، پویا. (۱۳۹۵). مطالعه جامعه‌شناختی شاخص‌های احساس به‌زیستی اجتماعی شهروندان شهر مشهد. *مجله مطالعات فرهنگی اجتماعی خراسان*، ۱۰(۴)، ۱۱۵-۱۳۸.
- شکرپیگی، عالیه. (۱۳۹۶). بررسی نابرابری جنسیتی و عوامل مرتبط با آن در بین زنان شهر بوکان و میاندوآب، *پژوهشنامه زنان*، ۸(۳)، ۴۷-۶۷.
- صداقتی‌فرد، مجتبی و سخامهر، میترا. (۱۳۹۲). تاثیر نابرابری جنسیتی بر میزان مشارکت اجتماعی زنان. *فصلنامه جامعه‌شناسی مطالعات جوانان*، ۴(۱۰)، ۴۳-۶۰.



قاسمی، یارمحمد. (۱۳۹۷). تدوین سند راهبردی زنان در استان ایلام. استانداری ایلام: معاونت سیاسی، امنیتی - اجتماعی.

لک، راضیه و محقق کیالی، حسین. (۱۳۹۸). بررسی رابطه احساس نابرابری جنسیتی و رضایت از زندگی در بین دانشجویان دختر (مطالعه موردی: دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی)، سومین کنفرانس بین المللی روانشناسی، علوم تربیتی و علوم انسانی، صوفیه - بلغارستان، دبیرخانه دائمی کنفرانس. <https://www.civilica.com/Paper-PEHCONF-03.html>

میشل، آندره. (۱۳۵۴). جامعه‌شناسی خانواده و ازدواج (ترجمه فرنگیس اردلان). تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

نبوی، سید عبدالحسین و علامه، ساجده. (۱۳۹۳). بررسی نابرابری جنسیتی در سازمان‌های بوروکراتیک (مورد مطالعه: کارکنان سازمان‌های دولتی شهرستان اهواز)، *مطالعات اجتماعی روان‌شناختی زنان*، ۱۲(۳)، ۷-۴۰.

- Albert, A. (2012). The effects of Facebook on Egyptian students' social wellbeing. *Open Access Scientific Reports*, 1(10), 1-13. <http://dx.doi.org/10.4172/scientificreports.493>
- Gallager, M.W., Lopez, S.J., Preacer, K.J. (2009). The hierarchical structure of well-being. *Journal of personality (J Pers)*, 77(4), 1025-1050. <https://dx.doi.org/10.1111%2Fj.1467-6494.2009.00573.x>
- Ghasemi, Y. (2018). *Develop a strategic document for women in Ilam, Ilam Execution*. Political, Security and Social Affairs Deputy. [Text in Persian]
- Keyes, C. M. (1998). Social Wellbeing. *Social Psychology Quarterly*, 61 (2), 121-140. DOI: 10.2307/2787065
- Khavari, K., Sajadi, H., Habibpour Gatabi, K., & Talebi, M. (2013). gender inequality perception and mental health. *Social Welfare Quarterly*, 13 (48), 113-130. <http://refahj.uswr.ac.ir/article-1-1248-fa.html> [Text in Persian]
- Kumar, P. K. (2013). The Role of Social Rituals in Well-Being. In *An Integrated View of Health and Well-being* (pp. 83-98). Springer, Dordrecht. https://link.springer.com/chapter/10.1007/978-94-007-6689-1_6

- Lak, R., Mohagheghi kamal, H. (2019). *Investigating the relationship between gender inequality and life satisfaction among female students*. 3rd International Conference on Psychology, Educational Sciences and Humanities, Sofia – Bulgaria. https://www.civilica.com/Paper-PEHCONF03-PEHCONF03_004.html [Text in Persian]
- Larson, J. S. (1996). The World Organization Definition of Health: Social versus Spiritual Health. *Social Indicators Research*, 38 (2), 181-192. <https://www.jstor.org/stable/27522925>
- Michel, A. (1975). *Sociologie de la famille et du Mariage*, Presses universitaires de France.
- Nabavi, S. A., Allameh, S. (2014). Investigating gender inequality in bureaucratic organizations, *Quarterly Journal of Women Social and Psychological Studies*, 12(3), 7-40 [Text in Persian]. <https://dx.doi.org/10.22051/jwsp.2015.1486>
- Otis-Green, S., & Juarez, G. (2012). Enhancing the social well-being of family caregivers. *Seminars in Oncology Nursing*, 28(4), 246-255. Doi: [10.1016/j.soncn.2012.09.007](https://doi.org/10.1016/j.soncn.2012.09.007)
- Radzyk, J. J. (2014). *Validation of a new social well-being questionnaire*. (Bachelor's thesis, University of Twente). Netherlands: 1-54. <https://essay.utwente.nl/65770/1/Radzyk%2C%20J.J.%20-%20s1171984%20%28%20verslag%20%29.pdf>
- Rafipoor, F. (1999). *Anomie a study of potential for anomie in Tehran*. Tehran: soroush press [Text in Persian]
- Rahnama Falavarjani, Z., & Kiyani, M. (2015). The impact of feeling gender inequality on social capital at isfahan educated women, *Journal of applied Sociology*, 26 (2), 77-90. [Text in Persian]
- Rezaei, O., & Noghani Dokht Bahmani, M. (2017). The social well-being of university students and factors affecting it. *Journal of Social Sciences*, 14(2), 31-56. [Text in Persian]
- Safari, Kh., & Jalalvand, E. (2018). The study of the relationship between women's social demands and inequality, difference and oppression. *Quarterly Journal of Women Social and Psychological Studies*, 16(2), 7-32. [Text in Persian]
- Safari, Kh., & Mansorian Ravandi, F. (2018). Gender clichés and social health: a study on men and women from Tehran. *Quarterly Journal of Women Social and Psychological Studies*, 13(2), 37-66. [Text in Persian]



- Sarracino, F. (2013). Social capital and subjective well-being trends: Comparing 11 western European countries. *The Journal of Socio- Economics*, 39 (4), 482–517. <https://doi.org/10.1016/j.socec.2009.10.010>
- Sedaghatifard, M., & Sakhamehr, M. (2013). The affect of gender inequality on women social participation. *Sociology Studies of youth*, 4(10), 43-60. [Text in Persian]
- Sepahmansour, M. (2017). Prediction of social well-being based on prosocial personality and psychological reactance in students. *Journal of social psychology*, 5(44), 93-105. [Text in Persian]
- Sharbatian, M., & Tawafi, P. (2016). Sociological study of indicators of social well-being of citizens of Mashhad. *Khorasan Journal of Social and Cultural Studies*, 10(4), 115-138. [Text in Persian]
- Shekarbeigi, A. (2017). Gender inequality and its related factors Among the women citizens of Boukan and Miandoab. *Women's Study* ,8(21), 47-67. [Text in Persian]
- Simonton, D. K., & Baumeister, R. F. (2005). Positive psychology at the summit. *Review of General Psychology*; 9 (2), 99-102. <http://psycnet.apa.org/doi/10.1037/1089-2680.9.2.99>
- Smith, KP., & Christakis, N.A.(2008). Social networks and health. *Annual Review of Sociology*; 34: 405-429. <https://doi.org/10.1146/annurev.soc.34.040507.134601>
- Tavassoli, Gh. A. (2019). *Sociological Theories*. Tehran: SAMT press. [Text in Persian]
- Yamaoka, K. (2008). Social capital and health and well-being in East Asia: a population-based study. *Journal Social Science & Medicine*; 66 (4), 885-899. <https://doi.org/10.1016/j.socscimed.2007.10.024>

نویسندگان

دکتر مجید کوشی

استادیار و مدیر گروه جمعیت‌شناسی دانشگاه تهران. ایشان دارای تالیفات، ترجمه‌ها و مقالات متعدد در مجلات معتبر داخلی و خارجی است و عمده فعالیت ایشان در حوزه سالمندی است.

دکتر محمد میرزایی

استاد گروه جمعیت‌شناسی دانشگاه تهران و رییس انجمن جمعیت‌شناسی ایران با بیش از ۵۰ سال فعالیت در حوزه جمعیت‌شناسی. عمده فعالیت ایشان در حوزه مرگ و میر است.

دکتر حسین محمودیان

دانشیار گروه جمعیت‌شناسی دانشگاه تهران و فارغ التحصیل رشته جمعیت‌شناسی از دانشگاه نشنال استرالیا در سال ۱۳۷۶. ایشان دارای تالیفات، ترجمه‌ها و مقالات متعدد در مجلات معتبر داخلی و خارجی است.

almasi_57@yahoo.com

مسعود الماسی

دانشجوی دکتری جمعیت‌شناسی دانشگاه تهران و عضو هیئت علمی دانشگاه پیام نور، سوابق و علائق ایشان عموماً در زمینه جمعیت‌شناسی و آسیب‌ها و مسائل اجتماعی است.

سهم خودکارآمدی و هیجان‌خواهی در پیش‌بینی اعتیاد به اینترنت در دختران^۱

آلمارا داراسیان سلماسی

کارشناس ارشد مشاوره، دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن

سیمین دخت رضاخانی*

استادیار گروه مشاوره، دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی سهم خودکارآمدی و هیجان‌خواهی در پیش‌بینی اعتیاد به اینترنت انجام گرفته است. پژوهش، توصیفی و از نوع همبستگی است. جامعه آماری را دختران دانش‌آموز پایه دوم و سوم دوره دوم متوسطه تشکیل می‌دهند که در سال تحصیلی ۹۵-۱۳۹۴ در مدارس دولتی منطقه ۸ تهران به تحصیل اشتغال داشتند. ۲۴۰ نفر به روش نمونه‌گیری تصادفی چند مرحله‌ای انتخاب شدند و از پرسشنامه‌های خودکارآمدی عمومی شرر و همکاران (۱۹۸۲)، هیجان‌خواهی زاگرم (۱۹۷۸) و اعتیاد به اینترنت یانگ (۱۹۹۸) استفاده شد. نتایج تحلیل داده‌ها با روش همبستگی پیرسون و رگرسیون چند متغیری سلسله‌مراتبی نشان داد که بین خودکارآمدی با اعتیاد به اینترنت همبستگی منفی و معناداری وجود دارد ($P < 0/01$ ، $\beta = -0/561$) و خودکارآمدی می‌تواند ۳۱/۴ درصد از اعتیاد به اینترنت در گروه نمونه را تبیین کند. همچنین نتایج نشان داد که بین مؤلفه‌های هیجان‌خواهی با اعتیاد به اینترنت همبستگی مثبت و معناداری وجود دارد ($p < 0/01$). هیجان‌خواهی ۷/۴ درصد واریانس اعتیاد به اینترنت را در گروه نمونه تبیین می‌کند و از چهار مؤلفه هیجان‌خواهی تنها مؤلفه ماجراجویی به صورت مثبت و

^۱ - مقاله برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد است.

* نویسنده مسئول: rezakhani@riau.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۸/۱۴

تاریخ ارسال: ۱۳۹۸/۴/۲۶

معنادار اعتبار به اینترنت را پیش‌بینی می‌کند ($\beta=0/256, p<0/01$). یافته‌ها نشان داد که خودکارآمدی و هیجان خواهی می‌توانند در مجموع ۳۸/۷ درصد از اعتبار به اینترنت را در گروه نمونه پیش‌بینی کند.

واژگان کلیدی

اعتیاد به اینترنت، خودکارآمدی، هیجان خواهی

مقدمه و بیان مسئله

اینترنت به‌عنوان یکی از اثرگذارترین عوامل بر زندگی (ویو، وانگ، یو، فاک، یونگ، لام و لیو، ۲۰۱۶)، مزایای مختلفی را در زندگی روزمره افراد به ارمغان آورده است (می‌حاجلو و وجملکا، ۲۰۱۷). امروزه نسل جوان، اینترنت را به‌عنوان یک منبع مفید از اطلاعات برای ارتباطات سریع می‌بیند (باگاپا چالاوادی، ۲۰۱۶) و از آن برای بازی‌های کامپیوتری، گوش دادن به موسیقی، آشنا شدن با دوستان جدید (آتا، آکپینار و کلسی، ۲۰۱۱)؛ به نقل از ساهین، ۲۰۱۴)، خرید آنلاین، شرکت در برنامه‌های آموزشی از راه دور و جستجوی اطلاعات (کاسیانی، ایوانتیا، ولاچو، اسپریدیس، نیکلائوس و دیمتریوس، ۲۰۱۸) استفاده می‌کند؛ اما از طرف دیگر، افزایش استفاده از اینترنت، برخی از مشکلات را به همراه دارد که شاید مهم‌ترین آن اعتبار به اینترنت^۷ باشد (آیدین و ولکان ساری، ۲۰۱۱). اصطلاح اعتبار به اینترنت به وضعیتی اشاره دارد که کنترل استفاده از اینترنت دشوار است و با وجود مشکلات مختلفی که ایجاد می‌کند فرد نمی‌تواند استفاده از آن را متوقف کند (میتچل، ۲۰۰۰)؛ به نقل از

¹ - Wu, Wong, Yu, Fok, Yeung, Lam & Liu

² - Mihajlov & Vejmelka

³ - Bagappa Chalawadi

⁴ - Ata, Akpinar & Kelleci

⁵ - Şahin

⁶ - Kassiani, Evanthia, Vlachou, Aspridis, Nikolaos & Dimitrios

⁷ - Internet Addiction (IA)

⁸ - Aydin & Volkan sari

⁹ - Mitchell



دوی، دوی، یاقاشی و نیشیتا^۱، ۲۰۱۸). نوجوانان نسبت به بزرگسالان زمان بیشتری را صرف اینترنت می‌کنند (کاوابه، هوریوچی، اوچی، اوکا و ینو^۲، ۲۰۱۶) و اغلب برای حل مشکلات خود راهکارهای رفتاری اعتیادآور برمی‌گزینند (شابنیکوا، خازیاخمتو و خانولاین^۳، ۲۰۱۷). از این رو، آنان بیشتر در معرض وسوسه‌های اعتیادآور مختلفی هستند که اینترنت یکی از آنهاست (کاراسیک و اورسکویک^۴، ۲۰۱۷). اعتیاد به اینترنت می‌تواند نوجوان را به سوی رفتارهای خودآسیب رسان، افکار خودکشی یا تلاش برای آن، خشونت و تکانش‌گری سوق دهد (ایورن، دالباداک، ایورن و گیفتیک دمیریک^۵، ۲۰۱۴). نوجوانی دورانی است که نوجوانان باید خود را با تغییرات بسیاری سازگار کنند (پانیکر و ساجدو^۶، ۲۰۱۴). در این راستا و در مواجهه با مسائل این دوران، باورهای خودکارآمدی نقش مهمی در کسب موفقیت و سازش یافتگی ایفا می‌کنند (چناری و یوسفی^۷، ۱۳۹۳). با توجه به اینکه براساس دیدگاه شناختی-رفتاری، در وابستگی به اینترنت، "خود" و مشتقات آن مانند خودکارآمدی^۸ به‌عنوان مؤلفه‌های شناختی نقش مهمی دارند (غلامعلی لواسانی، آذرنیباد، مهمان‌پذیر و رضائیان^۹، ۱۳۹۲)، بنابراین، شاید بتوان به خودکارآمدی به‌عنوان یکی از عوامل موثر در اعتیاد به اینترنت در نوجوانان اشاره کرد. خودکارآمدی از نظر بندورا^{۱۰} (۱۹۹۴) به‌عنوان اعتقاد فرد در مورد توانایی‌های خود برای سطوح تعیین‌شده از عملکرد و اعمال نفوذ بر حوادث زندگی که فرد را تحت تأثیر قرار می‌دهد تعریف شده است (تسای، چانگ، لیانگ و تسای^۹، ۲۰۱۱). خودکارآمدی نقش مهمی در مقابله با موقعیت‌های چالش‌انگیز زندگی دارد (آرموما و چلاپان^{۱۰}، ۲۰۱۶) و کمک می‌کند تا افراد در

1 - Doi, Doi, Yaegashi & Nishitani

2 - Kawabe, Horiuchi, Ochi, Oka & Ueno

3 - Shubnikova, Khuziakmetov & Khanolainen

4 - Karacic & Oreskovic

5 - Evren, Dalbuduk, Evren & Giftic demirci

6 - Panicker & Sachdev

7 - Self-efficacy

8 - Bandura

9 - Tasi, Chuang, Liang & Tasi

10 - Armuma & Chellappanb

مواجهه با این چالش‌ها، رفتاری منطقی داشته باشند (کاراتای و گیوراسلان باس^۱، ۲۰۱۷) از این‌رو، افراد دارای خودکارآمدی بالا، به مسائل چالش برانگیز به‌عنوان تکالیفی برای تبحر می‌نگرند، حس تعهد شدیدی در قبال فعالیت‌های خود نشان می‌دهند و به سرعت به ناکامیشان غلبه می‌کنند (حیدری، مروتی، خانبابایی و فرشچی، ۱۳۹۶)؛ اما افراد با خودکارآمدی پایین، به جای برخورد با موانع، از آن‌ها اجتناب می‌کنند و به صورت غیرواقعی بینانه‌ای معیارهای بالایی برای خود بر می‌گزینند و سعی دارند انتظارات فوق‌العاده بزرگی را علی‌رغم توانایی‌های خود برآورده کنند، در نتیجه با شکست‌های پیاپی مواجه شده و دچار ناکامی می‌شوند (دلیری و آقاییوسفی، ۱۳۹۴). کاربران دچار ناکامی ممکن است به استفاده از اینترنت به‌عنوان ابزاری برای فرار از واقعیت و جبران ناکامی‌ها استفاده کنند (آیدین^۲، ۲۰۱۷) و به تدریج به آن وابسته شوند. در همین راستا، نتایج پژوهش گنجی و توکلی (۱۳۹۷)، رحمتی (۱۳۹۵)، دلیری و آقاییوسفی (۱۳۹۴)، برت، مهامید و افونه^۳ (۲۰۱۹)، بلاچنیو، پرزپیورکا، دیوراک، دیوراک و شرسیتوک^۴ (۲۰۱۶)، اسکندر و آکین^۵ (۲۰۱۰) و آیدین (۲۰۱۷) نشان داد که بین خودکارآمدی و اعتیاد به اینترنت رابطه منفی و معناداری وجود دارد؛ اما در پژوهش کراپارو، مسینا، سورینو، فاسکیانو، کانلا، گوری، کاکیوپو و بیوکو^۶ (۲۰۱۴) که به بررسی رابطه بین شرم، خودکارآمدی و اعتیاد به اینترنت در مورد دانشجویان کالجی در ایتالیا پرداختند، رابطه معنی‌داری بین خودکارآمدی و اعتیاد به اینترنت مشاهده نشد.

از آنجایی که خودکارآمدی نقش محوری در خودگردانی حالات هیجانی دارد (خواجوی و قنبری چشمه کمر، ۱۳۹۳)، می‌تواند بر هیجان خواهی^۷ فرد تاثیرگذار باشد و باعث شود تا فرد به این موضوع بیندیشد که آیا مهارت و انرژی و توانایی لازم را برای تحمل ترس و

1 - Karatay & Gürarlan Bas

2 - Aydin

3 - Berte, Mahamid & Affouneh

4 - Blachnio, Przepiorka, Durak, Durak & Sherstyuk

5 - Iskender & Akin

6 - Craparo, Messina, Severino, Fasciano, Cannella, Gori, Cacioppo & Baiocco

7 - Sensation Seeking



اضطرابی که تجربه می‌کند دارد یا نه. زاگرم^۱ (۱۹۹۴) هیجان خواهی را به‌عنوان جستجوی احساسات تازه، متفاوت و پیچیده و اشتیاق برای پذیرش خطرات جسمانی، مالی و اجتماعی مربوط به این تجارب تعریف می‌کند (به نقل از بیک، سوان، اسکالت، بولاند و موستانسکی^۲، ۲۰۱۵). از جمله خصوصیات افراد هیجان خواه این است که:

آنان از یکنواختی خسته می‌شوند، احساس خستگی و بی‌قراری می‌کنند و به دنبال تجربیات جدید، متنوع و هیجان‌انگیز هستند (سورانی یانچشمه^۳، ۲۰۱۸). از سوی دیگر، هیجان‌خواهی به عنوان توضیحی برای انواع رفتارها تلقی می‌شود (چاندالیا و دسیا^۴، ۲۰۱۶). بنابراین به دلیل اینکه اینترنت منبع بی‌حد و حصر اطلاعات و نیز سرگرمی را فراهم می‌آورد (مونو، کاپلین، سارلدی، بچن، گیوگلیلموسی، پاسراو زلو^۵، ۲۰۱۷) و از طرفی به علت آنکه فناوری‌های جدید، ارتباطات را جذاب‌تر کرده است (کاراسیک و اورسکویک، ۲۰۱۷)، افراد هیجان‌خواه از اینترنت برای تفریح، سرگرمی، رفع خستگی و رسیدن به شور و هیجان استفاده می‌کنند (غیبی و زارعی، ۱۳۹۷)؛ از این رو، شاید بتوان گفت نوجوانان با هیجان‌خواهی بالا ممکن است فعالیت‌های اینترنتی را به‌عنوان یک منبع جذاب برای ارضای هیجان‌خواهی خود ببینند (مولر، دریر، بیوتل و ولفینگ^۶، ۲۰۱۶). در همین راستا، پژوهش‌های وانگ، چن، یانگ و گائو^۷ (۲۰۱۳)، سی یز^۸ (۲۰۱۴)، جانگ و رهی^۹ (۲۰۱۴)، و اوتمن، لی و کوه^{۱۰} (۲۰۱۷) وجود رابطه مثبت و معناداری را بین هیجان خواهی با اعتیاد به اینترنت گزارش کردند.

^۱ - Zuckerman

^۲ - Byck; Swann; schalet; Bolland & Mustanski

^۳ - Sourani Yancheshmeh

^۴ - Chandalia & Desai

^۵ - Munno, Cappellin, Saroldi, Bechon, Guglielmucci, Passera & Zullo

^۶ - Muller; Dreier; Beutel & Wolfing

^۷ - Wang, Chen, Yang & Gao

^۸ - Siyez

^۹ - Jung & Rhee

^{۱۰} - Othma; Lee & Kueh

بدین ترتیب، امروزه علاوه بر دسترسی آسان به اینترنت و کاربردهای فراوان آن (سیبرا، لوریرو، پیرا، متیرو، آفونسو و اسقالدو^۱، ۲۰۱۷)، خطر عوارض اعتیاد به اینترنت در نوجوانان سراسر جهان افزایش یافته است (یو و شیک^۲، ۲۰۱۸). نوجوانان به دلیل اینکه خودکنترلی کمتری نسبت به بزرگسالان دارند (دو و لی^۳، ۲۰۱۸)، بیشتر در معرض اعتیاد به اینترنت هستند و از آنجایی که نقش اینترنت در زندگی امروز اجتناب‌ناپذیر است (کاریر و آکدمیر^۴، ۲۰۱۹)، توجه به آسیب‌های احتمالی جسمانی، روانی، خانوادگی و اجتماعی ناشی از آن ضرورت دارد (زمانی و دهقانی پوده، ۱۳۹۳). نتایج برخی پژوهش‌ها نشان می‌دهد که اعتیاد به اینترنت به شخصیت، عزت نفس و فرهنگ بستگی دارد. فرهنگ شکل دهنده رفتار افراد است و در مورد استفاده از اینترنت نیز تفاوت‌های فرهنگی وجود دارد (بلاچنیو و همکاران، ۲۰۱۶). در برخی از فرهنگ‌ها شرایط برای بروز هیجانات در مردان بیش از زنان است (رحمانی، غلامعلی لواسانی و تنها، ۱۳۹۴). در جامعه ما نیز، با توجه به اینکه برخی از خانواده‌ها برای دختران خود محدودیت‌های بیشتری (مانند مدت زمان بیرون ماندن از خانه و محدودیت در رفتن به مکان‌های اجتماعی و...) در نظر می‌گیرند ممکن است والدین ترجیح دهند دخترشان در خانه بماند و شاید بدون در نظر گرفتن تبعات مخرب احتمالی اینترنت، ساعت‌ها در فضای مجازی وقت صرف کند. فضایی که می‌تواند برای آنان مکانی برای خودافشایی، بی بند و باری، کسب لذت، ارتباط با جنس مخالف، پنهان کاری و هر آن چیزی باشد که در واقعیت از طرف خانواده و فرهنگ غالب جامعه نهی می‌شود؛ بنابراین، با در نظر گرفتن این که دختران در تربیت نسل آینده و ارتقای سلامت روانی - اجتماعی جامعه نقش مهمی دارند و پایه و اساس سلامت خانواده و جامعه را تشکیل می‌دهند، این موضوع که استفاده نوجوانان، به‌ویژه دختران از اینترنت در کدام جهت (استفاده مفید و کارآمد در جهت افزایش توانمندی و خودکارآمدی؛ یا تنوع‌طلبی، ماجراجویی، فرار از یکنواختی و ارضای

^۱ - Seabra, Loureiro, Pereira, Monteiro, Afonso & Esgalhado

^۲ Yu & Shek

^۳ -Do & Lee

^۴ -Karaer & Akdemir



هیجان‌خواهی) پیش می‌رود از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و از آنجایی که مدرسه و خانه دو مکان اصلی زندگی نوجوان است (ریبسیز و سیکورا^۱، ۲۰۱۶)، والدین و مدرسه بر رشد خودکارآمدی و حس شایستگی و کفایت نوجوانان تاثیرگذارند (میشرا و شانوال^۲، ۲۰۱۴). لذا برنامه‌ریزی، شناسایی، پیشگیری و کاهش آسیب‌های احتمالی که اینترنت می‌تواند برای نوجوانان داشته باشد ضرورت انجام این پژوهش را نشان می‌دهد. از این رو پژوهش حاضر در پی پاسخگویی به این سوال بود که خودکارآمدی و هیجان‌خواهی تا چه اندازه می‌تواند اعتیاد به اینترنت را در دختران دانش‌آموز دوره دوم متوسطه منطقه ۸ شهر تهران پیش‌بینی کنند. براین اساس فرضیه‌های پژوهش عبارت‌اند از:

۱- خودکارآمدی سهم تعیین کننده‌ای در پیش‌بینی اعتیاد به اینترنت دارد. ۲- هیجان خواهی سهم تعیین کننده‌ای در پیش‌بینی اعتیاد به اینترنت دارد.

روش پژوهش

روش پژوهش حاضر توصیفی و از نوع همبستگی است. جامعه آماری شامل دختران دانش‌آموز پایه دوم و سوم دوره دوم متوسطه مدارس دولتی منطقه ۸ تهران در سال تحصیلی ۹۵-۱۳۹۴ بود. حجم نمونه براساس نظر هویت و کرامر^۳ (۱۳۸۹) مبنی بر انتخاب ۴۰-۲۰ نفر به ازای هر متغیر پیش‌بین، ۲۰۰ نفر برآورد شد و با در نظر گرفتن احتمال افت ۲۰ درصدی، حجم نمونه به ۲۴۰ نفر افزایش یافت. نمونه‌گیری به روش تصادفی چند مرحله‌ای انجام شد. بدین منظور، از بین ۲۱ دبیرستان دخترانه دولتی دوره دوم متوسطه منطقه ۸ تهران، ۴ دبیرستان و از هر دبیرستان ۳ کلاس به صورت تصادفی انتخاب شد و از بین دانش‌آموزان این کلاس‌ها بین ۲۵-۲۰ نفر به‌طور تصادفی انتخاب شدند. پس از هماهنگی‌های لازم با مدیر و معلمان کلاس‌های انتخاب‌شده، دانش‌آموزان انتخاب‌شده به پرسشنامه‌ها پاسخ دادند. برای رعایت

^۱ - Rebisz & Sikora

^۲ - Mishra & Shanwal

^۳ - Howitt & Cramer

اصول اخلاقی، افرادی که تمایل به پاسخ‌دهی نداشتند، مجاز به ترک جلسه بودند. (از ۲۴۰ پرسشنامه اجرا شده، ۲۰۷ پرسشنامه کامل مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت). از این تعداد ۱۲۵ نفر (۶۰/۴ درصد) در پایه دوم و ۸۲ نفر (۳۹/۶ درصد) دیگر در پایه سوم دبیرستان مشغول به تحصیل بودند و رشته تحصیلی ۶۱ نفر (۲۹/۵ درصد) از شرکت‌کنندگان علوم انسانی، ۳۰ نفر (۱۴/۵ درصد) ریاضی، ۵۶ نفر (۲۷/۱ درصد) علوم تجربی و ۶۰ نفر (۲۹ درصد) فنی و حرفه‌ای بود.

ابزارهای پژوهش

آزمون اعتیاد به اینترنت^۱: یانگ^۲ در سال ۱۹۹۸ این پرسشنامه را طراحی کرد که شامل ۲۱ گویه است و براساس مقیاس لیکرت (اصلاً، خیلی کم، کم، زیاد و خیلی زیاد) از نمره ۰ برای اصلاً تا نمره ۴ برای خیلی زیاد نمره‌گذاری می‌شود. نمرات به دست آمده برای هر فرد، وی را در سه زمینه طبقه‌بندی می‌کند: کاربر عادی اینترنت، کاربری که در اثر استفاده زیاد از اینترنت دچار مشکلاتی شده است و کاربر معتاد که استفاده بیش از حد، وی را وابسته کرده و نیاز به درمان دارد. اگر نمره به دست آمده بالاتر از ۴۴ باشد نشان‌دهنده اعتیاد اینترنتی خواهد بود. در مطالعه یانگ و همکاران پایایی درونی پرسشنامه بالاتر از ۰/۹۲ و پایایی به روش باز آزمایی نیز معنادار گزارش شده است (من سالی^۳، ۲۰۰۶؛ به نقل از انسرودی، حسینیان، صالحی و مؤمنی، ۱۳۹۲). علوی، اسلامی، مرآئی، نجفی، جنتی فرد و رضاپور، (۱۳۸۹) در بررسی روایی سازه پرسشنامه از روش تحلیل عاملی تأییدی استفاده کردند که در مجموع ۵۶٪ از واریانس را

^۱ -Internet Addiction Test(IAT)

^۲ -Young

^۳ -Man Sally



تیین می‌کند. همچنین ضریب آلفای کرونباخ از ۰/۶۲ تا ۰/۸۱ محاسبه شد. در مطالعه حاضر نیز ضریب آلفای کرونباخ ۰/۹۴ به دست آمد.

مقیاس هیجان خواهی^۱: این پرسشنامه توسط زاگرم^۲ (۱۹۷۸) ساخته شد که شامل ۴ مؤلفه تجربه طلبی^۳ ماجراجویی^۴، ملال پذیری^۵ و گریز از بازداری^۶ است. شکل پنجم هیجان خواهی زاگرم خلاصه شده شکل ۷۲ گویه‌ای این مقیاس است که ۴۰ گویه ۲ گزینه‌ای دارد. آزمودنی ملزم است یکی از دو جز هر ماده را حتماً انتخاب کند. آزمودنی در ازای هر پاسخ هماهنگ با کلید آزمون ۱ نمره دریافت می‌کند. نمرات آزمودنی درجات مختلفی از هیجان خواهی را از خیلی پایین تا خیلی بالا تعیین می‌کند. زاگرم و همکاران (۱۹۷۸) پایایی درونی مقیاس را ۰/۸۳ تا ۰/۸۶ و ضریب باز آزمایی بعد از سه هفته را ۰/۹۴ گزارش کردند (به نقل از رضایی جمالویی، آریاپوران، کجویی، مرادی و طاهری، ۱۳۹۴). محوی شیرازی (۱۳۸۷) آلفای کرونباخ این پرسشنامه را ۰/۷۸ گزارش کرد. روایی سازه آن با استفاده از تحلیل عاملی بر روی هم ۳۱/۵ درصد واریانس کل متغیرها را تبیین می‌کند. در پژوهش حاضر ضریب آلفای کرونباخ در مورد مؤلفه‌های هیجان خواهی (تجربه طلبی، ماجراجویی، ملال پذیری و گریز از بازداری) به ترتیب ۰/۶۰، ۰/۶۲، ۰/۵۷ و ۰/۵۹ به دست آمد.

مقیاس خودکارآمدی عمومی^۷: این مقیاس توسط شرر^۱ و همکاران (۱۹۸۲) ساخته شد و دارای ۱۷ گویه است که سه جنبه از رفتار شامل میل به آغازگری رفتار^۲، میل به تلاش برای

^۱ -Sensation Seeking Scale(SSS)

^۲ -Zuckerman

^۳ -experience seeking

^۴ -Thrill and adventure

^۵ -boredom susceptibility

^۶ -disinhibition

^۷ -General Self-Efficacy Scale(GSES)

تکمیل رفتار^۳ و مقاومت در رویارویی با موانع^۴ را اندازه‌گیری می‌کند. در نمره‌گذاری به هر ماده از یک تا پنج امتیاز (کاملاً مخالفم = ۱ تا کاملاً موافقم = ۵) تعلق می‌گیرد. گویه‌های ۳، ۸، ۹، ۱۳، ۱۵ به‌طور معکوس نمره‌گذاری می‌شود و نمره بالاتر بیانگر خودکارآمدی بیشتر است. ضریب پایایی گزارش‌شده توسط شرر و همکاران (۱۹۸۲) با استفاده از آلفای کرونباخ برای خودکارآمدی ۰/۸۶ گزارش شده است (اصغرنژاد، احمدی ده قطب الدینی، فرزاد و خداپناهی، ۱۳۸۵). در پژوهشی که در مورد دانشجویان کارشناسی دانشگاه شهید بهشتی انجام شد آلفای کرونباخ برای خودکارآمدی ۰/۸۳ گزارش شد. همچنین همبستگی مقیاس خودکارآمدی عمومی شرر با مقیاس مسند مهارت‌گذاری درونی راتر^۵ $r = -0.3330$ به‌دست آمد که در سطح $p > 0.01$ معنی‌دار بود و نشان دهنده روایی پرسشنامه است (اصغر نژاد و همکاران، ۱۳۸۵). در پژوهش حاضر، ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۵ به‌دست آمد. لازم به یادآوری است که در این پژوهش، خودکارآمدی به‌عنوان یک سازه در نظر گرفته شده است.

یافته‌های پژوهش

برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون چند متغیری سلسله مراتبی استفاده شد.

جدول ۱ میانگین، انحراف استاندارد، چولگی، کشیدگی و ماتریس همبستگی هر یک از متغیرهای پژوهش را نشان می‌دهد.

¹ -Scherer

² -willingness to initiate behavior

³ -willingness to expand effort in completing the behavior

⁴ -persistence in the face of adversity

⁵ -Rotter internal locus of control

جدول ۱: میانگین، انحراف استاندارد، چولگی، کشتیدگی و ماتریس همبستگی خودکارآمدی و مؤلفه‌های هیجان‌خواهی و اعتیاد به اینترنت

متغیرهای تحقیق	میانگین	انحراف استاندارد	چولگی	کشتیدگی	۱	۲	۳	۴	۵	۶
۱. خودکارآمدی	۵۸۳۷	۱۱/۰۹	۰/۰۹	-۰/۸۲	-	-	-	-	-	-
۲. هیجان‌خواهی - تجربه طلبی	۶/۳۳	۱۷۲	۰/۰۷	-۰/۲۹	۰/۰۱	-	-	-	-	-
۳. هیجان‌خواهی - ماجراجویی	۶/۲۵	۱/۶۵	-۰/۲۶	-۰/۵۸	-۰/۳	۰/۳۰**	-	-	-	-
۴. هیجان‌خواهی - ملال‌پذیری	۵/۵۰	۱/۸۰	-۰/۱۵	-۰/۵۴	۰/۱۱	۰/۲۴**	۰/۲۳**	-	-	-
۵. هیجان‌خواهی - گریز از یادگیری	۵/۸۳	۱/۷۵	۰/۰۱	۰/۵۸	-۰/۱۶*	۰/۳۳**	۰/۲۳**	۰/۲۴**	-	-
۶. اعتیاد به اینترنت	۶۰/۲۴	۱۹/۳۱	۰/۲۲	-۰/۹۹	۰/۵۶**	۰/۰۱	۰/۲۷**	۰/۰۱	۰/۰۱	۰/۰۴

** $p < 0.01$ ، * $p < 0.05$

^ap

جدول ۱ نشان می‌دهد که خودکارآمدی به صورت منفی و در سطح معناداری ۰/۰۱ با اعتیاد به اینترنت همبسته است ($r = -0/56, p < 0/01$). همچنین از بین مؤلفه‌های هیجان‌خواهی تنها مؤلفه ماجراجویی به صورت مثبت و معنادار با اعتیاد به اینترنت همبسته است ($r = 0/27, p < 0/01$). چون مقادیر کشیدگی و چولگی، خارج از محدوده ± 2 نیست، بنابراین توزیع نرمات متغیرهای پژوهش در محدوده نرمال قرار دارند (کلاین^۱، ۲۰۰۵). مقادیر عامل تورم واریانس^۲ همه متغیرهای پیش‌بین پایین‌تر از ۱۰ و مقادیر ضریب تحمل^۳ همه آن‌ها بالاتر از ۰/۱ است، بنابراین فرضیه هم خطی بودن در بین داده‌های پژوهش برقرار است (مایر، گامست و گوارینو^۴، ۲۰۰۶). ارزش شاخص دوربین واتسون ۰/۸۰۲ بود که نشان دهنده برقراری فرضیه استقلال خطاهای متغیرهای پیش‌بین در بین داده‌هاست (فایلد^۵، ۲۰۱۳). اطلاعات «فاصله مهلبویس (D)^۶» نشان داد که توزیع داده‌های مربوط به نمره‌های فاصله مهلبویس نرمال بوده و بنابراین فرضیه نرمال بودن توزیع چند متغیری در بین داده‌های پژوهش برقرار است. بررسی نمودار پراکندگی واریانس‌های استاندارد شده خطاها^۷ نیز بیانگر وجود فرض همگنی واریانس در بین داده‌های پژوهش است.

پس از اطمینان از برقراری مفروض‌ها، داده‌های گردآوری شده با استفاده از روش تحلیل رگرسیون چند متغیری با رویکرد سلسله مراتبی تحلیل شد. جدول ۲ نتایج تحلیل رگرسیون چند متغیری در پیش‌بینی اعتیاد به اینترنت براساس خودکارآمدی و مؤلفه‌های هیجان‌خواهی را نشان می‌دهد.

¹ -Kline

²-variance inflation factor

³-tolerance

⁴ - Meyers, Gamest & Goarin

⁵ - Field

⁶ - Mahalanobis distance (D)

⁷ - standardized residuals

جدول ۲. رگرسیون چند متغیری سلسله مراتبی در پیش بینی اعتیاد به اینترنت بر اساس خودکارآمدی و مؤلفه‌های هیجان‌خواهی

متغیرهای	ضریب	خطای	ضریب	رگرسیون	ضریب	خطای	ضریب	رگرسیون	متغیرهای
مختار	رگرسیون	مختار	رگرسیون	مختار	رگرسیون	مختار	رگرسیون	مختار	مختار
خودکارآمدی	۰/۰۹۸	-۰/۰۹۸	۰/۰۹۸	۰/۰۹۸	۰/۰۹۸	-۰/۰۹۸	۰/۰۹۸	۰/۰۹۸	۰/۰۹۸
هیجان‌خواهی-تجربه‌طلبی	۰/۰۱۱	-۰/۰۲۸	۰/۰۱۱	۰/۰۱۱	۰/۰۱۱	-۰/۰۲۸	۰/۰۱۱	۰/۰۱۱	۰/۰۱۱
هیجان‌خواهی-	۰/۰۰۳	۰/۰۰۳	۰/۰۰۳	۰/۰۰۳	۰/۰۰۳	۰/۰۰۳	۰/۰۰۳	۰/۰۰۳	۰/۰۰۳
هیجان‌خواهی-عمل‌پذیری	۰/۰۷۲	-۰/۰۴۲	۰/۰۷۲	۰/۰۷۲	۰/۰۷۲	-۰/۰۴۲	۰/۰۷۲	۰/۰۷۲	۰/۰۷۲
هیجان‌خواهی-گروه از	۱/۰۰۹	۱/۰۰۹	۱/۰۰۹	۱/۰۰۹	۱/۰۰۹	۱/۰۰۹	۱/۰۰۹	۱/۰۰۹	۱/۰۰۹
بازاری	۰/۰۱۲	۱/۰۵۶	۰/۰۱۲	۱/۰۵۶	۰/۰۱۲	۱/۰۵۶	۰/۰۱۲	۱/۰۵۶	۰/۰۱۲
هیجان‌خواهی-خواب	۰/۰۵۳	-۰/۰۶۲	۰/۰۵۳	-۰/۰۶۲	۰/۰۵۳	-۰/۰۶۲	۰/۰۵۳	-۰/۰۶۲	۰/۰۵۳
هیجان‌خواهی-تجربه‌طلبی	۰/۰۶۳	-۰/۰۲۴	۰/۰۶۳	-۰/۰۲۴	۰/۰۶۳	-۰/۰۲۴	۰/۰۶۳	-۰/۰۲۴	۰/۰۶۳
هیجان‌خواهی-	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱
هیجان‌خواهی-عمل‌پذیری	۰/۰۱۱	-۰/۰۲۸	۰/۰۱۱	-۰/۰۲۸	۰/۰۱۱	-۰/۰۲۸	۰/۰۱۱	-۰/۰۲۸	۰/۰۱۱
هیجان‌خواهی-گروه از	۱/۰۰۹	۱/۰۰۹	۱/۰۰۹	۱/۰۰۹	۱/۰۰۹	۱/۰۰۹	۱/۰۰۹	۱/۰۰۹	۱/۰۰۹
هیجان‌خواهی-خواب	۰/۰۵۳	-۰/۰۶۲	۰/۰۵۳	-۰/۰۶۲	۰/۰۵۳	-۰/۰۶۲	۰/۰۵۳	-۰/۰۶۲	۰/۰۵۳
هیجان‌خواهی-تجربه‌طلبی	۰/۰۶۳	-۰/۰۲۴	۰/۰۶۳	-۰/۰۲۴	۰/۰۶۳	-۰/۰۲۴	۰/۰۶۳	-۰/۰۲۴	۰/۰۶۳
هیجان‌خواهی-	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱
هیجان‌خواهی-عمل‌پذیری	۰/۰۱۱	-۰/۰۲۸	۰/۰۱۱	-۰/۰۲۸	۰/۰۱۱	-۰/۰۲۸	۰/۰۱۱	-۰/۰۲۸	۰/۰۱۱
هیجان‌خواهی-گروه از	۱/۰۰۹	۱/۰۰۹	۱/۰۰۹	۱/۰۰۹	۱/۰۰۹	۱/۰۰۹	۱/۰۰۹	۱/۰۰۹	۱/۰۰۹
هیجان‌خواهی-خواب	۰/۰۵۳	-۰/۰۶۲	۰/۰۵۳	-۰/۰۶۲	۰/۰۵۳	-۰/۰۶۲	۰/۰۵۳	-۰/۰۶۲	۰/۰۵۳
هیجان‌خواهی-تجربه‌طلبی	۰/۰۶۳	-۰/۰۲۴	۰/۰۶۳	-۰/۰۲۴	۰/۰۶۳	-۰/۰۲۴	۰/۰۶۳	-۰/۰۲۴	۰/۰۶۳
هیجان‌خواهی-	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱
هیجان‌خواهی-عمل‌پذیری	۰/۰۱۱	-۰/۰۲۸	۰/۰۱۱	-۰/۰۲۸	۰/۰۱۱	-۰/۰۲۸	۰/۰۱۱	-۰/۰۲۸	۰/۰۱۱
هیجان‌خواهی-گروه از	۱/۰۰۹	۱/۰۰۹	۱/۰۰۹	۱/۰۰۹	۱/۰۰۹	۱/۰۰۹	۱/۰۰۹	۱/۰۰۹	۱/۰۰۹
هیجان‌خواهی-خواب	۰/۰۵۳	-۰/۰۶۲	۰/۰۵۳	-۰/۰۶۲	۰/۰۵۳	-۰/۰۶۲	۰/۰۵۳	-۰/۰۶۲	۰/۰۵۳
هیجان‌خواهی-تجربه‌طلبی	۰/۰۶۳	-۰/۰۲۴	۰/۰۶۳	-۰/۰۲۴	۰/۰۶۳	-۰/۰۲۴	۰/۰۶۳	-۰/۰۲۴	۰/۰۶۳
هیجان‌خواهی-	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱
هیجان‌خواهی-عمل‌پذیری	۰/۰۱۱	-۰/۰۲۸	۰/۰۱۱	-۰/۰۲۸	۰/۰۱۱	-۰/۰۲۸	۰/۰۱۱	-۰/۰۲۸	۰/۰۱۱
هیجان‌خواهی-گروه از	۱/۰۰۹	۱/۰۰۹	۱/۰۰۹	۱/۰۰۹	۱/۰۰۹	۱/۰۰۹	۱/۰۰۹	۱/۰۰۹	۱/۰۰۹
هیجان‌خواهی-خواب	۰/۰۵۳	-۰/۰۶۲	۰/۰۵۳	-۰/۰۶۲	۰/۰۵۳	-۰/۰۶۲	۰/۰۵۳	-۰/۰۶۲	۰/۰۵۳
هیجان‌خواهی-تجربه‌طلبی	۰/۰۶۳	-۰/۰۲۴	۰/۰۶۳	-۰/۰۲۴	۰/۰۶۳	-۰/۰۲۴	۰/۰۶۳	-۰/۰۲۴	۰/۰۶۳
هیجان‌خواهی-	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱
هیجان‌خواهی-عمل‌پذیری	۰/۰۱۱	-۰/۰۲۸	۰/۰۱۱	-۰/۰۲۸	۰/۰۱۱	-۰/۰۲۸	۰/۰۱۱	-۰/۰۲۸	۰/۰۱۱
هیجان‌خواهی-گروه از	۱/۰۰۹	۱/۰۰۹	۱/۰۰۹	۱/۰۰۹	۱/۰۰۹	۱/۰۰۹	۱/۰۰۹	۱/۰۰۹	۱/۰۰۹
هیجان‌خواهی-خواب	۰/۰۵۳	-۰/۰۶۲	۰/۰۵۳	-۰/۰۶۲	۰/۰۵۳	-۰/۰۶۲	۰/۰۵۳	-۰/۰۶۲	۰/۰۵۳
هیجان‌خواهی-تجربه‌طلبی	۰/۰۶۳	-۰/۰۲۴	۰/۰۶۳	-۰/۰۲۴	۰/۰۶۳	-۰/۰۲۴	۰/۰۶۳	-۰/۰۲۴	۰/۰۶۳

$F(5, 300) = 35330.1, P < 0.001$
 $\Delta R^2 = 0.914$
 $P < 0.001$
 $\Delta R^2 = 0.974$

در بررسی فرضیه اول مبنی بر این که خودکارآمدی سهم تعیین کننده‌ای در پیش‌بینی اعتیاد به اینترنت دارد، نتایج جدول ۲ نشان می‌دهد خودکارآمدی می‌تواند اعتیاد به اینترنت را در سطح معناداری ۰/۰۰۱ پیش‌بینی کند ($p < ۰/۰۰۱$, $F(۱/۲۰۴) = ۹۳/۲۴۴$). مجذور همبستگی چندگانه (R^2) برابر با ۰/۳۱۴ به دست آمد. این موضوع نشان می‌دهد که خودکارآمدی ۳۱/۴ درصد از واریانس اعتیاد به اینترنت را در دختران دانش‌آموز تبیین کرده است. ضریب رگرسیون بین دو متغیر خودکارآمدی و اعتیاد به اینترنت منفی و در سطح ۰/۰۰۱ معنادار بود ($\beta = -۰/۵۶۱$, $p < ۰/۰۰۱$). بنابراین، می‌توان گفت خودکارآمدی به صورت منفی و معنادار اعتیاد به اینترنت را در دختران دانش‌آموز پیش‌بینی می‌کند.

در بررسی فرضیه دوم مبنی بر اینکه هیجان‌خواهی سهم تعیین کننده‌ای در پیش‌بینی اعتیاد به اینترنت دارد، نتایج جدول ۲ نشان می‌دهد ارزش تغییرات R^2 (ΔR^2) برابر با ۰/۰۷۴ بود. به این معنا که بعد از کنترل سهم خودکارآمدی، مؤلفه‌های هیجان‌خواهی ۷/۴ درصد واریانس اعتیاد به اینترنت را در دختران دانش‌آموز تبیین می‌کند. این مقدار از واریانس تبیین شده به وسیله مؤلفه‌های هیجان‌خواهی در سطح ۰/۰۱ معنادار بود ($P < ۰/۰۱$, $\Delta F = ۶/۰۱۹$). ارزیابی ضرایب رگرسیون نیز نشان داد که از بین مؤلفه‌های هیجان‌خواهی، ماجراجویی به صورت مثبت و در سطح معناداری ۰/۰۰۱ اعتیاد به اینترنت را در دانش‌آموزان دختر پیش‌بینی می‌کند ($\beta = ۰/۲۵۶$, $p < ۰/۰۰۱$). لازم به ذکر است که با ورود مؤلفه‌های هیجان‌خواهی به معادله پیش‌بین، ارزش R^2 به ۰/۳۸۷ رسید، بنابراین مؤلفه‌های هیجان‌خواهی به همراه خودکارآمدی، ۳۸/۷ درصد از واریانس اعتیاد به اینترنت را تبیین می‌کنند.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر باهدف پیش‌بینی اعتیاد به اینترنت براساس خودکارآمدی و هیجان‌خواهی در دختران دانش‌آموز پایه دوم و سوم دوره دوم متوسطه انجام شد. نتایج نشان داد خودکارآمدی می‌تواند به صورت منفی و معنادار واریانس اعتیاد به اینترنت را پیش‌بینی کند. افراد دارای



خودکارآمدی بالا اعتیاد کمتری به اینترنت دارند. این نتیجه را می‌توان با نتایج پژوهش‌های گنجی و توکلی (۱۳۹۷)، رحمتی (۱۳۹۵)، دلیری و آقاییوسفی (۱۳۹۴)، برت و همکاران (۲۰۱۹)، بلاچنیو و همکاران (۲۰۱۶)، اسکندر و آکین (۲۰۱۰) و آیدین (۲۰۱۷)، همسو دانست. در تبیین این یافته می‌توان به این نکته اشاره کرد که خودکارآمدی یعنی داوری فرد درباره صلاحیت خود (سورانی یانچشمه، ۲۰۱۸) و افراد خودکارآمد به توانایی‌های خود اطمینان داشته و تردید کمی نسبت به خود دارند. بنابراین، افرادی هستند که نگرش مثبت‌تری به پذیرش و استفاده از سیستم اطلاعاتی دارند و در موقعیت‌های چالش‌برانگیز تلاش و کوشش و پافشاری بیشتری از خود نشان می‌دهند (زمانی و دهقانی پوده، ۱۳۹۳). از سوی دیگر، شاید بتوان گفت که خودکارآمدی پایین در افراد ممکن است مانع شکل‌گیری روابط اجتماعی مثبت از جمله ارتباط با خانواده و گروه همسالان شود (دلیری و آقاییوسفی، ۱۳۹۴) و نوجوانانی که اعتیاد به اینترنت دارند درک کمتری از حمایت اجتماعی داشته و مشکل بیشتری در برقراری و شناسایی و تنظیم احساسات دارند (کاریر و آکدمیر، ۲۰۱۹). در واقع، نبود روابط مناسب خانوادگی و وجود درگیری‌های خانوادگی باعث می‌شود تا نوجوان به اینترنت گرایش پیدا کند (ربیز و سیکورا، ۲۰۱۶) و این می‌تواند راهی برای فرار از احساس بی‌ارزشی و انتقادگری نسبت به خود باشد (بلاچنیو و همکاران، ۲۰۱۶) زیرا اینترنت به دلیل داشتن فضای متنوع، فرصتی را برای فرار از مشکلات عاطفی و ارتباطی فراهم می‌کند. اتاق‌گپ، بازی‌ها و قمارهای آنلاین و امکان جلوه دادن غیر واقعی خود، سلامت روان افراد را تهدید می‌کند. بنابراین، به‌نظر می‌رسد اگر مدرسه و خانه بتوانند در ایجاد روابط مناسب با دختران و نیز یافتن شواهدی حاکی از شایستگی و لیاقت آنان در انجام کارها تلاش کنند، دختران نیز با احتمال بیشتری می‌توانند در برابر ناملایمات زندگی ایستادگی کنند و در مقابله با موقعیت‌های بحرانی زندگی روش‌های واقع‌بینانه‌ای را به‌کار ببرند؛ در نتیجه ممکن است بر احساس خودکارآمدی آنان نقش مثبتی داشته باشد و ارتباطات اجتماعی واقعی را بر ارتباط مجازی ترجیح دهند و گرایش آن‌ها به سوی اینترنت نه برای فرار از روابط واقعی بلکه برای استفاده مفید از آن باشد. همچنین دلیل

احتمالی مغایرت یافته این پژوهش با پژوهش کراپارو و همکاران (۲۰۱۴) را می توان به تفاوت در گروه نمونه، مقطع تحصیلی و فرهنگ مربوط دانست.

همچنین نتایج پژوهش نشان داد هیجان خواهی می تواند اعتماد به اینترنت را در دختران دانش آموز پیش بینی کند و از بین مؤلفه های هیجان خواهی تنها مؤلفه ماجراجویی به صورت مثبت و معنادار اعتماد به اینترنت را پیش بینی می کند. این یافته با نتایج پژوهش های وانگ و همکاران (۲۰۱۳)، سی یز (۲۰۱۴)، جانگ و رهی (۲۰۱۴) اوتمن و همکاران (۲۰۱۷) همسو است. در تبیین این یافته می توان به تعریف زاگرمین از هیجان خواهی استناد کرد. به عقیده زاگرمین، افراد هیجان خواه به داشتن تجارب متنوع و جدید نیاز دارند و تنوع طلبی و جستجوی تجربه های جذاب و هیجان انگیز در این افراد مشاهده می شود؛ بنابراین مهیج بودن برنامه های اینترنت و تازگی و تنوع آن می تواند عاملی برای جذب آنان به اینترنت باشد (غیبی و زارعی، ۱۳۹۷) و از آنجایی که گشت و گذار در اینترنت به عنوان یک ماجراجویی در سراسر دنیای فناوری پیشرفته به نظر می رسد (چاندالیا و دسیا، ۲۰۱۶)، آنان فعالیت های اینترنتی را روشی برای ارضای سطح برانگیختگی بالای خود می دانند و چون شناخته نمی شوند، از تبعات احتمالی آن نیز مصون می مانند (سلطانی، فولادوند و فتحی آشتیانی، ۱۳۸۹). اگرچه نتایج برخی از پژوهش ها نشان داده است که هیجان خواهی و خودکارآمدی هر دو بر رفتارهای ریسک پذیر زندگی تاثیر گذارند (سورانی یانچشمه، ۲۰۱۸)، اما یافته پژوهش حاضر حاکی از سهم بیشتر خودکارآمدی نسبت به هیجان خواهی در پیش بینی اعتماد به اینترنت است. شاید بتوان دلیل این یافته را به سرعت پیشرفت علم و توجه جامعه و خانواده ها به تحصیل و کسب علم فرزندان شان مربوط دانست. امروزه جستجو در اینترنت یا بیشتر فعالیت های آنلاین به طور گسترده به عنوان تجربه تکنولوژی برتر ارزیابی می شود (برت و همکاران، ۲۰۱۹) و برای بسیاری از خانواده ها و اولیای مدارس پرداختن به این مقوله در جهت ارتقای دانش فرزندان شان اهمیت دارد. به نظر می رسد امروزه بسیاری از خانواده ها تصور قالبی در نقش های جنسیتی را کمتر می پذیرند؛ بنابراین، دختران براساس نوع تربیت و کم و بیش تغییر نگرش فرهنگی در ستیز با تفکرات مردسالاری سنتی تلاش می کنند تا در عرصه های گوناگون علمی توانایی های



خود را نشان دهند؛ بنابراین، به علم‌آموزی و کسب مهارت‌های بیشتر و استفاده از فناوری برای کسب اطلاعات گسترده‌تر و به‌روزتر گرایش بیشتری پیدا کرده‌اند.

از جمله محدودیت‌های این پژوهش، انجام آن در مورد دختران دانش‌آموز دوره دوم متوسطه منطقه ۸ شهر تهران بود، بنابراین لازم است تعمیم نتایج به سایر دانش‌آموزان در مناطق و شهرهای دیگر با احتیاط صورت گیرد. براین اساس، انجام پژوهش مشابه در مورد پسران دانش‌آموز و در پایه‌های تحصیلی متفاوت پیشنهاد می‌شود. همچنین با استناد به نتایج این پژوهش، به مسئولان و برنامه‌ریزان آموزش و پرورش، مشاوران و روان‌شناسان پیشنهاد می‌شود تا با برنامه‌ریزی‌های مناسب و با توجه به نیاز هیجان‌خواهی نوجوانان و ایجاد فضایی برای ارضای آن، از وابستگی افراطی نوجوانان به اینترنت پیشگیری کنند و نیز برای بالا بردن باورهای خودکارآمدی در نوجوانان به طرح ریزی دقیق برنامه‌هایی بپردازند تا بتوانند نوجوانان را در جهت هدایت کنند که قادر باشند توانایی‌های خود را در خودباوری به ظهور برسانند و در مقابله با موقعیت‌های بحرانی زندگی روش‌های واقع‌بینانه‌ای را به‌کار ببرند.

سپاسگزاری: از مسئولان آموزش و پرورش منطقه ۸ تهران، مدیران، معلمان و دانش‌آموزانی که ما را در انجام این پژوهش یاری کردند، صمیمانه سپاسگزاری می‌شود.

منابع

- اصغر نژاد، طاهره؛ احمدی ده قطب‌الدینی، محمد؛ فرزاد، ولی‌الله و خدا پناهی، محمد کریم . (۱۳۸۵). مطالعه ویژگی‌های روان‌سنجی مقیاس خودکارآمدی عمومی شرر. مجله روان‌شناسی، ۱۰(۳)، ۲۶۲-۲۷۴.
- انسرودی، الناز؛ حسینیان، سیمین؛ صالحی، فاطمه و مومنی، فرشته. (۱۳۹۲). رابطه بین اعتیاد به اینترنت با تعارض نوجوان با والدین، حمایت اجتماعی ادراک شده چندبعدی و شادکامی. فصلنامه خانواده و پژوهش، ۱۰(۳)، ۷۷-۹۴.
- چناری، سمیرا و یوسفی، فریده. (۱۳۹۴). ابعاد خودکارآمدی نوجوانان در گونه‌های مختلف خانواده در مدل بافت‌نگر فرآیند و محتوای خانواده. مجله روش‌ها و مدل‌های روان‌شناسی، ۵(۱۸)، ۱-۲۴.
- خواجوی، داریوش و قنبری چشمه‌کمر، لیلیا. (۱۳۹۳). مقایسه عزت نفس، خودکارآمدی جسمانی و آمادگی جسمانی دانشجویان دختر با اضطراب اجتماعی اندام بالا و پایین. مطالعات اجتماعی روان‌شناختی زنان، ۱۲(۳)، ۹۳-۱۱۳.
- دلیری، مجتبی و آقاییوسفی، علی‌رضا. (۱۳۹۴). نقش خودکارآمدی و هراس اجتماعی در پیش‌بینی وابستگی به اینترنت در دانش‌آموزان. فصلنامه رویش روان‌شناسی، ۴(۴)، ۹۳-۱۰۴.
- رحمانی، سوده؛ غلامعلی لوسانی، مسعود و تنها، زهرا. (۱۳۹۴). تفاوت‌های جنسیتی و هیجان‌خواهی دانشجویان دانشگاه تهران. مطالعات اجتماعی روان‌شناختی زنان، ۱۳(۳)، ۱۵۳-۱۷۴.
- رحمتی، صمد. (۱۳۹۵). ارتباط سرمایه‌های روان‌شناختی و معنویت با اعتیاد به اینترنت در دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز. مجله اخلاق پزشکی، ۱۰(۳۸)، ۷-۱۷.
- رضایی جمالویی، حسن؛ آریاپوران، سعید؛ کجویی، محسن؛ مرادی، حسین و طاهری، مهدی. (۱۳۹۴). پیش‌بینی کاهش مصرف مواد در دانش‌آموزان دبیرستانی بر اساس دل‌بستگی به خدا، نگرش مذهبی، حمایت اجتماعی و هیجان‌خواهی. فصلنامه روان‌شناسی و دین، ۸(۲)، ۷۹-۹۶.



زمانی، بی بی عشرت و دهقانی پوده، لیلا. (۱۳۹۳). کاربرد اینترنت بر مبنای خودکارآمدی و کلیشه‌های جنسیتی در دانشجویان در دانشگاه اصفهان. *مطالعات اجتماعی روان‌شناختی زنان*، ۱۲(۲)، ۱۴۷-۱۷۰.

سلطانی، مهری؛ فولادوند، خدیجه و فتحی‌آشتیانی، علی. (۱۳۸۹). رابطه هویت و هیجان‌خواهی با اعتیاد اینترنتی. *مجله علوم رفتاری*، ۴(۳)، ۱۹۱-۱۹۷.

علوی، سید سلمان؛ اسلامی، مهدی؛ مرآئی، محمدرضا؛ نجفی، مصطفی؛ جنتی فرد، فرشته و رضاپور، حسین. (۱۳۸۹). ویژگی‌های روان‌سنجی آزمون اعتیاد به اینترنت یانگ. *مجله علوم رفتاری*، ۴(۳)، ۱۸۳-۱۸۹.

غلامعلی لوسانی، مسعود؛ آذرنیاد، آرش؛ مهمان‌پذیر، پریا و رضائیان، حمید. (۱۳۹۲). نقش خودکارآمدی تحصیلی و ابعاد اهمال‌کاری تحصیلی در پیش‌بینی میزان وابستگی به اینترنت. *مجله جهانی رسانه نسخه فارسی*، ۸(۲)، ۱-۲۶.

غیبی، اکرم و زارعی، حیدر علی. (۱۳۹۷). پیش‌بینی اعتیاد به اینترنت براساس هیجان‌خواهی و سبک‌های هویت در دانش‌آموزان. *مجله روان‌شناسی و روانپزشکی شناخت*، ۵(۳)، ۵۳-۶۵.

گنجی، بی نظیر و توکلی، سمیرا. (۱۳۹۷). بررسی رابطه بین سرمایه‌های روان‌شناختی و تاب‌آوری تحصیلی با اعتیاد به اینترنت دانشجویان. *نشریه راهبردهای آموزش در علوم پزشکی*، ۱۱(۱): ۱۰۷-۱۰۲.

محوی شیرازی، مجید. (۱۳۸۷). بررسی اعتبار، پایایی و هنجاریابی مقیاس هیجان‌خواهی زاکرمن با تغییرات بسته به فرهنگ. *دوماهنامه دانشور رفتار*، ۱۵(۲۸)، ۳۵-۴۸.

هویت، دنیس و کرامر، دانکن. (۱۳۸۹). مقدمه‌ای بر روش‌های تحقیق در روان‌شناسی و مشاوره (ترجمه حسن پاشا شریفی، جعفر نجفی زند، قدسی احقر، مالک میرهاشمی، فریده دوکانه ای فرد و نسترن شریفی). تهران: انتشارات سخن (تاریخ انتشار به زبان اصلی، ۲۰۰۴).

- Alavi, S. S., Eslami, M., Maracy, M. R., Najafi, M., Jannatifard, F., & Rezapour, H. (2010). Psychometric properties of Young internet addiction test. *Journal of Women Studies Sociological and Psychological*, 4(3):89-183. [Text in Persian].
- Armuma, P. & Chellappanb, K. (2016). Social and emotional self-efficacy of adolescents: measured and analysed interdependencies within and across academic achievement leve. *International Journal of Adolescence and Yout*: 21(3), 279-288.
- Asgharnejad, T., Ahmadi dehghotboddini, M., Farzad, V., & khodapanahi, M. K. (2006). psychometric properties of Sherer's General self-efficacy scale. *Journal of Psychology*, 10(3):262-274. [Text in Persian].
- Aydin, B. (2017). Resorting to internet: A look at university students' problematic internet use through meaning in life, self-efficacy and self-esteem. *Journal of Human Science*, 14.(2): 1938-1950.
- Aydin, B. & Volkan Sari, S. (2011). Internet addiction among adolescents: the role of self-esteem. *Procedia social and Behavioral sciences*, 15 :3500-3505.
- Bagappa Chalawadi, DV. D. (2016). The effect of internet uses on youth. *International Journal of Applied Research*, 2(1): 247-250.
- Berte, D. Z., Mahamid, F. A., Affouneh, S. (2019). Internet addiction and perceived self-efficacy among university students. *Journal of Mental Health and Addiction*. [Online] Available at <https://doi.org/10.1007/s11469-00160-8>.
- Błachnio, A., Przepiórk, A., Durak, E., Durak, M., & Sherstyuk, L. (2016). The role of self-esteem in Internet addiction: a comparison between Turkish, Polish and Ukrainian samples. *The European Journal of Psychiatry*, 30(2):149-155.
- Byck, G. R., Swann, G., Schalet, B., Bolland, J. & Mustanski, B. (2015). Sensation seeking predicting growth in adolescent. *Problem behaviors. Child Psychiatry & Human Development*, 46(3): 466-473.
- Chandalia, T. A., & Desai, M. D. (2016). Sensation seeking and internet addiction among girls and boys. *Indian Journal of Community Psychology*, 12(1):139-144.
- Chenari, S., & Yousefi, F. (2014). The adolescents' self-efficacy dimensions in different family types based on the contextual family process and content model. *Journal Management system*, 5(18):1-24. [Text in Persian].
- Craparo, G., Messina, R., Severino, S., Fasciano, S., Cannella, V., Gori, A., Cacioppo, M. & Baiocco, R. (2014). The relationships between self-efficacy, internet addiction & shame. *Indian journal of psychological medicine*, 36(3):304-307.



- Dalir, M. & Aghayoosefi, A. R. (2016). The role of self-efficacy and social phobia in the prediction of internet dependency in students. *Journal of Rooyesh-e-Ravanshenasi*, 4(4):93-104. [Text in Persian].
- Do, k. Y. & Lee, K. S. (2018). Relationship between problematic internet use, sleep problems, and oral health in Korean adolescents: A National Survey. *International Journal of Environmental Research and Public Health*, 15(9):1-14.
- Doi, K., Doi, M., Yaegashi, Y. & Nishitani, M. (2018). Outline and issues of internet addiction. *Biomedical Journal of Scientific & Technical Research*, 6(5):1-2.
- Evren, G., Dalbudak, E., Evren, B. & Giftic Demirci, A. (2014). High risk of internet addiction and its relationship with lifetime substance use psychological and behavioral problems among 10th grade adolescents. *Psychiatria danubia*, 26(4):330-339.
- Field, A. (2013). *Discovering Statistics using SPSS* (4th ed). London: Sage.
- Ganji, B. & Tavakoli, S. (2018). Surveying the relationship between psychological capital and academic resiliency with internet addiction of student. *Journal of Education Strategies in Medical Sciences*, 11(1):102-107. [Text in Persian].
- Gheibi, A., & Zarei, H. A. (2018). Prediction of internet addiction based on emotion seeking and identity styles in students. *Shenakht Journal of Psychology and Psychiatry*, 5(3):53-65. [Text in Persian].
- Gholamali Lavasani, M., Azarniad, A., MehmanPazir, P., & Rezaian, H. (2013). The role of academic self-efficacy and some aspects of academic procrastination on prediction of the levels of dependency on internet. *Global Media Journal*, 8(2):1-26. (Text in Persian).
- Heidari, M., Morovati, Z., Khanbabai, R., & Farshchi, N. (2016). The role of mindfulness, general self-efficacy and emotional intelligence in predicting perceived stress in female students. *Journal of Women's studies sociological and psychological*, 15(1):189-212. [Text in Persian].
- Howitt, D. & Cramer, D. (2010). *Introduction to Research Methods in Psychology*. Translated by: H. P. Sharifi., J. Najafi Zand., Gh. Ahghar., M. Mirhashemi., F. Dokaneheei Fard & N. Sharifi. (2010). Tehran: Sokhan Publication. [Text in Persian].
- Iskandar, M. & Akin, A. (2010). Social self-efficacy, academic locus of control & internet addiction. *Computer & Education*, 54(4):1101-1106.

- Jung, J.H.& Rhee, M.K.(2014).Exploration of causal model among sensation seeking, impulsiveness, internet addiction, and negative emotions: moderating effect of self-regulation as a character strength. *The Korean Journal of Health Psychology*,19(3):747– 767.
- Karacic, S.& Oreskovic, S.(2017). Internet addiction through the phase of adolescence: A Questionnaire Study. *JMIR Ment Health*,4(2):1-11.
- Karaer, Y. & Akdemir, D.(2019). Parenting styles, perceived social support and emotion regulation in adolescents with internet addiction. *Comprehensive Psychiatry*,92: 22-27.
- Karatay, G. & Gürarlan Baş, A.(2017). Effects of role-playing scenarios on the self-efficacy of students in resisting against substance addiction: A Pilot Study. *The Journal of Health Care Organization, Provision, and Financing*,54:1-6.
- Kassiani, K., Evanthia, P., Vlachou, R.I., Aspridis, G.M., Nikolaos, B.& Dimitrios, T.(2018). A study about Internet addiction of university students. *Journal of Educational and Social Research*, 8 (1):27-32.
- Kawabe, K., Horiuchi, H., Ochi, M., Oka, Y. & Ueno, S.I.(2016). Internet addiction: Prevalence and relation with mental states in adolescents. *PNC Psychiatry Clin Neurosci*, 70(9): 405–412.
- Khajavi, D., Ghanbari Cheshmeh Kamareh, L. (2014). Self-esteem law, physical self-efficacy and physical readiness of female students with upper and lower body social anxiety. *Journal of Women Social and Psychological Studies*, 12(3), 93-113. [Text in Persian]
- Kline, R. B. (2005). *Principles and practice of structural equation modeling*. edition 2. New York & London: Guilford press.
- Mahvi Shirazi, M.(2008). Reliability, Validity and manner of Zuckerman sensation-seeking culture-based scale. *Journal of Daneshvar Raftar*, 15(28):35-48.[Text in Persian].
- Meyers, L.S., Gamest, G., & Goarin, A.J. (2006). *Applied multivariate research, design and interpretation*. London & New Deihi: Sage publication.
- Mihajlov, M. & Vejmelka, L.(2017). Internet addiction: A review of the first twenty years. *Psychiatria Danubina*,29(3): 260-272.
- Mishra, S.i.&Shanwal, V.K.(2014).Role of family environment in developing self efficacy of adolescents. *Integrated Jornal of Social Sciences*,1(1):28-30.
- Müller, K.W., Dreier, M., Beutel, M.E. & Wölfling, K.(2016). Is sensation seeking a correlate of excessive behaviors and behavioral addictions? A detailed



- examination of patients with gambling disorder and internet addiction. *Psychiatry Research*, 242:319–325.
- Munno, D., Cappellin, F., Saroldi, M., Bechon, E., Guglielmucci, F., Passera, R. & Zullo, G. (2017). Internet addiction disorder: Personality characteristics and risk of pathological overuse in adolescents. *Psychiatry Research*, 248:1-5.
- Onsroudi, E., Hosseinian, S., Salehi, F. & Mo'meni, F. (2013). The interrelationship of internet addiction, adolescents' conflict with parents, multidimensional perceived social support, and happiness. *Journal of family and research*, 10(3): 77-94. [Text in Persian].
- Othman, Z., Lee, C.W. & Kueh, Y.C. (2017). Internet addiction and personality: Association with impulsive sensation seeking and neuroticism-anxiety traits. *International Medical Journal*, 24(5):375 – 378.
- Panicker, J. & Sachdev, R. (2014). Relations among loneliness, depression, anxiety stress and problematic internet use. *International journal of research in applied, natural and social sciences*, 2(9): 1-10.
- Rahmani, S., Gholamali Lavasani, M. & Tanha, Z. (2015). Gender differences in personality and sensation seeking of Tehran university students. *Journal of Women's studies sociological and psychological*, 13(3): 153-174. [Text in Persian].
- Rahmati, S. (2017). The relationship between psychological capital and spirituality with internet addiction among students at Jondishapour university of medical sciences. *Medical Ethics Journal*, 10(38):7-17. [Text in Persian].
- Rebisz, S., & Sikora, I. (2016). Internet addiction in adolescents. *Practice and Theory in Systems of Education*, 11(3):194-204.
- Rezaii Jamaluii, H., Aryaporan, S., Kachoei, M., Moradi, H., & Taheri, M. (2014). Prediction of decreasing the rate of drug misuse among high school students as a result of devotion to god, religious attitude, social support and sensation-seeking. *Psychology and Religion*, 8(2):96-79. [Text in Persian].
- Şahin, C. (2014). An analysis of the relationship between internet addiction and depression levels of high school students. *Participatory Educational Research (PER)*, 1(2): 53-67.
- Seabra, L., Loureiro, M., Pereira, H., Monteiro, S., Afonso, R.M., & Esgalhado, G. (2017). Relationship between internet addiction and self-esteem: Cross-Cultural study in Portugal and Brazil. *Interacting with Computers*, 29(5): 767–778.

- Shubnikova, E.G., Khuziakmetov, A.N., & Khanolainen, D.P. (2017). Internet-addiction of adolescents: diagnostic problems and pedagogical prevention in the educational environment. *EURASIA Journal of Mathematics Science and Technology Education*, 13(8):5261-5271.
- Siyez, D.M. (2014). Gender and sensation seeking as predictor variables of problematic internet use by high school students. *The Turkish journal on addictins*, 1 (1):78-97.
- Soltani, M., Fooladvand, Kh. & Fathi-Ashtiani, A. (2010). Relationship between identity and sensation-seeking with internet addiction. *Journal of Behavioral Science*, 4(3):191-197. [Text in Persian].
- Sourani Yancheshmeh, R. (2018). Role of self-efficacy and sensation-seeking in predicting adolescents' tendency towards risk-taking behaviors (Case Study: High school second-grade students in the fifth region of Tehran). *Iranian journal of educational Sociology*, 1(8):86-92.
- Tasi, C.C., Chuang, S.C., Liang, J.C. & Tasi, M.J. (2011). Self-efficacy in internet-based learning environments: A literature review. *Educational Technology & Society*, 14(4):222-240.
- Wang, J., Chen, J., Yang, L., & Gao, S. (2013). Meta-analysis of relationship between sensation seeking and internet addiction. *Advances in psychological science*, 21(10):1720-1730.
- Wu, C. S. T., Wong, H. T., Yu, K. F., Fok, K. W., Yeung, S. M., Lam, C. H. & Liu, K. M. (2016). Parenting approaches, family functionality and internet addiction among Hong Kong adolescents. *BMC.Pediatrics*, 16(130):1-10.
- Yu, L. & Shek, D.T. (2018). Testing longitudinal relationships between internet addiction and well-being in Hong Kong adolescents: Cross-Lagged analyses based on three waves of data. *Child Indicators Research*, 11(5):1545-1562.
- Zamani, B. E., & Dehghani Poude, L. (2015). A study on internet use, based on self-efficacy and gender stereotypes among university students of Isfahan. *Journal of Women's studies sociological and psychological*, 12(2): 147-170. [Text in Persian].

**نویسندگان****st.a_darasian@riau.ac.ir****آلما را داراسیان سلماسی**

کارشناس ارشد گروه مشاوره، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد رودهن.

rezakhani@riau.ac.ir**دکتر سیمین دخت رضاخانی**

استادیار گروه مشاوره، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد رودهن.

دارای مقاله‌های علمی-پژوهشی متعدد، ترجمه و ویراستاری کتاب‌هایی در حوزه مشاوره و روان‌شناسی

حمایت اجتماعی ادراک شده و افسردگی پس از زایمان با نقش واسطه‌گری راهبردهای مقابله‌ای

فرزانه ابوالقاسم فیروزکوهی^۱

کارشناس ارشد روان‌شناسی عمومی دانشگاه شهید بهشتی

مسعود شریفی

استادیار دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه شهید بهشتی

حسین پور شهریار

استادیار دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه شهید بهشتی

امید شکری

استادیار دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه شهید بهشتی

چکیده

افسردگی پس از زایمان یکی از اختلالات خلقی زنان است و در بیش از نیمی از موارد، شناسایی و درمان نمی‌شود و تبعات آن متوجه زندگی زناشویی و الگوی رشدی فرزندان می‌شود. هدف از انجام این پژوهش بررسی نقش واسطه‌گری راهبردهای مقابله‌ای در رابطه بین حمایت اجتماعی ادراک‌شده و افسردگی پس از زایمان بود. روش پژوهش حاضر از نوع پژوهش‌های همبستگی بود که در آن از روش آماری مدل‌یابی معادلات ساختاری استفاده شد. نمونه آماری شامل ۲۰۰ نفر از کلیه زنانی که شش ماه بعد صاحب فرزند شده بودند به صورت در دسترس از مرکز بهداشت شهر تهران انتخاب شدند. داده‌های پژوهش با استفاده از پرسشنامه‌های راهبردهای مقابله‌ای لازاروس و فولکمن (WOCQ) افسردگی پس از زایمان ادینبرگ (EPDS) و مقیاس حمایت اجتماعی ادراک‌شده (MSPSS) گردآوری شد. داده‌ها به

^۱نویسنده مسئول: f.firoozkoohi90@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۸/۱

تاریخ ارسال: ۱۳۹۸/۶/۱۰

DOI: 10.22051/JWSPS.2020.28016.2077

کمک نرم افزار آماری Spss و Amos تحلیل شدند. میانجی‌گری نسبی راهبردهای مقابله‌ای با داده‌های جمع‌آوری شده تأیید شد و راهبردهای مقابله‌ای مسئله محور و هیجان محور ۲۲٪ از پراکندگی نمرات افسردگی زنان را تبیین نمودند. همچنین اثر غیرمستقیم حمایت اجتماعی ادراک‌شده بر افسردگی پس از زایمان از طریق راهبردهای مقابله‌ای مسئله محور و هیجان محور به ترتیب ۰/۱۳- و ۰/۰۶- به‌دست آمد. مدل مفروض میانجی‌گری نسبی راهبردهای مقابله‌ای هیجان‌محور و مسئله‌محور در رابطه بین حمایت اجتماعی ادراک‌شده با افسردگی با داده‌ها برازش مطلوبی داشت. نتایج نشان می‌دهد که حلقه مفهومی راهبردهای مقابله‌ای هیجان‌محور و مسئله‌محور در پیوند دوایر مفهومی حمایت اجتماعی ادراک‌شده با افسردگی دارای نقش مهمی است.

واژگان کلیدی

افسردگی پس از زایمان، حمایت اجتماعی ادراک‌شده، راهبردهای مقابله‌ای

مقدمه و بیان مسئله

افسردگی پس از زایمان^۱ یک افسردگی اساسی است که بر مبنای راهنمای آماری و تشخیصی اختلالات روانی^۲ عبارت است از افسردگی عمده و وجود همزمان پنج علامت از علائم برهم‌خوردن نظم کارکرد اندام‌های بدن و علائم مشخص افسردگی که حداقل یکی از آنها، خلق افسرده، غم و بی‌لذتی باشد و علائم باید حداقل به مدت ۲ هفته ادامه داشته باشد؛ و حداکثر ۴ هفته بعد از زایمان ظهور کند (انجمن روان‌پزشکی آمریکا، ۲۰۱۳). افسردگی پس از زایمان عمدتاً با خلق پرشی، ناپایداری، بی‌خوابی رفتار از هم گسیخته، تحریک‌پذیری و پرخاشگری شناسایی می‌شود (مانزون، لانزادی سکالا و پیرلستین^۳، ۲۰۱۴).

انواع اختلالات پس از زایمان شامل: افسردگی پس از زایمان، اندوه پس از زایمان^۴ و در نهایت سایکوز بعد از زایمان^۵ است (کاراکا، تانریوردی، آنلوهیزاراکلی و کلاستیمور^۱، ۲۰۱۰).

^۱ Postpartum depression

^۲ Diagnostic and Statistical Manual of Mental Disorders (DSM-5)

^۳ Monzon, Lanza di Scalea & Pearlstein

^۴ Maternal blues

^۵ Postpartum depression psychosis



غم پس از زایمان یکی از معمول‌ترین تغییرات خلقی در این دوران است که شیوع آن بین ۳۰٪ تا ۷۵٪ تخمین زده می‌شود (اوهارا و مکیب^۲، ۲۰۱۳). نشانه‌های آن عبارت‌اند از تغییرات خلقی، تحریک‌پذیری، اشک‌ریزی و ظهور آن حدود چند روز پس از زایمان است. علائم به صورت گاه و بی‌گاه ظاهر می‌شوند و نیاز به هیچ‌گونه مداخله‌ای ندارد. سایکوز افسردگی پس از زایمان یکی از شدیدترین و البته نادرترین شرایط خلقی پس از زایمان به شمار می‌رود که از هر ۱۰۰۰ زایمان یک یا نهایتاً ۲ نفر مبتلا می‌شوند، شیوع آن حدود ۰/۰۸۵٪ تا ۰/۵٪ تخمین زده می‌شود (شورای ملی بهداشت و رفاه سوئد^۳، ۲۰۱۷). شرایط بالینی بسیار سریع اتفاق می‌افتد و علائم در طول ۴۸ ساعت یا ۷۲ ساعت بعد از زایمان به سرعت ظاهر می‌شوند (وندراکرویک، باریکس، چو، آلن و همکاران^۴، ۲۰۱۷). علائم ظهور یافته عمدتاً همان علائم افسردگی هستند، خلق بسیار ناپایدار و پرشی و رفتار از هم گسیخته و در نهایت توهم و هذیان خواهد بود (فشت و کلنر^۵، ۲۰۱۲). افسردگی پس از زایمان رایج‌ترین مشکل پس از زایمان است و تقریباً ۱۳ درصد از زنانی که در سنین باروری قرار دارند را شامل می‌شود. مطالعات شیوع‌شناسی افسردگی پس از زایمان برخاسته از فراتحلیل ۵۸ تحقیق را به‌طور متوسط ۱۷٪ تخمین زده‌اند و در مطالعات قبلی منتشر شده شیوع آن بین ۱۳٪ تا ۱۹/۲٪ برآورده شده است (گاوین، گاینز، لوه، ملتزر-برادی و همکاران^۶، ۲۰۰۵) و این تقریباً مشابه با عدد ۱۷/۷٪ در مطالعه هان-هالبروک، کارنول-هنریچ و آنایا^۷ (۲۰۱۸) است.

تغییر در الگوی رشدی و ریسک بالای به وجود آمدن مزاج سخت در نوزادان، تعامل کمتر با مادر و مشکلاتی در الگوی خواب و غذا خوردن و در ادامه مشکلات جدایی از عوارض

¹ Karaca, Tanriverdi, Unluhizarci & Kelestimur

² O'hara & Macabe

³ The Swedish National Board of Health and Welfare (Socialstyrelsen),

⁴ Vanderkruik, Barreix, Chou, Allen

⁵ Focht & Kellner

⁶ Gavin, Gaynes, Lohr, Meltzer-Brody

⁷ Hahn-Holbrook, Cornwell-Hinrichs & Anaya

این اختلال است (شوری، چی، چانگ، نگ و همکاران^۱، ۲۰۱۸). سورکان، اتینگر، هاک، احمد و همکاران^۲ (۲۰۱۴) در یک مطالعه طولی ۶۵۵۰ نوزاد متولد شده را تا سن ۶ سالگی براساس افسردگی مادرانشان بررسی کردند. مادرانی با افسردگی شدید و متوسط در مقایسه با مادرانی که افسردگی نداشتند، کودکانی با رشد قدی کمتر تا سن ۶ سالگی داشتند. همچنین یک در یک فرا تحلیل، ۱۹ تحقیق که بر اثرات افسردگی پس از زایمان بر تعامل مادر و فرزند متمرکز بودند را بررسی کرده‌اند و نتایج نشان داد که افسردگی پس از زایمان اثر متوسط تا شدیدی بر تعامل دوسویه مادر و کودک در طول یک سال بعد از تولد خواهد داشت. یک توضیح می‌دهد که اگر مادر از لحاظ عاطفی ناپایداری را تجربه کند ارتباط دوسویه و بهینه یا ناقص اتفاق می‌افتد یا اصلاً اتفاق نمی‌افتد (بک، ۱۹۹۵).

افسردگی پس از زایمان کیفیت زندگی و سلامت روان مادر را تحت تأثیر قرار می‌دهد و بر رشد کودک و زندگی زناشویی نیز اثرات منفی خواهد داشت (فو، لیو، تو، یانگ و همکاران^۳، ۲۰۱۵)؛ بنابراین، شناسایی علت این اختلال و عواملی که می‌تواند از آن جلوگیری کند، نه تنها بر کیفیت سلامت مادران اثرگذار است، می‌تواند به بهبود سلامت روابط خانوادگی و رشد سالم کودک نیز کمک کند. طیف وسیعی از علل شامل عوامل زیستی، روانشناختی، هیجانی و اجتماعی در بحث سبب‌شناسی افسردگی پس از زایمان مطرح شده‌اند، بر این اساس افسردگی قبل از زایمان، رخدادهای زندگی و چگونگی مواجهه با آن‌ها و حمایت اجتماعی نقش بزرگ، وضعیت ازدواج نقش تعدیل‌کننده و وضعیت اقتصادی- اجتماعی (نظیر سطح پایین تحصیلات- حقوق پایین و بیکار بودن) نقش کوچک اما معناداری در ایجاد این اختلال دارند (بک، ۲۰۰۱؛ تاهیرخلی، چری، تاکت، مک کافری و همکاران^۴، ۲۰۱۴).

عوامل مختلفی می‌توانند در افسردگی پس از زایمان نقش داشته باشند. حمایت اجتماعی یکی از عواملی است که می‌تواند تجربه بارداری را در زنان تحت تأثیر قرار دهد. حمایت

¹ Shorey, Chee, Chong, Ng

² Surkan, Ettinger, Hock, Ahmed

³ Fu, Liu, Tu, Yang

⁴ Tahirkheli, Cherry, Tackett, McCaffree



اجتماعی به‌عنوان منابعی که توسط دیگران مخصوصاً دوستان و خانواده ایجاد می‌شود، تعریف شده و برای سلامتی فرد مفید است؛ بر اساس مدل‌های تأثیر غیرمستقیم مانند یک ضربه‌گیر عمل کرده و می‌تواند از فرد در برابر فشارها حمایت کند (سهرابی، مام‌شریفی، رافضی و اعظمی، ۱۳۹۷؛ هداوند اول، مهربانی کوشکی و یزدخواستی، ۱۳۹۶). حمایت اجتماعی به تمامی منابعی گفته می‌شود که فرد احساس می‌کند برایش فراهم است یا در شبکه اجتماعی ارتباطات وی حضور دارد. دو نوع از حمایت اجتماعی که در ادبیات افسردگی پس از زایمان بیشترین توجه را به خود جلب کرده‌اند عبارت‌اند از حمایت عاطفی^۱ و حمایت کاربردی^۲ (گاتلیب و برگن^۳، ۲۰۱۰؛ توئیتس^۴، ۲۰۱۱). حمایت اجتماعی به نمایش عشق و همدلی و تعاون اشاره دارد و به افراد حس ارزشمندی القا می‌کند. مصداق‌های این نوع از حمایت شامل دادن و گرفتن پس‌خوراندهای مثبت و صحبت و همدلی در خصوص یک دغدغه مشترک است. از سوی دیگر حمایت کاربردی همان پیشنهاد و یا کمک و همیاری در قبال مسئولیت‌ها و مشکلات فرد است (مثلاً کمک در نگهداری کودک و یا کمک در امور منزل) (بک، ۲۰۰۱). همان‌طور که تحقیقات مربوط به افسردگی اساسی قبلاً نشان داده‌اند، حمایت اجتماعی نقش مهمی در کاهش ریسک ابتلا به افسردگی پس از زایمان ایفا می‌کند (پورخالقی، عسکری‌زاده و فضیلت پور، ۱۳۹۶؛ وبستر، نیکولاس، ولاکات، کریدلند و همکاران^۵، ۲۰۱۱). تحقیقات منحصراً نشان داده‌اند زنانی که میزان حمایت اجتماعی ادراکی خود را پایین گزارش کرده‌اند در مقایسه با زنانی که سطوح بالای حمایت اجتماعی را در مورد خود باور دارند، سطح بالاتری از افسردگی پس از زایمان را نشان می‌دهند، همچنین حمایت اجتماعی از قوی‌ترین پیش‌بینی‌کنندگان افسردگی پس از زایمان است (بک، ۲۰۰۱؛ مسعودی‌نیا، ۱۳۹۰).

¹ Emotional support

² Instrumental support

³ Gottlieb & Bergen

⁴ Thoits

⁵ Webster, Nicholas, Velacott, Cridland

یکی دیگر از عوامل دخیل سبب شناسی افسردگی پس از زایمان، راهبردهای مقابله‌ای است. مطالعات طولی یک رابطه بین سطوح بالای استرس و افسردگی و ریسک بالای ابتلا به اختلالات روانی در آینده را یافته‌اند، در حالی که پاسخ‌های مقابله‌ای یا همان راهبردهای مقابله‌ای یک میانجی‌گر کلیدی در اثرگذاری استرس و افسردگی بر سلامت روان افراد است. همچنین یک رابطه مشخص بین ظهور علائم اضطرابی، فکر خودکشی و اقدام به خودکشی در مطالعات فراتحلیل دیده شده است (کاینرس، یاپ، پلینگتون و جارم، ۲۰۱۴). راهبردهای مقابله‌ای^۲ به‌عنوان تلاش‌های شناختی و رفتاری که به‌منظور پاسخ‌دهی به نیازها و یا انتظارات درونی و یا بیرونی یک فرد شناسایی می‌شوند (لازاروس و فولکمن، ۱۹۸۴). راهبردهای مقابله‌ای به زیرشاخه رویارویی مستقیم^۴ که رویکردی تطابقی دارد و با محرک استرس‌آور و هیجان‌های مرتبط با آن مربوط می‌شود و رویارویی غیرمستقیم^۵ که سعی در اجتناب از محرک استرس‌آور و هیجان‌های مرتبط با آن دارد تقسیم می‌شوند. این راهبردها اثر انکارناپذیری بر توسعه و روند درمان اختلالات روانی دارند (هالوبوا، پراسکو، اسپسکوا، گرامبل^۶ و همکاران، ۲۰۱۸؛ کارور و کانر اسمیت^۷، ۲۰۱۰).

تفاوت جنسیتی در اتخاذ راهبردهای مقابله‌ای در شرایط استرس‌زا مشاهده شده است. زنان بیشتر بر راهبرد مقابله‌ای هیجان محور و مردان بیشتر بر راهبرد مقابله‌ای مسئله محور متمرکز هستند (موحد و حسینی، ۱۳۹۵؛ ندایی، ۱۳۹۳). همچنین چند تحقیق رابطه طولی بین راهبردهای مقابله‌ای و افکار خودکشی را مطالعه کرده‌اند (هورویتز، سیز، برونا و کینگ^۸، ۲۰۱۸؛ نوروگهام، هولن و ساند^۹، ۲۰۱۲). به‌طور مثال در پژوهشی مشخص شد که آن‌هایی که

¹ Cairns, Yap, Pilkington & Jorm

² Coping strategies

³ Lazarus & Folkman

⁴ engagement

⁵ disengagement

⁶ Holubova, Prasko, Ociskova, Grambal

⁷ Carver & Connor-Smith

⁸ Horwitz, Czyz, Berona & King

⁹ Nruham, Holen & sund



تلاش برای خودکشی داشته‌اند کمتر از راهبرد مسئله‌دار استفاده کرده‌اند (خورانا و رومرا، ۲۰۱۲). همچنین هوش عاطفی^۲ و راهبردهای مقابله‌ای با سطوح مختلف اضطراب و علائم افسردگی در بیماران مبتلا به افسردگی اساسی و مراقبین آن‌ها رابطه دارد. راهبردهای مقابله‌ای خاصی که یکی از اعضا در یک رابطه دو یا چند نفره اتخاذ می‌کند به طور مستقیم بر سلامت روان اشخاص دیگر تأثیرگذار است. به عبارتی افراد بیمار و مراقبین آن‌ها یک مجموعه هستند که یک به یک از لحاظ روانی و اجتماعی بر هم تأثیرگذارند (مارگوریت، لارنت، مارین، تانگوی و همکاران^۳، ۲۰۱۷؛ لیو، لی، لینگ و کای^۴، ۲۰۱۶).

از سویی، افراد گرایش‌ها و شیوه منحصر به فرد خود را در تجربه استرس دارند. در شرایطی که بعضی از افراد به استروسورهای کوچک پاسخ شدید می‌دهند. افراد دیگر ممکن است در شرایط بحرانی بتوانند آرامش خود را حفظ کنند، علاوه بر این بعضی از افراد خود را در شرایط استرس‌آور قرار می‌دهند در شرایطی که برخی به طور پیوسته و دائمی از آن اجتناب می‌کنند (لازاروس و فولکمن، ۱۹۸۴). در مطالعه اینز، الدرېج، ماننگامیری و گونزالز^۵ (۲۰۱۸) که رابطه بین استرس ادراک‌شده و راهبردهای مقابله‌ای و هوش هیجانی روی افراد انجام شده است، رابطه بین استرس ادراک‌شده و با راهبردهای مقابله‌ای به‌طور معناداری تأیید شده است. اینکه چگونه افراد به ارزیابی و مقابله با استروسورهای پیش آمده می‌پردازند پیش‌بینی کننده سطوح استرس در آن‌هاست. راهبردهای مقابله‌ای شامل راهبرد مسئله محور که همان قبول کردن، جستجوی حمایت اجتماعی و ارزیابی مجدد مثبت است، با ادراک سطوح پایین‌تری از استرس همراه است (اوبراین، ماتینسون، لیفمن و ریچی-اسپیرمن^۶، ۲۰۱۲). در مقابل سرزنش‌گری، استفاده از مواد، انکار، اجتناب از رویارویی و رفتارهای غیر انطباقی از راهبردهای مقابله‌ای

¹ Khurana & Romer

² Emotional intelligence

³ Marguerite, Laurent, Marine, Tanguy

⁴ Liu, Li, Ling & Cai

⁵ Enns, Eldridge, Montgomery & Gonzalez

⁶ O'brien, Mathieson, Leafman, & Rice-Spearman

بدکارکرد هستند که با سطوح بالای استرس ادراک شده رابطه دارند (بیکر و یانگ^۱، ۲۰۱۸؛ آرورا، راس، پتریدس، سیرمانا^۲ و همکاران، ۲۰۱۱).

با توجه به این مسئله که سطوح بالای حمایت اجتماعی ریسک ابتلا به افسردگی پس از زایمان را کاهش می‌دهد؛ تولد فرزند شرایط جدید و بعضاً استرس‌آوری را با توجه به شرایط کودک برای زوجین به وجود می‌آورد. آیا حمایت اجتماعی در افراد مبتلا به افسردگی پس از زایمان منجر به اتخاذ راهبردهای تطابقی و بهینه خواهد شد و به عبارت دیگر راهبردهای مقابله‌ای در این رابطه معکوس می‌تواند نقش میانجی داشته باشد یا خیر؟

روش

پژوهش حاضر از نوع پژوهش‌های همبستگی است که در آن از روش آماری مدل‌یابی معادلات ساختاری، استفاده شد. در مطالعه حاضر، نمونه آماری شامل کلیه زنانی بود که شش ماه از تولد فرزندشان سپری شده بود، اگرچه این نوع از افسردگی چهار هفته بعد از زایمان ظهور پیدا می‌کند؛ اما با توجه به تشخیص افتراقی افسردگی خفیف یا غم مادرانه، در برخی از پژوهش‌ها اوج این نوع از افسردگی تا ۶ ماه بعد از تولد نوزاد در نظر گرفته شده است. هویلی^۳ (۱۹۹۵) و لوئیلین^۴ (۲۰۰۴) تأکید کردند که برای استفاده از این روش آماری حداقل حجم نمونه ۱۰۰ نفر و حجم نمونه ۲۰۰ نفر مطلوب است (داوری و رضا زاده، ۱۳۹۳). گارسون^۵ (۲۰۰۷) تأکید کرده است که از آنجا که در استفاده از روش آماری مدل‌یابی معادله ساختاری، رایج‌ترین روش برآورد، بیشینه درست‌نمایی^۶ است، بنابراین، حجم نمونه ۲۰۰ نفر نتایج قابل‌قبولی را به همراه دارد (داوری و رضا زاده، ۱۳۹۳). جامعه آماری مطالعه حاضر ۲۰۰ نفر

^۱ Baker & yang

^۲ Arora, Russ, Petrides, Sirmanna

^۳ Hoyle

^۴ Loehlin

^۵ Garson

^۶ maximum likelihood



از کلیه زنانی بود که شش ماه از به دنیا آمدن فرزندشان می‌گذشت و به صورت در دسترس از شش مرکز بهداشت شهر تهران انتخاب شدند. لازم به ذکر است که در مطالعه حاضر در مرحله غربالگری داده‌ها، ۱۴ نفر از مشارکت‌کنندگان به دلیل عدم پاسخ به بیش از ۵ درصد کل ماده‌های بسته سنجش، حذف شدند. برای پژوهش حاضر ملاک‌های ورود و خروج تعیین شده بود که در زیر به آن اشاره شده است:

ملاک‌های ورود به پژوهش:

۱. مادرائی که شش ماه از فرزنددار شدنشان سپری شده باشد و ملاکی برای ترتیب فرزند وجود نداشت زیرا تفاوت چندانی در ابتلا به افسردگی پس از زایمان در زایمان‌های اول یا بعدی وجود ندارد و فقط میزان ابتلا در مادران نوجوان بیشتر بوده است (بک ۲۰۰۱)، ۲. برای پایش سلامت فرزندانشان به مراکز بهداشت شهر تهران مراجعه کرده باشند، ۳. سواد کافی جهت پاسخ به سؤالات پرسشنامه را داشته باشند، ۴. برای پاسخ‌دهی به سؤالات رضایت خود را اعلام کرده باشند. (در صورت عدم رضایت پرسشنامه به آن‌ها داده نمی‌شد).

ملاک‌های خروج از پژوهش:

۱. در صورت ابتلا به افسردگی‌های با دلایلی به جز زایمان، ۲. سابقه ابتلا به بیماری‌های روانی دیگر البته بنابر گزارش خودشان، ۳. اگر با استفاده از روش‌های کمک باروری مانند IVF بچه‌دار شده باشند.

ابزارهای گردآوری داده‌ها

۱- مقیاس چندبعدی حمایت اجتماعی ادراک‌شده^۱ (MSPSS)

مقیاس چندبعدی حمایت اجتماعی ادراک‌شده که یک ارزیابی ذهنی از بسندگی حمایت اجتماعی به عمل می‌آورد، به‌وسیله زیمت، داهلم، زیمت و فارلی^۲ (۱۹۸۸) طراحی شد.

^۱ Multidimensional Scale of Perceived Social Support (MSPSS)

^۲ Zimet, Dahlem, Zimet, & Farley

MSPSS ادراکات از بسندگی حمایت اجتماعی را در سه منبع «خانواده»، «دوستان» و «دیگران مهم» می‌سنجد و به‌مثابه یک ابزار خود تبیینی^۱ است برای مواقعی که مشارکت‌کنندگان با محدودیت زمانی مواجه بوده و یا وقتی که محقق درصدد است که در یک زمان مشخص تعدادی مقیاس برای پاسخگویی در اختیار افراد قرار دهد، به دلیل ویژگی‌های اجرای آسان و مقرون به‌صرفه استفاده از MSPSS به‌طور مؤکد توصیه شده‌است. MSPSS شامل ۱۲ سؤال است که هر سؤال بر روی یک طیف هفت درجه‌ای از کاملاً مخالف (= ۱) تا کاملاً موافق (۷) درجه‌بندی می‌شود. در این مقیاس هر چهار سؤال بر اساس منابع حمایت اجتماعی به یکی از گروه‌های عاملی خانواده، دوستان و دیگران مهم متناسب شده است. نتایج مطالعه زیمت و همکاران (۱۹۸۸) با هدف بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی MSPSS نشان داد که این ابزار برای بررسی حمایت اجتماعی ادراک‌شده روا و پایا است. نتایج مطالعه براور، امسلی، کید، لوچنر^۲ و همکاران (۲۰۰۸) در بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی مقیاس چندبعدی حمایت اجتماعی ادراک‌شده با استفاده از تحلیل عاملی تأییدی نشان داد که ساختار سه‌عاملی MSPSS (دیگران مهم، خانواده و دوستان) برازش قابل‌قبولی با داده‌ها داشت. در مطالعه شکری، کرمی نوری، فراهانی و مرادی (۱۳۹۵) که با هدف رواسازی میان فرهنگی مقیاس چندبعدی حمایت اجتماعی ادراک‌شده انجام شد، نتایج روش آماری تحلیل عاملی، به‌طور تجربی از روایی سازه مقیاس چندبعدی حمایت اجتماعی ادراک‌شده حمایت کرد. در مطالعه حاضر، ضرایب همسانی درونی زیرمقیاس‌های خانواده، دوستان و دیگران مهم به ترتیب ۰/۹۱، ۰/۸۶ و ۰/۸۵ به‌دست آمد.

پرسشنامه راهبردهای مقابله‌ای^۳ (WOCQ)

پرسشنامه راهبردهای مقابله‌ای مقیاسی ۶۶ ماده‌ای است که براساس مقیاس راهبردهای مقابله‌ای (لازاروس و فولکمن، ۱۹۸۰) توسط لازاروس و فولکمن (۱۹۸۴) ساخته شد و دامنه

^۱ self-explanatory

^۲ Bruwer, Emsley, Kidd, Lochner & Seedat

^۳ Ways of Coping Questionnaire (WOCQ)



وسیع‌تری از افکار و اعمالی را که افراد هنگام مواجهه با شرایط استرس‌زای درونی و بیرونی به کار می‌برند، مورد ارزیابی قرار می‌دهد (محمودعلیلو، ارجی، بخشی پور رودسری و شاهجویی، ۱۳۹۰). این ابزار دارای ۶۶ گویه در دو قالب کلی راهبرد مقابله مسئله‌محور با چهار زیرمقیاس جستجوی حمایت اجتماعی، حل مسئله برنامه‌ریزی شده، ارزیابی مجدد مثبت و مسئولیت‌پذیری و راهبرد مقابله‌ای هیجان‌محور با چهار زیرمقیاس رویارویی، خودکنترلی، فاصله‌گیری و اجتناب - گریز، است. در عبارات این پرسشنامه واکنش‌ها، افکار، آرزوها، تمایلات و اقدامات ممکن در رابطه با عوامل استرس‌زا توصیف شده‌است. پایایی این پرسشنامه در نمونه‌ای متشکل از ۷۵۱ زوج میان‌سال آزمون شد و ضریب همسانی درونی مقابله مستقیم ۰/۷۰، فاصله گرفتن ۰/۶۱، خودکنترلی ۰/۷۱، جستجوی حمایت اجتماعی ۰/۷۶، مسئولیت‌پذیری ۰/۶۶، گریز - اجتناب ۰/۷۲، حل مسئله برنامه‌ریزی شده ۰/۶۷ و ارزیابی مجدد مثبت ۰/۷۹، گزارش شد (لازاروس و فولکمن، ۱۹۸۴). در این مطالعه، ضرایب همسانی درونی برای مقابله مستقیم ۰/۶۷، فاصله گرفتن ۰/۶۵، خودکنترلی ۰/۶۸، جستجوی حمایت اجتماعی ۰/۷۵، مسئولیت‌پذیری ۰/۶۸، گریز - اجتناب ۰/۷۰، حل مسئله برنامه‌ریزی شده ۰/۶۵ و ارزیابی مجدد مثبت ۰/۷۸، گزارش شد.

مقیاس افسردگی پس از زایمان ایدنبرگ^۱ (EPDS)

مقیاس افسردگی پس از زایمان ایدنبرگ (۱۹۸۷) پرستفاده‌ترین ابزار خود گزارشی برای غربالگری افسردگی در زنان قبل از زایمان است این مقیاس شامل ۱۰ ماده است و مشارکت‌کنندگان به هر ماده بر روی یک طیف ۴ درجه‌ای (۰ تا ۳) پاسخ می‌دهند. با افزایش نمره افراد در این مقیاس، نمره آن‌ها در افسردگی افزایش می‌یابد. اساساً این ابزار در موقعیت‌های پژوهشی با هدف ترسیم ملاک‌های تشخیصی برای شناسایی افسردگی شدید و غیر شدید روا سازی شده است. مرور شواهد نشان می‌دهد که مقیاس افسردگی پس از زایمان به‌طور گسترده‌ای در موقعیت‌های بالینی تلاش‌های مداخله‌ای مبتنی بر سلامت عمومی مورد

^۱ Edinburgh Postnatal Depression Scale (EPDS)

استفاده قرار گرفته است. در مطالعات روا سازی مختلف، برای مقیاس افسردگی پس از زایمان ایندبرگ، نمرات برش بالینی متفاوتی برای جمعیت‌های مختلف مانند زنان باردار و یا زنانی که تازه مادر شده‌اند، گسترش یافتند (کاکس، هولدن و ساگوسکی^۱، ۱۹۸۷). در مطالعه حاضر، نتایج تحلیل مؤلفه‌های اصلی نشان داد که ساختار عاملی مقیاس افسردگی پس از زایمان ایندبرگ از دو عامل فقدان لذت و علاقه و افسردگی، اشباع شده‌است. در این مطالعه ضرایب همسانی درونی زیرمقیاس‌های فقدان علاقه و لذت و افسردگی به ترتیب ۰/۷۱ و ۰/۸۰ به دست آمد.

یافته‌ها

نمونه آماری در این پژوهش شامل ۱۸۶ زن با میانگین سنی ۳۲/۰۵ سال و انحراف استاندارد ۴/۱۳ بود. در نمونه منتخب، تعداد ۱ زن (۰/۵ درصد) دارای مدرک تحصیلی زیر دیپلم، تعداد ۱۱ زن (۵/۹ درصد) دارای مدرک تحصیلی دیپلم، تعداد ۲۰ زن (۱۰/۸ درصد) دارای مدرک تحصیلی فوق‌دیپلم، تعداد ۱۱۴ زن (۶۱/۳ درصد) دارای مدرک کارشناسی، تعداد ۳۰ زن (۱۶/۱ درصد) دارای مدرک کارشناسی ارشد و در نهایت، تعداد ۱۰ زن (۵/۴ درصد) دارای مدرک تحصیلی دکتری بودند.

حال در جدول ۱ به بررسی ماتریس همبستگی راهبردهای مقابله‌ای و حمایت اجتماعی ادراک شده با افسردگی می‌پردازیم.

¹ Cox, Holden & Sagovsky

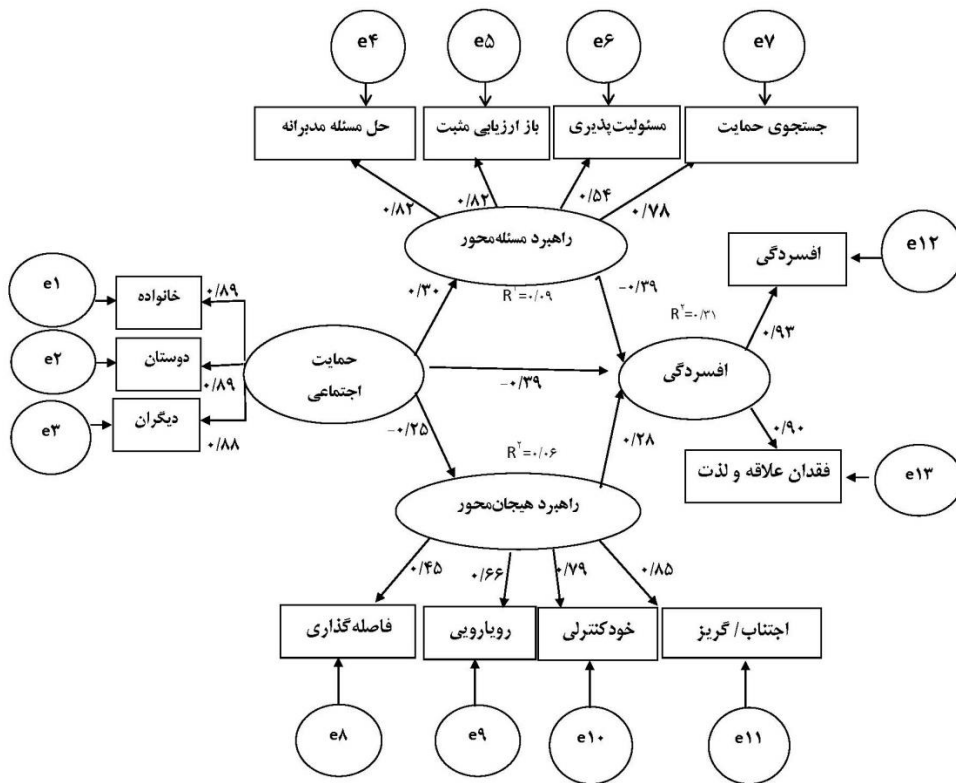


جدول ۱. ماتریس همبستگی راهبردهای مقابله‌ای و حمایت اجتماعی ادراک شده با افسردگی

افسردگی	متغیر	
*۰/۱۸	مقابله رویارویانه	۱
*۰/۱۴	فاصله‌گیری	۲
*۰/۱۷	خودکنترلی	۳
*-۰/۲۶	جستجوی حمایت اجتماعی	۴
*-۰/۱۸	مسئولیت‌پذیری	۵
*۰/۱۵	اجتناب - گریز	۶
*-۰/۱۶	حل مسئله مدبرانه	۷
*-۰/۱۷	باز ارزیابی مثبت	۸
**۰/۲۱	خانواده	۹
**۰/۲۰	دوستان	۱۰
**۰/۳۰	دیگران مهم	۱۱

همان‌طور که در جدول ۱ مشاهده می‌شود بین کلیه‌ی راهبردهای هیجان‌مدار با افسردگی پس از زایمان رابطه‌ی مثبت معنادار و بین راهبردهای مسئله‌مدار با افسردگی پس از زایمان رابطه‌ی منفی معناداری وجود دارد. همچنین بین مؤلفه‌ی حمایت اجتماعی ادراک شده با افسردگی پس از زایمان رابطه‌ی منفی معناداری وجود دارد.

ارزش عددی بالاتر از ۲ برای شاخص مجذور خی بر درجه آزادی (χ^2/df)، ارزش عددی بالاتر از ۰/۰۶ برای شاخص خطای ریشه مجذور میانگین تقریب (RMSEA) و ارزش عددی کمتر از ۰/۹۰ شاخص برازش مقایسه‌ای (CFI)، شاخص نیکویی برازش (GFI) و شاخص نیکویی برازش انطباقی (AGFI)، با هدف کمک به بهبود برازندگی مدل، ضرورت اصلاح مدل را نشان می‌دهد (داوری و رضا زاده، ۱۳۹۳).

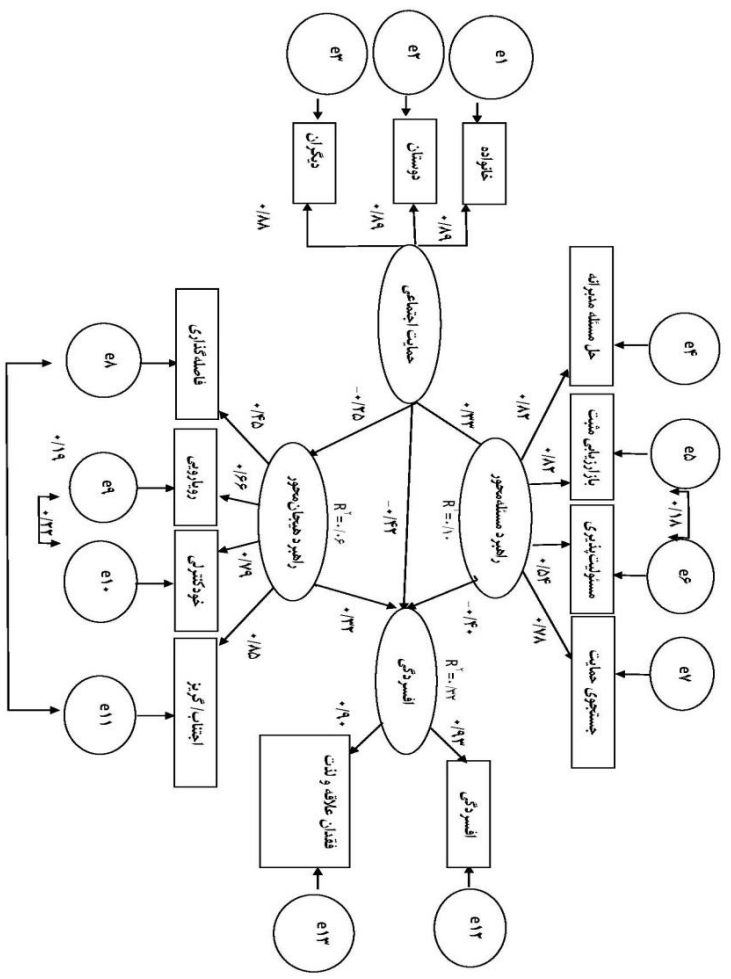


شکل ۱. مدل واسطه‌گری نسبی راهبردهای مقابله‌ای مسئله‌مدار و هیجان‌مدار در رابطه حمایت اجتماعی ادراک‌شده با افسردگی قبل از اصلاح



آزمون برازندگی مدل با داده‌ها با استفاده از انتخاب اصلاح مدل نشان داد که در متغیر مکنون راهبرد مقابله‌ای مسئله‌محور از طریق ایجاد کوواریانس بین باقیمانده‌های خطا برای نشانگرهای «باز ارزیابی مثبت و مسئولیت‌پذیری» و در متغیر مکنون راهبرد مقابله‌ای هیجان‌محور از طریق ایجاد کوواریانس بین باقیمانده‌های خطا برای نشانگرهای «مقابله رویارویانه و خودکنترلی» و «فاصله‌گذاری و اجتناب/گریز»، پس از کاهش ۳ واحد در درجه آزادی مدل اصلاح شده، مقدار $372/50$ واحد از ارزش عددی مقدار خبی دو در این مدل کم شد.

شکل ۲، الگوی ساختاری واسطه‌گری کامل راهبردهای مقابله‌ای هیجان‌محور و مسئله‌محور را در رابطه بین افسردگی پس از زایمان یعنی فقدان علاقه و لذت و افسردگی و حمایت اجتماعی ادراک‌شده که شامل خانواده دوستان و دیگران مهم است، مثبت به دست آورده است. برای الگوی اصلاح شده مقادیر شاخص‌های نیکویی برازش شامل شاخص مجذور خبی (χ^2)، شاخص مجذور خبی بر درجه آزادی (χ^2/df)، شاخص برازش مقایسه‌ای (CFI)، شاخص نیکویی برازش (GFI)، شاخص نیکویی برازش انطباقی (AGFI) و خطای ریشه مجذور میانگین تقریب (RMSEA) به ترتیب برابر با $444/50$ ، $2/20$ ، $0/95$ ، $0/93$ ، $0/91$ و $0/06$ به دست آمد. ارزش عددی مقادیر شاخص‌های نیکویی برازش برای الگوی کلی اصلاح شده، برازش مطلوب الگوی مفروض را با داده‌ها نشان می‌دهد.



شکل ۲. مدل واسطه‌گری نسبی راهبردهای مقابله‌ای مسئله‌مدار و هیجان‌مدار در رابطه حمایت اجتماعی ادراک‌شده با افسردگی پس از اصلاح



شکل ۲ نتایج مربوط به پیش‌بینی افسردگی را از طریق حمایت اجتماعی ادراک‌شده با واسطه‌گری راهبردهای مقابله‌ای مسئله‌محور و هیجان‌محور مثبت نشان می‌دهد. مرور دقیق شاخص‌های نیکویی برازش مدل ساختاری نشان می‌دهد که مدل مزبور پس از اصلاح با داده‌ها برازش مطلوبی داشت. در این الگو، ۱۰ درصد از پراکندگی نمرات راهبرد مقابله‌ای مسئله‌محور و ۶ درصد از پراکندگی نمرات راهبرد مقابله‌ای هیجان‌محور از طریق حمایت اجتماعی ادراک‌شده تبیین شد. همچنین، در این الگو، ۳۲ درصد از پراکندگی نمرات افسردگی زنان از طریق راهبردهای مقابله‌ای مسئله‌محور و هیجان‌محور و حمایت اجتماعی ادراک‌شده تبیین شد.

در مدل ساختاری واسطه‌گری نسبی، تمامی ضرایب مسیر بین متغیرهای مکنون از لحاظ آماری معنادار بودند. در این مدل، رابطه بین حمایت اجتماعی با راهبردهای مقابله‌ای مسئله‌محور، مثبت و معنادار و با راهبردهای مقابله‌ای هیجان‌محور و افسردگی، منفی و معنادار بود. همچنین، رابطه بین راهبردهای مقابله‌ای مسئله‌محور با افسردگی، منفی و معنادار و رابطه بین راهبردهای مقابله‌ای هیجان‌محور با افسردگی، مثبت و معنادار بود (شکل‌های ۱ و ۲).

در این مطالعه، برای تعیین معناداری آماری اثر غیرمستقیم حمایت اجتماعی ادراک‌شده بر افسردگی در زنان با واسطه‌گری راهبردهای مقابله‌ای از روش بوت‌استراپ، استفاده شد. براساس مدل ساختاری واسطه‌گری نسبی، اثر غیرمستقیم حمایت اجتماعی ادراک‌شده با افسردگی در زنان از طریق راهبردهای مقابله‌ای مسئله‌محور و هیجان‌محور به ترتیب برابر با $-0/13$ و $-0/06$ - به دست آمد که از لحاظ آماری معنادار بود ($P < 0/05$).

در مجموع، در پژوهش حاضر، مرور شاخص‌های برازندگی مدل پیشنهادی در نمونه زنان نشان داد که مدل مفروض میانجی‌گری نسبی راهبردهای مقابله‌ای هیجان‌محور و مسئله‌محور در رابطه بین حمایت اجتماعی ادراک‌شده با افسردگی با داده‌ها برازش مطلوبی داشت؛ بنابراین، نتایج نشان می‌دهد که حلقه مفهومی راهبردهای مقابله‌ای هیجان‌محور و مسئله‌محور در پیوند دوا بر مفهومی حمایت اجتماعی ادراک‌شده با افسردگی نقش مهمی دارد.

بحث و نتیجه‌گیری

افسردگی بعد از زایمان یک معضل بهداشت روانی قلمداد می‌شود که هم در زنان و هم در مردان مشاهده می‌شود و تولد فرزند را می‌تواند از یک اتفاق خوشایند، تبدیل به یک چالش بزرگ و دردآور برای والدین بکند (هان-هالبروک، کارنول-هنریچ و آنایا، ۲۰۱۸). هدف از پژوهش حاضر آزمون میانجی‌گری مدل مفروض نسبی راهبردهای مقابله‌ای در رابطه حمایت اجتماعی ادراک‌شده و افسردگی پس از زایمان در زنان بود؛ نتایج نشان داد که رابطه بین تجارب حمایتی و میزان افسردگی پس از زایمان، به طور نسبی از طریق راهبردهای انطباقی و غیر انطباقی میانجی‌گری شد. در این الگو ۱۰٪ از پراکندگی نمرات راهبرد مقابله‌ای مسئله محور و ۶٪ از پراکندگی نمرات راهبرد مقابله‌ای هیجان محور از طریق حمایت اجتماعی ادراک‌شده تبیین شد. همچنین در این الگو ۳۲٪ از پراکندگی نمرات افسردگی زنان از طریق راهبردهای مقابله‌ای مسئله محور و هیجان محور و حمایت اجتماعی ادراک‌شده تبیین شد. پس با توجه به نتایج حاصل میانجی‌گری نسبی راهبردهای مقابله‌ای هیجان محور و مسئله محور در رابطه بین حمایت اجتماعی ادراک‌شده و افسردگی پس از زایمان با داده‌های جمع‌آوری شده، در این پژوهش برازش مطلوبی داشته و دارای نقش مهمی است. همچنین بر اساس مدل ساختاری واسطه‌گری نسبی، اثر غیرمستقیم حمایت اجتماعی ادراک‌شده، با افسردگی پس از زایمان در زنان، به ترتیب از طریق راهبردهای مسئله محور و هیجان محور به ترتیب ۰/۱۳- و ۰/۰۶- به دست آمد و از لحاظ آماری معنی‌دار بود. یافته‌های این پژوهش با نتایج پژوهش‌های پیشین همسو بود (اینز، الدریش، ماننگامیری و گونزالز، ۲۰۱۸؛ مارگوریت، لارنت، مارین، تانگوی و همکاران، ۲۰۱۷؛ اوبراین، ماتینسون، لیفمن و ریچی-اسپیرمن، ۲۰۱۲؛ پورخالقی، عسکری زاده و فضیلت پور، ۱۳۹۶).

در بخش نخست، نتایج مطالعه حاضر همسو با یافته‌های مطالعات لئو آرورا، راس، پتریدس، سیرمانا و همکاران، (۲۰۱۱) بود که نشان دادند حمایت اجتماعی ادراک‌شده به صورت مستقیم در کاهش استرس پس از زایمان مؤثر است. همچنین پژوهش مسعودی‌نیا



(۱۳۹۰) تبیین می‌کند که حمایت اجتماعی باعث کاهش افسردگی زنان می‌شود. در مطالعه بیکر و یانگ (۲۰۱۸) علاوه بر نقش حمایت اجتماعی، نقش شبکه‌های اجتماعی و اینترنت در کاهش استرس و بهبود مهارت‌های مقابله‌ای زنان بررسی شد. در پژوهشی که خودپنداره و راهبردهای مقابله‌ای، به عنوان میانجی‌گر در رابطه بین حمایت اجتماعی ادراک‌شده و بهزیستی روانی آزمودنی‌ها بررسی شد، نتایج حاکی از آن بود که حمایت اجتماعی ادراک‌شده، با بهینه‌سازی خودپنداره، کمک به بهزیستی روانی افراد می‌کند و از طرفی هم کاهنده راهبردهای مقابله‌ای غیر تطابقی است و استفاده از راهبردهای مثبت و بهینه را در پی خواهد داشت (لیو، لی، لینگ و کای، ۲۰۱۶). براین اساس نتایج مطالعات نشان می‌دهد که افزایش در سطح تجارب حمایتی از طریق ترغیب افراد به گزینش اسنادهای علی‌سازش یافته در برابر اسنادهای علی‌سازش نایافته و همچنین تقویت خودباوری در آن‌ها، کیفیت تجارب هیجانی افراد را در مواجهه با انتظارات محیطی آن‌ها تحت تأثیر قرار می‌دهد. در مجموع موافق با این رویه فکری و در حیطه مطالعاتی تصریح‌کننده، ویژگی‌های کارکردی تجارب حمایتی، برای پیش‌بینی کنش‌وری‌های افراد در موقعیت‌های مختلف، بر نقش این مدل مفروض بسط داده شده و بر فرضیه توانمندسازی تأکید شده است. بر طبق منطق فکری فرضیه، وسعت یافتگی در ظرف منابع مقابله‌ای افراد، از طریق وسیع کردن محدوده انتخاب از ذخایر روان‌شناختی موجود، برای افراد مانع از آن می‌شود که مواجهه با استرسورهای موجود، فرد را به استفاده از راهبردهای مقابله‌ای ناکارآمد، سوق دهد. علاوه بر این، در این فرضیه، فرض بر آن است که در بسط منابع روان‌شناختی، از آنجا که خودباوری، انتخاب رویه‌های انطباقی در افراد را قوت می‌دهد، پس انتظار می‌رود که توانمندی روانی آن‌ها افزایش یابد.

در رابطه با راهبردهای غیرانطباقی، نتایج مطالعه حاضر همسو با مطالعه‌ای که رابطه کیفیت زندگی و راهبردهای مقابله‌ای در افراد افسرده‌ی تحت درمان را بررسی می‌کردند، قرار گرفت. بدین صورت که آزمودنی‌های افسرده به‌طور افراطی از راهبردهای مقابله‌ای منفی و به‌خصوص راهبرد گریز و اجتناب و رها کردن، استفاده می‌کردند. راهبرد باز ارزیابی مجدد و مثبت‌خیلی کمتر اعمال شده بود. نوع راهبردهای مقابله‌ای، رابطه بسیار نزدیکی با کیفیت زندگی این افراد

داشته است، بدین ترتیب که استفاده بیشتر از راهبردهای مقابله‌ای بهینه و تطابقی، کیفیت زندگی را بهبود می‌بخشد (هالوبوا، پراسکو، اسیسکوا، گرامبل و همکاران، ۲۰۱۸). همچنین در پژوهشی کارور (۱۹۸۷) به این نتیجه رسیدند که خوش‌بینی و بدبینی به عنوان انتظارات فرد برای وقوع اتفاقات خوشایند و یا نامطلوب، در ابتلای آن‌ها به افسردگی پس از زایمان، در چند هفته بعد از زایمان مؤثر است. خوش‌بینی به وضوح در زنانی که در هفته‌های نخستین هیچ علائمی از افسردگی نداشتند، مشخص بود و مثل یک سپر محافظ در مقابل بروز علائم عمل می‌کرد. یافته‌های این پژوهش عمدتاً بر اساس رابطه بین خوش‌بینی، شیوه‌های اسناد دهی و خودتنظیم‌گری هیجانی که در مادران ارزیابی شده بود، به دست آمده بود. همچنین در مطالعه هورویتز، سیز، برونا و کینگ (۲۰۱۸) راهبردهای مقابله‌ای به عنوان متغیر میانجی در رابطه بین افسردگی و ریسک خودکشی در بزرگسالان، نتایجی همسو با پژوهش حاضر، ملاحظه شد. در پژوهش مذکور ۲۸۶ نفر از بزرگسالان به مدت ۴ ماه از نظر راهبردهای مقابله‌ای، افسردگی و ریسک فاکتورهای مربوط به خودکشی (نقشه‌های ذهنی، اعمال رفتارهای خود تخریبی) بررسی شدند. نتایج حاکی از آن بود که باز ارزیابی مجدد مثبت، با تبعات مثبت بیشتری همراه بود، ولی خود سرزنش‌گری و گریز و اجتناب با تبعات منفی بیشتری همراه بودند. همچنین راهبردهای فعالانه و پویا افراد را بیشتر در مقابل افکار خودکشی محافظت می‌کردند. نتایج با تاکید بیان می‌کردند برای کاهش ریسک خودکشی و مداخلات کارآمد، در این افراد، تمرکز باید بر باز ارزیابی مثبت و خودسرزنش‌گری کمتر باشد.

در تبیین این یافته از پژوهش می‌توان اذعان کرد که با تأکید بر میانجی‌گری نسبی راهبردهای مقابله انطباقی در رابطه بین تجارب حمایتی و میزان افسردگی پس از زایمان این مدل بیانگر آن است که چگونه با افزایش میزان تجارب حمایتی و متعاقب آن وسعت یافتگی منابع مقابله‌ای درون و برون فردی مشارکت‌کنندگان، میزان افسردگی در زنان را در دوران پس از زایمان کاهش می‌دهد. به بیان دیگر همسو با نتایج مطالعاتی که با تأسی از مدل فرآیندی مقابله، توسعه یافته‌اند، هرگونه افزایش در سطح تجارب حمایتی می‌تواند به عنوان یک منبع مقابله‌ای موقعیتی، از آن جا که زمینه را برای استفاده از مدل‌های ارزیابی شناختی سازش یافته،



افزایش می‌دهد، به حساب آید. همچنین انتظار آن می‌رود که زنان در رویارویی با تقاضاهای پیرامونی که شرایط جدید و ناآشنا، نسبت به رویه زندگی معمول آن‌ها، محسوب می‌شود، کمتر در معرض آسیب نشانه‌های افسردگی قرار بگیرند. به‌طور کلی نتایج حاکی از آن است که با تفسیر نقش تبیینی تجارب حمایتی، برای پیش‌بینی افسردگی پس از زایمان در زنان، با تاسی به مدل فرآیندی مقابله، تأکید بر برخی از هم‌بسته‌های مفهومی مثل اسنادهای علی ارتباطی، جهت‌گیری‌های هدف اجتماعی، باورهای خود کارآمدی و همچنین نیازهای روان‌شناختی بنیادین، ممکن است. بنابراین با تأکید بر نتایج مطالعه حاضر که نشان داد راهبردهای مقابله‌ای غیر انطباقی، رابطه حمایت اجتماعی و افسردگی پس از زایمان را میانجی‌گری می‌کند. در مجموع مرور شواهد نظری و تجربی، در حیطه مطالعاتی کارکردهای ضربه‌گیرانه حمایت اجتماعی، این نکته را بیان می‌کند که با افزایش و فراهم کردن منابع حمایت اجتماعی، از احتمال رجوع به راهبردهای ناکارآمد و سازش نایافته، برای مدیریت موقعیت‌های برانگیزاننده بیرونی و به تبع آن خسارت‌های روان‌شناختی کاسته می‌شود. به اجمال می‌توان به این نکته رسید که با پربار کردن خزانه مقابله‌ای افراد، متعاقب آن وزن یافتگی سهم تجارب حمایتی، از احتمال مواجهه با تجارب هیجانی منفی در موقعیت‌های جدید کاسته می‌شود.

از محدودیت‌های این پژوهش می‌توان به نوع طرح پژوهش اشاره کرد که اصولاً از نظر تعیین روابط علت و معلولی محدودیت دارد. از سویی دیگر در پژوهش‌های مدل‌یابی گاهی برای تعمیم نتایج به جوامع آماری بزرگتر باید احتیاط به عمل آورده و از روش‌های آمیخته، یعنی مصاحبه در کنار روش‌های آماری موجود استفاده کرد. همچنین از آنجا که این پژوهش در کلیه زنانی بود که شش ماه از به دنیا آمدن فرزندشان می‌گذشت و به صورت در دسترس از شش مرکز بهداشت شهر تهران انتخاب شدند، باید در تعمیم نتایج به سایر گروه‌ها احتیاط کرد. از آنجا که برخی از متغیرهای پژوهش نیاز به سنجش با استفاده از شیوه‌های مختلف دارد لذا بهتر است در پژوهش‌های آتی علاوه بر پرسشنامه از روش مشاهده و مصاحبه (با دیگران) اقدام به سنجش کرد تا بتوان روابط علت و معلولی را کشف کرد. از روش‌های دیگری همچون روش‌های تحقیق آمیخته، مصاحبه در پژوهش‌های خود در رابطه با افسردگی پس از

زایمان استفاده کنند. ضمناً استفاده از روش‌های پژوهش مقطعی و طولی بهتر می‌تواند تبیین-
کننده عوامل زمینه‌ساز افسردگی پس از زایمان باشد.



منابع

- پورخالقی، نجمه؛ عسکری زاده، قاسم و فضیلت پور، مسعود. (۱۳۹۶). پیش‌بینی افسردگی پس از زایمان در زنان نخست‌زا: نقش حمایت اجتماعی و نوع زایمان. *مجله سلامت و مراقبت*، ۱۹(۱)، ۱۸-۲۹.
- داوری، علی و رضازاده، آرش. (۱۳۹۲). *مدل‌سازی معادلات ساختاری با نرم‌افزار PLS*. تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی.
- سهرابی، فرامرز؛ مام‌شریفی، پیمان؛ رافضی، زهره و اعظمی، یوسف. (۱۳۹۷). پیش‌بینی آمادگی به اعتیاد بر اساس سلامت روان، حمایت اجتماعی و ابعاد شخصیتی روان‌رنجورخویی و توافق‌پذیری. *نشریه روان‌پرستاری*، ۶(۶)، ۵۷-۶۶.
- شکری، امید؛ کریمی نوری، رضا؛ فراهانی، محمدنقی و مرادی، علیرضا. (۱۳۹۵). روسازی میان فرهنگی مقیاس چندبُعدی حمایت اجتماعی ادراک شده در دانشجویان ایرانی و سوئدی. *نشریه تحقیقات فرهنگی ایران*، ۹(۲)، ۱۰-۷۵.
- محمودعلیلو، مجید؛ ارجی، اکرم؛ بخشی پور رودسری، عباس و شاهجویی، تقی. (۱۳۹۰). رابطه ویژگی شخصیتی و راهبردهای مقابله‌ای در معتادان HIV مثبت. *مجله پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تبریز*، ۳۳(۱)، ۷۰-۷۶.
- مسعودی‌نیا، ابراهیم. (۱۳۹۰). رابطه حمایت اجتماعی ادراک شده با بروز اختلال افسردگی پس از زایمان. *نشریه پرستاری ایران*، ۲۴(۷۰)، ۸-۱۸.
- موحد، مجید و حسینی، مریم. (۱۳۹۵). کندوکاو راهبردهای مقابله‌ای زنان میانسال در مواجهه با پیری و تغییرات بدنی مرتبط با آن. *مطالعات اجتماعی روان‌شناختی زنان*، ۱۴(۴)، ۷-۴۲.
- ندایی، علی. (۱۳۹۳). بررسی تفاوت‌های جنسیتی در راهبردهای مقابله‌ای در سازگاری زناشویی و مقایسه آن در زوجین شهر اصفهان. *مطالعات اجتماعی روان‌شناختی زنان*، ۱۲(۳)، ۱۴۱-۱۶۷.
- هداوند اول، غزل؛ مهربانی کوشکی، حسینعلی و یزدخواستی، بهجت. (۱۳۹۶). بررسی تأثیر عامل قومیت بر سلامت روان، همسرآزاری، حمایت اجتماعی و رضایت زناشویی زنان.

مطالعات اجتماعی روان‌شناختی زنان، ۱۵(۲)، ۸۱-۱۰۴.

- American Psychiatric Association.(2013). *Diagnostic and statistical manual of mental disorders*. Washington, DC: APA.
- Arora, S., Russ, S., Petrides, K. V., Sirmanna, P., Aggarwal, R, Darzi, A., & Sevdalis, N. (2011). Emotional intelligence and stress in medical students performing surgical tasks. *Academic Medicine*, 86(10), 1311-1317.
- Baker, B. J., & Yang, I. W. (2018). Social media as social support in pregnancy and the postpartum. *Sexual & reproductive healthcare: official journal of the Swedish Association of Midwives*, 17, 31-34.
- Beck, C. T. (1995). The effects of postpartum depression on maternal-infant interaction: A meta-analysis. *Nursing research*, 44(5), 298-304.
- Beck, C. T. (2001). Predictors of postpartum depression: an update. *Nursing Research*, 50: 275-285.
- Bruwer, B., Emsley, R., Kidd, M., Lochner, C., & Seedat, S. (2008). Psychometric properties of the Multidimensional Scale of Perceived Social Support in youth. *Comprehensive Psychiatry*, 49(2), 195-201.
- Cairns, K. E., Yap, M. B. H., Pilkington, P. D., & Jorm, A. F. (2014). Risk and protective factors for depression that adolescents can modify: a systematic review and meta- analysis of longitudinal studies. *Journal of affective disorders*, 169, 61-75.
- Carver, C. S., & Connor-Smith, J. (2010). Personality and coping. *Annual review of psychology*, 61, 679-704.
- Cox, J. L., Holden, J. M., and Sagovsky, R. (1987). Detection of postnatal depression: Development of the 10-item Edinburgh Postnatal Depression Scale. *British Journal of Psychiatry*, 150, 782-786.
- Davari, A., & Reza zadeh, A. (2013). *Modeling structural equations with PLS software*. Academic Jihad Publications, first edition. [Text in Persian]
- Enns, A., Eldridge, G. D., Montgomery, C., & Gonzalez, V. M. (2018). Perceived stress, coping strategies, and emotional intelligence: A cross-sectional study of university students in helping disciplines. *Nurse Education Today*, 68, 226-231.
- Focht, A., & Kellner, C. H. (2012). Electroconvulsive therapy (ECT) in the treatment of postpartum psychosis. *The journal of ECT*, 28(1), 31-33.
- Fu, C. W., Liu, J. T., Tu, W. J., Yang, J. Q., & Cao, Y. (2015). Association between



- serum 25-hydroxyl vitamin levels measured 24 hours after delivery and postpartum depression. *International Journal of Obstetrics Gynecology*, 122(12), 1688–1694.
- Gavin, N. I., Gaynes, B. N., Lohr, K. N., Meltzer-Brody, S., Gartlehner, G., & Swinson, T. (2005). Perinatal depression: a systematic review of prevalence and incidence. *Obstetrics & Gynecology*, 106(5), 1071-1083.
- Gottlieb, B. H., & Bergen, A. E. (2010). Social support concepts and measures. *Journal of Psychosomatic Research*, 69 (5), 20- 511.
- Hahn-Holbrook, J., Cornwell-Hinrichs, T., & Anaya, I. (2018). Economic and Health Predictors of National Postpartum Depression Prevalence: a Systematic Review, meta-analysis, and meta-Regression of 291 Studies from 56 countries. *Frontiers in psychiatry*, 8, 248.
- Hadavand Aval, G., mehrabi koushki, H., yazdkhasti, B. (2017). Study the effect of ethnicity on mental health, Spousal abuse, Social support and marital satisfaction. *Women's Studies Sociological and Psychological*, 15(2), 81-104. [Text in Persian]
- Holubova, M., Prasko, J., Ociskova, M., Grambal, A., Slepecky, M., Marackova, M., ... & Zatkova, M. (2018). Quality of life and coping strategies of outpatients with a depressive disorder in maintenance therapy—a cross-sectional study. *Neuropsychiatric Disease and Treatment*, 14, 73.
- Horwitz, A. G., Czyz, E. K., Berona, J., & King, C. A. (2018). Prospective associations of coping styles with depression and suicide risk among psychiatric emergency patients. *Behavior therapy*, 49(2), 225-236.
- Karaca, Z., Tanriverdi, F., Unluhizarci, K., & Kelestimur, F. (2010). Pregnancy and pituitary disorders. *European Journal of Endocrinology*, 162(3), 453-475.
- Khurana, A., & Romer, D. (2012). Modeling the distinct pathways of influence of coping strategies on youth suicidal ideation: A national longitudinal study. *Prevention Science*, 13(6), 644-654.
- Lazarus, R. S., & Folkman, S. (1984). *Stress, appraisal, and coping*. Springer publishing company.
- Liu, W., Li, Z., Ling, Y., & Cai, T. (2016). Core self-evaluations and coping styles as mediators between social support and well-being. *Personality and Individual Differences*, 88, 35-39.
- Mahmoud Aliloo, M., Arij, A., Bakhshipour Roudsari, A., & Shahjooee, T. (2011). relationship between personality traits and coping styles in HIV positive, addict

- males. *Medical Journal of Tabriz University of Medical Sciences and Health Services*. 33(1), 70-76. [Text in Persian]
- Marguerite, S., Laurent, B., Marine, A., Tanguy, L., Karine, B., Pascal, A., & Xavier, Z. (2017). Actor-partner interdependence analysis in depressed patient-caregiver dyads: Influence of emotional intelligence and coping strategies on anxiety and depression. *Psychiatry research*, 258, 396-401.
- Masoudnia, E. (2011). Relationship between Perceived Social Support and Risk of Postpartum Depression disorder. *Iran Journal of Nursing*, 24(70), 8-18. [Text in Persian]
- Mohed, M., & Hoseini, M. (2017). Exploring the Middle-aged women's strategies to deal with aging and age-related physical changes. *Women's Studies Sociological and Psychological*, 14(4), 7-42. [Text in Persian]
- Monzon, C., Lanza di Scalea, T., & Pearlstein, T. (2014). Postpartum psychosis: updates and clinical issues. *Psychiatric times*. 31(1), 125-132.
- Nedaei, Ali. (2014). The Study of Gender Differences in Coping Strategies in Marital Adjustment and Comparison in Couples in Isfahan. *Women's Studies Sociological and Psychological*, 12(3), 141-167. [Text in Persian]
- Nrugham, L., Holen, A., & Sund, A. M. (2012). Suicide Attempters and Repeaters: Depression and Coping a Prospective Study of Early Adolescents Followed up as Young Adults. *The Journal of nervous and mental disease*, 200(3), 197-203.
- O'brien, L., Mathieson, K., Leafman, J., & Rice-Spearman, L. (2012). Level of stress and common coping strategies among physician assistant students. *The journal of physician assistant education: the official journal of the Physician Assistant Education Association*, 23(4), 25-29.
- O'hara, M. W., & McCabe, J. E. (2013). Postpartum depression: current status and future directions. *Annual review of clinical psychology*, 9, 379-407.
- Pourkhaleghi, N., Askarizadeh, G., & Fazilat-Pour, M. (2017). Predicting Post-Partum Depression of Nulliparous Women: Role of Social Support and Delivery Type. *Journal of Health & Care*, 19(1), 18-29. [Text in Persian]
- Shokri, O., Kormi Nouri, R., Farahani, M., Moradi, A. (2016). The Quality of College Life from Viewpoint of Native and Non-Native Students of Tehran's Public Universities. *Journal of Iran Cultural Research*, 9(2), 75-100. [Text in Persian]
- Sohrabi, F., MamSharifi, P., Rafezi, Z., & A'azami, Y. (2019). Predicting Addiction Potential based on Mental Health, Social Support and Neuroticism and



- Agreeableness Personality Traits. *Iranian Journal of Psychiatry Nursing*, 6(6), 57-66. [Text in Persian]
- Shorey, S., Chee, C., Chong, Y. S., Ng, E. D., Lau, Y., & Dennis, C. L. (2018). Evaluation of Technology-Based Peer Support Intervention Program for Preventing Postnatal Depression: Protocol for a Randomized Controlled Trial. *JMIR research protocols*, 7(3), 25-32.
- Surkan, P. J., Ettinger, A. K., Hock, R. S., Ahmed, S., Strobino, D. M., & Minkovitz, C. S. (2014). early maternal depressive symptoms and child growth trajectories: a longitudinal analysis of a nationally representative US birth cohort. *BMC pediatrics*, 14(1), 185-192.
- Swedish National Board of Health and Welfare (Socialstyrelsen). (2010). *National guidelines for the treatment of depression and anxiety disorders* (Nationella riktlinjer för vård vid depression och ångestsyndrom). Available at: (accessed 20 April 2017).
- Tahirkheli, N. N., Cherry, A. S., Tackett, A. P., McCaffree, M. A., & Gillaspay, S. R. (2014). Postpartum depression on the neonatal intensive care unit: current perspectives. *International Journal of Women's Health*, 6, 975-87.
- Thoits, P. A. (2011). Mechanisms linking social ties and support to physical and mental health. *Journal of health and social behavior*, 52(2), 145-161.
- VanderKruik, R., Barreix, M., Chou, D., Allen, T., Say, L., & Cohen, L. S. (2017). The global prevalence of postpartum psychosis: a systematic review. *BMC psychiatry*, 17(1), 272.
- Webster, J., Nicholas, C., Velacott, C., Cridland, N., & Fawcett, L. (2011). Quality of life and depression following childbirth: impact of social support. *Midwifery*, 27(5), 745-749.
- Zimet, G. D.; Dahlem, N. W.; Zimet, S. G.; & Farley, G. K. (1988). The multidimensional scale of perceived social support. *Journal of Personality Assessment*, 52 (1), 30-41.

نویسندگان

f.firoozkoohi90@gmail.com**فرزانه ابوالقاسم فیروز کوهی**

دارای مدرک کارشناسی ارشد روان‌شناسی عمومی از دانشگاه شهید بهشتی در سال ۱۳۹۸ است. به پژوهش در حوزه‌های اختلالات خلقی و به‌صورت کلی اختلالات مرتبط با زنان علاقه دارد.

m-charifi@sbu.ac.ir**دکتر مسعود شریفی**

استادیار و مدیر مرکز خدمات روان‌شناسی و مشاوره دانشگاه شهید بهشتی هستند. ایشان در سال ۱۳۷۳ در رشته‌ی روان‌شناسی در مقطع دکتری از دانشگاه فرانسه فارغ التحصیل شده‌اند. تا کنون فعالیت‌های متعددی را در زمینه‌ی آموزش و پژوهش انجام داده‌اند از جمله: برگزاری کارگاه‌های آموزشی، نگارش و چاپ مقاله در مجله‌های علمی داخلی و خارجی نظیر «ارزیابی‌های شناختی، راهبردهای مقابله‌ای، خوش‌بینی و بهزیستی ذهنی» در مجله‌ی روان‌شناسی (۱۳۹۳)، سخنرانی و ارائه‌ی مقاله در کنگره‌ها و سمینارهای ملی و بین‌المللی مانند «مقایسه خودپنداره، تصویر بدن و تنظیم هیجان در دختران نوجوان چاق با وزن طبیعی» ارائه شده در دومین کنگره سراسری روان‌شناسی کودک و نوجوان (۱۳۹۴).

h_pourshahriar@sbu.ac.ir**دکتر حسین پورشهریار**

استادیار و هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی و و مدرس کارگاه‌های آموزش و متخصص در حوزه خانواده، ازدواج و... هستند. ایشان مدرک دکتری روان‌شناسی را در سال ۱۳۸۵ از دانشگاه تربیت مدرس ایران دریافت کرده‌اند و دارای مقالات متعدد در حوزه‌ی تاب‌آوری،



هیجان‌ات، آشفتگی روانشناختی و ... هستند. کتاب «بهبودی جو اجتماعی - هیجانی کلاس» ایشان در سال ۱۳۹۶ به چاپ رسیده است.

o_shokri@sbu.ac.ir

دکتر امید شکری

استادیار دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی و دانش‌آموخته‌ی دکتری روان‌شناسی از دانشگاه خوارزمی هستند. فعالیت‌های علمی و پژوهشی ایشان شامل چاپ مقالات متعددی در مجله‌های معتبر داخلی و خارجی نظیر: «تحلیل روان‌سنجی مقیاس هوش هیجانی ادراک شده در معلمان» در مجله‌ی رهیافتی نو در مدیریت آموزشی (۱۳۹۶)، سخنرانی و ارائه‌ی مقاله در کنگره‌ها و سمینارهای ملی و بین‌المللی از جمله «رابطه جهت‌گیری‌های هدف پیشرفت با رفتارهای فریبکارانه تحصیلی نقش واسطه‌ای متعهد به اخلاق تحصیلی» ارائه شده در سومین کنگره ملی روان‌شناسی اجتماعی ایران (۱۳۹۵) و در آخر ترجمه‌ی کتاب «مهارت‌های حل مسئله اجتماعی در کودکان» (۱۳۹۴) می‌شود.

پیامدهای روان‌شناختی قربانیان قلدری در بین دانش‌آموزان دختر (مطالعه‌ای در حوزه اجتماعی - روان‌شناختی زنان)

شهرروز نعمتی*

دانشیار روان‌شناسی و آموزش کودکان استثنایی، گروه علوم تربیتی، دانشگاه تبریز

رحیم بدری گرگری

استاد ممتاز روان‌شناسی تربیتی، گروه علوم تربیتی، دانشگاه تبریز

رقيه صدر

کارشناس ارشد روان‌شناسی تربیتی، گروه علوم تربیتی، دانشگاه تبریز

آرام کاتورانی

کارشناس ارشد روان‌شناسی تربیتی، گروه علوم تربیتی، دانشگاه تبریز

چکیده

مسئله قلدری و قربانیان آن از مشکلات رایج در بین دانش‌آموزان مدارس است. هدف پژوهش حاضر، بررسی واکنش‌ها و پیامدهای روان‌شناختی دانش‌آموزان دختر قربانی قلدری برای فهم اثرات قلدری بود. طرح پژوهش حاضر رویکرد کیفی از نوع مطالعه پدیدارشناختی بود، جامعه پژوهش را دانش‌آموزان قربانی قلدری تشکیل می‌دادند. در این راستا، از طریق نمونه‌گیری هدفمند در دسترس، مصاحبه نیمه ساختاریافته با ۲۲ نفر از دانش‌آموزان قربانی قلدری شهر تبریز تا رسیدن به مرحله اشباع انجام گرفت. به‌منظور تحلیل داده‌های مصاحبه از روش کولایزی استفاده شد. تحلیل داده‌ها از طریق کدهای باز و مشخص شدن گزاره‌های اصلی و فرعی نشان داد که واکنش‌های قربانیان قلدری در دانش‌آموزان به

*نویسنده مسئول sh.nemati@tabrizu.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۹/۱۵

تاریخ ارسال: ۱۳۹۸/۴/۱۷

ترتیب شامل واکنش‌های روان‌شناختی، واکنش‌های رفتاری، واکنش‌های شناختی، واکنش‌های اجتماعی، واکنش‌های تحصیلی، واکنش‌های جسمانی و واکنش‌های مذهبی و ۲۲ مقوله فرعی بود. با توجه به اثرات منفی که قلدری بر ویژگی‌های روان‌شناختی و اجتماعی تحصیلی و جسمانی دانش‌آموزان دارد، انجام مداخلات پیشگیرانه آموزشی، اجتماعی و روان‌شناختی برای کمک به قربانیان قلدری در مدارس ضروری است.

واژگان کلیدی

واکنش‌های روان‌شناختی، قربانیان قلدری، مطالعه‌ای اجتماعی و روان‌شناختی

مقدمه و بیان مسئله

روابط سالم در بین هم‌سالان برای رشد مثبت مهارت‌های شناختی، عاطفی و اجتماعی (مارتین-آنتون، مونجاس، گارسیا باکتا و خیمنز - لاگارس^۱، ۲۰۱۶؛ مرل و گولدرن^۲، ۲۰۱۰) و همچنین سازگاری مدرسه‌ای دانش‌آموزان امری حیاتی است (گیفورد - اسمیت و برونل^۳، ۲۰۰۳). از طرف دیگر روابط ناسالم در بین دانش‌آموزان در محیط مدارس مشکلات عدیده‌ای را به وجود آورده است. یکی از مصداق‌های روابط ناسالم در بین دانش‌آموزان، قلدری^۴ در مدرسه است که از رفتارهای مشکل‌ساز دوره نوجوانی است و اخیراً توجه پژوهشگران و صاحب‌نظران حوزه‌های مختلف روان‌شناسی را به خود معطوف ساخته است (فارینگتون^۵، ۱۹۹۳؛ پاتچین و هندوجا^۶، ۲۰۱۱). در ارتباط با قلدری در مدارس می‌توان گفت که از زمانی که مدارس به صورت امروزی شکل گرفتند، قلدری در آن‌ها وجود داشته است (ویولو - کانتور، مارتل هالند و ویستی^۷، ۲۰۱۴). قلدری به‌عنوان رفتاری تهاجمی تعریف شده است که در طول زمان تکرار

1. Martín-Antón, Monjas, García Bacete & Jiménez-Lagares

2. Merrell & Gueldner

3. Gifford-Smith & Brownell

4. Bullying

5. Farrington

6. Patchin & Hinduja

7. Vivolo-Kantor, Martell, Holland & Westby



می‌شود و به شخص دیگری که به‌طور معمول قادر به دفاع از خود نیست آسیب می‌رساند (الویوس^۱، ۱۹۹۹)؛ به‌علاوه قلدری زمانی رخ می‌دهد که تحریکی ظاهری از سوی قربانیان آن صورت نمی‌گیرد (جیمرسون، اسویرر و اسپیلگ^۲، ۲۰۱۰؛ الویوس و لیمبر^۳، ۲۰۱۰؛ سرنبرگ و جانگرت^۴، ۲۰۱۳). رفتار قلدری با پنج ویژگی مهم زیر مشخص می‌شود: ۱- عملی پرخاشگرانه است. ۲- اغلب از پیش برانگیخته نیست. ۳- به‌صورت مکرر اتفاق می‌افتد. ۴- دربردارنده یک قدرت نامتوازن بین فرد قلدر و فرد قربانی است و ۵- در گروه‌های کوچک اجتماعی رخ می‌دهد که اعضای آن با یکدیگر آشنا هستند (هوسلی^۵، ۲۰۰۸). مسئله قلدری و قربانیان آن به‌عنوان یک مشکل فراگیر در مدارس سراسر جهان شناخته‌شده است (اسلا، منسینی، موریتا، اومور، مورا، پیرا و اسمیت^۶، ۲۰۰۴؛ هارل فیچ، والش، فوگل - گرینوالد، آمیتای، پایکت، مولچو و کرایگ^۷، ۲۰۱۱). دانش‌آموزانی که معمولاً طرد و یا محرومیت را از سوی هم‌سالان خود تجربه می‌کنند، رفتارهای پرخاشگرانه بیشتری را از خود بروز می‌دهند (سیلسن و میوکس^۸، ۲۰۰۴؛ اسپیلگ، هولت و هنکل^۹، ۲۰۰۳) و عموماً قلدری و سایر رفتارهای مشابه تکراری در میان دانش‌آموزانی که سطوح پایین حمایت‌های اجتماعی را تجربه می‌کنند، بیشتر است (کاراویتا، د بلاسیو و سلامی والی^{۱۰}، ۲۰۰۹؛ رودکین و هودج^{۱۱}، ۲۰۰۳). علاوه بر این‌ها تأثیرات قلدر بودن می‌تواند شدید و طولانی‌مدت باشد از جمله کاهش رضایت از زندگی (گینی، پوزولی، بورگی و فرانزونی^{۱۲}، ۲۰۰۸)، مشکلات در مدرسه (کورنل،

1 . Olweus

2 . Jimerson, Swearer & Espelage

3 . Olweus & Limber

4 . Thornberg & Jungert

5 . Hulsey

6 . Eslea, Menesini, Morita, O'Moore, Mora, Pereira & Smith

7 . Harel-Fisch, Walsh, Fogel-Grinvald, Amitai, Pickett, Molcho & Craig

8 . Cillessen & Mayeux

9 . Espelage, Holt & Henkel

10 . Caravita, Di Blasio & Salmivalli

11 . Rodkin & Hodges

12 . Gini, Pozzoli, Borghi & Franzoni

گرگوری، هوانگ و فن^۱، (۲۰۱۳)، افزایش خطر قربانی شدن در آینده (آدامز و لارنس^۲، ۲۰۱۱) و افکار خودکشی (اسکاپیناکیس، بلوس، جکاتسا، ماجکالارا، لیویس، آرایا و ماوریس^۳، ۲۰۱۱). علاوه بر این دانش‌آموزان قلدر فاقد مهارت‌های همدلی و حل تعارض هستند (باکون، لتون مگان و می^۴، ۲۰۱۸). از سوی دیگر به افرادی که مورد آسیب رفتارهای قلدرانه قرار می‌گیرند، برچسب قربانی قلدری زده می‌شود. نقش قربانی، یکی از نتایج روابط نامطلوب است و قربانی شدن به این شکل تعریف می‌شود: رفتارهایی که برخی از کودکان به دلیل مورد هدف قرار گرفتن رفتارهای پرخاشگرانه دیگر کودکان، تجربه می‌کنند (فاکس و بولتون^۵، ۲۰۰۸). قربانیان قلدری در موقعیت‌های جدید مثلاً؛ انتقال از پایه ششم به هفتم مدرسه، بسیار نگران، وحشت‌زده، گوشه‌گیر و شرم‌منده هستند (اولویوس، ۱۹۹۴)؛ و کودکانی که به‌صورت مداوم مورد قلدری واقع می‌شوند، با احتمال فراوان، احساس عدم امنیت را در زندگی تجربه خواهند کرد (ریبی^۶، ۲۰۱۳). در این میان، حضور دانش‌آموزانی که رفتارهای دفاعی از قربانیان را در کلاس‌ها از خود ابراز می‌کنند، با کاهش میزان ابتلا به قلدری در دانش‌آموزان دیگر در ارتباط است (کارنا، ویتن، پوسکی – پارتا و اسالمی والی^۷، ۲۰۱۰)

از دیدگاه نظریه‌پردازان این حوزه، رفتارهای قربانیان قلدری شامل سطح گسترده‌ای از رفتارهایی است که به‌طور منظم و در یک دوره‌ی گسترده زمانی به سه شکل اصلی جسمانی، کلامی و عاطفی یا روان‌شناختی نشان داده می‌شود. قربانی شدن جسمانی مستلزم تماس فیزیکی مستقیم و محسوس میان فرد قلدر و قربانی است. قربانی شدن کلامی به‌عنوان متداول‌ترین شکل قلدری، شامل حملات کلامی از سوی فرد قلدر با استفاده از کلمات برای توهین کردن، تحقیر کردن، ارباب و تهدید، لقب گذاشتن و برچسب زدن بر روی فرد قربانی

1 . Cornell, Gregory, Huang & Fan

2 . Adams & Lawrence

3 . Skapinakis, Bellos, Gkatsa, Magklara, Lewis, Araya & Mavreas

4 . Bacon, A. M., Lenton-Maughan, L., & May, J.

5 . Fox & Boulton

6 . Rigby

7 . Kärnä, Voeten, Poskiparta & Salmivalli



است (وانگ، نانسل و آیانتونی^۱، ۲۰۱۱). قربانی شدن عاطفی، یا غیرمستقیم و روان‌شناختی، نوعی از قربانی شدن است که با استفاده از روابط اجتماعی میان گروه‌ها انجام می‌شود و شامل شایعه‌پراکنی، تهمت زدن، خبرچینی، تحریک افراد دیگر از سوی فرد قلدر برای آسیب‌زدن به فرد قربانی و از همه مهم‌تر نادیده گرفتن، طرد کردن و محروم کردن اجتماعی قربانی از گروه و یا فعالیت‌های خاص است (کروو و دلارا^۲، ۲۰۱۰). پسرها به احتمال زیاد در قلدری جسمانی و دخترها در قلدری کلامی و عاطفی درگیر هستند (جیمز^۳، ۲۰۱۰). در سال‌های اخیر، آمارها حاکی از شیوع گسترده پدیده قلدری و به دنبال آن قربانی شدن در مدارس است. در واقع امروزه قربانی قلدری شدن به نوعی نگرانی در حال رشد در میان دانش‌آموزان، خانواده‌ها، کارکنان مدارس و مسئولانی که نگران سلامت دانش‌آموزان هستند، تبدیل شده است (آرسنلت، بویس و شکور^۴، ۲۰۱۰). وجود پدیده‌ای مانند قلدری و قربانی شدن در سن کودکی و نوجوانی و پدید آمدن یک سلسله‌مراتب از نقش‌ها و طبقات اجتماعی درون مدرسه می‌تواند به طور منفی سلامت اجتماعی آن‌ها را در این دوره‌ی گذار مورد تهدید قرار دهد، چراکه پژوهش‌ها نشان می‌دهند قلدری و زورگویی می‌تواند به طرز شدیدی بر عملکرد روانی - اجتماعی، تحصیلی و حتی سلامت جسمانی دانش‌آموزانی که قربانی قلدری هستند، تأثیر بگذارد (لستر، کروس و شاو^۵، ۲۰۱۲). تعدادی از مطالعات عواقب روان‌شناختی پس از آزار و اذیت مکرر را بررسی کرده‌اند. یکی از پیامدهای آن توسعه سازمان اجتماعی است. در یک مطالعه در کره بر روی دانش‌آموزان پایه هفتم و هشتم، محققان متوجه شدند که قلدری آن‌ها را در معرض افزایش خطر درگیر شدن با مشکلات اجتماعی قرار می‌دهد. در زمینه زندگی مستقلانه، آن‌ها بیش از حد وابسته به بزرگسالان هستند و این وابستگی خطر انزوای اجتماعی را در گروه هم-سالان افزایش می‌دهد. در یک مطالعه ایتالیایی - چینی محققان دریافتند که قربانیان قلدری،

¹ . Wang, Nansel & Iannotti

² . Corvo & DeLara

³ . James

⁴ . Arseneault, Bowes & Shakoor

⁵ . Lester, Cross & Shaw

معمولاً مشکلات اجتماعی را در ارتباط با هم‌سالان از خود بروز می‌دهند (سانسون و سانسون^۱، ۲۰۰۸).

با توجه به احساس شادی، در دانش‌آموزان پایه چهارم تا دهم، تعداد زیادی از مطالعات تأیید کرده‌اند که دانش‌آموزان قربانی قلدری، ناراحتی بیشتری را از خود بروز می‌دهند. در مورد احساس غم و اندوه، هوور و بلت بولد (۲۰۰۰)، دریافتند که دانش‌آموزان قربانی قلدری، سه برابر غم و اندوه بیشتری را نسبت به همسالان خود تجربه می‌کنند (سایکاز، کولهو و نیکولاس - فیشر^۲، ۲۰۱۳). همچنین، دانش‌آموزان قربانی قلدری، عواطف و احساسات منفی در مورد تحصیلاتشان پیدا می‌کنند و در مورد مدرسه نیز دیدگاه بدبینانه‌ای دارند (گودبوی، مارتین و گلدمن^۳، ۲۰۱۶).

مرور تحقیقات انجام‌یافته در ایران که در دسترس پژوهشگران بوده است، عمدتاً پرخاشگری را به صورت کلی در نظر گرفته‌اند؛ و تقریباً هیچ تحقیق کیفی ویژه‌ی قربانیان قلدری در مدرسه در میان دانش‌آموزان دختر دوره‌ی راهنمایی انجام نگرفته است. سپهریان‌آذر، محمدی و بلوتک (۱۳۹۳) در پژوهش خود تحت‌عنوان بررسی میزان شیوع قلدری و مقایسه پیشرفت تحصیلی، سلامت‌عمومی و خودکارآمدی اجتماعی در نوجوانان با رفتاری قلدرانه و عادی با ۵۰۳ دانش‌آموز نشان دادند که میزان شیوع رفتار قلدرانه در بین دانش‌آموزان پسر شهرستان اصلان‌دوز ۱۲/۷۲ درصد است. تقی‌زاده، زارع و شفیع‌آبادی (۱۳۹۳) در مطالعه‌ی خود با ۳۲۰ نفر از دختران دوره راهنمایی شهر گناباد نشان دادند که خودکارآمدی تحصیلی و پذیرش اجتماعی با بروز رفتار قلدرانه رابطه دارد. بیرامی و علانی (۱۳۹۱) در مطالعه‌ای از نوع همبستگی و توصیفی در بین مدارس دخترانه راهنمایی شهر تبریز با ۳۸۷ دانش‌آموز نشان دادند که بین سبک‌های تربیتی خانواده و قلدری و همچنین محیط عاطفی خانواده با رفتار قلدرانه رابطه وجود دارد. دره، بنی‌جمالی و احدی (۱۳۹۸) در پژوهشی از نوع همبستگی در

^۱ . Sansone & Sansone

^۲ . Seixas, Coelho & Nicholas-Fischer

^۳ . Goodboy, Martin & Goldman



بین دانش‌آموزان پسر مقطع راهنمایی شهر اراک نشان دادند که نقش واسطه‌ای هوش هیجانی در رابطه سبک‌های فرزندپروری با قلدری نقشی واسطه‌ای جزئی داشت. می‌توان گفت که برای دختران واکنش معمولی در برابر قلدری به صورت دوری‌گزینی است در حالی که، پسران به صورت پرخاش کلامی در برابر قلدری واکنش نشان می‌دهند. برای دختران، پرخاشگری غیرمستقیم به اندازه پرخاشگری مستقیم جسمانی آزاردهنده است؛ بنابراین، می‌توان به ضرورت انجام این تحقیق به منظور افزایش توان مقابله با رفتارهای قلدرانه پی برد. همچنین پژوهش حاضر باهدف مشخص کردن واکنش‌های قربانیان قلدری در بین دختران انجام شد، به لحاظ اهمیت کاربردی، یافته‌های پژوهش حاضر به معلمان، والدین، دانش‌آموزان کمک خواهد کرد. به لحاظ اهمیت نظری، یافته‌های پژوهش به بسط و تعدیل دیدگاه‌های نظری و تجربی مرتبط به قلدری کمک خواهد کرد.

روش پژوهش

در پژوهش حاضر، از رویکرد کیفی از نوع پدیدارشناسی توصیفی استفاده شد. جامعه آماری تحقیق حاضر را کلیه دانش‌آموزان دختر پایه اول دوره متوسطه اول در مدارس شهر تبریز تشکیل می‌دادند که در سال تحصیلی ۹۶-۹۷ مشغول به تحصیل بودند. در پژوهش کیفی هدف نمونه‌گیری، فهم پدیده‌ی موردنظر است، نمونه‌گیری هدفمند در دسترس جهت افزایش فهم از افراد، گروه‌های منتخب و تجارب و یا برای توسعه نظریه‌ها و مفاهیم به کار گرفته می‌شود، در این نمونه‌گیری، گروه‌های شرکت‌کننده براساس معیارهای از قبل مشخص شده مربوط به سوال ویژه‌ی پژوهش انتخاب می‌شوند، در پژوهش‌های کیفی از ابتدا نمی‌توان نمونه آماری را به‌طور دقیق مشخص کرد (کریسول، هانسون، کلارک پلانو و مورالط، ۲۰۰۷). در پژوهش حاضر برای تعیین حجم نمونه از اشباع نظری داده‌ها استفاده شده است. ملاک ورود افرادی بودند که قربانی قلدری شده بودند و رضایت آگاهانه برای شرکت در مصاحبه را اعلام کرده بودند. ملاک خروج نیز افراد غیرقربانی قلدری و عدم تمایل برای حضور در پژوهش بود.

به همه افراد شرکت‌کننده هدف پژوهش به‌طور خلاصه توضیح داده شد و بی‌نام‌ونشان ماندن آن‌ها در تمام منابع و مقاله‌هایی که از این پژوهش استخراج می‌شود، تضمین گردید؛ در ضمن به هرکدام از افراد شرکت‌کننده توضیح داده شد که شرکت در این پژوهش پیامد ناگواری برای آن‌ها نخواهد داشت. افزون بر این، شرکت‌کنندگان آزاد بودند که هر موقع تمایل نداشتند، می‌توانند از ادامه همکاری خودداری کنند. برای جمع‌آوری داده‌ها از مصاحبه نیمه-سازمان‌یافته استفاده شد، در مصاحبه واکنش‌های دانش‌آموزان قربانی قلدری در مقابل زورگویی و قلدری هم‌سالان تا زمان رسیدن به حد اشباع مورد بررسی قرار گرفت، ضبط شد و سپس کلیه مصاحبه‌ها نوشته‌شده و متن آن‌ها تهیه گردید و پس از آن مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. برای تعیین قابلیت اعتماد داده‌ها از روش سه‌سوسازی از نوع پژوهشگر^۱ استفاده شد، بدین‌صورت که داده‌های پژوهش در اختیار چند نفر از متخصصان قرار گرفت و فرایند-های انجام آن واریسی شد. در این روش از بیش از یک پژوهشگر، مصاحبه‌گر، مشاهده‌گر، کدگذار و تحلیلگر در فرایند پژوهش استفاده می‌شود. براساس این فرایند وقتی پژوهشگران مختلف بدون اطلاع از کار یکدیگر، داده‌هایی را تأیید می‌کنند قابلیت اعتماد به داده‌ها بیشتر می‌شود (الیس، باچنر، دنزین، لینکلن، مورسی، پلیاس و ریچاردسون^۲، ۲۰۰۸).

یافته‌های پژوهش

در این پژوهش جهت تجزیه و تحلیل اطلاعات از روش کولایزی^۳ استفاده شده است. روش کولایزی شامل رونوشت و بازخوانی مکرر مصاحبه‌ها، استخراج عبارات مهم و معنی‌دار، یادداشت عبارات مهم در صفحه جدا، تنظیم معانی استخراج‌شده در قالب مقوله یا تم، ادغام کدهای مربوط به مقوله‌ای مشابه در درون یک دسته موضوع، قسمت‌بندی مقوله‌ای در یک گروه براساس هدف پژوهش، بازخورد نتایج به مصاحبه‌شوندگان و مقایسه آن‌ها با تجارب

^۱ Investigator triangulation

^۲ . Ellis, Bochner, Denzin, Lincoln, Morse, Pelias & Richardson

^۳ . Colaizzi



پژوهشگراست (کولایزی، ۱۹۷۸). جمع‌آوری داده‌ها بدین ترتیب انجام گرفته است که تمامی مصاحبه‌ها ضبط گردیده و سپس بر روی کاغذ مکتوب شده، سپس پژوهشگر به خواندن و بازخوانی هر یک از مصاحبه‌ها پرداخته، سپس مقوله‌های کلی و فرعی تعیین و برچسب زده شد، پس از آن محقق به سازمان‌دهی و خوشه‌بندی مقوله‌ها اقدام نموده به این معنا که با استمرار مقایسه و لحاظ کردن تفاوت‌ها و شباهت‌های مقوله‌های فرعی، مقوله‌های کلی استخراج شد. سپس برای هر یک از مصاحبه‌ها یک جدول خلاصه‌سازی از مقوله‌های سازمان‌دهی شده تدوین شده و در نهایت از طریق تلفیق، فهرست کاملی از مضمون‌ها، استخراج شده است.

جدول ۱. نتایج حاصل از کدگذاری باز داده‌های حاصل از مصاحبه

مقوله‌های اصلی	مقوله‌های فرعی	شرکت‌کنندگان	ویژگی‌ها	شرکت‌کنندگان
			ترس از آشکار شدن ضعف و ناتوانی	۳-۱۰-۱۳
	اعتماد به نفس ضعیف	۱۳-۱۴-۲۲	احساس ناتوانی در پاسخ دادن به دیگران	۱۱
واکنش‌های روان‌شناختی		۳-۱۰-۱۱	خجالت کشیدن	۱۴
			احساس ضعف و ناتوانی در دفاع از خود	۲۲
	افسردگی	۵-۱۷-۲۰	افسرده و ناراحت شدن	۱-۳-۵-۲۰
		۱-۳		
	عزت نفس پایین	۲-۶-۱۱-۲۱	ضایع شدن پیش همکلاسی‌ها	۶-۲۱
			ضعیف‌النفس بودن	۲-۱۱
				۱۶-۱۷
	احساس حقارت و	۳-۶-۲۲	احساس بی‌ارزش بودن	۳-۶
				۲۰

۲۲	کوتاه آمدن جهت خلاصی از آزار و اذیت		درماندگی	
۳-۱۵-۱۹	ترس از آزار جسمی و روانی در مدرسه	۳-۱۵-۱۹	احساس عدم امنیت	
۱-۵-۱۶	عدم واقعیت صداقت در روابط	۱-۵-۱۶	بی‌اعتمادی در روابط	
۲۰	داشتن استرس و فشار عصبی	۲۰	استرس	
-۱۷-۱۹-۲۰	عصبانی شدن	-۱۵-۱۶-		
۳-۷-۹		۳-۴-۷-۹-۱۰	خشونت و پرخاشگری	
۴-۱۵-۱۶-۱۸	آسیب جسمانی رساندن	-۱۸-۱۹-۲۰ ۱۷		
۱۰	دعوا کردن			
-۱۹-۲۰-۲۲	در جریان گذاشتن و نگذاشتن خانواده	-۱۹-۲۰-۲۲	اطلاع به والدین	واکنش‌های
۱-۳-۸-۱۴		۱-۳-۸-۱۴		
۱-۴	خواهان اخراج دانش‌آموز قلدر	-۳-۴-۱۰-۱۲ ۱	انتقام گرفتن	رفتاری
۳-۴-۱۰	تلافی کردن			
				-۵-۷-۸- ۱-۳-۴
۴-۵	ضایع نشدن پیش دیگران	۱-۵-۱۴	تلاش در جهت	-۱۲-۱۴- ۹-۱۰-۱۱
۱۴	نگرانی از افکار بد دیگران		محافظت از عزت نفس	-۱۸-۱۹- ۱۶-۱۷
۱۷-۱۸-۲۱	گریه کردن	۱۷-۱۸-۲۱	تخلیه هیجانات	-۲۱-۲۲ ۲۰
۹	عدم کنترل خود	۹	خودکنترلی پایین	



۱۵-۱۶-۲۱-	قطع کردن رابطه			واکنش‌های اجتماعی
۴-۵				
۱۴	خلاص شدن از دست دانش‌آموز قلدر			
۳	ترس از رفتن به حیاط مدرسه	۱۵-۱۶-۲۱-	دوری گزینی	۶-۸-۹-
		۳-۴-۵-۸-۱۴-		۱-۴-۵
۴-۹	بی‌خیال شدن (بی‌اعتنائی)			۱۵-۱۶-
				۱۰-۱۱
۸	فراموش کردن			۲۱-۲۲-
				۱۷-۲۰
۱۹-۲۱-۲۲-	محروم شدن از فعالیت‌های اجتماعی	۱۹-۲۱-۲۲-	احساس طردشدگی	
۶-۱۵-۱۷		۶-۱۵-۱۷		
۱۴-۱۶-۱۹-	ایجاد مشغله فکری	۱۱		
۶-۷-۸-۱۰-۱۳-		۷-۸-۱۰-	حواس‌پرتی و شناختی	واکنش‌های شناختی
۱۴-۱۵-۲۰-	یادآوری رنج حاصله	۱-۳-۵-۶		۸-۱۰-
۶-۱۱				
۳-۵	عدم تمرکز	۱۶-۱۹-۲۰-	عدم تمرکز	۱-۳-۶-۷
		۱۳-۱۴		۱۵-۱۶-
۷-۸-۱۵	اطلاع به مدرسه			۱۱-۱۴
۱-۱۶-۲۲	جرئت ورزی	۱۵-۱۹-۲۲-	تلاش در جستجوی راه‌حل	۲۰-۲۲-
۱	اثبات خود	۱-۶-۷-۸		۱۹
۱-۵	در جریان گذاشتن دوست صمیمی			
۴-۵-۸-۱۱-	بیزاری از مدرسه	۴-۵-۸-۱۱-	مدرسه‌گریزی (بی‌انگیزه بودن)	واکنش‌های تحصیلی
		۱۷-۱۹		
	از دست دادن انگیزه و علاقه به			۱۱-۱۳-
				۴-۵-۸

	تحصیل		۱۷-۲۱	
			۱۵	
۵-۱۳-۱۵-۲۱	پایین آمدن نمرات	۵-۱۳-۱۵-۲۱	کاهش عملکرد تحصیلی	
۱۶-۱۹	احساس درد شدید در ناحیه سر، شکم و گلو	۷-۱۱-۱۶-۱۹	مشکلات جسمانی	واکنش‌های جسمانی
۷	احساس تپش قلب			
۱۳	اختلال خواب	۳-۱۳	مشکلات روان‌تنی	۱۱-۱۳-۳-۷
۳	بی‌اشتهایی			۱۶-۱۹
				واکنش‌های مذهبی
بخشیده نشدن	۲۱	عدم بخشش		
		۲۱	دانش‌آموز قلدر توسط دانش‌آموز قربانی	
				۲۱

شماره‌های بیان‌شده برای هر یک از مقوله‌ها مربوط به شماره‌های اختصاص‌یافته برای هر یک از افراد مصاحبه شده است. به طور مثال ۱ یعنی فرد شماره ۱ یا ۴ یعنی فرد شماره ۴. با توجه به جدول تحلیل داده‌های حاصل از مصاحبه، واکنش‌های قربانیان قلدری در ۷ مقوله اصلی «واکنش‌های روان‌شناختی، واکنش‌های رفتاری، واکنش‌های اجتماعی، واکنش‌های شناختی، واکنش‌های تحصیلی، واکنش‌های جسمانی و واکنش مذهبی» به‌دست آمده است که در ادامه نتایج حاصله از تحلیل‌ها ارائه شده است.



۱- واکنش‌های روان‌شناختی

جدول تحلیل یافته‌ها نشان می‌دهد که واکنش‌های قربانیان قلدری در حوزه‌های روان‌شناختی به ترتیب در نوسان است. در حوزه واکنش‌های روان‌شناختی مقوله‌های فرعی شامل «اعتماد به نفس ضعیف، افسردگی (ناراحت شدن)، عزت نفس پایین، احساس حقارت و درماندگی، احساس عدم امنیت و استرس» است.

۱-۱ اعتماد به نفس ضعیف

شایع‌ترین واکنش گزارش شده قربانیان قلدری در بین دانش‌آموزان واکنش‌های روان‌شناختی است، در این راستا اولین مؤلفه موجود در واکنش روان‌شناختی اعتماد به نفس پایین است. تحلیل گفته‌های شرکت‌کنندگان نشان داد که دانش‌آموزان دوست ندارند که کسی ایرادشان را بداند، این دانش‌آموزان ایراد را از خود می‌دانند و فکرمی‌کنند، آن‌ها هستند که مشکل دارند نه دانش‌آموزان قلدری که به آن‌ها زور می‌گویند و نیز خود را درمانده در جواب دادن به آن‌ها می‌دانند و بر این باورند که زورشان به آن‌ها نخواهد رسید. «هیكلش بزرگ است و زورش زیاد، زورم به او نمی‌رسد» (مشارکت‌کننده شماره ۳). «وقتی به من چیزی می‌گویند من نمی‌توانم جوابشان را بدهم» (مشارکت‌کننده شماره ۱۱). «مثلاً وقتی که با دوستم دعوا کردم آن موقع گفتم بروم و به خانم معلم بگویم، ولی بعداً باخودم گفتم که اگر بگویم او هم ناراحت می‌شود و هر دوی ما را از مدرسه اخراج می‌کنند» (مشارکت‌کننده شماره ۱۳).

۱-۲ افسردگی (ناراحت شدن)

یکی از مصاحبه‌شوندگان واکنش خود نسبت به قلدری دانش‌آموزان دیگر را افسردگی احساس می‌کرد و از عمل آن‌ها به شدت احساس ناراحتی می‌کرد. «او خیلی من را مسخره می‌کرد، آن روز که به مدرسه رفتم به من گفت که فلانی تبریک می‌گویم از آخر اول شدی، من خیلی

ناراحت شدم و دلم شکست» (مشارکت‌کننده شماره ۵). «زمانی که به من فحش می‌دهد، ناراحت می‌شوم و آن لحظه دوست دارم گریه کنم» (قربانی قلدری شماره ۱۷).

۳-۱ عزت نفس پایین

مقوله‌ی دیگری که از تحلیل مصاحبه‌شوندگان به دست آمد عزت نفس پایین بود. این دانش‌آموز از اینکه پیش همکلاسی‌ها و معلم خود ضایع شود، واهمه داشت. «می‌خواهم به او بگویم که چرا این کارها را می‌کند، ولی نمی‌خواهم پیش او ضایع شوم» (قربانی قلدری شماره ۱). «با یکدیگر هم سن و سال هستیم و می‌دانم که کاری نمی‌تواند بکند، ولی پیش همکلاسی‌هایم ضایع می‌شوم، توی کلاس ما یکی هست که با همه این‌گونه رفتار می‌کند» (قربانی قلدری شماره ۶).

۴-۱ احساس حقارت و درماندگی

در مصاحبه‌ها بعضی از دانش‌آموزان بارها اظهاراتی را بیان کردند که نشان از احساس بی‌ارزشی، حقارت و درماندگی در آنان بود. «آن قدر پررو شده‌اند که هرچقدر هم بگویم باز هم کم می‌آورم. نوع صحبت کردنش به گونه‌ای است که نمی‌دانم شوخی می‌کند یا جدی می‌گوید، طوری که من را تحقیر می‌کند» (قربانی قلدری شماره ۶). «وقتی که می‌بینند کسی خیلی آرام است و باکسی کاری ندارد، می‌روند و به آن‌ها بیشتر گیر می‌دهند و عصبانی‌شان می‌کنند و زمانی که می‌گویی چرا این کارها را می‌کنند و آن حرف‌ها را می‌زنند با پررویی تمام می‌گویند به تو چه ربطی دارد و تحقیر می‌کنند» (قربانی قلدری شماره ۷).

۵-۱ احساس عدم امنیت

طبق یافته‌های پژوهش حاضر مصاحبه‌شوندگان یکی دیگر از احساسات و واکنش‌های خودشان را فقدان امنیت روحی و روانی در مدرسه و ترس از مدیر مدرسه می‌دانستند.



«نمی‌توانم تنهایی به حیاط مدرسه بروم، می‌ترسم که بازهم با آن‌ها روبرو شوم و به من تهمت دروغ بزنند، مدیر هم من را از مدرسه اخراج کند» (قربانی قلدری شماره ۳). «به‌من گفته بود که فلانی می‌کشمت، من هم خیلی می‌ترسیدم، به همین دلیل دوستانم همیشه همراه من می‌آمدند» (قربانی قلدری شماره ۱۹).

۶-۱ بی‌اعتمادی در روابط

در همین راستا بر اساس پژوهش حاضر، میان تجارب این دانش‌آموزان از قربانی شدن، نوعی عدم اعتماد و ترس از فاش شدن اسرار درونی آن‌ها نهفته بود. این دانش‌آموزان زمانی که رفتار و برخورد بد بعضی از همکلاسی‌های خود را می‌دیدند، نمی‌توانستند دیگر به آن‌ها اعتماد کنند. درواقع دانش‌آموزان قربانی قلدری یک نوع احساس عدم واقعیت صداقت در روابط داشتند و از دورویی افراد گلایه داشتند. «نه به او هم نمی‌توانم بگویم، او هم اخلاقیش به‌گونه‌ای است که فقط مسخره می‌کند و نمی‌توانم به او اعتماد کنم و راحت با او حرف بزنم» (قربانی قلدری شماره ۱۱). «وقتی از کسی چیزی می‌شنود، می‌رود برای همه تعریف می‌کند و مسخره می‌کند و چون این را می‌دانم، نمی‌توانم به او اعتماد داشته باشم» (قربانی قلدری شماره ۱۲).

۷-۱ استرس

طبق یافته‌های پژوهش حاضر با تداوم قربانی شدن، بر اثر قلدری و خشونت دانش‌آموزان قلدر، استرس و اضطراب در مدرسه و خانه در فرد قربانی به‌وجود می‌آید. «در خانه و مدرسه همیشه استرس دارم و همیشه احساس می‌کنم کابوس می‌بینم» (قربانی قلدری شماره ۲۰).

۲- واکنش‌های رفتاری

در حوزه واکنش‌های رفتاری، مقوله‌های فرعی شامل «خشونت و پرخاشگری، اطلاع به - والدین، انتقام گرفتن، تلاش در جهت محافظت از عزت‌نفس، تخلیه هیجانات (گریه کردن)، خودکنترلی پایین» است.

۱-۲ خشونت و پرخاشگری

در این راستا یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که یکی از اصلی‌ترین پیامدهای قربانی شدن، خشونت و پرخاشگری فرد قربانی (خشونت جابجایی‌شده) در طی تداوم قلدری از طرف دانش‌آموزان دیگر مخصوصاً هم‌سالان خود است. عصبانیت جابجایی شده به این معنی است که خشم و عصبانیت فرد به شخص یا شیئی غیر از منبع اصلی ابراز می‌شود. این دانش‌آموزان از مکانیسم دفاعی جابجایی استفاده می‌کنند. «وقتی آن حرف‌ها را به من می‌زنند، عصبی می‌شوم و زمانی که مادرم به من چیزی می‌گوید داد می‌زنم و عصبانی می‌شوم» (قربانی قلدری شماره ۳). «بعضی اوقات با مادرم دعوا می‌کنم که چرا رنگ پوست من تیره است تا باعث مسخره کردن همکلاسی‌هایم شود» (قربانی قلدری شماره ۱۰).

۲-۲ اطلاع به والدین

یافته‌های به‌دست‌آمده از پژوهش حاضر نشان می‌دهد که یکی از واکنش‌های رفتاری قربانیان می‌تواند اطلاع دادن دانش‌آموز قربانی به والدین یا عدم اطلاع به آنان باشد. «زمانی که همکلاسی‌هایم من را آزار و اذیت می‌کنند اولین کسی که در خانه به او می‌گویم، مادرم است» (قربانی قلدری شماره ۱۴). «به‌نظرم آن‌قدر با مادرم صمیمی نیستم که بخوام برایش تعریف کنم که در مدرسه چه اتفاقی افتاده است» (قربانی قلدری شماره ۱).



۲-۳ انتقام گرفتن

یافته‌های به‌دست‌آمده از مصاحبه با قربانیان قلدری در پژوهش حاضر نشان می‌دهد که برخی از قربانیان قلدری انتقام گرفتن و به قول خود تلافی کردن را یکی از واکنش‌های خود برای مقابله با رفتارهای ناراحت‌کننده و آزاردهنده افراد قلدر می‌دانستند. «دلم می‌خواست آن موقع آن دختر را بگیرم، مفصل کتک بزنم و تنبیهش کنم، می‌خواهم که مثل خودش رفتار کنم و همان بلا را سرش بیاورم» (قربانی قلدری شماره ۴). «کاش رنگ‌پوست او هم مثل من تیره بود تا من هم او را مسخره می‌کردم» (قربانی قلدری شماره ۱۰).

۲-۴ تلاش در جهت محافظت از عزت‌نفس

یکی دیگر از واکنش‌های رفتاری قربانیان قلدری که از پژوهش حاضر به‌دست آمد، تلاش در جهت حفظ عزت‌نفس بود. این افراد به قول خودشان با کم‌نیاب کردن پیش هم‌کلاسی‌های خود سعی در حفظ خودانگاره و عزت‌نفس خود داشتند. «در آن لحظه می‌خواهم بروم و به او بگویم که چرا پشت سر من شایعه درست می‌کند، ولی از طرفی هم از عواقب آن نگرانم و می‌ترسم» (قربانی قلدری شماره ۱). «می‌خواستم چیزی بگویم و من هم به او فحش بدهم، ولی نمی‌خواستم جلوی هم‌کلاسی‌هایم کم‌بیاورم» (قربانی قلدری شماره ۵).

۲-۵ تخلیه هیجانات

یکی دیگر از واکنش‌های رفتاری که افراد قربانی نسبت به آزار و اذیت دانش‌آموز قلدر از خود نشان می‌دهند گریه کردن است، این افراد با گریه کردن هیجانات منفی خود را تخلیه می‌کنند. «زمانی که آن‌ها مرا اذیت می‌کنند و فحش می‌دهند ناراحت می‌شوم و آن لحظه دوست دارم گریه کنم» (قربانی قلدری شماره ۱۷). «آن لحظه ناراحت می‌شدم و گریه می‌کردم» (قربانی قلدری شماره ۲۱).

۳- واکنش‌های اجتماعی

واکنش فرد قربانی در این حوزه، مقوله‌های فرعی «دوری گزینی (انزوایلی)، احساس طردشدگی و بی‌اعتمادی در روابط» را در برمی‌گیرد.

۳-۱ دوری گزینی (انزوایلی)

در این مقوله، بر اساس یافته‌های این پژوهش، یکی از مهم‌ترین پیامدهای واکنش‌های اجتماعی قربانی شدن در میان دانش‌آموزان قربانی، انزوایلی و گوشه‌گیری از تعاملات اجتماعی بود. آن‌ها عنوان کردند که دیگر تحمل دیدن و یا حرف زدن با آن‌ها را ندارند و در بیشتر موارد با آن‌ها قطع رابطه می‌کنند و همچنین زمانی که آن‌ها مورد زورگویی توسط هم‌سالان خود در مدرسه قرار می‌گیرند، از طرف والدین خود تشویق به بی‌اعتنایی و فراموش کردن عملکرد دانش‌آموز قلدر می‌شوند. طبق یافته‌های پژوهش، برخلاف افراد قلدر، قربانیان قلدری گرایش به سکوت و انفعال داشتند و فقط چند دوست محدود دارند. «مامان و بابایم تصمیم گرفتند که دیگر من با هیچ‌کس دوست نشوم و با همه آن‌ها هم قطع رابطه کنم و بعد از آن با بچه‌های دیگر هم صمیمی نمی‌شدم که حرف دلم را به آن‌ها بگویم» (قربانی قلدری شماره ۲۱). «سعی می‌کنم فراموش کنم تا نگذارم روی درس خواندنم تأثیر بگذارد» (قربانی قلدری شماره ۱۲).

۳-۲ احساس طردشدگی

یکی دیگر از پیامدهای قربانی شدن احساس طردشدگی از سوی دیگران و به‌ویژه هم‌سالان خود بود. این واکنش رفتاری حاکی از آن است که این افراد از طرف افراد قلدر از شرکت در جمع به‌ویژه هم‌سالان خود محروم می‌شدند. «وقتی که حرفی می‌زنم و چیزی می‌گویم می‌گویند کسی با تو حرف نمی‌زند بلندشو و از پیش ما برو» (قربانی قلدری شماره ۶). «خوب



آنها از من دوری می‌کردند، می‌گفتند تو دروغ‌گویی، معلم‌ها با یک دید منفی به من نگاه می‌کردند» (قربانی قلدری شماره ۲۱).

۴- واکنش‌های شناختی

در حوزه واکنش‌های شناختی، مقوله‌های فرعی شامل «حواس‌پرتی (عدم تمرکز) و تلاش در جستجوی راه‌حل» است.

۴-۱ حواس‌پرتی (عدم تمرکز)

یکی از اصلی‌ترین واکنش‌های شناختی قربانی شدن که در میان تجارب این دانش‌آموزان پدیدار بود، حواس‌پرتی، عدم تمرکز، نشخوار فکری و اشتغال‌ذهنی است. این دانش‌آموزان عنوان می‌کردند، زمانی که مورد قلدری قرار می‌گیرند، افکار آنها به شدت مشغول شده و نمی‌توانند حواسشان را متمرکز درس خواندن در مدرسه و خانه کنند. «وقتی مطالعه می‌کنم، زیاد به حرف‌های آنها فکر نمی‌کنم، بلکه بیشتر به این فکر می‌کنم که آنها چرا به من این حرف‌ها را می‌زنند و این‌گونه برخورد می‌کنند» (قربانی قلدری شماره ۷). «سعی می‌کنم که در خانه حرف‌های آنها را فراموش کنم، ولی باوجود این بازهم فکرم مشغول می‌شود که چرا آنها با من این‌گونه رفتار می‌کنند و پشت سر من حرف می‌زنند» (قربانی قلدری شماره ۸). «وقتی که می‌خواهم درس بخوانم، یاد حرف‌های او می‌افتم و حواسم پرت می‌شود» (قربانی قلدری شماره ۲۰).

۴-۲ تلاش در جستجوی راه‌حل

یافته‌های پژوهش حاضر حاکی از آن است که زمانی که دانش‌آموزان مورد زورگویی افراد قلدر قرار می‌گیرند، در پی پیدا کردن راه‌حل مثلاً جرئت‌ورزی، اثبات عمل انجام نداده و قانع کردن فرد قلدر هستند. «پیش او رفتم و به او گفتم پشت سر من حرف نزن، تو یک فرد دورو

هستی، بعدش هم گذاشتم رفتم» (قربانی قلدری شماره ۱). «آن قدر به من گفتن که گفتم ای کاش آن لحظه یک نفر با دوربین فیلم برداری از من فیلم می گرفت تا به او ثابت کنم که من آن حرف‌ها را به مدیر نگفتم، می‌خواهم داد بزنم که من این کار را نکردم» (قربانی قلدری شماره ۱۹).

۵- واکنش‌های تحصیلی

در حوزه واکنش‌های تحصیلی، مقوله‌های فرعی شامل «مدرسه‌گریزی (بی‌انگیزگی نسبت به تحصیل) و کاهش عملکرد تحصیلی» است.

۵-۱ مدرسه‌گریزی (بی‌انگیزگی نسبت به تحصیل)

در این راستا طبق یافته‌های به دست آمده از پژوهش حاضر، تداوم قربانی شدن نه تنها باعث بی‌انگیزگی به امور تحصیل می‌شود، بلکه نوعی دل‌زدگی، نفرت و بی‌زاری از مدرسه را در او ایجاد می‌کند. این افراد، راه خلاصی از دست دانش‌آموزان قلدر را نیامدن به مدرسه می‌پندارند. «به خاطر حرف‌های بدی که پشت سر من می‌زدند، دیگر دلم نمی‌خواست که به مدرسه بروم» (قربانی قلدری شماره ۵). «من ورزش را دوست دارم، ولی به خاطر حرف‌های معلم ورزش از زنگ ورزش بدم می‌آید» (قربانی قلدری شماره ۸).

۵-۲ کاهش عملکرد تحصیلی

طبق یافته‌های به دست آمده از مصاحبه در پژوهش حاضر، با ادامه قربانی شدن توسط هم‌سالان در مدرسه، عملکرد تحصیلی فرد قربانی کاهش می‌یابد. «حواسم پرت می‌شود و نمی‌توانم درس بخوانم، بنابراین سطح نمراتم کاهش پیدا می‌کند» (شرکت‌کننده شماره ۱۳). «نمرات خیلی از درس‌هایم کم شدند و عملکردم در مدرسه پایین آمده است» (قربانی قلدری شماره ۵).



۶- واکنش‌های جسمانی

یکی دیگر از مقوله‌های اصلی که از تحلیل داده‌ها به دست آمد واکنش‌های جسمانی بود که شامل ۲ مقوله «مشکلات جسمانی و مشکلات روان‌تنی» است.

۶-۱ مشکلات جسمانی

طبق یافته‌های پژوهش حاضر قربانی شدن نه تنها پیامدهای روان‌شناختی شدید روی این افراد دارد، بلکه باعث بروز یک سری مشکلات جسمانی از جمله تپش قلب، سردرد، شکم‌درد، گلودرد نیز می‌شود. «فقط زمانی که زیاد عصبانی می‌شوم تپش قلب می‌گیرم». (قربانی قلدری شماره ۷). «در مواقع قلدری دیگران، سرم به شدت درد می‌کند و عصبانی می‌شوم» (قربانی قلدری شماره ۱۱).

۶-۲ مشکلات روان‌تنی

در این راستا یافته‌های پژوهش حاضر حاکی از این بود که پیامدهای قلدری علاوه بر مشکلات جسمانی، مشکلات روان‌تنی مانند اختلال خواب و بی‌اشتهایی عصبی را نیز در پی دارد. «بعضی روزها هم می‌شود که چیزی نمی‌خورم ولی لاغر نمی‌شوم» (قربانی قلدری شماره ۳). «بعضی وقت‌ها از بس ناراحت می‌شوم که نمی‌توانم بخوابم» (قربانی قلدری شماره ۱۳).

۷- واکنش‌های مذهبی

یکی دیگر از مقوله‌های اصلی که از تحلیل داده‌ها به دست آمد واکنش مذهبی بود که شامل ۱ مقوله فرعی «عدم بخشش» است.

۷-۱ عدم بخشایش

بر اساس نتایج حاصل از این پژوهش، یکی دیگر از پیامدهای قلدری، افزایش میزان عدم بخشایشگری در دانش‌آموزان قربانی بود که در پی آزار و اذیت پی‌درپی قلدرها نسبت به قربانیان اتفاق افتاده بود. «نه من تلاشم رو کردم تا فراموش کنم، ولی آن دختر را حلال نکردم و حلال هم نخواهم کرد» (قربانی قلدری شماره ۲۱).

بحث و نتیجه‌گیری

هدف اصلی پژوهش حاضر، به‌دست آوردن واکنش‌های روان‌شناختی قربانیان قلدری در بین دانش‌آموزان دختر بود که به‌صورت مطالعه پدیدار شناختی انجام شده است. نتایج پژوهش حاضر، حاکی از این بود که شایع‌ترین واکنش گزارش‌شده قربانیان قلدری در بین دانش‌آموزان، واکنش روان‌شناختی است، در این راستا اولین مؤلفه موجود در واکنش روان‌شناختی اعتمادبه‌نفس پایین است. ضعف اعتمادبه‌نفس را می‌توان از مهم‌ترین دلایل آسیب‌پذیری کودکان و نوجوانان قربانی قلدری دانست. به نظر می‌رسد اعتمادبه‌نفس پایین در دانش‌آموزان قربانی قلدری، می‌تواند یکی از دلایل زمینه‌ساز هدف قرار گرفتن آن‌ها به‌عنوان یک گزینه ایده‌آل قربانی شدن از سوی افراد قلدر باشد (بریتو و الیورا^۱، ۲۰۱۳). برخلاف قربانیان قلدری، افراد قلدر عزت‌نفس بالایی دارند که به آنان اجازه می‌دهد رفتارهای ضداجتماعی خود را موجه نشان دهند و آنان را به رفتارهای قلدرانه ترغیب کند، اما قربانیان قلدری عموماً عزت‌نفس پایینی دارند، اگرچه معلوم نیست که آیا عزت‌نفس پایین، آنان را هدف قلدری قرار می‌دهد یا قربانی شدن، عزت‌نفس آنان را تخریب می‌کند (جوونن و گراهام^۲، ۲۰۱۴). طبق نظریه سلسله‌مراتب نیازهای مزلو (۱۹۷۰)، پس از ارضای نیازهای جسمانی، نیازهای مربوط به احساس امنیت، عدم‌نگرانی خاطر، محیطی امن و به دور از تهدید و خطر، جای نیازهای قبلی

^۱ Brito & Oliveira

^۲ Juvonen & Graham



را می‌گیرند. افرادی که قربانی شده‌اند قادر به دریافت حداکثر بهره از آموزش و یادگیری در مدرسه نخواهند بود، چون بیشتر انرژی این افراد برای تلاش در جهت حفظ امنیت صرف می‌شود (اومورا^۱، ۲۰۱۱). نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که میان تجارب این دانش‌آموزان از قربانی شدن، نوعی عدم اعتماد و ترس از فاش شدن اسرار درونی‌شان نهفته است. این دانش‌آموزان زمانی که رفتار و برخورد بد بعضی از همکلاسی‌های خود را می‌بینند، نمی‌توانند دیگر به آن‌ها اعتماد کنند.

به‌طور کلی، قربانیان گزارش داده‌اند که سطح استرس روانی بالایی دارند و قربانی شدن به‌طور مکرر منجر به یک حالت مزمن از استرس و به‌خطر افتادن رشد سالم کودکان می‌شود (رایگبی، ۱۹۹۸). یافته‌های این پژوهش، حاکی از آن است که یکی از اصلی‌ترین پیامدهای قربانی شدن، خشونت و پرخاشگری فرد قربانی در طی تداوم قلدری از طرف دانش‌آموزان دیگر مخصوصاً هم‌سالان خود است. پرخاشگری را از این منظر که در محدوده روابط متقابل اجتماعی بروز می‌یابد، می‌توان پدیده‌ای اجتماعی- روانی تلقی نمود. در پرخاشگری به مفهوم بی‌توجهی به عواقب و پیامدهای عملی که منجر به آسیب به دیگران می‌گردد تأکید می‌شود (محسنی تبریزی و رحمتی، ۱۳۸۱). کودکان با عزت نفس پایین بیشتر در خطر قربانی شدن هستند و این افزایش منجر به پایین آمدن عزت نفس در سال‌های مدرسه می‌شود (ایگن و پری^۲، ۱۹۹۸). مضاف‌براین، نتایج نشان داد که افراد قربانی در تنظیم هیجان ناموفق هستند و واکنش نامناسبی را در فرایند قلدری از خود نشان می‌دهند. افراد قربانی، به‌ویژه دختران در مقایسه با سایر افراد احساس کنترل کمتری بر موقعیت دارند و به‌نوعی دچار درماندگی آموخته‌شده هستند.

تحقیقات نشان داده‌اند کودکانی که دچار نواقصی در مهارت‌های مطلوب ارتباطی و اجتماعی هستند، یا به‌تدریج تبدیل به دانش‌آموزانی منزوی و گوشه‌گیر و با روابط اجتماعی پایین با دیگران می‌شوند و واضح است که می‌توانند هدف مناسبی برای قربانی شدن شوند و

^۱ . O'Moore

^۲ . Egan & Perry

یا پرخاشگر و تهاجمی هستند و توسط همسالان در مدرسه طرد می‌شوند. این گروه دوم کودکان در معرض خطر که توانایی برقراری ارتباط با دیگران را ندارند، برای گریز از احساس تنهایی، ناامیدی، بی‌ارزشی و عدم پیوند ممکن است به مکانیزم‌های دفاعی مانند انجام رفتارهای پرخاشگرانه روی آورند (حسینی، هاشمی، واحدی و اکبری، ۱۳۹۶). از جمله پیامدهای دیگر قلدری که قربانیان آن تجربه می‌کنند، می‌توان به نارسایی‌های شناختی اشاره کرد. نارسایی‌های شناختی عبارت است از ناتوانی فرد در تکمیل تکالیفی که به‌طور طبیعی قادر به انجام آن است. نارسایی‌های شناختی شامل حواس‌پرتی، مشکلات مربوط به حافظه، اشتباهات سهوی و عدم یادآوری اسامی است (والاس و سلتا^۱، ۲۰۰۴).

بسیاری از کودکان قربانی قلدری اغلب دچار شکست تحصیلی، افت تحصیلی، ترک تحصیل و درماندگی آموخته‌شده، گوشه‌گیری، انزوا و افسردگی می‌شوند. به‌عبارت‌دیگر کودکان و نوجوانان قربانی قلدری به‌تدریج احساس خود ارزشمندی‌شان به حداقل می‌رسد و عزت‌نفس آن‌ها از بین می‌رود، در نتیجه انگیزه آن‌ها برای انجام کارها به حداقل کاهش می‌یابد و لذا دچار شکست‌های مکرر می‌شوند و این شکست‌ها این باور را در آن‌ها به وجود می‌آورد که هیچ‌گاه انسان موفقی نخواهند شد، بنابراین، از تلاش خود کم می‌کنند و به توانمندی و استعداد‌های خود با دیده تردید نگاه می‌کنند و عملاً دست به تجربیات جدید نمی‌زنند و با مراجعه به تجربیات تلخ و ناموفق حالت قربانی شدن در آنان استمرار می‌یابد.

مطالعات نشان می‌دهد که بین قربانی شدن و مشکلات جسمانی رابطه وجود دارد. نتایج نشان می‌دهد که دانش‌آموزان قربانی از مشکلات جسمانی متعددی شامل: مشکلات خواب، دردهای شکمی، دردهای جسمی، اختلالات خوردن، اسهال و یبوست رنج می‌برند (هوبرف تارکوینوتویلر و هورگیت^۲، ۲۰۰۶). در این راستا یافته‌های پژوهش حاضر حاکی از این بود که پیامدهای قلدری علاوه بر مشکلات جسمانی، مشکلات روان‌تنی مانند اختلال خواب و بی‌اشتهایی عصبی را نیز در پی دارد.

^۱ . Valàs & Sletta

^۲ . Houbre, Tarquinio, Thuillier & Hergott



یکی دیگر از واکنش‌هایی که دانش‌آموزان قربانی نسبت به دانش‌آموزان قلدر از خود نشان می‌دهند، حلال نکردن و نبخشیدن آن‌هاست. بخشایشگری به‌عنوان رفتاری که مانع از پاسخ‌های تلافی‌جویانه شده و منجر به پاسخ‌های مسالمت‌آمیز رفتاری سودمند عاطفی و شناختی می‌شود، توصیف شده است (زچمیستر و رومرو^۱، ۲۰۰۲). در حیطه‌ی روان‌شناسی مثبت‌گرا صاحب‌نظران (سیلگمن و سیکزیت میهالی، ۲۰۰۴)، بخشایشگری را به‌عنوان فضیلت قلمداد کرده و ارزش سلامتی را برافزوده‌اند. در دیدگاه این گروه از افراد عدم توانمندی در بخشایشگری و تمایل به انتقام‌جویی، رفتاری آسیب‌زا به حساب می‌آید (نعمتی، ۱۳۹۶).

نتیجه پژوهش حاضر حاکی از این بود که با توجه به اثرات منفی قلدری بر ویژگی‌های روان‌شناختی، اجتماعی، تحصیلی و جسمانی دانش‌آموزان، انجام مداخلات پیشگیرانه آموزشی، اجتماعی و روان‌شناختی برای کمک به قربانیان قلدری در مدارس پیشنهاد می‌شود. همچنین پیشنهاد می‌شود که این پژوهش بر روی دانش‌آموزان پسر هم صورت پذیرد تا هم امکان تعمیم‌پذیری نتایج افزایش پیدا کند و هم اینکه تفاوت انواع رایج قلدری در هر دو جنسیت مشخص شود. از محدودیت‌های پژوهش می‌توان به این نکته اشاره کرد که چون این مطالعه بر روی دانش‌آموزان دختر دوره اول متوسطه انجام شده، تعمیم نتایج این پژوهش بر روی سایر مقاطع و همچنین دانش‌آموزان پسر با احتیاط صورت پذیرد.

سپاس‌گزاری

در پایان از همکاری مدیران، معلمان و دانش‌آموزان مدرسی که در این مطالعه، با ما همکاری داشته‌اند، نهایت تقدیر و تشکر می‌شود.

^۱ . Zechmeister & Romero

تأییدیه اخلاقی

در جهت رعایت اصول اخلاقی، به دانش‌آموزان اطلاع داده شد که از مصاحبه‌ی آن‌ها در نتایج این پژوهش بدون ذکری از نام آن‌ها استفاده خواهد شد.

تعارض منافع

نتایج این پژوهش با هیچ نهاد، سازمان و ارگانی در تضاد نیست.



منابع

- بیرامی، منصور و علائی، پروانه. (۱۳۹۲). قلدری در مدارس راهنمایی دخترانه: نقش شیوه‌های فرزند پروری و ادراک از محیط عاطفی خانواده. *مجله روان‌شناسی مدرسه*، ۲(۳)، ۳۸-۵۶.
- تقی‌زاده، اکرم؛ زارع، مهدی و شفیع‌آبادی، عبدالله. (۱۳۹۳). رابطه بین پذیرش اجتماعی و خودکارآمدی تحصیلی با قلدری در دانش‌آموزان دختر مقطع راهنمایی شهر گناباد. *مجله پژوهش و سلامت*، ۴(۲)، ۷۲۱-۷۲۷.
- حسینی، سیدعدنان؛ هاشمی، تورج، واحدی، شهرام و اکبری، کمال. (۱۳۹۵). اثربخشی آموزش شناختی ارتقا بر میزان قربانی شدن عاطفی دانش‌آموزان دختر قربانی قلدری دوره متوسطه دوم. *مجله پژوهش‌های علوم شناختی و رفتاری*، ۶(۱)، ۶۳-۷۵.
- دره، ایمان؛ بنی‌جمالی، شکوه‌السادات و واحدی، حسن. (۱۳۹۸). نقش واسطه‌ای هوش هیجانی در رابطه‌ی سبک‌های فرزند پروری و قلدری. *مجله مطالعات روان-شناختی*، ۱۵(۱)، ۷-۲۲.
- سپهریان‌آذر، فیروزه؛ محمدی، نادر و بلوتک، حسین. (۱۳۹۳). بررسی میزان شیوع قلدری و مقایسه پیشرفت تحصیلی، سلامت عمومی و خودکارآمدی اجتماعی در نوجوانان با رفتاری قلدری و عادی. *مجله پژوهش‌های کاربردی در روان‌شناسی*، ۱(۲)، ۲۳-۳۲.
- محسنی تبریزی، علیرضا و رحمتی، محمدمهدی. (۱۳۸۱). سیری در مفاهیم و نظریه‌های خشونت پرخاش و پرخاشگری به‌منظور ساخت و ارائه یک مدل علی - توصیفی خشونت در ورزش. *مجله مطالعات جامعه‌شناختی*، ۱۹(۱۹)، ۵۳-۱۲۵.
- نعمتی، شهرروز. (۱۳۹۶). مقایسه الگوی روان‌شناختی بخشایش‌گری غربی با بخشایش‌گری در قرآن. *مجله پژوهش‌های اخلاقی*، ۲۷، ۱۳۹-۱۵۰.
- Adams, F. D., & Lawrence, G. J. (2011). Bullying victims: The effects last into college. *American Secondary Education*, 40(1), 4-13.
- Arseneault, L., Bowes, L., & Shakoor, S. (2010). Bullying victimization in youths and mental health problems: 'Much ado about nothing'? *Psychological medicine*, 40(5), 717-729.
- Bacon, A. M., Lenton-Maughan, L., & May, J. (2018). Trait emotional intelligence

- and social deviance in males and females. *Personality and Individual Differences*, 122, 79-86.
- Bayrami, M., & Alaie, P. (2014). Bullying in female middle schools: the role of parenting styles and perception of family's emotional environment. *Quarterly Journal of School Psychology Statute*, 2(3), 38-56. [Text in Persian]
- Brito, C. C., & Oliveira, M. T. (2013). Bullying and self-esteem in adolescents from public schools. *Jornal de Pediatria*, 89(6), 601-607.
- Caravita, S. C., Di Blasio, P., & Salmivalli, C. (2009). Unique and interactive effects of empathy and social status on involvement in bullying. *Social development*, 18(1), 140-163. <http://dx.doi.org/10.1111/j.1467-9507.2008.00465.x>.
- Cillessen, A. H., & Mayeux, L. (2004). From censure to reinforcement: Developmental changes in the association between aggression and social status. *Child Development*, 75(1), 147-163.
- Colaizzi, P.F. (1978) Psychological research as a phenomenologist views it. In: Valle, R.S. and King, M., Eds., *Existential-Phenomenological Alternatives for Psychology*, (pp.48-71). Oxford University Press, New York.
- Cornell, D., Gregory, A., Huang, F., & Fan, X. (2013). Perceived prevalence of teasing and bullying predicts high school dropout rates. *Journal of Educational Psychology*, 105(1), 138-149. <http://dx.doi.org/10.1037/a0030416>
- Corvo, K., & DeLara, E. (2010). Bowlby's ghost: Political and moral reverberations of attachment theory. *Attachment: New Directions in Relational Psychoanalysis and Psychotherapy*, 4(1), 59-67.
- Creswell, J. W., Hanson, W. E., Clark Plano, V. L., & Morales, A. (2007). Qualitative research designs: Selection and implementation. *The counseling psychologist*, 35(2), 236-264.
- Dorreh, E., Banijamali, S., Ahadi, H. (2019) Mediation Effect of Emotional Intelligence of the Relationship Between Parenting Styles and Bullying. *Quarterly Journal of Psychological Studies*, 15(1), 7-22. [Text in Persian].
- Egan, S. K., & Perry, D. G. (1998). Does low self-regard invite victimization?. *Developmental psychology*, 34(2), 299.
- Ellis, C., Bochner, A., Denzin, N., Lincoln, Y., Morse, J., Pelias, R., & Richardson, L. (2008). Talking and thinking about qualitative research. *Qualitative inquiry*,



14(2), 254-284.

- Eslea, M., Menesini, E., Morita, Y., O'Moore, M., Mora- Merchán, J. A., Pereira, B., & Smith, P. K. (2004). Friendship and loneliness among bullies and victims: Data from seven countries. *Aggressive Behavior: Official Journal of the International Society for Research on Aggression*, 30(1), 71-83. <http://dx.doi.org/10.1002/ab.20006>.
- Espelage, D. L., Holt, M. K., & Henkel, R. R. (2003). Examination of peer-group contextual effects on aggression during early adolescence. *Child Development*, 74(1), 205-220. <http://dx.doi.org/10.1111/1467-8624.00531>.
- Farrington, D. P. (1993). Understanding and preventing bullying. *Crime and justice*, 17, 381-458.
- Fox, C. L., & Boulton, M. J. (2006). Longitudinal associations between submissive/nonassertive social behavior and different types of peer victimization. *Violence and victims*, 21(3), 383.
- Gifford-Smith, M. E., & Brownell, C. A. (2003). Childhood peer relationships: Social acceptance, friendships, and peer networks. *Journal of school psychology*, 41(4), 235- 284. [http://dx.doi.org/10.1016/S0022-4405\(03\)00048-7](http://dx.doi.org/10.1016/S0022-4405(03)00048-7).
- Gini, G., Pozzoli, T., Borghi, F., & Franzoni, L. (2008). The role of bystanders in students' perception of bullying and sense of safety. *Journal of School Psychology*, 46(6), 617-638. <http://dx.doi.org/10.1016/j.jsp.2008.02.001>.
- Goodboy, A. K., Martin, M. M., & Goldman, Z. W. (2016). Students' experiences of bullying in high school and their adjustment and motivation during the first semester of college. *Western Journal of Communication*, 80(1), 60-78.
- Harel-Fisch, Y., Walsh, S. D., Fogel-Grinvald, H., Amitai, G., Pickett, W., Molcho, M., ... & Craig, W. (2011). Negative school perceptions and involvement in school bullying: A universal relationship across 40 countries. *Journal of adolescence*, 34(4), 639-652. <http://dx.doi.org/10.1016/j.adolescence.2010.09.008>.
- Hossaini, A., Hashemi, T., Vahedi, Sh. Akbari, K. (2016). The Effect of Cognitive Hope Enhancing Training on Emotional Victimization of Female High School Students. *Research Cognitive and Behavioral Science*, 6(1)63-75. [Text in Persian].
- Houbre, B., Tarquinio, C., Thuillier, I., & Hergott, E. (2006). Bullying among students and its consequences on health. *European Journal of Psychology of*

- Education*, 21(2), 183-208.
- Hulsey, C. (2008). *Examining the psychometric properties of self-report measures of bullying: Reliability of the peer relations questionnaire* (Doctoral dissertation, Wichita State University).
- James, A. (2010). School bullying. *Research briefing*. Nedlastet fra: www.nspcc.org.uk/inform, 26, 2012.
- Jimerson, S. R., Swearer, S. M., & Espelage, D. L. (Eds.). (2010). *Handbook of bullying in schools: An international perspective*. New York, NY: Routledge.
- Juvonen, J., & Graham, S. (2014). Bullying in schools: The power of bullies and the plight of victims. *Annual review of psychology*, 65, 159-185.
- Kärnä, A., Voeten, M., Poskiparta, E., & Salmivalli, C. (2010). Vulnerable children in varying classroom contexts: Bystanders' behaviors moderate the effects of risk factors on victimization. *Merrill-Palmer Quarterly*, 56(3), 261-282.
- Lester, L., Cross, D., & Shaw, T. (2012). Problem behaviours, traditional bullying and cyberbullying among adolescents: Longitudinal analyses. *Emotional and Behavioural Difficulties*, 17(3-4), 435-447.
- Martín-Antón, L. J., Monjas, M. I., García Bacete, F. J., & Jiménez-Lagares, I. (2016). Problematic social situations for peer-rejected students in the first year of elementary school. *Frontiers in psychology*, 7, 1925. <http://dx.doi.org/10.3389/fpsyg.2016.01925>.
- Merrell, K. W., & Gueldner, B. A. (2010). *Social and emotional learning in the classroom: Promoting mental health and academic success*. Guilford Press.
- Mohseni Tabrizi, A. R., Rahmati, M. M. (2002). A review in the concepts and theories of aggressive violence and aggression for constructing and presenting causal-descriptive model of violence in sport. *Sociological review*, 19(19), 53-125. [Text in Persian]
- Nemati, Sh. (2017). A Comparison of Western Psychological Forgiveness Model with that of Quran's. *Ethical Research*, 7(3), 139-150. [Text in Persian].
- Olweus, D. (1994). Bullying at school. In *Aggressive behavior* (pp. 97-130). Springer, Boston, MA.
- Olweus, D. (1999). Sweden. In P. K. Smith, Y. Morita, Junger-Tas, D. Olweus, R. Catalano & P. Slee (Eds.). *The nature of school bullying: A cross-national perspective* (pp. 7-28). London: Routledge.



- Olweus, D., & Limber, S. P. (2010). Bullying in school: Evaluation and dissemination of the Olweus bullying prevention program. *American Journal of Orthopsychiatry*, 80, 124–134. <http://dx.doi.org/10.1111/j.1939-0025.2010.01015.x>
- O'Moore, M. (2011). *Understanding school bullying: A guide for parents and teachers*. Veritas Publications Limited.
- Patchin, J. W., & Hinduja, S. (2011). Traditional and nontraditional bullying among youth: A test of general strain theory. *Youth & Society*, 43(2), 727-751.
- Rigby, K. (1998). The relationship between reported health and involvement in bully/victim problems among male and female secondary schoolchildren. *Journal of Health Psychology*, 3(4), 465-476.
- Rigby, K. (2013). Bullying in schools and its relation to parenting and family life. *Family Matters*, (92), 61.
- Rodkin, P. C., & Hodges, E. V. E. (2003). Bullies and victims in the peer ecology: Four questions for psychologists and school professionals. *School Psychology Review*, 32(3), 384–400.
- Sansone, R. A., & Sansone, L. A. (2008). Bully victims: psychological and somatic aftermaths. *Psychiatry (Edgmont)*, 5(6), 62.
- Seixas, S., Coelho, J., & Nicholas-Fischer, G. (2013). Bullies, victims and bully-victims: Impact on health profile. *Educação, Sociedade & Culturas*, 38, 53-75.
- Sepehrian azar, F., Mohammadi, N., & Blookak, H. (2014). The Study of Prevalence of Bullying and Comparing the Academic Achievement, Social Self- Efficacy and General Health of Adolescents with Bully and Ordinary Behavior. *Applied Research in Education Psychology*, 1(2), 23-32. [Text in Persian].
- Skapinakis, P., Bellos, S., Gkatsa, T., Magklara, K., Lewis, G., Araya, R., ... Mavreas, V. (2011). The association between bullying and early stages of suicidal ideation in late adolescents in Greece. *BMC Psychiatry*, 11(22), 1–9. <http://dx.doi.org/10.1186/1471-244X-11-22>.
- Taqizadeh, A., Zare, M., & Shafii Abadi, A. (2014). The relationship between social acceptance and educational self-efficacy and bullying behavior among middle school female students of Gonabad city. *Health Research Journal*, 4(2), 721-727. [Text in Persian]
- Thornberg, R., & Jungert, T. (2013). Bystander behavior in bullying situations: Basic moral sensitivity, moral disengagement and defender self-efficacy.

Journal of Adolescence, 36, 475–483. <http://dx.doi.org/10.1016/j.adolescence.2013.02.003>.

- Valås, H., & Sletta, O. (2004). Blending attitudes and motivation: a key cocktail. *Key Issues in Organisational Communication, London: Routledge*.
- Vivolo-Kantor, A. M., Martell, B. N., Holland, K. M., & Westby, R. (2014). A systematic review and content analysis of bullying and cyber-bullying measurement strategies. *Aggression and violent behavior, 19*(4), 423-434.
- Wang, J., Nansel, T. R., & Iannotti, R. J. (2011). Cyber and traditional bullying: Differential association with depression. *Journal of adolescent health, 48*(4), 415-417.
- Zechmeister, J. S., & Romero, C. (2002). Victim and offender accounts of interpersonal conflict: Autobiographical narratives of forgiveness and unforgiveness. *Journal of personality and social psychology, 82*(4), 675.



نویسندگان

sh.nemati@tabrizu.ac.ir

شهرزاد نعمتی

دانشیار روان‌شناسی و آموزش کودکان استثنایی، گروه علوم تربیتی، دانشگاه تبریز

رحیم بدری گرگری

استاد ممتاز روان‌شناسی تربیتی، گروه علوم تربیتی، دانشگاه تبریز

رقیه صدر

کارشناس ارشد روان‌شناسی تربیتی، گروه علوم تربیتی، دانشگاه تبریز

آرام کاتورانی

کارشناس ارشد روان‌شناسی تربیتی، گروه علوم تربیتی، دانشگاه تبریز

تعهد زناشویی، احساس تنهایی و هیجان خواهی در پیش‌بینی ترجیحات و انگیزه‌های باروری زنان

زهره سعیدی

کارشناس ارشد روان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب

نسیم نوری*

دکتری تخصصی روان‌شناسی، استادیار مدعو دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب

چکیده

پژوهش حاضر با هدف پیش‌بینی ترجیحات و انگیزه‌های باروری زنان براساس تعهد زناشویی، احساس تنهایی و هیجان‌خواهی انجام گرفت. این پژوهش از نوع همبستگی بود و ۲۲۵ شرکت‌کننده زن، در سنین باروری ۲۰ تا ۴۵ سال، از کارمندان ادارات دولتی شهر تهران در سال ۱۳۹۷، به روش نمونه‌برداری هدفمند و در دسترس، انتخاب شدند. در این پژوهش از مقیاس ترجیحات و انگیزه‌های باروری میلر، سیاهه تعهد زناشویی آدامز و جونز، مقیاس هیجان‌خواهی زاگرم، آیزنک و آیزنک و مقیاس احساس تنهایی اجتماعی-عاطفی بزرگسالان دی‌توماسو، برانن و بست استفاده شد. نتایج آزمون همبستگی نشان داد که بین ترجیحات باروری و تعهد اخلاقی ارتباط منفی، و بین انگیزه‌های مثبت باروری با تعهد شخصی، تعهد اخلاقی و بین انگیزه‌های منفی باروری با تعهد اخلاقی، تعهد ساختاری، تنهایی خانوادگی، تنهایی اجتماعی، ماجراجویی و هیجان‌خواهی ارتباط مثبت معناداری وجود دارد. همچنین نتایج تحلیل رگرسیون نشان داد که به ترتیب احساس تنهایی، هیجان‌خواهی و تعهد زناشویی، توان پیش‌بینی ترجیحات و انگیزه‌های باروری زنان را دارند. این نتایج می‌تواند اهمیت نیاز مشاوره روانشناختی زوجین پیش از تصمیم باروری را نشان دهند.

*نویسنده مسئول nasim.nouri2@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۷/۲۲

تاریخ ارسال: ۱۳۹۸/۲/۲۱

DOI: 10.22051/JWSPS.2020.26027.1998

واژگان کلیدی

ترجیحات باروری، انگیزه‌های باروری، تعهد زناشویی، هیجان خواهی، احساس تنهایی

مقدمه و طرح مسئله

گرایش به فرزندآوری^۱ یکی از اهداف مهم زندگی زناشویی و از موارد دارای اهمیت خانواده‌ها به لحاظ اجتماعی و زیستی است (عنایت و پرنیان، ۱۳۹۲). آمارها نشان می‌دهند میزان باروری در ایران از ۷/۷ درصد در سال ۱۳۴۹ به ۶ درصد در سال ۱۳۵۵ کاهش یافت و سپس در سال ۱۳۵۹ به ۷ رسید. سپس از ۶/۸ در سال ۱۳۶۳ به ۵/۵ در سال ۱۳۶۷ رسید. این کاهش کند بود تا اینکه برنامه تنظیم خانواده دولت در سال ۱۳۶۸ روند کاهشی باروری را تسریع کرد به طوری که این میزان به ۲/۸ در سال ۱۳۷۴ تنزل کرد. در دوره ۱۳۸۴-۱۳۸۹ این نرخ به ۱/۸۹ و در سال ۱۳۹۱ به ۱/۹ رسید. (عباسی شوازی، ۲۰۰۱). طبق نظر مک‌دونالد^۲ (۲۰۰۰)، از آنجاکه باروری نمی‌تواند تنها از طریق شرایط اقتصادی تبیین شود، ارزیابی ارزش‌ها و نگرش‌های غیراقتصادی در انگیزه‌های باروری نیز اهمیت دارد. در جوامع پیشرفته، مقوله‌هایی چون تازگی، هیجان و سرگرمی، خلاقیت، کامل شدن و نظایر آن، علایق جدی والدین برای فرزنددار شدن را آشکار می‌سازد (منصوریان، ۱۳۸۵). ترجیحات باروری مبین احساسات و آرزوهای هیجانی است که از دیدگاه میلر^۳ (۲۰۱۱)، شامل ابعادی نظیر میل به فرزندآوری، تعداد دلخواه فرزند و فاصله زمانی فرزندآوری است و انگیزه‌های باروری در دیدگاه او شامل انگیزه‌های مثبت و منفی هستند. انگیزه‌های مثبت شامل دلایل هر شخص برای خواستن فرزند، لذت بارداری، تولد و کودکی، دیدگاه سنتی، رضایت از فرزندپروری، احساس نیاز و بقا و انگیزه‌های منفی شامل دلایل نخواستن فرزند است که شامل ترس از والد

1. child bearing

2. MacDonald, B

3. Miller, B



شدن، استرس‌های والدین و چالش‌های مراقبتی فرزند می‌شود. رفتار باروری در بسیاری از جوامع تحت تأثیر ترجیحات و انگیزه‌های باروری قرار دارد. آماتو (۲۰۰۴)، معتقد است که تعهد باعث حفظ و بقای ارتباط در زندگی زوجین می‌شود و بیان می‌کند که چون در خانواده‌های متعهد اعضا نه تنها خود را وقف آسایش و بهزیستی خانواده می‌کنند بلکه در رشد و تعالی هم نیز می‌کوشند، همین امر عاملی برای تمایل به افزایش فرزندآوری آن‌ها محسوب می‌شود. پژوهش سفرچی‌تیل (۱۳۹۱)، نشان می‌دهد که بین تعهد زناشویی و کیفیت رابطه زناشویی رابطه مثبت و معنادار وجود دارد و نتایج پژوهش رضایی (۱۳۸۹) تاکید می‌کند که تا زوجین تعهد ازدواج را جدی نگیرند نمی‌توانند به ساختار زندگی زناشویی سالم و مطلوب برسند. تحقیقات رینولد و منسفیلد^۱ (۱۹۹۹)، کوهان و کلینباوم^۲ (۲۰۰۲)، به این نتیجه رسید که تعهد زناشویی دومین عامل حفظ‌کننده ازدواج و فرزندآوری است و اسدپور، نظری، ثنایی و تبریزی (۱۳۹۱)، نیز نشان دادند صمیمیت که از مقوله‌های مهم تعهد زناشویی است به ثبات و استحکام روابط زوج‌ها و در ادامه آن تثبیت خانواده و فرزندآوری می‌انجامد. بررسی اسحاقی، محبی، پاپی نژاد و جهاندار (۱۳۹۳)، نیز موید این مطلب است که برخی از زوج‌ها که هنوز به تداوم زندگی زناشویی خود اطمینان ندارند و اختلافات زناشویی و کشمکش دارند، تمایلی به فرزندآوری ندارند تا بدین نحو زندگی فرزندشان از طلاق متأثر نشود. از دیدگاه مک‌کارتی^۳ (۱۹۹۹)، تعهد زناشویی^۴ به معنای وفادار ماندن به خانواده و اعضای آن هنگام غم و شادی، وقایع خوشایند و ناخوشایند زندگی است و تعهد بر مبنای احساس و عاطفه و بر پایه قصد و نیت است. در این دیدگاه، از آنجا که یکی از مهم‌ترین آسیب‌های عدم تعهد زناشویی، کاهش رضایت جنسی است (شاه سیاه، بهرامی و محبی، ۱۳۸۸)، انتظار می‌رود بی‌وفایی در میان زوجین بر تمایلات آن‌ها بر فرزندآوری نیز اثرگذار باشد. مطابق مدل آدامز^۵

^۱ Reynold & Mansfield

^۲ Cohan & Kleinbaum

^۳ McCarthy, G

^۴ marital commitment

^۵ Adams, M

و جونز^۱ (۱۹۹۷)، تعهد زناشویی مشتمل بر سه بعد تعهد نسبت به همسر (تعهد شخصی)، تعهد نسبت به ازدواج (تعهد اخلاقی) و محدودیت اجتماعی (تعهد ساختاری) است. متغیر دیگری که می‌تواند با ترجیحات و انگیزه‌های باروری زوجین مرتبط باشد هیجان‌خواهی^۲ است. زاکرمن^۳ (۱۹۹۴) معتقد بود هیجان‌خواهی جستجوی هیجان‌ها و تجربه‌های متنوع، تازه، پیچیده و پرشور و استقبال از خطرات بدنی، اجتماعی، قانونی و مالی به خاطر این تجربه‌هاست. هیجان با تجربه مختلف، جدید و پیچیده و به نوعی با عامل خاطر در ارتباط است (رابرتی^۴، ۲۰۰۴). خداپناهی (۱۳۷۴)، نقش هیجان‌خواهی را در تفهیم روابط زناشویی مطالعه کرد و بیان داشت که بین هیجان‌خواهی زوج‌های سازگار همبستگی معناداری وجود دارد و زرگر، نجاریان و نعمانی (۱۳۸۷)، در پژوهشی بر روی زوجین دریافتند که زوجینی که هیجان‌خواهی بالاتری دارند، سازگاری زناشویی پایینی دارند. افراد هیجان‌خواه بنا به گفته شولتز (۱۳۹۰)، از لحاظ شخصیتی افرادی خودمحور، برون‌گرا، خودمختار، جسور، ناهم‌رنگ با جماعت هستند و جلوی هیجان‌های خود را نمی‌گیرند و از لحاظ نگرش‌های جنسی آسان‌گیر هستند و به محرک‌های تازه پاسخ‌های فیزیولوژیکی نیرومندتری نشان می‌دهند. از آنجا که طبق پژوهش‌های ذکر شده هیجان‌خواهی زوجین با سازگاری و رضایت روابط زناشویی مرتبط است و کیفیت رابطه زناشویی می‌تواند تمایل و ترجیحات فرزندپروری را تحت تاثیر قرار دهد و افراد هیجان‌خواه ممکن است به لحاظ فرزندآوری نیز ویژگی‌های خاصی داشته باشند، ارتباط این متغیر با متغیرهای ملاک این پژوهش مد نظر قرار می‌گیرد. احساس تنهایی نیز از دیگر متغیرهایی است که در این پژوهش انتظار می‌رود پیش‌بین ترجیحات و انگیزه‌های باروری باشد. احساس تنهایی یک هیجان بنیادی و یکی از قوی‌ترین تجربیات انسانی است (وود، ۱۹۸۶) و یک تجربه منفی شدید است که فرد از به یادآوری آن فعالانه اجتناب می‌کند (ویس، ۱۹۷۳، ریچمن، ۱۹۵۹). احساس تنهایی را به گفته جوکار و

^۱ . Jones, W.H

^۲ emotion seeking

^۳ Zuckerman, M.

^۴ Roberly, J.W.



سلیمی (۱۳۹۰) ممکن است هر شخصی و در هر مقطعی از زندگی تجربه کند و به عبارتی یک حقیقت اساسی زندگی بشری است که محدود به مرزهای سنی، جنسی، نژادی، اقتصادی یا جسمی خاص نیست. براساس دیدگاه هچت و باوم (۱۹۸۴)، تهدید جدایی و کیفیت دلبستگی در افراد نایمن باعث احساس تنهایی می‌شود و ویس (۱۹۷۳)، بیان می‌کند که احساس تنهایی به دو دسته عاطفی و اجتماعی تقسیم می‌شود که احساس تنهایی عاطفی از دلبستگی نابسند به خانواده، دوستان و افراد نزدیک ناشی می‌شود در حالی که احساس تنهایی اجتماعی از تعداد ناکافی رفاقت‌ها و دوستی‌ها ناشی می‌شود. کلرمن (۱۹۸۶)، نقل از چلپی و امیرکافی، (۱۳۸۳)، معتقد است احساس تنهایی از نقص در روابط نزدیک و اختلال در هم‌بندی‌های اجتماعی یا انسجام اجتماعی ناشی می‌شود. مدت زمانی که فرد در تنهایی به سر می‌برد تعیین‌کننده اساسی میزان احساس تنهایی در او نیست بلکه تهدید جدایی و کیفیت دلبستگی که در افراد نایمن تجربه می‌شود در احساس تنهایی نقش دارد (هچت^۱ و باوم^۲، ۱۹۸۴؛ ویس^۳، ۱۹۷۳). آمارها حاکی از آن است که از هر چهار نفر در جهان یک نفر از احساس تنهایی رنج می‌برد (جوکار و سلیمی، ۱۳۹۰).

بررسی هر یک از این متغیرها و سنجش نحوه ارتباط آن‌ها با ترجیحات و انگیزه‌های باروری می‌تواند به فهم اینکه چرا زوجین در ترجیحات و انگیزه‌های فرزندآوری خود با یکدیگر متفاوت هستند کمک کند و لذا پژوهش حاضر، با در نظر گرفتن ابعاد پیشینه علمی این متغیرها، در جستجوی پاسخ به این سوال است که آیا تعهد زناشویی، هیجان خواهی و احساس تنهایی، ترجیحات و انگیزه‌های باروری را پیش‌بینی می‌کنند؟

^۱ Hecht, D.

^۲ Baum, S.

^۳ Weiss, J. M.

روش پژوهش

طرح پژوهش حاضر توصیفی از نوع همبستگی بود. جامعه آماری این پژوهش را زنان در سنین باروری ۲۰ تا ۴۵، که در سال ۱۳۹۷، کارمند ادارات دولتی شهر تهران بودند، تشکیل می‌داد. هدف از انتخاب زنان کارمند این بود که متغیر شغل در گروه نمونه کنترل شود و همه زنان مورد مطالعه در این ویژگی یکسان باشند، زیرا از دیدگاه زنان کارمند، فرزندآوری شرایطی است که می‌تواند شرایط شغلی و احتمال ادامه شغل را در آنان تحت تاثیر قرار دهد. در این پژوهش از روش نمونه برداری در دسترس استفاده شد. بنا به نظر کلاین^۱ (۲۰۱۰) به ازای هر خرده مقیاس ابزارها، تعدادی بین ۱۰ تا ۲۰ نفر در نظر گرفته شد و بنابراین به ازای مجموع ۱۴ خرده مقیاس ابزارهای این پژوهش، نمونه‌ای شامل ۲۲۵ نفر انتخاب شد. پس از کسب رضایت از زنان شرکت‌کننده در این تحقیق، اهداف، اهمیت مسئله و چگونگی انجام پژوهش بیان شد و با اطمینان دادن از اصل محرمانه ماندن اطلاعات، از شرکت‌کنندگان درخواست شد به مقیاس ترجیحات باروری میلر (۱۹۹۵)، مقیاس انگیزه‌های باروری میلر (۲۰۱۱)، سیاهه تعهد زناشویی آدامز و جونز (۱۹۹۷)، مقیاس هیجان‌خواهی زاگرن، آیزنک^۲ و آیزنک^۳ (۱۹۷۸) و مقیاس احساس تنهایی اجتماعی - عاطفی بزرگسالان به تعبیر دی‌توماسو^۴، برانن و بست (۲۰۰۴) پاسخ دهند. در بررسی اطلاعات جمعیت‌شناسی (دموگرافیک) گروه نمونه، اکثر زنان گروه نمونه تحقیق، در فاصله سنی بین ۲۶ تا ۳۰ سال سن و دارای تحصیلات کارشناسی بودند و ۱ تا ۵ سال از ازدواجشان گذشته بود و دارای سطح درآمد در بازه ۲ تا ۴ میلیون تومان در ماه بودند.

^۱ Kline, P.

^۲ Eysenck, S. B.

^۳ Eysenck, H. J.

^۴ Ditommaso, E.



برای تجزیه و تحلیل داده‌ها، به منظور بررسی شاخص‌های آماری از آمار توصیفی، و به منظور بررسی فرضیه‌های پژوهش از آزمون همبستگی و تحلیل رگرسیون گام به گام استفاده شد.

ابزارهای پژوهش عبارت بودند از:

(۱) **مقیاس ترجیحات باروری**^۱: مقیاس ترجیحات باروری میلر (۱۹۹۵)، ابزاری با ۱۰ ماده است. ۳ خرده مقیاس آن شامل تعداد دلخواه فرزند، زمان دلخواه فرزندآوری، ترکیب جنسیتی دلخواه فرزندان است. جهت تأیید روایی ابزار انگیزه‌های باروری از روش روایی محتوا استفاده می‌شود و اعتبار داده‌ها در دو مرحله آزمون با ضریب آلفای ۰/۹۱ به دست می‌آید. برای نمره‌دهی شاخص ترجیحات باروری میلر از مقیاس درجه‌بندی عددی استفاده می‌شود. در این مقیاس پرسشگر با مشخص کردن نمره مدنظر خود میزان یا درجه تمایل خود را به آوردن فرزند مشخص می‌کند. عدد یک، کمترین ارزش را دارد و اعداد بالاتر به افزایش تمایلات افراد در خصوص فرزندآوری دلالت دارد. عدد ۱۰ نشان دهنده تمایل افراد به فرزندآوری است. سوالات دیگر درباره تعداد دلخواه فرزند، زمان دلخواه فرزندآوری و ترکیب جنسیتی دلخواه فرزندان است که در این مطالعه به صورت باز مطرح شد. پایایی ابزار در پژوهش حاضر ۰/۸۷ گزارش شد.

(۲) **مقیاس انگیزه‌های باروری**^۲: مقیاس انگیزه‌های باروری میلر (۱۹۹۵)، ابزاری با ۵۳ سوال است که برای بررسی انگیزه‌های باروری با دو بعد طراحی شده است. انگیزه‌های مثبت شامل لذت بارداری، تولد و کودک (۶ سوال)، دیدگاه سنتی (۶ سوال)، رضایت از فرزندپروری (۶ سوال)، احساس نیاز و بقاء (۵ سوال) و استفاده ابزاری از فرزند (۱۱ سوال) و مشتمل بر ۳۴ گویه است. هفت گویه به انگیزه‌های مثبت پرسشنامه میلر برگرفته از مطالعه کیفی خدیوزاده (۱۳۹۱)، در مشهد و در راستای متناسب‌سازی با فرهنگ ایران، اضافه شده است. انگیزه باروری میلر در پرسشنامه ۱۹۹۵ شامل حیطه‌های ترس از والد شدن (۷ سوال)، استرس‌های

^۱ Childbearing Preference Scale

^۲ Childbearing Motivations Scale

والدین (۸ سوال)، چالش‌های مراقبتی فرزند (۴ سوال) و دربرگیرنده ۱۹ گویه است. جهت تایید همسانی درونی پرسشنامه انگیزه‌های باروری از ضریب آلفای کرونباخ استفاده و اعتبار پرسشنامه‌ها با ضریب آلفای ۰/۹۱. برای انگیزه مثبت باروری و ضریب آلفای ۰/۹۴. برای انگیزه منفی باروری تأیید شد. جهت نمره دهی پرسشنامه انگیزه‌های باروری از مقیاس ۴ نقطه‌ای لیکرت به صورت از خیلی مخالفم (۱) تا خیلی موافقم (۵) استفاده می‌شود. برای تایید روایی ابزار انگیزه‌های باروری از روش روایی محتوا استفاده شد. پایایی ابزار در پژوهش حاضر برای انگیزه‌های مثبت ۰/۸۹ و برای برای انگیزه‌های منفی ۰/۹۱ گزارش شد.

۳) **سیاهه تعهد زناشویی**^۱: سیاهه تعهد زناشویی آدامز و جونز (۱۹۹۷)، شامل ۴۴ سوال است و در قالب سه مؤلفه و ۴۵ گویه به شرح تعهد شخصیت (گویه ۱ تا ۱۰)، تعهد اخلاقی (گویه‌های ۱۱ تا ۲۲)، و تعهد ساختاری (گویه‌های ۲۳ تا ۴۵)، مورد بررسی قرار می‌گیرند. این سیاهه در ایران توسط عباسی مولید (۱۳۸۸)، هنجاریابی شده است. در مطالعه عباسی مولید و همکاران (۱۳۸۸)، روایی محتوایی سیاهه مورد تأیید قرار گرفت. همسانی درونی این سیاهه در پژوهش حاضر به روش آلفای کرونباخ محاسبه شد و ضریب اعتبار برای تعهد شخصی ۰/۷۱، تعهد اخلاقی ۰/۷۸، تعهد ساختاری ۰/۸۱ و برای کل پرسشنامه ۰/۹۲. به دست آمد. برای نمره‌دهی سیاهه تعهد زناشویی از مقیاس درجه‌بندی عددی استفاده می‌شود. طیف پاسخگویی از نوع لیکرت بوده که دامنه پاسخ به این پرسش‌ها از کاملاً موافقم (۵)، تا کاملاً مخالفم (۱) است. سوالات ۱۱، ۱۲، ۱۶، ۲۳، ۲۸، ۲۹، ۳۰، ۳۴، ۳۵، ۳۶، ۳۸ به صورت معکوس نمره‌گذاری می‌شوند. برای به دست آوردن امتیاز کلی پرسشنامه، مجموع امتیازات همه سوالات با هم جمع شد. حداکثر نمره برای پرسشنامه ۲۲۰ و حداقل ۴۴ است. هرچه نمره فرد به ۲۲۰ نزدیک‌تر باشد نشانه تعهد بالای زناشویی او است.

۴) **مقیاس هیجان‌خواهی**^۲: مقیاس هیجان‌خواهی را زاگرم، آیزنک و آیزنک (۱۹۷۸)، با ۴۰ ماده دو گزینه‌ای (الف و ب)، ساختند. این مقیاس تمایل به هیجان‌ها را در چهار خرده مقیاس

^۱Marital Commitment Inventory

^۲Sensation Seeking Scale (SSS)



ماجراجویی، تجربه طلبی، گریز از بازداری و ملال پذیری می‌سنگد. عامل حادثه‌جویی: تمایل به درگیر شدن در فعالیت‌های جسمانی که شامل عناصری از سرعت، خطر، تازگی و گریز از حادثه است. دوم عامل تجربه‌جویی: جستجو برای تجربه‌های جدید از طریق مسافرت، موسیقی، هنر، شیوه زندگی خودانگیخته و ناهم‌رنگی با وجود تشابهی که مردم به آن‌ها گرایش دارند. سوم گریز از بازداری به معنای نیاز به جستجوی رهایی در فعالیت‌های اجتماعی بازداری نشده یا توسل به الکل یا بدون آن، اعتماد در حل مسئله و چهارم ملال‌پذیری: اجتناب از تجربه تکراری، فعالیت عادی یا یکنواخت یا اشخاص قابل پیش‌بینی و در صورت قرار گرفتن اجباری در معرض چنین تجربه‌هایی، واکنش عدم رضایت بی‌قرارانه نشان دادن (شولتز، ۱۳۹۰). روایی هر یک از خرده مقیاس‌های پرسشنامه هیجان‌خواهی زاکرمن را رضازاده، ۱۳۷۰؛ به نقل از گدازنده، ۱۳۷۸، به ترتیب ۰/۸۲، ۰/۶۷، ۰/۶۵ و ۰/۷۸ و روایی کل مقیاس ۰/۸۷ و پایایی آن را نیز ۰/۸۵ گزارش داده است. همچنین گدازنده (۱۳۷۸) پایایی این پرسشنامه را با استفاده از روش آلفای کرونباخ برای خرده مقیاس خطرجویی یا ماجراجویی ۰/۷۴، تجربه‌جویی ۰/۷۲، حساسیت نسبت به یکنواختی ۰/۷۳، بازداری زدایی ۰/۴۱ و برای کل مقیاس برابر با ۰/۸۵ گزارش داد. برای نمره‌گذاری مقیاس هیجان‌خواهی زاکرمن ابتدا باید نمرات کسب شده از تک‌تک سوالات را براساس کلید آزمون استخراج نمود. بدین منظور، پاسخ‌های داده شده به هر سوال را با کلید آزمون مطابقت داده و چنانچه پاسخ داده شده با گزینه ارائه شده در کلید یکی باشد، ۱ امتیاز و در غیر این صورت ۰ امتیاز به آن داده می‌شود. این مقیاس چهار بعد دارد. هر چه امتیاز یک بعد بالاتر باشد، بیانگر قوی‌تر بودن حس در آن بعد یا به‌طور کلی هیجان‌خواهی بالاتر پاسخ دهنده است. دامنه نمرات از صفر تا ۴۰ است که نمرات بالاتر آن به معنای هیجان‌خواهی بیشتر است. پایایی نمره کلی ابزار در پژوهش حاضر ۰/۹۱ گزارش شد.

۵) مقیاس احساس تنهایی اجتماعی - عاطفی بزرگسالان^۱: مقیاس احساس تنهایی اجتماعی - عاطفی بزرگسالان (۲۰۰۴)، به وسیله دی‌توماسو، برانن و بست براساس تقسیم‌بندی ویس، طراحی و تهیه شد. این مقیاس دارای ۱۵ گویه و ۱۵ سوال است (در فرم ایرانی به ۱۴ گویه تقلیل یافته است) و سه زیرمقیاس احساس تنهایی رمانتیک (پنج‌گویه)، خانوادگی (پنج‌گویه)، و اجتماعی (پنج‌گویه) است و احساس تنهایی عاطفی از مجموع نمره‌های زیرمقیاس‌های رمانتیک و خانوادگی به دست می‌آید. هدف این مقیاس بررسی میزان احساس تنهایی اجتماعی و عاطفی افراد (تنهایی رمانتیک، تنهایی خانوادگی، تنهایی اجتماعی) است. مؤلفان این مقیاس ضریب آلفای کرونباخ را بین ۰/۸۷ تا ۰/۹۰ گزارش کرده‌اند که از همسانی درونی مناسب مقیاس حکایت دارد. در پژوهش دیگری که به وسیله دی‌توماس و برانن، مک‌نالتی، راس و برگش انجام شد، ضریب آلفای کرونباخ در حدی پذیرفتنی از ۰/۸۱ برای احساس تنهایی رمانتیک تا ۰/۹۱ برای احساس تنهایی خانوادگی گزارش شده است. در پژوهش جوکار و همکاران (۱۳۹۰)، نتایج همبستگی این مقیاس با سایر مقیاس‌ها نشان دهنده روایی همگرا و افتراق مطلوب این پرسشنامه بود. همچنین پایایی بعد تنهایی عاطفی با آلفای ۰/۹۵ و تنهایی خانوادگی با آلفای ۰/۸۴ و تنهایی اجتماعی با آلفای ۰/۷۸ ارائه شده است. نمره‌دهی آن براساس طیف لیکرت چهار گزینه‌ای از کاملاً مخالفم (۱)، تا کاملاً موافقم (۵) ارائه گردیده این شیوه نمره‌گذاری برای سوال ۱۴ معکوس است. برای به دست آوردن امتیاز کلی مقیاس مجموع امتیازات سوالات در نظر گرفته می‌شود. ذکر این نکته حائز اهمیت است که احساس تنهایی عاطفی مجموع امتیازات مربوط به ابعاد تنهایی رمانتیک و تنهایی خانوادگی است و احساس تنهایی اجتماعی مربوط به بعد تنهایی اجتماعی است. امتیازات پایین‌تر در هر بعد نشان دهنده احساس تنهایی بیشتر فرد پاسخ‌دهنده در آن بعد است. پایایی نمره کلی ابزار در پژوهش حاضر ۰/۹۲ یافت شد.

^۱ Social & Emotional Loneliness Scale



یافته‌های پژوهش

نمونه پژوهش ۲۲۵ نفر زن از کارمندان ادارات شهر تهران با دامنه سنی ۲۰ تا ۴۵ سال بودند. ابتدا میانگین و انحراف معیار متغیرهای پژوهش محاسبه شدند که نتایج آن در جدول شماره ۱ ارائه شده است.

جدول ۱. شاخص‌های توصیفی متغیرهای پژوهش

شاخص‌های توزیع		شاخص‌های گرایش مرکزی		مؤلفه‌ها	
ضریب کشیدگی	ضریب کجی	انحراف معیار	میانگین		
-۰/۱۶	۰/۱۵	۵/۰۱	۱۷/۲۸	ترجیحات فرزندآوری	ترجیحات فرزندآوری
۰/۴۸	-۰/۲۳	۹/۶۵	۷۲/۲۱	انگیزه‌های مثبت	انگیزه‌های فرزندآوری
۰/۴۰	۰/۰۶	۱۰/۲۷	۶۱/۳۷	انگیزه‌های منفی	فرزندآوری
۰/۱۱	۰/۰۰۶	۳/۵۳	۵۲/۲۴	تعهد شخصی	تعهد زناشویی
۰/۲۵	-۰/۰۷	۳/۵۷	۳۸/۴۵	تعهد اخلاقی	تعهد زناشویی
۰/۹۷	۰/۷۰۸	۵/۷۴	۳۶/۰۹	تعهد ساختاری	تعهد زناشویی
۰/۵۲	-۰/۴۶	۱/۴۰	۱۴/۶۶	تجربه طلبی	هیجان خواهی
-۰/۲۶	-۰/۲۹	۱/۶۸	۱۴/۷۸	ماجر اجوبی	هیجان خواهی
۰/۳۸	-۰/۱۱	۱/۶۶	۱۴/۵۴	ملال پذیری	هیجان خواهی
۰/۲۵	-۰/۳۵	۱/۴۳	۱۳/۹۲	گریز از بازداری	هیجان خواهی
-۰/۰۲	-۰/۲۹	۳/۵۶	۵۸/۲۱	هیجان خواهی	هیجان خواهی
-۰/۰۶	۰/۳۹	۱/۶۶	۱۰/۱۲	تنهایی عاطفی	احساس تنهایی
۰/۸۸	-۰/۳۳	۲/۱۸	۱۳/۸۲	تنهایی خانوادگی	احساس تنهایی
۰/۲۹	-۰/۰۴	۱/۹۵	۱۴/۴۳	تنهایی اجتماعی	احساس تنهایی

با توجه به جدول شماره ۱ میانگین و انحراف معیار همه مؤلفه‌ها به ترتیب مشخص شده است. میزان ضریب کجی و ضریب کشیدگی بین ۱ تا ۱- است، می‌توان گفت که توزیع متغیرهای پژوهش، نرمال است. برای بررسی ارتباط بین مؤلفه‌های تعهد زناشویی، احساس تنهایی و هیجان‌خواهی با ترجیحات و انگیزه‌های فرزندآوری از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد که نتایج آن در جدول شماره ۲ ارائه شده است.

جدول ۲. ماتریس همبستگی ارتباط بین خرده مقیاس‌های متغیرهای پژوهش

متغیرها	ترجیحات باروری	انگیزه‌های مثبت باروری	انگیزه‌های منفی باروری
تعهد شخصی	۰/۰۳	۰/۱۶*	-۰/۰۱
تعهد اخلاقی	-۰/۱۴*	۰/۲۵**	۰/۲۱**
تعهد ساختاری	-۰/۰۱	۰/۱۰	۰/۲۳**
تنهایی عاطفی	۰/۰۲	۰/۰۸	-۰/۰۴
تنهایی خانوادگی	-۰/۰۶	۰/۱۱	۰/۱۴*
تنهایی اجتماعی	-۰/۰۱	۰/۰۱	۰/۲۳**
تجربه طلبی	۰/۰۷	-۰/۰۵	۰/۰۴
ماجراجویی	-۰/۰۰۷	۰/۰۲	۰/۱۴*
ملال پذیری	۰/۰۲	-۰/۰۵	۰/۱۱
گریز از بازداري	۰/۰۶	-۰/۱۲	۰/۱۱
هیجان‌خواهی	۰/۰۹	-۰/۱۰	۰/۱۳*

**p < ۰/۰۱ *p < ۰/۰۵

نتایج جدول ۲ نشان می‌دهد که از خرده مقیاس‌های تعهد زناشویی، بین تعهد اخلاقی با ترجیحات فرزندآوری رابطه منفی و با انگیزه‌های مثبت فرزندآوری و انگیزه‌های منفی فرزندآوری رابطه مثبتی دارد. از مؤلفه‌های تعهد زناشویی، بین تعهد شخصی و انگیزه‌های مثبت



فرزندآوری و بین تعهد ساختاری و انگیزه‌های منفی فرزندآوری، رابطه مثبت وجود دارد. انگیزه‌های منفی فرزندآوری با تنهایی خانوادگی، تنهایی اجتماعی، ماجراجویی و هیجان خواهی رابطه مثبتی دارد.

در ادامه برای بررسی نقش تعهد زناشویی، احساس تنهایی و هیجان خواهی در پیش‌بینی ترجیحات و انگیزه‌های فرزندآوری رگرسیون چندمتغیره به روش گام به گام به کار رفت. قبل از اجرای رگرسیون، پیش فرض نرمال بودن با بررسی کجی و کشیدگی مورد بررسی قرار گرفت که در دامنه بین ۱ و -۱ بود. سپس رابطه خطی بین متغیرها با همبستگی پیرسون بررسی شد که نتایج ارتباط معنادار بین متغیرها را تایید کرد.

جدول ۳: خلاصه تحلیل رگرسیون گام به گام برای پیش‌بینی ترجیحات فرزندآوری بر اساس تعهد زناشویی، احساس تنهایی و هیجان خواهی

مدل	ملاک	پیش‌بین	β	t	R ²	F
۱	ترجیحات فرزندآوری	تعهد اخلاقی	-۰/۱۴	۲/۱۰	۰/۰۲	۴/۴۴

جدول ۳ نتایج تحلیل رگرسیون گام به گام برای پیش‌بینی ترجیحات فرزندآوری بر اساس متغیرهای پیش‌بین را نشان می‌دهد.

جدول ۴: خلاصه تحلیل رگرسیون گام به گام برای پیش‌بینی انگیزه مثبت فرزندآوری بر اساس تعهد زناشویی، احساس تنهایی و هیجان خواهی

مدل	ملاک	پیش‌بین	β	t	R ²	F
۱	انگیزه فرزندآوری	مثبت تعهد اخلاقی	۰/۲۵	۳/۹۹	۰/۰۶	۱۵/۹۵
۲	انگیزه فرزندآوری	مثبت تعهد اخلاقی	-۰/۲۶	۴/۱۰	۰/۰۸	۱۰/۴۴
		گریز از بارداری	-۰/۱۳	-۲/۱۶		

نتایج جدول ۴ نشان می‌دهد که در گام اول تعهد اخلاقی با ضریب بتای ۰/۲۵ نقش معناداری در پیش‌بینی انگیزه مثبت فرزندآوری دارد. در گام دوم تعهد اخلاقی با ضریب بتای ۰/۲۶- و گریز از بارداری با ضریب بتای ۰/۱۳- نقش معناداری در پیش‌بینی انگیزه مثبت فرزندآوری دارند.

جدول ۵: خلاصه تحلیل رگرسیون گام به گام برای پیش‌بینی انگیزه منفی فرزندآوری براساس تعهد زناشویی، احساس تنهایی و هیجان‌خواهی

گامها	ملاک	پیش‌بین	β	t	R ²	F
۱	انگیزه	منفی	۰/۲۳	۳/۶۰	۰/۰۵۵	۱۲/۹۹
	فرزندآوری	تنهایی اجتماعی				
۲	انگیزه	منفی	۰/۲۴	۳/۸۶	۰/۰۷۵	۱۰/۰۸
	فرزندآوری	ماجراجویی	۰/۱۶	۲/۶۱		
۳	انگیزه	منفی	۰/۱۷	۲/۶۲	۰/۱۰	۹/۶۷
	فرزندآوری	ماجراجویی	۰/۱۹	۳/۰۴		
		تعهدساختاری	۰/۱۹	۲/۸۶		

جدول ۵ نتایج تحلیل رگرسیون گام به گام برای پیش‌بینی انگیزه‌های منفی فرزندآوری بر اساس متغیرهای پیش‌بین را نشان می‌دهد. نتایج نشان می‌دهد که متغیرهای پیش‌بین قادرند در گام اول ۰/۰۵، در گام دوم ۰/۰۷ و در گام سوم ۰/۱۰ از کل واریانس انگیزه‌های منفی فرزندآوری را پیش‌بینی کنند. در گام اول تنهایی اجتماعی با ضریب بتای ۰/۲۳ نقش معناداری در پیش‌بینی انگیزه منفی فرزندآوری دارد. در گام دوم تنهایی اجتماعی با ضریب بتای ۰/۲۴ و ماجراجویی با ضریب بتای ۰/۱۶ نقش معناداری در پیش‌بینی انگیزه منفی فرزندآوری دارند و در گام سوم تنهایی اجتماعی با ضریب بتای ۰/۱۷، ماجراجویی با ضریب بتای ۰/۱۹ و تعهد ساختاری با ضریب بتای ۰/۱۹ نقش معناداری در پیش‌بینی انگیزه منفی فرزندآوری دارند.



بحث و نتیجه‌گیری

هدف از پژوهش حاضر، بررسی متغیرهای احساس تنهایی، هیجان خواهی و تعهد زناشویی به‌منظور پیش‌بینی ترجیحات و انگیزه‌های باروری زوجین بود. از بین خرده مقیاس‌های متغیرهای تحقیق، ارتباط منفی معناداری بین ترجیحات باروری با تعهد اخلاقی و ارتباط مثبت معناداری بین انگیزه‌های مثبت باروری با تعهد شخصی، تعهد اخلاقی و بین انگیزه‌های منفی باروری با تعهد اخلاقی، تعهد ساختاری، تنهایی خانوادگی، تنهایی اجتماعی، ماجراجویی و هیجان‌خواهی وجود دارد. یافته‌های این پژوهش با بخشی از پژوهش کریمان، جنتی، سلمانی، عامریان (۱۳۹۵)، درباره ملاحظات اصلی فرزندآوری همسو است که در آن یکی از ملاحظات فرزندآوری در بعد انگیزه‌های منفی باروری، ترس از والد شدن است. همچنین در تحقیق منتظری و همکاران (۱۳۹۶)، نیز مهم‌ترین دلایل فرزندآوری علاقه به بچه و کم‌ترین تمایل، تأمین آینده فرزندان ذکر شده است و در تحقیق حاضر نیز لذت بارداری و فرزندآوری مهم‌ترین خرده مقیاس انگیزه‌های مثبت باروری محسوب شده است. دیگر پژوهش همسو با این تحقیق، رضایی (۱۳۸۹)، است که مشخص کرده تا زمانی‌که زوجین تعهد ازدواج را جدی نگیرند نمی‌توانند به ساختار زندگی زناشویی سالم و از آن جمله فرزندآوری سالم برسند. همچنین پژوهش اسحاقی و همکاران (۱۳۹۳)، در زمینه اختلافات زناشویی و تمایل افراد به فرزندآوری نیز همسو با خود را با این پژوهش نشان می‌دهد. یکی از پژوهش‌های قابل تأمل، نوروزی (۱۳۹۶)، است که مطالعه‌ای اقتصادی و اجتماعی بر میزان باروری زنان در ایران داشته است و سطح تحصیلات والدین به‌ویژه زنان و کاهش مرگ و میر فرزندان را موثرترین عامل کاهش میزان باروری زنان در ایران دانسته است در حالی‌که در پژوهش حاضر متغیرهای تعهد زناشویی و احساس تنهایی و ماجراجویی بیشترین رابطه را با انگیزه‌های منفی باروری داشته‌اند. واقعیت این است که مسئله باروری، برای زنان از جنبه‌های مختلف روان‌شناختی، فرهنگی، خانوادگی، مذهبی و غیره، قابل بررسی است و بر پیچیدگی آن می‌افزاید. در یک تحلیل روان‌شناختی، می‌توان در نظر گرفت که با وجود افزایش سطح تحصیلات زنان، لزوماً

نظام باوری و الگوهای شناختی ترس در آن‌ها دستخوش تحول نشده است و مطابق پژوهش نوروزی (۱۳۹۶)، سطح تحصیلات در کاهش میزان باروری نقش دارد ولی این افزایش علم، همچنان آگاهی و مهارت غلبه بر احساس تنهایی را به استناد یافته‌های این پژوهش، به زنان نداده است. میل به ماجراجویی از طریق اضافه کردن مسئولیت‌ها به زندگی، به جای تلاش در حفظ پویایی رابطه فعلی با همسر نیز نشان می‌دهد آگاهی‌های این پیشرفت تحصیلی، وارد زندگی روزمره نشده است. تعداد فرزند ایده‌آل زوجین و ترجیحاتی که زوجین در مورد شمار سال‌های لازم برای فاصله گذاری بین فرزندان دارند، نقش تعیین‌کننده‌ای بر باروری واقعی آنان خواهد داشت. جانسون (۱۹۷۳، ۱۹۸۲، ۱۹۹۱، ۱۹۹۹) مدل جامعی را ارائه نمود که در آن تعهد زناشویی به صورت سه نوع مستقل، تعهد شخصی، تعهد اخلاقی و تعهد ساختاری مطرح شده است. با توجه به نتایج به دست آمده، توان پیش‌بینی ترجیحات باروری از طریق احساس تنهایی، هیجان‌خواهی و تعهد زناشویی وجود دارد. براین اساس ترجیحات باروری از طریق تعهد اخلاقی قابل پیش‌بینی است، بدین ترتیب که با کاهش تعهد اخلاقی، ترجیحات باروری کاهش می‌یابد. در این پژوهش، سایر خرده مقیاس‌ها، قادر به پیش‌بینی ترجیحات باروری نبودند. میل به فرزندآوری، از ابعاد مقیاس ترجیحات باروری، متغیری است که ریشه در نظام باوری و ارزشی افراد دارد. ارزش‌های هر فرد باعث تنظیم اهداف زندگی او می‌شود و تلاش/عدم تلاش در راستای این اهداف را می‌توان در رفتارهای آن‌ها مشاهده کرد. این ارزش‌ها در معیار درونی، تعهدهایی را ایجاد می‌کنند که چون متعلق به نظام فردی هستند، ناظر و ضامن اجرایی آن، خود فرد است. بنابراین، تعامل بین بعد تعهد اخلاقی از ابعاد تعهد زناشویی، با بعد ترجیحات باروری و توان پیش‌بینی آن، نشان از ریشه‌ای بودن مسئله باروری در زنان دارد. از نگاهی دیگر، فرزندآوری مساوی است با افزایش مسئولیت‌های اجتماعی و خانوادگی و بنابراین، منطقی به نظر می‌رسد که احساس امنیت از ثبات خانواده از طریق تعهدهای درونی همچون تعهد اخلاقی، ضامن و پیش‌بینی کننده ترجیح به باروری باشد. در واقع پایین بودن میزان این تعهد و عدم اطمینان از ادامه قرارداد خانواده، باعث پایین آمدن ترجیح به باروری (افزایش مسئولیت‌ها و چالش‌های زناشویی بیشتر) خواهد شد. از دیدگاه



میلر (۱۹۹۵)، انگیزه‌های باروری شامل انگیزه‌های مثبت و منفی هستند. انگیزه‌های مثبت باروری در واقع شامل دلایل شخصی هر فرد برای خواستن فرزند و شامل لذت بارداری، تولد و کودکی، دیدگاه سنتی، رضایت از فرزندپروری، احساس نیاز و بقا و استفاده ابزاری از فرزند است و انگیزه‌های منفی باروری شامل دلایل نخواستن فرزند نظیر ترس از والد شدن، استرس‌های والدین و چالش‌های مراقبتی فرزند می‌شود. زاگرم (۱۹۷۹)، معتقد بود که هیجان گریز از بارداری به معنای نیاز به رها بودن در فعالیت‌های اجتماعی بارداری نشده است. با توجه به پژوهش صورت گرفته می‌توان مطرح نمود که توان پیش‌بینی انگیزه‌های مثبت باروری از طریق احساس تنهایی، هیجان خواهی، تعهد زناشویی وجود دارد. در واقع، انگیزه‌های مثبت باروری از طریق تعهد اخلاقی و گریز از بارداری قابل پیش‌بینی است. بدین ترتیب که با افزایش تعهد اخلاقی، انگیزه‌های مثبت باروری افزایش می‌یابد و با افزایش گریز از بارداری، انگیزه‌های مثبت باروری کاهش می‌یابد. آماتو (۲۰۰۴)، معتقد است که تعهد باعث حفظ و بقای ارتباط در زندگی زوجین می‌شود. وی بیان می‌کند که در خانواده‌های متعهد اعضا خود را وقف آسایش و بهزیستی خانواده می‌کنند. یافته‌های پژوهش این نظر را تایید می‌کند. در واقع شاید بتوان تعهد زناشویی را مهم‌ترین رکن و تغییری دانست که افراد در گذار از زندگی فردی به زناشویی می‌پذیرند و ملاکی از موفقیت یک ازدواج است. بنابراین، در مرحله بعد از تشکیل زندگی زناشویی، زمانی که موضوع فرزندآوری مطرح می‌شود، این تعهد نقش موثر و پیش‌بینی کننده‌ای در انگیزه مثبت افراد دارند. بعد تعهد اخلاقی از خرده مقیاس‌های تعهد زناشویی را می‌توان یک میزان درونی در نظر گرفت که ضامن اجرایی آن، خود فرد است و این ضمانت ریشه در ارزش‌ها و انگیزه‌های او دارد. نکته این‌جاست که این تعهد اخلاقی، در زمان فرزندآوری به آزمون گذاشته می‌شود و همان‌طور که این پژوهش گزارش کرد، یکی از پیش‌بین‌های انگیزه مثبت باروری، تعهد اخلاقی است. جانسون (۱۹۹۹) معتقد است تعهد اخلاقی بیانگر وفاداری اخلاقی فرد به تداوم رابطه است. نیاز به اطمینان از تداوم داشتن رابطه، در مورد فرزندآوری کاملاً شایان توجه است، به‌خصوص که زنان سهم تربیتی بیشتری را در سال‌های اولیه رشد فرزند بر عهده دارند، که نیازمند احساس درونی اطمینان از تداوم رابطه،

برای میل و انگیزه به قبول چنین مسئولیتی است. دیگر خرده مقیاس‌های پژوهش قادر به پیش بینی انگیزه‌های مثبت باروری نبودند. با بررسی پیش‌بینی انگیزه‌های منفی باروری از طریق احساس تنهایی، هیجان‌خواهی و تعهد زناشویی می‌توان مطرح نمود که توان پیش‌بینی انگیزه‌های منفی باروری از طریق احساس تنهایی، هیجان‌خواهی، تعهد زناشویی وجود دارد. انگیزه‌های منفی باروری از طریق تنهایی اجتماعی، ماجراجویی و تعهد ساختاری قابل پیش‌بینی است، بدین ترتیب که با افزایش تنهایی اجتماعی، ماجراجویی و تعهد ساختاری، انگیزه‌های منفی باروری افزایش می‌یابد. احساس تنهایی عاطفی از دل‌بستگی ناپسند به خانواده، دوستان و افراد نزدیک ناشی می‌شود. بنابراین منطقی به نظر می‌رسد زنانی که به تنهایی اجتماعی دچار هستند، در تلاش برای جبران این کمبود، به صورت منفی، انگیزه برای باروری پیدا کنند و شاید به صورت یک مکانیسم دفاعی در روان خود، سعی در جبران این تنهایی از طریق تعامل با فرزند آینده خود کنند. همین استدلال در مورد میل به ماجراجویی منفی وجود دارد، یعنی زنانی که در هیجان‌خواهی زندگی فردی و زناشویی خود به مبارزه طلبیده شده‌اند، خودآگاه یا ناخودآگاه، با افزودن به مسئولیت‌ها و پیچیده‌تر کردن متغیرهای زندگی روزمره، با هدف ماجراجویی، به باروری انگیزه پیدا می‌کنند.

جامعه پژوهش حاضر زنان کارمند دولت بود، که باید در تعمیم آن به جوامع دیگر احتیاط کرد و از آنجا که تحقیق حاضر در دسته تحقیق‌های همبستگی است، استنباط روابط علی از آن امکان پذیر نیست. در پژوهش‌های آینده پیشنهاد می‌شود متغیرهایی دیگر در ارتباط با متغیرهای پژوهش حاضر نیز در تبیین مدلی علی کنار هم قرار گیرند تا فهمی جامع‌تر در ارتباط با عوامل موثر بر فرزندآوری در اختیار روان‌شناسان و مشاوران حوزه خانواده قرار گیرد. این مطالعه می‌تواند تلاشی آغازین در جهت گسترش و توسعه مبانی علمی این متغیرها در ارتباط با ترجیحات و انگیزه‌های باروری باشد که نقش منفی تنهایی اجتماعی و کاهش تعهد در انگیزه‌های باروری را نشان می‌دهد. بنابراین جهت ایجاد ترجیحات و انگیزه‌های مثبت فرزندآوری، پیشنهاد می‌شود برای زوجین جلسات آموزشی پیش از فرزندآوری برگزار شود و زوجین در متغیرهای پیش بین این پژوهش بررسی شوند.



منابع

- اسحاقی، محمد؛ محبی، فاطمه؛ پاپی نژاد، شهربانو و جهاندار، زینب. (۱۳۹۳). چالش های فرزندآوری زنان شاغل در یک مطالعه کیفی. *زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان)*، ۱۲(۱)، ۱۱۱-۱۳۴.
- اسدپور، اسماعیل؛ نظری، علی محمد، ثنایی، باقر و تبریزی، مصطفی. (۱۳۹۱). اثربخشی زوج درمانی خودنظم‌بخشی بر افزایش صمیمت زناشویی زوج‌ها. *مجله پژوهش‌های مشاوره*، ۲(۱)، ۴۵-۷۱.
- افشاری، زهرا و کاکاوند، سمیرا. (۱۳۹۸). اثر نابرابری جنسیتی بر رشد، بهره‌وری و باروری در ایران. *فصلنامه علمی مطالعات اجتماعی و روان‌شناختی زنان*، ۱۴(۲)، ۷-۳۳.
- امانی، احمد. (۱۳۹۵). اثر بخشی واقعیت درمانی گروهی بر عزت نفس و تعهد زناشویی زوجین. *دو فصلنامه مشاوره و روان‌درمانی خانواده*، ۵(۲)، ۱-۲۳.
- جوکار، بهرام و سلیمی، عظیمه. (۱۳۹۰). ویژگی‌های روان‌سنجی فرم کوتاه مقیاس احساس تنهایی اجتماعی و عاطفی بزرگسالان، *مجله علوم رفتاری*، ۵(۴)، ۳۱۱-۳۱۷.
- حقیقی، جمال؛ شکرکن، حسین و موسوی شوشتری، مژگان. (۱۳۸۱). بررسی رابطه جو عاطفی خانواده با سازگاری دانش‌آموزان دختر مدارس راهنمایی اهواز. *مجله علوم تربیتی و روان‌شناسی*، ۹(۳ و ۴)، ۷۹-۱۰۸.
- خداپناهی، محمد کریم. (۱۳۷۴). *بررسی نقش تهییج طلبی در تحکیم روابط زناشویی*. (رساله دکتری)، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.
- خدیوزاده، طلعت؛ لطیف نژاد رودسری، رباب؛ بهرامی، مسعود؛ تقی پور، علی و عباسی شوازی، محمدجلال. (۱۳۹۱). تاثیر شبکه اجتماعی بر قصد زوجین در رابطه با تولد نخستین فرزند. *فصلنامه طب تولید مثل ایران*، ۱۱(۳)، ۲۰۹-۲۱۸.
- دمیرچی، یاسمین و صلاحیان، افشین. (۱۳۹۷). بررسی رابطه سبک‌های دلبستگی، عشق و رضایت جنسی با احساس تنهایی در زنان. *فصلنامه مطالعات اجتماعی روان‌شناختی زنان*، ۱۶(۱)، ۱۷۷-۱۹۹.

رضایی، مصطفی. (۱۳۸۹). سبک زندگی و چالش‌های هویتی: رد پای زیستن. مجله زمانه، ۹۵، ۴۴-۴۵

رحمانی، سوده؛ غلامعلی لواسانی، مسعود و تنها، زهرا. (۱۳۹۴). تفاوت‌های جنسیتی در شخصیت و هیجان‌خواهی دانشجویان دانشگاه تهران. فصلنامه علمی مطالعات اجتماعی روان‌شناختی زنان. ۱۳(۳)، ۱۵۳-۱۷۴.

زرگر، یداله؛ نجاریان، بهمن و نعمانی، عبدالزهرا. (۱۳۸۷). بررسی رابطه ویژگی‌های شخصیتی، نگرش مذهبی و رضایت زناشویی با اعتیاد به مواد مخدر در اهواز. مجله علوم تربیتی و روان‌شناسی ۱۵(۱)، ۱۵۳-۱۷۸.

سفرچی تیل، مونا. (۱۳۹۱). بررسی ارتباط تعهد زناشویی با رابطه کیفیت در زنان شاغل و غیرشاغل. (پایان نامه کارشناسی ارشد راهنمایی و مشاوره) دانشگاه الزهراء، تهران، ایران.

شاه سیاه، مرضیه؛ بهرامی، فاطمه و محبی، سیامک. (۱۳۸۸). بررسی رابطه رضایت جنسی و تعهد زناشویی زوجین شهرستان شهرضا. مجله اصول بهداشت روانی، ۱۱(۴۳)، ۲۳۳-۲۳۸

شولتز، دوآن و شولتز، سیدنی آلن. (۱۳۹۰). نظریه‌های شخصیت، ترجمه: یحیی سیدمحمدی (تاریخ انتشار به زبان اصلی ۲۰۰۵)، تهران: نشر ویرایش.

عنایت، حلیمه، پرنیان، لیلا. (۱۳۹۲). مطالعه رابطه جهانی شدن فرهنگی و گرایش به باروری. فصلنامه زن و جامعه ۴(۲)، ۱۰۹-۱۳۶.

طاووسی، محمود؛ حائری مهریزی، علی اصغر؛ صدیقی، ژیلا؛ مطلق، محمد اسماعیل؛ اسلامی، محمد؛ نقی زاده، فاطمه؛ عنبری، مهدی؛ هاشمی، اکرم و منتظری، علی. (۱۳۹۶). تمایل به فرزندآوری و دلایل مرتبط با آن در ایران، یک مطالعه ملی، پایش، ۱۶(۴)، ۴۰۱-۴۱۰.

عامریان، ملیحه؛ کریمان، نورالسادات؛ جنتی، پدیده و سلمانی، فاطمه. (۱۳۹۵). نقش عوامل فردی در تصمیم‌گیری اولین فرزندآوری. نشریه پژوهشی علوم بهداشتی جهاد دانشگاهی، ۱۵(۲)، ۱۴۳-۱۵۱

گدازنده، مهناز. (۱۳۷۸). مقایسه میزان هیجان‌خواهی بین مجرمان با تعداد موارد محکومیت و نوع جرم در زنان ۱۱-۶۰ ساله زندانی در بند نسوان زندان اوین شهر تهران. (پایان نامه



- کارشناسی ارشد روان‌شناسی)، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران.
 منصوریان، محمدکریم و خوش‌نویس، اعظم. (۱۳۸۵). ترجیحات جنسی و گرایش زنان
 همسر دار به رفتار باروری. *نشریه علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز*، ۲۴(۲)، ۱۲۹-
 ۱۴۶.
- نوروزی، فرشته؛ عسکری ندوشن، عباس و حسینی، حاتم. (۱۳۹۶). بررسی تطبیقی تعیین-
 کننده‌های استفاده از روش‌های پیشگیری از حاملگی در مناطق شهری و روستایی ایلام.
مجله مطالعات زن و خانواده. ۵(۲)، ۱۹۳-۲۲۰.

- Abbasi-Shavazi, M. J. (2001). Fertility revolution in Iran. *Population & Societe*, 373(1), 4.
- Adams, M., & Jounes, W. H. (1997). The conceptualization of marital commitment: an integrate analysis. *Journal of Personality and Social Psychology*, 72(5), 1177-1196.
- Afshari, Z., & Kakavand, S. (2017). The impact of gender inequality on growth, fertility, and labor productivity in Iran. *Quarterly Journal of Women Social and Psychological Studies*. 14(2), 7-33. [Text in Persian]
- Amani, A. (2016). The efficacy of reality therapy on marital commitment and self-esteem of couples. *Bi-Annual of Family counseling & Psychotherapy*, 5(2), 1-23. [Text in Persian]
- Amato, P. R. (2004). Study marital interaction and commitment with survey data. *Journal of Marriage and Family*. 23, 53-70.
- Byck, G. R., Swann, G., Schalet, B., Bolland, J., & Mustanskib, K. (2014). Sensation seeking predicting growth in adolescent problem behaviors. *Child Psychiatry and Human Developments*, 46(3), 460-773.
- Cohan, C. L., Kleinbaum, S. (2002). Toward a greater understanding of: premarital cohabitation and marital commitment. *Journal of Marriage and Family*, 64 (1), 180- 193.
- Damirchi, y., Salahian, A. (2018). The relation between attachment styles, love and sexual satisfaction with loneliness in women. *Quarterly Journal of Women Social and Psychological Studies*, 16(1), 177-199 [Text in Persian]
- DiTommaso, E., Brannen-McNulty, C., Ross, L., & Burgess, M. (2003). Attachment styles, social skills and loneliness in young adults. *Personality and individual*

- differences*, 35(2), 303-312.
- Di Tommaso, E., & Spinner, B. (1993). The development and initial validation of the social and emotional loneliness scale for adults. *SELSA*, 14(1), 127-34.
- Enayat, H., & Parnian, L. (2013). The study of cultural globalization and tendency to fertility. *Quartely Journal of Women and Society*, 4 (2), 109-136. [Text in Persian]
- Eshaghi, M., Mohebi, F., Papynezhad, SH., & Jahandar, Z. (2014). Childbearing challenges for working women; a qualitative study. *Womam in Development and Politics (Women's Rresearch)*, 12(1), 111-134. [Text in Persian].
- Godazandeh, M. (2000). *Comparison of sensation seeking among offenders with the number of convictions and the type of crime in women aged 11- 60 years in prison ward of Evin prison in Tehran*. (Master thesis in Psychology), Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran. [Text in Persian]
- Haghighi, J., Shokrkon, H., & Mousavi Shooshtari, M. (2003). Investigating the relationship between family emotional climate and adjustment of female students in Ahwaz middle school. *Journal of Educational Sciences and Psychology*, 3 (1 & 2): 79- 108. [Text in Persian]
- Hecht, D.T., & Baum, S.K. (1984). Conceptualization of romantic love as an attachment process. *Journal of Personality and Social Psychology*, 52, 23-38.
- Hecht, D. T., & Baum, S. K. (1984). Loneliness and attachment patterns in young adults. *Journal of clinical psychology*, 40, 193-197.
- Johnson, M. P. (1991). A psychometric exploration of marital satisfaction and commitment, *Journal of Behavior and personality*, 10, 923 - 932.
- Johnson, M. P. (1999). The tripartite nature of marital commitment: personal, moral, and structural reasons to stay married. *Journal of Marriage and the Family*, 61, 160-177.
- Johnson, M. P. (1973). Personal and structural commitment to relationships: Experiences of choice and constraint in *handbook of interpersonal commitment and relationship stability* j. m Adams and W. H. Jones, ends (pp. 73-87)., New York: Kluwer Academic.
- Johnson, M. S. (2006). The contribution of couple leisure involvement, leisure time, and leisure satisfaction to marital satisfaction. *Journal of Marriage & Family Review*, 40(1), 103-112.
- Jowkar, B., & Salimi, A. (2012). Psychometric properties of the short form of the social and emotional loneliness scale for adults (SELS-S). *Journal of Behavioral*

- Sciences*, 5(4), 311-317. [Text in Persian]
- Khadivzadeh, T., Latifnezhad, R., Bahrami, M., Taghipour, A., Abbasi showazi, M.J. (2013). The effect of social network on couples' intentions regarding the birth of their first child. *Iranian Journal of Reproductive Medicine*, Vol11 (3), 209-218. [Text in Persian]
- Kline, R. B. (2010). *Principles and Practice of Structural Equation Modeling*, NY: Guilford Press.
- Kruschwitz, J. D., Simmons, A. N., Flagan, T., & Paulus, M. P. (2012). Nothing to lose: processing blindness to potential losses drives thrill and adventure seekers. *Neuroimage*, 59(3), 2850-2859.
- Mansourian, M. K., & Khoushnevis, A. (2006). Sex Prefrences and the desire of married woman for fertility behavior: A case study carried out in Tehran. *Journal of Social Sciences and Humanities of Shiraz University*, 24(2),129-146. [Text in Persian]
- Marmorstein, N. R. (2013). Associations between dispositions to rash action and internalizing and externalizing symptoms in children. *Journal of Clinical Child & Adolescent Psychology*, 42(1): 131–138.
- McCarthy, G. (1999). Attachment style and adult love relationships and friendships, *British Journal of Medical Psychology*, 72 (3), 21-30
- McDonald, B. (2000). Gender equality in theories of fertility transition population. *Journal of Population Research*, 17(1), 1-15.
- Miller, W. B. (1995). Childbearing motivation and its measurement. *Journal of Biosocial Science*, 27(4), 473-487.
- Miller, W. B. (2011). Differences between fertility desires and intentions: Implications for theory, research and policy. *Vienna Yearbook of Population Research*, 75-98.
- Norouzi, F., Askari Nodoushan, A., & Hosseini, H. (2017). Comparative study of contraceptive use determinants in urban and rural areas of Ilam district. *Journal of Woman and Family Studies*, 5(2), 193-220. [text in Persian].
- Plutchik, R. (1982). A psycho evolutionary theory of emotion. *Social Science Information*, 21(4), 43-52.
- Rahmani, s., Gholamali Lavasani, M., Tanha, Z. (2016). gender differences in personality and sensation seeking of tehran university students. *Quarterly Journal of Women Social and Psychological Studies*, 13(3),153-174.[Text in Persian]

- Reichmann, F. (1959). Loneliness. *Journal of Psychiatry*, 22(1), 1-15.
- Reynold, J., & Mansfield, P. (1999). The effect of changing attitudes to marriage on its stability: Lord chancellor's Department. *High Divorce Rates: The state of the evidence on Reasons and Remedies, 1*, 1-3.
- Rezaei, J., Ahmadi, A., Etemadi, A., Rezaei, M., & Shahdoust, Z. (2013). The effect of training of Islamic lifestyle with emphasis on family system on marital intimacy. *Psychological Studies*, 9(3), 79-106. [text in Persian]
- Russell, D. W. (1996). UCLA Loneliness Scale (Version 3): Reliability, validity, and factor structure. *Journal of personality assessment*, 66(1), 20-40.
- Russell, D., Peplau, L. A., & Cutrona, C. E. (1980). The revised UCLA Loneliness Scale: concurrent and discriminant validity evidence. *Journal of personality and social psychology*, 39(3), 472.
- Scultz, D. P., & Scultz, S. E. (2012). *Theories of personality*. Translated by: Yahya Seyed Mohammadi, Tehran: Virayesh. (Original work published 2005) [Text in Persian]
- Shahsiah, M., Bahrami, F., Mohebi, S. (2009). On the relationship between sexual satisfaction and marital commitment among couples in Shahreza City, Central part of Iran. *Journal of Fundamentals of Mental Health*, Volume, 11(43), 233-238 [Text in Persian]
- Tavousi, M., Haerimehrizi, A. A., Sadighi, J., Motlagh, M. E., Eslami, M., Naghizadeh, F., & et al. (2017). Fertility desire among Iranians: A Nationwide Study. *Payesh*, 16(4), 401-410. [Text in Persian]
- Voisin, D. R., Tan, K., & DiClemente, R. J. (2013). A longitudinal examination of the relationship between sexual sensation seeking and STI-related risk factors among African American females. *AIDS Education and Prevention*, 25(2), 124-138.
- Zheng, Y., Xu, J., Jia, H., Tan, F., Chang, Y., Zhou, L., & Qu, B. (2011). Electrophysiological correlates of emotional processing in sensation seeking. *Biological Psychology*, 88, 41-50.
- Zuckerman, M. (1994). *Behavioral expressions and biosocial bases of sensation seeking*. New York: Cambridge Press.
- Zuckerman, M., Eysenck, S. B., & Eysenck, H. J. (1978). Sensation seeking in England and America: Cross-cultural, age, and sex comparisons. *Journal of Consulting and Clinical Psychology*, 46(1), 139-149.
- Zuckerman, M., & Kuhlman, D. M. (2000). Personality and Risk-Taking: common biosocial factors. *Journal of personality*, 68(6), 999-1029.

**نویسندگان:****nasim.nouri2@gmail.com****دکتر نسیم نوری**

دکتری تخصصی روانشناسی، استادیار مدعو گروه روانشناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب. حوزه‌های فعالیت و علاقه‌مندی: درمانگری روابط بین فردی، روابط زوجین، روانشناسی خانواده، مشاوره پیش از ازدواج

saeidi.zohreh@gmail.com**زهرة سعیدی**

کارشناس ارشد روانشناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب.
حوزه‌های فعالیت و علاقه‌مندی: مطالعات زنان، روابط بین فردی

تأثیر آزرده‌گی عاطفی بر بی‌تفاوتی سازمانی با نقش میانجی هوش فرهنگی در استادان خانم دانشگاه علامه طباطبائی

حبیب‌الله رودساز

دانشیار مدیریت دولتی دانشگاه علامه طباطبائی

عقیل قربانی پاجی^۱

دانشجوی دکتری مدیریت دولتی دانشگاه علامه طباطبائی

فرخنده صالحی

کارشناس ارشد مدیریت دولتی دانشگاه علامه طباطبائی

چکیده

استادان دانشگاه مهم‌ترین عامل تأثیرگذار در به انجام رسیدن اهداف دانشگاه به حساب می‌آیند. بی‌تفاوتی سازمانی در بین استادان می‌تواند نقش بسزایی در عدم تحقق این اهداف داشته باشد؛ بنابراین، هدف مطالعه حاضر بررسی تأثیر آزرده‌گی عاطفی بر بی‌تفاوتی سازمانی با نقش میانجی هوش فرهنگی در استادان خانم دانشگاه علامه طباطبائی است. روش پژوهش حاضر، از نظر هدف، کاربردی بوده و برحسب روش، پژوهشی توصیفی - پیمایشی است. داده‌های مورد نیاز با استفاده از پرسشنامه‌های آزرده‌گی عاطفی چوی و همکاران (۲۰۱۴)، بی‌تفاوتی سازمانی دانایی‌فرد و همکاران (۱۳۸۹) و هوش فرهنگی آنگ و ارلی (۲۰۰۴) جمع‌آوری شد. جامعه آماری پژوهش را ۱۴۰ استاد خانم دانشگاه علامه طباطبائی تشکیل می‌دهند. پایایی و روایی ابزار پژوهش با استفاده از آزمون‌های پایایی ترکیبی، ضریب بارهای عاملی،

^۱ نویسنده مسئول: Aghil.ghorbani92@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۹/۲۱

تاریخ ارسال: ۱۳۹۸/۷/۱۲

آلفاکرونباخ، روایی همگرا و روایی واگرا اندازه‌گیری شدند. داده‌های حاصل با استفاده از نرم‌افزار smart-PLS و SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. از آزمون‌های سوبل و واف برای اندازه‌گیری شدت اثر و آماره تی میانجی هوش فرهنگی استفاده شده است. تحلیل داده‌ها نشان داد که آزرده‌گی عاطفی بر بی‌تفاوتی سازمانی و هوش فرهنگی مؤثر بوده است. از سوی دیگر، آزمون سوبل نشان داد که تقریباً ۷۶ درصد از تغییرات آزرده‌گی عاطفی بر بی‌تفاوتی سازمانی از طریق متغیر میانجی هوش فرهنگی تبیین می‌شود.

واژگان کلیدی

آزرده‌گی عاطفی، بی‌تفاوتی سازمانی، هوش فرهنگی، استادان خانم دانشگاه علامه طباطبائی

مقدمه و بیان مسئله

بررسی رفتار کارکنان در سازمان‌ها امری اجتناب‌ناپذیر است. مدیران باید به‌طور مداوم علاوه بر عملکرد کارکنان رفتار آن‌ها را نیز مورد ارزیابی قرار دهند؛ بنابراین، در حال حاضر سرمایه انسانی و توسعه منابع انسانی به‌عنوان موضوعات کلیدی مطرح می‌شوند. برای حفظ و نگهداری این سرمایه برای مدت زمان طولانی ضروری است مطالعات عمیق و تلاش‌های مؤثر انجام شود. یکی از عواقب ناشی از عدم توجه به منابع انسانی ایجاد پدیده‌ای به نام بی‌تفاوتی سازمانی^۱ است. این پدیده یکی از ویژگی‌های افرادی است که به وظایف تکراری و خسته‌کننده اشتغال دارند و اغلب به این واقعیت رسیده‌اند که در محل کار امید کمی برای بهبود وجود دارد. اساساً این وضعیت ذهنی و رفتاری متمایز، بی‌تفاوتی شخصی است و نشان از محرومیت فرد و وجود مشکل در محل کار است. بی‌تفاوتی یک نوع بحران خاموش است؛ سقوط آهسته، تضعیف مداوم و خاموش که خلاقیت و ریسک را سرکوب می‌کند. همچنین انگیزه کارکنان و تلاش برای کار را در برمی‌گیرد و بنابراین، کارکنان بی‌تفاوت، یک سازمان

^۱ .organization indifference

بی‌تفاوتی را تشکیل می‌دهند. کارکنان بی‌تفاوت تعهد کمتری نسبت به سازمان دارند. در نتیجه آن‌ها بر عملکرد سازمان تاثیر مستقیم و منفی دارند (تتابنده و سلجوقی، ۲۰۱۶).

بدیهی است از جمله عواملی که به‌طور مستقیم با موفقیت در شغل ارتباط دارد، هوش فرهنگی است. هوش فرهنگی یک قابلیت فردی برای درک، تفسیر و اقدام اثربخش در موقعیت‌هایی دانسته شده است که از تنوع فرهنگی برخوردارند و با آن دسته از مفاهیم مرتبط با هوش سازگار است که هوش را بیشتر یک توانایی شناختی می‌دانند. افراد از لحاظ قابلیت درک و شناخت فرهنگ‌های بیگانه و عمل متناسب با آن‌ها یکسان نیستند. برخی افراد در شغل خود در مواجهه با افرادی از فرهنگ‌های مختلف که اندکی پا را از فرهنگ ملی و محلی آن‌ها، فراتر می‌گذارند، دچار ناراحتی، بی‌اعتمادی و ناسازگاری می‌شوند. در مقابل، برخی دیگر، چنان رفتار می‌کنند که گویی سال‌هاست با آن فرهنگ بیگانه خو گرفته‌اند (کوچ و توران).

آزرده‌گی عاطفی یکی از مسائل حیاتی در سطح نیروی کار است. به‌ویژه در سطح مشاغلی که با عموم مردم سر و کار دارند مانند خدمات عمومی، آموزش و فروش (لی و همکاران، ۲۰۱۳). آزرده‌گی عاطفی احساس آزرده‌گی بیش‌ازحد ناشی از کار است (ماسلاچ و جکسون، ۱۹۸۱). آزرده‌گی عاطفی اغلب زمانی ایجاد می‌شود که کارکنان مشغول انجام کارهایی در مواجهه با انسان‌ها هستند (داگورتی، کوردس، ۱۹۹۳). وجود افراد متخصص در کار خدمات برای بالا بردن سطح رفاه الزامی است که این کار وجود نیازهای شناختی، احساسی و رفتاری را اجتناب‌ناپذیر می‌سازد (جونگ و دورمان، ۲۰۰۳). در محل کار آزرده‌گی عاطفی یک حالت تخریب‌گونه فیزیکی و عاطفی است که از جمله عوامل استرس‌زا برای فرد است. تمرکز بیش‌ازحد، ابهام نقش، تعارض نقش، محدودیت‌های سازمانی و تعارض‌های بین فردی از عوامل بروز آزرده‌گی است؛ بنابراین، آزرده‌گی عاطفی وضعیت منابع باقیمانده در سازمان را نشان می‌دهد که ناشی از عوامل استرس‌زا در طول زمان است (جو، ۲۰۱۶). همچنین آزرده‌گی عاطفی میلیاردها دلار خسارت را به شکل غیبت، هزینه‌های بیمه و کاهش بهره‌وری به سازمان‌ها وارد می‌کند. از جمله دیگر پیامدهای آزرده‌گی عاطفی شامل: ۱. ترک شغل و سازمان ۲. کاهش اعتماد به نفس، افسردگی و بی‌خوابی ۳. کاهش کمی و کیفی عملکرد ۴. افزایش

استفاده از تنباکو، الکل و دارو است. آزرده‌گی عاطفی یک پاسخ عاطفی به استرس مزمن تجربه‌شده افراد مشغول به کار در مشاغلی مانند فروش و آموزش است که ارتباط گسترده با افراد مختلف دارند (لی و همکاران، ۲۰۱۳). یافته‌های هاشمی (۱۳۹۱) نشان می‌دهد که کارمندان بخش سیستم به دلیل وجود حجم زیاد کار؛ فشار از ناحیه مشتریان و سرپرستان دچار آزرده‌گی و فرسودگی همیشگی از کار هستند به همین دلیل است که این شرکت سالانه حداقل بیش از ۲۲ درصد از کارکنان خود را از دست می‌دهد (هاشمی، ۱۳۹۱). بر طبق گفته استالارد (۲۰۱۰) تحقیقات اخیر نشان می‌دهد که نود درصد کارمندان یا انگیزه و تمایل ندارند و یا رفتارشان در راستای اهداف سازمان نیست. یکی از علت‌های اصلی، بی‌تفاوتی است (استالارد، ۲۰۱۰).

امروزه حفظ، نگهداری و ایجاد انگیزه در استادان، به یکی از چالش‌های عمده منابع انسانی در دانشگاه علامه طباطبائی تبدیل شده است بی‌توجهی به این موضوع می‌تواند منجر به پدیده‌های زیادی مانند بی‌تفاوتی سازمانی در استادان دانشگاه و از جمله استادان خانم دانشگاه علامه طباطبائی شود. بدون شک نظام آموزشی و پژوهشی‌ای موفق است که استادان دانشگاه بدون دغدغه و صاحب انگیزه و کارآ داشته باشد. یکی از عوامل مهم در بی‌تفاوتی سازمانی و از بین رفتن نیروی انسانی، شکل‌گیری آزرده‌گی عاطفی در استادان دانشگاه است. به دلیل نبود پژوهشی در زمینه بی‌تفاوتی سازمانی در استادان خانم دانشگاه علامه طباطبائی، این پژوهش درصدد بررسی نقش آزرده‌گی عاطفی بر بی‌تفاوتی سازمانی با نقش میانجی هوش فرهنگی در استادان خانم دانشگاه علامه طباطبائی است. در همین راستا سؤالات این پژوهش به صورت زیر در نظر گرفته شده است:

۱. آزرده‌گی عاطفی چه تأثیری بر بی‌تفاوتی سازمانی در استادان خانم دانشگاه علامه طباطبائی دارد؟

۲. آزرده‌گی عاطفی چه تأثیری بر هوش فرهنگی در استادان خانم دانشگاه علامه طباطبائی دارد؟

۳. هوش فرهنگی چه تأثیری بر بی تفاوتی سازمانی در استادان خانم دانشگاه علامه طباطبائی دارد؟

۴. آزردهی عاطفی چه تأثیری بر بی تفاوتی سازمانی از طریق متغیر میانجی هوش فرهنگی در استادان خانم دانشگاه علامه طباطبائی دارد؟

مبانی نظری

آزردهی عاطفی

آزردهی عاطفی ناشی از عواملی است که خود بر متغیرهای زیادی از سازمان می‌تواند تأثیرگذار باشد. امروزه آزردهی عاطفی به علت اثر منفی‌ای که بر کسب‌وکار دارد، به‌طور چشمگیری ملاحظه شدنی است (لی و همکاران^۱، ۲۰۱۳). هر دو نوع خستگی جسمی و روانی، حس خستگی عاطفی خشک را آشکار می‌سازد. آزردهی عاطفی در واقع نشان‌دهنده احساسات بیش‌ازحد توسعه‌یافته و خستگی از کار است. در واقع احساس خستگی و آزار روحی و ذهنی ناشی از کار را آزردهی عاطفی می‌گویند. احساس خستگی، احساس گرفتار شدن در مکانی تهی از منابع فیزیکی و احساسی است. گراندی (۲۰۰۳) آزردهی عاطفی را ناشی از ترکیب افسردگی، بی‌توجهی عاطفی و یک نگرش بدبینانه نسبت به عوامل استرس‌زای محیطی می‌داند. دو علت پیچیده که منجر به آزردهی عاطفی می‌شوند عبارت‌اند از: ۱. افزایش تنش ناشی از کار که می‌تواند ناهنجاری احساسی تولید کند ۲. تخلیه منابع ذهنی با تلاش‌های فرآیند تنظیم عاطفی (لی و همکاران، ۲۰۱۷).

ابعاد آزردهی عاطفی شامل ابهام شغلی، تعارض نقش و حجم و فشار کاری است (چوی و همکاران^۲، ۲۰۱۴).

^۱ . Li et al

^۲ . Choi et al

ابهام شغلی: وضعیت شغلی معینی که در آن پاره‌ای از اطلاعات لازم برای انجام شغل به‌طور نامطلوب، نارسا یا گمراه‌کننده است. همچنین ابهام شغلی زمانی پدید می‌آید که روشن نباشد نقش فرد چیست، از جمله زمانی که به‌روشنی معلوم نباشد که هدف از شغل چیست یا محدوده مسئولیت‌های فرد کدام است. هرچند که ابهام شغلی در بیشتر سازمان‌ها مسئله‌ای اجتناب‌ناپذیر است اما سازمان‌ها به رهبرانی نیاز دارند تا ابهام‌های موجود در نقش‌های محوله به کارکنان را برطرف کنند. ابهام نقش در واقع زمانی به استرس منجر می‌شود که فرد را از بهره‌وری و پیشرفت بازدارد (دیستل^۱، ۲۰۱۰).

تعارض نقش: تعارض نقش نتیجه‌ی تقاضاهای متنوع و غیرهمسوست. تضاد در نقش زمانی رخ می‌دهد که به کارکنان وظایفی محول می‌شود که متناقض با وظایف قبلی آن‌هاست (تضاد درونی نقش) و یا اینکه نقش آن‌ها مغایر و ناهمسان با نقش فردی دیگر در سازمان است (تضاد بیرونی نقش). علت تضاد در نقش‌های سازمانی عدم تدوین سیستماتیک شرح شغل است. به این معنی که هر شغل به‌طور مجزا و بدون ارتباط با سایر مشاغل طراحی گردد. علت دیگر بروز تضاد، ابهام نقش فرد است. تضاد در نقش به هر علتی که رخ دهد می‌تواند منجر به بروز فشار روانی در افراد گردد و همبستگی بین تضاد و ابهام با فشار روانی بسیار قوی گزارش شده است (الوانی و دانایی‌فرد، ۱۳۸۰). تعارض نقش زمانی رخ می‌دهد که تن دادن به مجموعه‌ای از الزام‌های شغلی با پذیرش مجموعه‌ای دیگر از الزام‌های شغلی مغایر و یا به‌کل ناممکن است.

حجم زیاد کار: به این معناست که فرد نتواند از پس‌کاری برآید که بخشی از شغل معینی است. حجم زیاد کار را می‌توان از ۲ دیدگاه بررسی کرد: ۱. دیدگاه کمی ۲. دیدگاه کیفی. حجم زیاد کمی کار زمانی پیش می‌آید که فرد برای انجام تمام‌کارهایی که به او محول می‌گردد،

^۱ . Diestel

وقت کافی ندارد. حجم زیاد کیفی کار زمانی پیش می‌آید که کارکنان فکر کنند که قادر نیستند در حد مهارت‌ها یا کوششی که دارند، از انجام کارها به‌طور شایسته برآیند (براهنی، ۱۳۸۴).

فشار کار: عوامل گوناگونی در فشارهای شغلی جای دارند که از جمله می‌توان به تقاضای محیطی، سیستم‌های سازمانی، تقسیم‌کار، ضعف مدیریت و دیگر موارد اشاره کرد. باوجود این ویژگی شخصیتی، وضعیت اقتصادی و درآمدی به‌عنوان مهم‌ترین عوامل محیط شغلی ملاحظه می‌گردند؛ زیرا که با افزایش درآمد شغلی و همچنین الگوهای رفتاری تیپ شخصیتی عجول و شتابزده A، زمینه برای بروز فشارهای شغلی مخرب فراهم می‌گردد (ستوده، ۱۳۷۸).

بی‌تفاوتی سازمانی: سکوت و ناامیدی نسبت به اهداف و برنامه‌های سازمان و همچنین فقدان درک مؤثر رابطه بین کارکنان و مدیریت، هشدار خطر است برای کاهش عملکرد سازمان؛ بنابراین، یکی از مهم‌ترین مسائل مربوط به منابع انسانی در این دوره بی‌تفاوتی سازمانی کارکنان است؛ اما سازمان‌های زیادی این رفتار سازمانی را مورد توجه قرار نداده‌اند. روانشناسان معتقدند بی‌تفاوتی زمانی اتفاق می‌افتد که شخص پس از ناکامی طولانی امید تحقق هدف یا هدف‌های خود را در یک وضعیت به‌خصوص از دست می‌دهد و می‌خواهد از منشأ ناکامی خود کناره‌گیری کند. دیوید (۲۰۰۸) بیان کرد بی‌تفاوتی در محل کار و در هر سازمان جهانی وجود دارد زیرا این بخشی از غریزه و ماهیت انسانی است. بسته به این‌که ما از کدام زاویه و کدام رویکرد به پدیده بی‌تفاوتی نگاه می‌کنیم، تعاریف متعددی از بی‌تفاوتی وجود دارد. کاپلان و سادوک بی‌تفاوتی را وضعیت کمبود احساسات درونی و احساس عدم علاقه و درگیر شدن هیجان به محیط اطراف، تعریف کرده‌اند. میشل (۱۹۸۸) و کینستون (۱۹۸۵) بی‌تفاوتی را نوعی احساس جدایی، انزوا و فقدان عینی و ذهنی ارتباط، بین فرد و جامعه می‌دانند. بی‌تفاوتی در سازمان نشان‌دهنده مشکل در سازمان است و مدیران باید آن را در میان کارکنان بسیار جدی بگیرند (سلحشوری و توکلی، ۲۰۱۴). بی‌تفاوتی سازمانی کارکنان یکی از عوامل مخرب است که این رفتار منجر به انحراف ذهنی بین سازمان و کارکنان و همچنین باعث فقدان

انگیزه، کاهش تعهد سازمانی، عملکرد سازمانی و مشارکت در میان کارکنان و نیز شکست سازمان برای رسیدن به اهداف خود می‌شود و در نتیجه بهره‌وری یک سازمان کاهش می‌یابد. عبداللهی و همکاران (۲۰۱۴) معتقدند که عوامل متعددی از جمله ضعف عدالت سازمانی، انگیزه، هوش مدیران در سازمان‌ها، مهارت‌های سه‌گانه مدیریتی، سیستم حقوق و پاداش، سیستم ارزیابی عملکرد، ترفیع، توجه کافی به مشکلات شخصی و خانوادگی، ابهام در نقش و رفتار شهروندی نامناسب بر بی‌تفاوتی کارکنان تاثیر دارند. علاوه بر این نتایج مطالعات در حوزه منابع انسانی نشان‌دهنده این واقعیت است که عملکرد کارکنان به‌منظور دستیابی به اهداف سازمان تحت تاثیر نگرش آن‌ها و درک مسائل مختلفی که در سازمان وجود دارد قرار می‌گیرد. در واقع وقتی نظارت بر عملکرد کارکنان وجود ندارد و آن‌ها از نتایج اقدامات خودآگاهی ندارند و متوجه نمی‌شوند که آیا وظایف خود را به‌خوبی انجام داده‌اند یا خیر و از هرگونه مشکل یا نقص در کار خودآگاهی ندارند و همچنین تاثیر عملکرد آن‌ها در سازمان برای رسیدن به اهداف دیده نمی‌شود، در نتیجه افراد احساس بی‌تفاوتی می‌کنند.

بی‌تفاوتی کارکنان را می‌توان در چهار حوزه مشاهده کرد:

۱. بی‌تفاوتی به مدیر: به این معنا که کارکنان از بیان توانایی‌های خود برای انجام فعالیت‌های بیشتر اجتناب می‌کنند و آن‌ها پیشرفت کار را به مدیریت اطلاع نمی‌دهند. همچنین، انتظارات مدیران را به تأخیر می‌اندازند یا حتی دروغ می‌گویند تا از مسئولیت اجتناب کنند.
۲. بی‌تفاوتی به مشتریان: به وضعیتی اشاره دارد که در آن کارکنان از ارائه خدمات به مشتریان در یک زمان خاص اجتناب می‌کنند.
۳. بی‌تفاوتی به همکاران: کارمندان در کارهای گروهی شرکت نمی‌کنند و هیچ ارتباط دوستانه‌ای با همکاران خود ندارند.
۴. بی‌تفاوتی به شغل: این نوع بی‌تفاوتی به وضعیتی اطلاق می‌شود که کارکنان دقت کافی در کارشان نشان نمی‌دهند و کارشان را جدی نمی‌گیرند. علاوه بر این آن‌ها



خلاقیت و نوآوری در کار ندارند و به عملکرد سازمان توجه نمی‌کنند (غفاری آهنگری و همکاران، ۲۰۱۵).

هوش فرهنگی: هوش فرهنگی نخستین بار توسط ایرلی و انگ، محققان دانشکده کسب و کار لندن مطرح شد. از نظر این دو نفر هوش فرهنگی توانایی و ظرفیتی است که فرد به‌طور مؤثر خود را به هنگام مقابله با فرهنگ‌های جدید تطبیق دهد. (پترانتو و غزالی^۱، ۲۰۱۳). در تعریفی دیگر هوش فرهنگی یک قابلیت فردی برای درک، تفسیر و اقدام اثربخش در موقعیت‌هایی است که از تنوع فرهنگی برخوردارند و با آن دسته از مفاهیم هوش سازگار است که هوش را بیشتر یک توانایی شناختی می‌دانند. هوش فرهنگی در واقع چندوجهی و چندبعدی است و در آن تمایلات انسانی مربوط به فرهنگ‌های دیگر از زوایای مختلف تحلیل و ارزیابی می‌شوند. بسیاری از محققان هوش فرهنگی را توانایی یک شخص برای انجام وظایف مؤثر در موقعیت‌های مختلف فرهنگی تعریف می‌کنند. در حقیقت هوش فرهنگی یک قابلیت است که به افراد برای داشتن یک درک صحیح و دقیق، زمانی که با فرهنگ‌های مختلف روبه‌رو هستند کمک می‌کند تا به‌درستی عمل کنند (سلجوقی و تنابنده، ۲۰۱۶).

این نوع هوش توانایی بهبود درک تعاملات بین فرهنگی را دارد. سازمان‌ها و مدیران که ارزش استراتژیک هوش فرهنگی را درک کرده‌اند می‌توانند از تفاوت‌های فرهنگی به‌منظور ایجاد مزیت رقابتی و برتری در جهان استفاده کنند. هوش فرهنگی به مدیران و کارکنان روش تفکر و عمل کردن را می‌آموزد تا بتوانند در هر زمینه فرهنگی به‌طور مؤثر عمل کنند (عسگری و وزیری، ۲۰۱۲).

فردی باهوش فرهنگی بالا مرزهای فرهنگی را درک می‌کند. دانستن این مرزها می‌تواند چارچوبی برای رفتار با دیگران ایجاد کند. با توجه به این نکات فرد می‌تواند چگونگی تفکر و نحوه واکنش در شرایط مختلف را تعیین کند و همچنین می‌تواند این مرزها را در شرایط سخت به نفع اهداف سازمان کاهش دهد. هوش فرهنگی نوع جدیدی از هوش است که رابطه

¹ . Putranto & Ghazali

خوبی با مکان‌های مختلف فرهنگی دارد. پترسون هوش فرهنگی را استعداد کاربرد مهارت‌ها و توانایی‌ها در محیط‌های مختلف می‌داند. سازمان‌ها به دنبال مدیرانی هستند که می‌توانند به‌طور مداوم با افراد از فرهنگ‌های مختلف سازگار شوند و قادر به مدیریت روابط بین فرهنگی هستند. امروزه محل کار نیازمند افرادی است که با فرهنگ‌های مختلف آشنا هستند و می‌توانند با افراد فرهنگ‌های دیگر هم ارتباط برقرار کنند به این منظور افراد نیازمند هوش فرهنگی هستند (سلجوقی و تنابنده، ۲۰۱۶).

پیشینه تحقیق

جدول ۱. پیشینه پژوهش

مؤلف	موضوع	یافته‌ها
اسماعیلی و همکاران (۱۳۹۴)	نقش آزدگی عاطفی بر شکل‌گیری بی‌تفاوتی سازمانی کارکنان	بین ابهام شغلی و بی‌تفاوتی سازمانی رابطه معناداری وجود دارد. ضریب همبستگی بین این دو متغیر نیز نشان داد که ابهام شغلی در ایجاد بی‌تفاوتی سازمانی نقش به‌سزایی دارد و از بین بردن ابهام شغلی می‌تواند گام مؤثری در از بین بردن بی‌تفاوتی سازمانی داشته باشد همچنین آزدگی عاطفی به‌عنوان یکی از عوامل ایجادکننده بی‌تفاوتی سازمانی است.
سلجوقی و تنابنده (۲۰۱۶)	رابطه بین بی‌تفاوتی سازمانی و عملکرد شغلی کارکنان با نقش میانجی هوش فرهنگی	بین شغل کارکنان و هوش فرهنگی ارتباط معناداری وجود دارد.
غفارزاده آهنگری و همکاران (۲۰۱۵)	بررسی رابطه بین بی‌تفاوتی سازمانی و سکوت سازمانی در بین کارمندان اداره کل ورزش و جوانان استان	بین بی‌تفاوتی سازمانی و سکوت سازمانی و همچنین ابعاد بی‌تفاوتی سازمانی (بی‌تفاوتی به مدیر، بی‌تفاوتی به سازمان، بی‌تفاوتی به مشتریان، همکاران و شغل) و سکوت سازمانی (سکوت مطیع، نوع‌دوستانه و تدافعی) رابطه مثبت وجود دارد. علاوه بر این هیچ ارتباط معناداری بین بی‌تفاوتی به

مشتریان و سکوت نوع‌دوستانه وجود ندارد.	مازندران
ضعف مدیریتی باعث بی‌توجهی به کارکنان می‌شود و فضای ناسالمی در محیط کار ایجاد خواهد کرد. کنار هم قرار گرفتن فضای مسموم کاری، عوامل ناسالم کاری و درون‌سازمانی در نهایت بی‌تفاوتی سازمانی را ایجاد خواهد کرد	<p>تئوری شکل‌گیری بی‌تفاوتی سازمانی به طریق داده بنیاد</p> <p>دانایی فرد و اسلامی (۱۳۹۰)</p>
برای بررسی تأثیر تعارض کار - خانواده بر فرسودگی عاطفی و بهزیستی روانی کارکنان با تعدیل‌گری حمایت سازمانی ادراک‌شده و انگیزه درونی از روش معادلات ساختاری و رگرسیون چند متغیره و نرم‌افزارهای LISEREL و SPSS استفاده شده است. نتایج حاصل از پژوهش نشان داده است که میان تعارض کار - خانواده و بهزیستی روانی و فرسودگی عاطفی به ترتیب رابطه منفی و مثبت وجود دارد و انگیزه کاری درونی و حمایت سازمانی ادراک‌شده نیز رابطه میان این متغیرها را تعدیل می‌کند.	<p>بررسی تأثیر تضاد کار- خانواده مادران شاغل بر فرسودگی عاطفی و بهزیستی روانی آنان</p> <p>فیاضی و ساروی (۱۳۹۷)</p>
تعهد مذهبی و مؤلفه‌های آن هوش فرهنگی را پیش‌بینی نمی‌کنند؛ اما تعهد حرفه‌ای بر هوش فرهنگی زنان شاغل تأثیر دارد و ۱۰ درصد از واریانس هوش فرهنگی با (ضریب تأثیر ۰/۳۱)، توسط تعهد حرفه‌ای قابل پیش‌بینی است. می‌توان نتیجه گرفت پابندی زنان شاغل بر مذهب و اعتقادات نمی‌تواند در هوش فرهنگی آن‌ها تأثیر داشته باشد. هوش فرهنگی می‌تواند تابع عوامل دیگری در زندگی شغلی زنان باشد اما تعهدات حرفه‌ای می‌تواند در توانایی یادگیری الگوهای فرهنگی و تعاملات اجتماعی زنان شاغل تغییر ایجاد کند. زنان برای ارائه نقش بهتر در زندگی فرهنگی خود	<p>نقش تعهد مذهبی و تعهد حرفه‌ای در پیش‌بینی هوش فرهنگی زنان شاغل اردبیل</p> <p>قبادی، نریمانی و تکلوی (۱۳۹۷)</p>

باید به وظایف حرفه‌ای خود کاملاً واقف باشند.

تأثیر جوسازمانی	حسین پور، قربانی
مشارکتی بر اشتراک	پاجی و ویشلی
دانش با نقش تعدیلی	(۱۳۹۸)
انگیزش ذاتی و	
استقلال شغلی در	
استادان خانم دانشگاه	
علامه طباطبائی	

بی تفاوتی کارکنان و استادان نسبت به مسائل و مشکلات سازمان، مشکلی است که در ایران گریبان‌گیر اکثر سازمان‌های دولتی و بعضی سازمان‌های غیردولتی است. مدیران در برخورد با این موضوع عکس‌العمل‌های متفاوت از خود نشان می‌دهند، بعضی چون چاره‌ای نمی‌یابند بی تفاوت می‌گذرند، بعضی چاره کار را آموزش کارکنان می‌دانند، بعضی (مدیران بی تجربه) اصلاً متوجه آن نمی‌شوند. آن‌ها در سازمان خود مشکلی نمی‌بینند. بی تفاوتی نوعی انحراف از وضعیت متعادل در سازمان است. احساس آزرده‌گی عاطفی ناشی از کار می‌تواند موجب تأثیرات نامطلوب بر گرایش‌های شغلی و رفتار گردد (مسلخ و جکسون، ۱۹۸۱). از آنجایی که آزرده‌گی عاطفی هم بر عملکرد کاری و هم بر جابجایی کارکنان اثر می‌گذارد، بسیار مورد توجه مدیران قرار گرفته است (لی و آشفورث، ۱۹۹۶). اثر نافذ و فراگیر آزرده‌گی عاطفی به خصوص در مشاغل خدماتی که کارکنان تعاملی چندجانبه با مشتریان و ارباب رجوع برقرار می‌کنند، جلوه می‌کند که می‌تواند بر جسم و ذهن ارائه‌دهندگان خدمات اثر بگذارد (رفیعی و ساتون، ۱۹۸۷). آزرده‌گی عاطفی کارکنان خدماتی گرایش‌های شغلی منفی را ایجاد

¹ Maslach and Jackson

² Lee and Ashforth

³ Rafaeli and Sutton

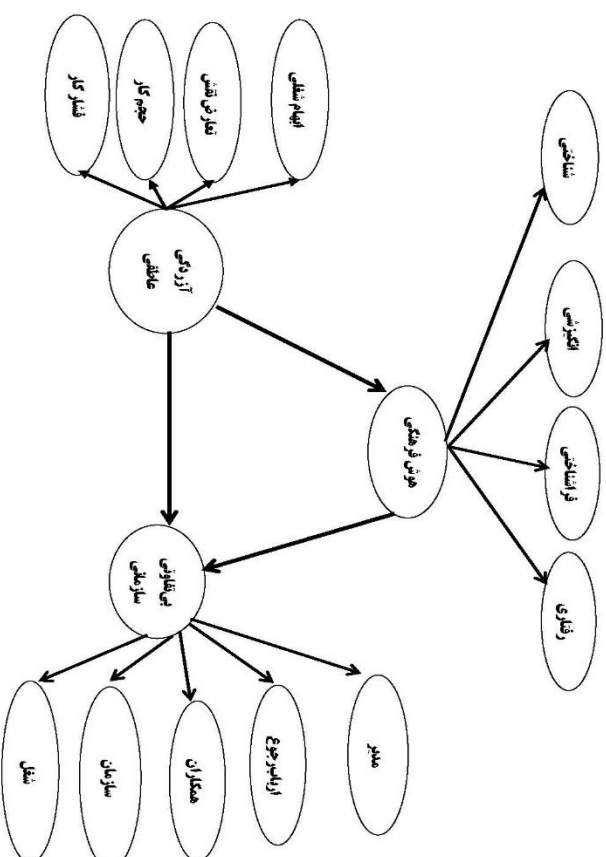
می‌کند که در نهایت با رضایت پایین ارباب‌رجوع از خدمات آشکار می‌گردد (گرندی و همکاران^۱، ۲۰۰۴). از طرفی هوش فرهنگی تعریف هوش در زمینه فرهنگ است. هوش فرهنگی به یادگیری الگوهای جدید تعامل فرهنگی و ارائه پاسخ صحیح به آن اشاره دارد (ارلی و انگ^۲، ۲۰۰۳). فردی با هوش فرهنگی بالا مرزهای فرهنگی را درک می‌کند؛ بنابراین با توجه به این شرایط فرد می‌تواند چگونگی فکر کردن و چگونگی واکنش در شرایط مختلف را تعیین کند و می‌تواند حتی این محدودیت‌ها را در شرایط سخت به نفع اهداف سازمان کاهش دهد. هوش فرهنگی نوع جدیدی از هوش است که رابطه خوبی با مکان‌های مختلف فرهنگی دارد (بروکز^۳، ۲۰۰۶). امروزه در محل کار نیازمند افرادی هستیم که با فرهنگ‌های مختلف آشنا باشند و به خوبی با دیگر فرهنگ‌ها ارتباط برقرار کنند. در پژوهشی که توسط سلاجقه و تنابنده (۲۰۱۶) انجام گرفت ثابت شده است که هوش فرهنگی در بی‌تفاوتی سازمانی مؤثر است و در سطح اطمینان ۹۹ درصد این تأثیر تأیید گردیده است و تقریباً ۵۲ درصد از تغییرات بی‌تفاوتی سازمانی از طریق هوش فرهنگی می‌تواند پیش‌بینی شود. مدل مفهومی مدلی است که محقق روابط میان متغیرها را بر اساس چارچوب نظری تحقیق حدس زده و پیش‌فرض تحلیلی خود قرار می‌دهد؛ به عبارت دیگر در هر تحقیق هدف محقق بسته به نوع تحقیق شناسایی مدل مفهومی یا آزمون مدل مفهومی است که بر اساس مرور ادبیات تحقیق به دست آمده است. بر اساس مبانی نظری مطرح شده در قسمت قبل، مدل مفهومی^۴ و فرضیات پژوهش به صورت زیر شکل گرفته است.

^۱ Grandey et al

^۲ Earley & Ang

^۳ Brooks

^۴ Conceptual model



دوربینی (۱۳۹۲) و (۲۰۱۶) Salajiegh & Tanabandeh

شکل ۱ مدل مفهومی پژوهش

در این شکل مدل مفهومی تحقیق ارائه شده است. در این چارچوب آزردهی عاطفی به عنوان متغیر مستقل و بی تفاوتی سازمانی به عنوان متغیرهای وابسته است و در نهایت متغیر هوش فرهنگی نقش میانجی را ایفا می کند و تمامی متغیرها و مفاهیم اصلی و فرعی در آن با توجه به منابع مستند و معتبر علمی اخذ گردیده است. مدل مفهومی بالا حاصل پژوهش های سلاجقه و تنابنده (۲۰۱۶) است؛ پژوهشی که رابطه بین بی تفاوتی سازمانی با عملکرد سازمانی با نقش میانجی هوش فرهنگی که تمام رابطه بین متغیرها در پژوهش مورد نظر به اثبات رسیده بود. از آنجایی که در پژوهش دوستی، صدقیانی و رضایی منش (۱۳۹۲) رابطه آزردهی عاطفی بر بی تفاوتی سازمانی در سازمان شهرداری به اثبات رسیده بود و از آنجایی که در پژوهش های متعدد به طور مثال پژوهش هالمون (۲۰۱۵) و دولت شاه (۲۰۱۶) رابطه آزردهی عاطفی و هوش فرهنگی بررسی شده و به اثبات رسیده بود؛ از برآیند مطالعه های پژوهشگران مختلف مدل مفهومی بالا استخراج شده است.

فرضیه های پژوهش

۱. آزردهی عاطفی تأثیر معناداری بر بی تفاوتی سازمانی دارد.
۲. آزردهی عاطفی تأثیر معناداری بر هوش فرهنگی دارد.
۳. هوش فرهنگی تأثیر معناداری بر بی تفاوتی سازمانی دارد.
۴. آزردهی عاطفی بر بی تفاوتی سازمانی به طور غیرمستقیم از طریق متغیر میانجی هوش فرهنگی تأثیر دارد.

روش شناسی پژوهش:

از آنجایی که هدف پژوهش، تعیین روابط علی میان آزردهی عاطفی با بی تفاوتی سازمانی از طریق نقش میانجی هوش فرهنگی است، پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی و از نظر روش، توصیفی و از نوع پیمایشی است. در این پژوهش جامعه آماری همه ۱۴۰ استاد خانم

دانشگاه علامه طباطبائی را شامل می‌شود. همچنین از روش نمونه‌گیری غیراحتمالی به صورت در دسترس استفاده شده است و تعداد پرسشنامه‌های جمع‌آوری شده ۱۳۰ نفر بود. در این پژوهش براساس الگوی هیر^۱ (۲۰۰۶) داده‌های پرت در اکسل مورد شناسایی قرار گرفتند که شامل هشت نفر بوده است. در الگوی هیر (۲۰۰۶) STEDV.P هر نفر باید بیشتر از ۳ باشد تا آن فرد بی‌تفاوت تلقی نگردد که در این پژوهش پاسخ‌های هشت نفر زیر ۳ بوده است و به‌عنوان افراد بی‌تفاوت تشخیص داده شده‌اند و از پژوهش حذف گردیدند (هیر، ۲۰۰۶)؛ همچنین برای شناسایی وجود داده‌های پرت از نمودار جعبه‌ای هم استفاده گردیده که نشان از عدم وجود داده‌های پرت در داده‌های پژوهش داشته است. در نهایت تحلیل‌های پژوهش براساس پاسخ‌های ۱۲۲ نفر از استادان صورت گرفته است. در مدل تحلیلی پژوهش، آزدگی عاطفی متغیر مستقل، بی‌تفاوتی سازمانی متغیر وابسته و هوش فرهنگی متغیر میانجی است. ابزار اصلی گردآوری اطلاعات پرسشنامه است. برای سنجش آزدگی عاطفی از پرسشنامه چوی و همکاران (۲۰۱۴) که با طیف پنج گزینه‌ای لیکرت در ۱۶ گویه سنجیده شده و برای سنجش بی‌تفاوتی سازمانی از پرسشنامه دانایی فرد (۱۳۸۹) که در ۵ بعد بی‌تفاوتی نسبت به مدیر، ارباب‌رجوع، همکاران، سازمان و کار در ۳۳ گویه سنجیده شده و برای سنجش هوش فرهنگی از پرسشنامه آنگ و ارلی^۲ (۲۰۰۴) در ۴ بعد شناختی، انگیزشی، فراشناختی و رفتاری در ۲۰ گویه الهام گرفته شده است.

جدول ۲ الگوی تحلیلی پژوهش

مفهوم	بعد	منبع	شماره سؤالات
	بی‌تفاوت نسبت به مدیر	دانایی فرد و همکاران (۱۳۸۹)	از سؤال ۳۷ تا ۴۶
بی‌تفاوتی سازمانی	بی‌تفاوت نسبت به ارباب‌رجوع	دانایی فرد و همکاران (۱۳۸۹)	از سؤال ۴۷ تا ۵۲

^۱ Hair

^۲ Ang & Earley



از سؤال ۵۳ تا ۵۸	دانایی فرد و همکاران (۱۳۸۹)	بی تفاوتی نسبت به همکاران	
از سؤال ۵۹ تا ۶۲	دانایی فرد و همکاران (۱۳۸۹)	بی تفاوتی نسبت به سازمان	
از سؤال ۶۳ تا ۶۹	دانایی فرد و همکاران (۱۳۸۹)	بی تفاوتی نسبت به کار	
از سؤال ۱ تا ۴	چوی و همکاران (۲۰۱۴)	ابهام نقش	آزردهی عاطفی
از سؤال ۵ تا ۸	چوی و همکاران (۲۰۱۴)	تعارض نقش	
از سؤال ۹ تا ۱۲	چوی و همکاران (۲۰۱۴)	حجم کار	
از سؤال ۱۳ تا ۱۶	چوی و همکاران (۲۰۱۴)	فشار کار	
۱۸-۱۹-۲۰-۲۱-۱۷	آنگ و ارلی (۲۰۰۴)	شناختی	هوش فرهنگی
۲۳-۲۴-۲۵-۲۶-۲۲	آنگ و ارلی (۲۰۰۴)	انگیزشی	
۲۸-۲۹-۳۰-۳۱-۲۷	آنگ و ارلی (۲۰۰۴)	فراشناختی	
۳۳-۳۴-۳۵-۳۶-۳۲	آنگ و ارلی (۲۰۰۴)	رفتاری	

روش تجزیه و تحلیل

در این پژوهش در بخش استنباطی برای آزمون فرضیات و مدل از معادلات ساختاری مبتنی بر واریانس با استفاده از روش حداقل مربعات جزئی با استفاده از نرم افزارهای SPSS و

SMART-PLS استفاده می‌گردد. مدل‌یابی به کمک اسمارت پی‌ال‌اس در حوزه‌های متنوع مدیریت کاربرد دارد. البته مزیت اصلی آن در این است که این نوع مدل‌یابی نسبت به لیزرل به تعداد کمتری از نمونه نیاز دارد. از طریق مدل‌یابی اسمارت پی‌ال‌اس می‌توان ضرایب رگرسیون استاندارد را برای مسیرها، ضرایب تعیین را برای متغیرهای درونی و اندازه‌ی شاخص‌ها را برای مدل مفهومی به دست آورد (ون وو، ۲۰۱۰). در روش حداقل مربعات جزئی^۱ برای سنجش بخش اندازه‌گیری که مربوط به پایایی و روایی ابزار پژوهش است از آزمون‌های ضریب بارهای عاملی، آلفاکرونباخ، پایایی ترکیبی، روایی واگرا و همگرا استفاده شده است که در ادامه شرح داده خواهد شد و پس از بررسی بخش اندازه‌گیری و ساختاری (که بخش ساختاری از طریق R سنجیده شده است) پژوهش سپس به بررسی برازش کلی مدل برای تأیید و رد فرضیات استفاده می‌شود که در این پژوهش از GOF استفاده شد و پس از آنکه برازش کلی مدل مورد تأیید قرارگرفت حال نوبت آن است که به بررسی فرضیات بپردازیم که برای بررسی فرضیات از آماره t-value استفاده شده است. همچنین برای فرضیات میانجی که به طور مستقیم قابل سنجش نیستند از آزمون واف^۲ و سوبل^۳ برای ضریب مسیر و آماره t-value استفاده شد.

آزمون نرمال بودن

جهت بررسی نرمال بودن متغیرهای پژوهش از آزمون کولموگروف-اسمیرنوف^۴ استفاده گردیده است. در صورتی که سطح معناداری از ۵ درصد بیشتر باشد متغیر توزیع نرمال است و اگر سطح معناداری کمتر از ۵ درصد باشد متغیرها توزیع نرمال ندارند.

^۱ PLS (Partial Least Square)

^۲ VAF

^۳ SOBEL

^۴ Kolmogrof - Smirmof



جدول ۳ آزمون نرمال بودن

متغیرها	آزردهی عاطفی	هوش فرهنگی	بی تفاوتی سازمانی
کولموگروف-اسمیرنوف	۱,۵۷۴	۱,۷۶۶	۱,۳۳۵
سطح معناداری	./۰۲۰	./۰۱۸	./۰۳۲

با توجه به اینکه سطح معناداری متغیرها در سازمان کمتر از ۵ درصد (غیر نرمال) است پس باید از نرم افزار اسمارت پی ال اس برای تحلیل استفاده نمود چراکه این نرم افزار به نرمال و غیرنرمال بودن داده ها حساس است و برای تحلیل آماری داده های غیر نرمال است. مهم ترین دلیل برتری این روش، استفاده در نمونه های کوچک ذکر شده است. دلیل بعدی داده های غیرنرمال است که محققان در پژوهش ها با آن روبرو می شوند در حالی که نسل اول مدل سازی معادلات ساختاری که با نرم افزارهایی مثل لیزرل^۱، ای کی اس^۲ و آموس^۳ اجرا می شدند نیاز به تعداد نمونه زیاد داشتند. به طور نمونه بومسا و هوگلاند^۴ (۲۰۰۱) تعداد ۲۰۰ به بالا را برای اجرای مدل های معادلات ساختاری با این نرم افزارها مناسب می دانستند (هنسلر، ۲۰۰۹: ۲۹۱). بررسی مقالات چاپ شده در دهه اخیر، نشان از استفاده وسیع پژوهشگران از این روش برای تجزیه و تحلیل داده های پژوهش دارد.

پایایی و روایی در روش حداقل مربعات جزئی: (آلفاکرونباخ، پایایی ترکیبی، روایی همگرا و روایی واگرا)

(۱) آلفای کرونباخ: معیاری کلاسیک برای سنجش پایایی و سنجش مناسب برای ارزیابی پایداری درونی (سازگاری درونی) محسوب می شود. مقدار آلفای کرونباخ بالاتر از ۰/۷، بیانگر پایایی قابل قبول است. (۲) پایایی ترکیبی: معیار پایایی ترکیبی در مدل سازی معادلات ساختاری معیار بهتری از آلفای کرونباخ به شمار می رود چراکه در محاسبه پایایی ترکیبی، شاخص های با بار عاملی بیشتر اهمیت زیادتری دارند (وینزی و همکاران، ۲۰۱۰). با عنایت

¹ Lisrel

² EQS

³ Amos

⁴ Boomsma & Hoogland

به موارد فوق و با توجه به جدول ۴ مقدار تمامی سازه‌ها مورد تأیید هستند، برازش مناسب مدل‌های اندازه‌گیری تأیید می‌شود. (۳) روایی همگرا: روایی همگرا^۱ معیاری است که برای برازش مدل‌های اندازه‌گیری در روش حداقل مربعات جزئی به کار برده می‌شود. معیار میانگین واریانس استخراج شده نشان‌دهنده‌ی میانگین واریانس به اشتراک گذاشته شده بین هر سازه با شاخص‌های خود است.

جدول ۴. آلفای کرونباخ، ضریب پایایی، میانگین واریانس استخراج شده

متغیر	پایایی ترکیبی	آلفاکرونباخ	میانگین واریانس استخراج شده
	بزرگ‌تر از ۰/۷	بزرگ‌تر از ۰/۷	بزرگ‌تر از ۰/۵
آزردگی عاطفی	۰.۹۲۸۴	۰.۹۴۴۰۶۴	۰.۷۶۵۲
هوش فرهنگی	۰.۹۴۵۴	۰.۹۶۱۲۱۱	۰.۸۱۴۲
بی تفاوتی به سازمان	۰.۹۲۶۲۶۲	۰.۹۰۶۸۶۷	۰.۶۴۲۵۷۵
بی تفاوتی به شغل	۰.۹۳۶۰۵۸	۰.۹۲۰۲۷۱	۰.۶۷۶۵۶۵
شناختی	۰.۹۰۱۶۵۳	۰.۸۶۲۹۳۱	۰.۶۴۷۸۰۲
انگیزشی	۰.۹۰۵۹۸	۰.۸۷۰۰۵۲	۰.۶۵۹۱۵
فراشناختی	۰.۹۳۲۹۹۲	۰.۹۰۹۸۸۵	۰.۷۳۶۰۷۷
رفتاری	۰.۹۲۱۵۹۱	۰.۸۹۳۱۳۶	۰.۷۰۲۰۲۹
بی تفاوتی سازمانی	۰.۹۴۵۱	۰.۹۷۸۶۵۲	۰.۸۷۹۰
ابهام نقش	۰.۹۰۹۸۰۶	۰.۸۶۷۷۹۶	۰.۷۱۶۱۸۹
تعارض نقش	۰.۹۱۸۷۸	۰.۸۷۹۴۸۷	۰.۷۴۰۶۴۷

^۱ Convergent validity



۰.۸۳۳۸۸	۰.۹۲۷۱۲۶	۰.۹۵۱۷۳	حجم کار
۰.۵۸۵۴۰۴	۰.۷۵۸۸۴۹	۰.۸۴۷۷۷۵	فشار کار
۰.۶۱۷۸۸۹	۰.۸۷۴۸۵۹	۰.۹۰۶۱۳۲	بی تفاوتی به مدیر
۰.۶۴۴۸۳۲	۰.۹۰۷۶۵۵	۰.۹۲۶۹۰۵	بی تفاوتی نسبت به ارباب رجوع
۰.۶۵۵۱۵۳	۰.۸۹۴۶۶۱	۰.۹۱۹۳۳	بی تفاوتی به همکاران

۴) روایی واگرا^۱: روش فورنل و لارکر

میزان رابطه یک سازه با شاخص‌هایش در مقایسه رابطه آن سازه با سایر سازه‌هاست؛ به طوری که روایی واگرایی قابل قبول یک مدل حاکی از آن است که یک سازه در مدل، تعامل بیشتری با شاخص‌های خود دارد تا با سازه‌ای دیگر.

جدول ۵. روایی واگرا

بی تفاوتی سازمانی	آزردهی عاطفی	هوش فرهنگی	سازه
		.۸۷۴۷	هوش فرهنگی
	.۹۰۲۳	-۰.۵۸۴۲۸۷	آزردهی عاطفی
.۹۳۷۵	-۰.۴۲۲۰۵۳	۰.۴۴۲۷۷۰	بی تفاوتی سازمانی

برازش کلی مدل:

برازش کلی مدل شامل هر دو بخش مدل اندازه‌گیری و ساختاری می‌شود و با تأیید برازش آن بررسی برازش در یک مدل کامل می‌شود. برای بررسی برازش مدل کلی تنها از یک معیار به نام برازش کلی مدل^۲ استفاده می‌شود. این معیار از طریق فرمول زیر به دست می‌آید:

^۱ Divergent Validity

^۲ Goodness Of Fit

$$/7330 = \sqrt{.6617} \times \sqrt{.8122} \times \sqrt{R^2} \times \sqrt{\text{communality}} = \text{برازش کلی مدل}$$

به طوری که Communalities نشانه میانگین مقادیر اشتراکی هر سازه است و R^2 نیز مقدار میانگین مقادیر R Squares سازه‌های درون‌زای مدل است.

جدول ۶. مفروضات برازش کلی مدل

سازه	میانگین مقادیر اشتراکی	R^2
آزردگی عاطفی	۰.۵۵۶۳۲۸	-
هوش فرهنگی	۰.۵۷۸۲۹	۰.۶۱۵۱۰۷
بی تفاوتی به سازمان	۰.۶۴۲۵۷۵	۰.۹۳۱۰۷۴
بی تفاوتی به شغل	۰.۶۷۶۵۶۵	۰.۹۲۴۵۸۴
شناختی	۰.۶۴۷۸۰۲	۰.۸۲۹۷۴۳
انگیزشی	۰.۶۵۹۱۵	۰.۸۱۷۴۴۶
فراشناختی	۰.۷۳۶۰۷۷	۰.۸۷۱۱۹۷
رفتاری	۰.۷۰۲۰۲۹	۰.۸۵۸۵۳۱
بی تفاوتی سازمانی	۰.۵۹۵۲۷۴	۰.۵۳۶۵۵۵
ابهام نقش	۰.۷۱۶۱۸۹	۰.۶۳۸۸۸۷
تعارض نقش	۰.۷۴۰۶۴۷	۰.۹۱۶۱۵۵
حجم کار	۰.۸۳۳۸۱	۰.۸۴۱۱۸۱
فشار کار	۰.۵۸۵۴۰۴	۰.۶۶۵۲۵۹
بی تفاوتی به مدیر	۰.۶۱۷۸۸۹	۰.۸۹۴۱۵۹
بی تفاوتی نسبت به ارباب رجوع	۰.۶۴۴۸۳۲	۰.۹۱۸۱۳۴
بی تفاوتی به همکاران	۰.۶۵۵۱۵۳	۰.۹۲۵۳۲۸
میانگین	۰.۶۶۱۷	۰.۸۱۲۲



وتزلزل و دیگرا (۲۰۰۹) سه مقدار ۰.۱، ۰.۲۵، ۰.۳۶ را به عنوان مقادیر ضعیف، متوسط و قوی برای برازش کلی مدل معرفی نموده اند (وتزل، ۲۰۰۹). بنابراین حاصل شدن ۰.۷۳۳۰ برای برازش کلی مدل نشان از برازش کلی قوی مدل دارد.

یافته‌های توصیفی

در این پژوهش، اکثریت پاسخگویان را زنان متأهل تشکیل داده‌اند (۵۴/۱ درصد) همچنین ۴۵،۹ درصد پاسخگویان مجرد. براساس نتایج کسب شده، میانگین سن پاسخگویان ۳۰ تا ۳۵ سال بوده است که ۴۲،۶ درصد از افراد در این دامنه سنی قرار داشته‌اند. از نظر سطح تحصیلات ۶۸/۹ درصد دانشجوی دکتری و ۳۱/۱ درصد دارای دکتری تخصصی بودند. همچنین ۵۹/۸ درصد از استادان حاضر در این پژوهش از استادان حق التدریس دانشگاه علامه طباطبائی بودند و ۴۰/۲ درصد از استادان خانم دانشگاه علامه طباطبائی از استادان هیئت علمی بودند. در جدول شماره ۷ میانگین و انحراف استاندارد و مد نمرات زیر مقیاس‌های متغیرهای مورد بررسی ارائه شده است.

جدول ۷. شاخص‌های توصیفی متغیرهای آزردهی عاطفی، بی تفاوتی سازمانی و هوش فرهنگی در بین استادان خانم دانشگاه علامه طباطبائی

متغیر	مؤلفه	میانگین	مد	انحراف استاندارد
بی تفاوتی سازمانی	بی تفاوت نسبت به مدیر	۲. ۵۴۹۲	۱. ۵۰	۰. ۸۹۳۲۲
	بی تفاوت نسبت به ارباب رجوع	۲. ۴۶۱۴	۱. ۷۱	۰. ۹۳۶۶۵
	بی تفاوت نسبت به همکاران	۲. ۵۴۶۴	۱. ۶۷	۰. ۸۶۸۶۱
	بی تفاوت نسبت به سازمان	۲. ۵۷۱۴	۱. ۵۷	۰. ۹۷۶۵۳
	بی تفاوت نسبت به کار	۲. ۴۶۰۲	۱. ۲۹	۰. ۹۱۱۲۲
آزردهی عاطفی	بی تفاوتی سازمانی	۲. ۵۱۵۹	۱. ۳۳	۰. ۸۸۱۶۰
	ابهام نقش	۲. ۶۴۵۵	۳. ۵۰	۰. ۸۶۰۵۴
	تعارض نقش	۲. ۵۰۸۲	۱. ۷۵	۰. ۹۰۹۶۲
	حجم کار	۲. ۵۰۸۲	۲. ۰۰	۰. ۹۶۶۸۸
	فشار کار	۲. ۵۴۷۱	۲. ۰۰	۰. ۷۹۶۶۴
	آزردهی عاطفی	۲. ۵۵۲۳	۱. ۶۹	۰. ۷۷۳۹۵

۰.۸۵۲۱۹	۴.۰۰	۳.۴۱۹۷	شناختی	هوش فرهنگی
۰.۹۰۸۴۸	۴.۰۰	۳.۳۷۲۱	انگیزشی	
۰.۹۳۴۲۸	۴.۸۰	۳.۵۵۷۴	فراشناختی	
۰.۸۵۸۱۲	۲.۴۰	۳.۴۸۲۰	رفتاری	
۰.۸۱۲۱۵	۴.۰۵	۳.۴۵۷۸	هوش فرهنگی	

یافته‌های استنباطی: آزمون فرضیه‌های پژوهش

فرضیه اول

آزردگی عاطفی تأثیر معناداری بر بی‌تفاوتی سازمانی دارد.

جدول ۸. ضرایب مسیر، آماره‌ی **t-value** (متغیر وابسته بی‌تفاوتی سازمانی)

نتیجه آزمون	آماره-t value	ضریب مسیر	فرضیه
تأیید فرضیه	۲,۳۴۰	./۱۹۹	آزردگی عاطفی ← بی‌تفاوتی سازمانی

با توجه به ضریب مسیر ۱۹۹/۰ و همچنین آماره **t-value** به مقدار ۲,۳۴۰ می‌توان گفت: با توجه به اینکه آماره **t-value** خارج از دامنه $\pm ۱/۹۶$ است، در سطح اطمینان ۹۵ درصد آزردگی عاطفی اثر معناداری بر بی‌تفاوتی سازمانی در استادان خانم دانشگاه علامه طباطبائی دارد؛ بنابراین فرضیه اول پژوهش تأیید می‌شود.

فرضیه دوم

آزردگی عاطفی تأثیر معناداری بر هوش فرهنگی دارد.

جدول ۹. ضرایب مسیر، آماره‌ی **t-value** (متغیر وابسته هوش فرهنگی)

نتیجه آزمون	آماره-t value	ضریب مسیر	فرضیه
تأیید فرضیه	۱۸,۶۰۸	-.۷۸۴	آزردگی عاطفی ← هوش فرهنگی



با توجه به ضریب مسیر $۰/۷۸۴$ - و همچنین آماره t -value به مقدار $۱۸,۶۰۸$ می توان گفت: با توجه به اینکه آماره t -value خارج از دامنه $\pm ۲/۵۷$ است، در سطح اطمینان ۹۵ درصد آزردهی عاطفی اثر معناداری بر هوش فرهنگی در استادان خانم دانشگاه علامه طباطبائی دارد. بنابراین فرضیه دوم پژوهش تایید می شود.

فرضیه سوم

هوش فرهنگی تأثیر معناداری بر بی تفاوتی سازمانی دارد.

جدول ۱۰. ضرایب مسیر، آماره t -value (متغیر وابسته بی تفاوتی سازمانی)

نتیجه آزمون	آماره- t value	ضریب مسیر	فرضیه
تأیید فرضیه	۵,۹۵۱	- ۰/۵۶۶	هوش فرهنگی ← بی تفاوتی سازمانی

با توجه به ضریب مسیر $۰/۵۶۶$ - و همچنین آماره t -value به مقدار $۵,۹۵۱$ می توان گفت: با توجه به اینکه آماره t -value خارج از دامنه $\pm ۲/۵۷$ است، در سطح اطمینان ۹۵ درصد هوش فرهنگی اثر معناداری بر بی تفاوتی سازمانی در استادان خانم دانشگاه علامه طباطبائی دارد. بنابراین فرضیه سوم پژوهش تایید می شود.

آزمون فرضیه چهارم (آزمون سوبل^۱ و آزمون واف^۲):

فرضیه چهارم: آزردهی عاطفی بر بی تفاوتی سازمانی به طور غیرمستقیم از طریق متغیر میانجی هوش فرهنگی تأثیر دارد.

^۱ Sobel

^۲ VAF

آزمون سوبل: یکی از آزمون‌های پرکاربرد برای سنجش معناداری تأثیر میانجی‌گری یک متغیر در رابطه‌ی میان دو متغیر دیگر، آزمون سوبل است. در آزمون سوبل، یک مقدار تی از طریق فرمول زیر به دست می‌آید که در صورت بیشتر شدن این مقدار از ۱٫۹۶، می‌توان در سطح اطمینان ۹۵ درصد، معنادار بودن تأثیر میانجی یک متغیر را تأیید کرد. در این فرمول (a) برابر با مقدار ضریب مسیر بین متغیر مستقل و میانجی (b) برابر با مقدار ضریب مسیر میان متغیر میانجی و وابسته؛ (c) برابر با مقدار ضریب مسیر بین متغیر مستقل و وابسته؛ (Sa): مقدار خطای استاندارد میان مسیر متغیر مستقل و میانجی و (Sb): مقدار خطای استاندارد میان مسیر متغیر میانجی و وابسته)

(a= ۰.۵۶۶)؛ (b= -۰.۱۹۹)؛ (c=۰.۱۹۹)؛ (Sa=۰.۰۴۲۱)؛ (Sb=۰.۰۹۵۱) : فرضیه چهارم
(-۰.۷۸۴)

$$تی فرضیه چهارم = \frac{a \times b}{\sqrt{(b^2 \times S^2 a) + (a^2 \times S^2 b) + (S^2 a \times S^2 b)}} = ۵,۶۶۲۱$$

با جایگذاری در فرمول فوق، مقدار ۵,۶۶۲۱ برای فرضیه‌ی چهارم به دست می‌آید. همان‌طور که مشاهده شد، مقدار تی حاصل از آزمون سوبل برابر با ۵,۶۶۲۱ شد، به دلیل بیشتر بودن از $\pm 1/96$ می‌توان اظهار داشت که در سطح اطمینان ۹۹ درصد، تأثیر متغیر میانجی هوش فرهنگی در رابطه‌ی بین آزدگی عاطفی و بی‌تفاوتی سازمانی معنادار است.



تعیین شدت تأثیر میانجی: برای تعیین شدت اثر غیرمستقیم متغیر میانجی از آماره‌ای به نام واف^۱ استفاده می‌شود که مقداری بین صفر و یک را اختیار می‌کند و هر چه این مقدار به یک نزدیک‌تر باشد، نشان از قوی‌تر بودن تأثیر متغیر میانجی دارد. در واقع این مقدار نسبت اثر غیرمستقیم بر اثر کل را می‌سنجد (داوری و رضازاده، ۱۳۹۲). مقدار واف از فرمول زیر محاسبه می‌شود:

$$\text{واف} = \frac{a \times b}{(a \times b) + c}$$

فرضیات فرمول:

a: مقدار ضریب مسیر بین متغیر مستقل و میانجی

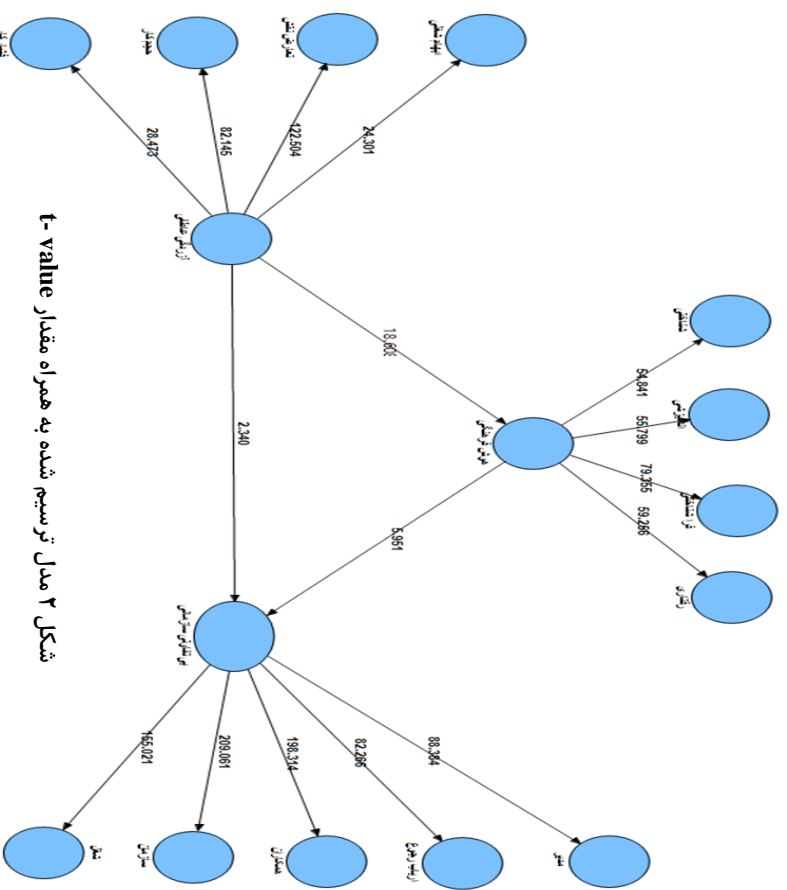
b: مقدار ضریب مسیر بین متغیر میانجی و وابسته

c: مقدار ضریب مسیر بین متغیر مستقل و وابسته

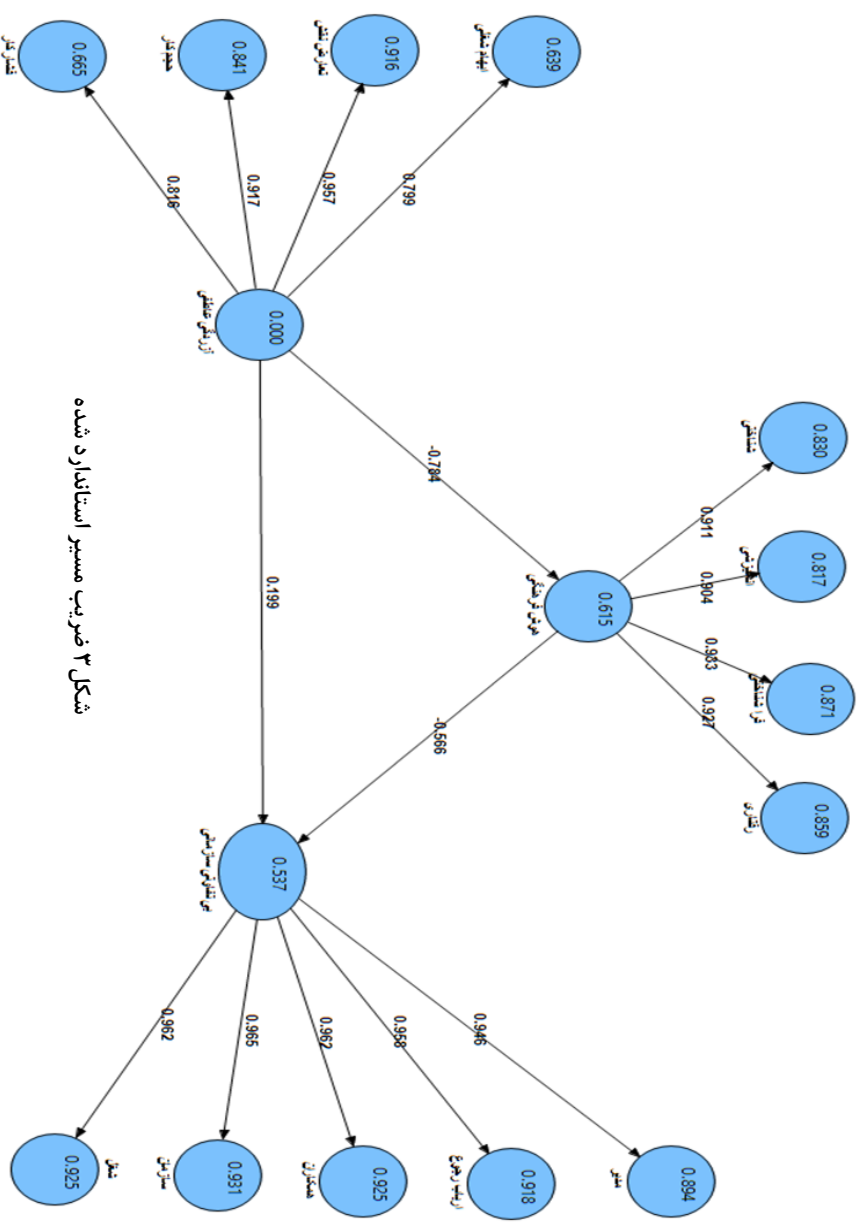
$$\text{فرضیه چهارم} = \frac{0.784 \times 0.566}{(0.784 \times 0.566) + 0.199} = 0.6903$$

این بدان معنی است که تقریباً بیش از ۶۹ درصد از اثر کل آزردهی عاطفی بر بی تفاوتی سازمانی از طریق غیرمستقیم توسط متغیر میانجی هوش فرهنگی تبیین می‌شود.

¹ Variance Accounted For



شکل ۳ مدل ترسیم شده به همراه مقدار t-value



شکل ۳ ضریب مسیر استاندارد شده

جدول ۱۱. خلاصه یافته های پژوهشی

نتیجه آزمون	آماره-t value	شدت میانجی	فرضیه
تأیید فرضیه	۵,۶۶۲۱	۰/۶۹۰	آزردگی عاطفی بر بی تفاوتی سازمانی به طور غیرمستقیم از طریق متغیر میانجی هوش فرهنگی تأثیر دارد.
تأیید فرضیه	۲,۳۴۰	۰/۱۹۹	آزردگی عاطفی تأثیر معناداری بر بی تفاوتی سازمانی دارد.
تأیید فرضیه	۱۸,۶۰۸	-۰/۷۸۴	آزردگی عاطفی تأثیر معناداری بر هوش فرهنگی دارد.
تأیید فرضیه	۵,۹۵۱	-۰/۵۶۶	هوش فرهنگی تأثیر معناداری بر بی تفاوتی سازمانی دارد.

بحث و نتیجه گیری

نتایج به دست آمده در این تحقیق، برخی کاربردهای عملی را برای سازمان مطرح می‌کند. در حال حاضر در محیطی که با تغییرات سریع روزانه مواجه هستیم، از سازمان‌ها انتظار می‌رود که در رقابت موجود بسیار پویا و فعال عمل کنند. هدف از انجام این تحقیق پی بردن به نقش آزردگی عاطفی در یکی از مهم‌ترین متغیرهای موجود در سازمان‌های امروزی یعنی بی‌تفاوتی سازمانی است. با توجه به اینکه فرضیات تدوین شده در این پژوهش مورد تأیید قرار گرفتند می‌توان به این نتیجه رسید که آزردگی عاطفی به‌عنوان یکی از متغیرهای تأثیرگذار در شکل‌گیری بی‌تفاوتی سازمانی جایگاهی خاص دارد. آزردگی عاطفی با ضریب مسیر (۰,۱۹۹) و ضریب معناداری (۲,۳۴۰) بر بی‌تفاوتی سازمانی تأثیر مثبت دارد یعنی با افزایش آزردگی عاطفی، بی‌تفاوتی در سازمان نیز افزایش می‌یابد و با کاهش یکی دیگری نیز کاهش می‌یابد که با نتایج دوستی (۱۳۹۲) و راتی و لی^۱ (۲۰۱۶) که در پژوهش خود به بررسی آزردگی عاطفی

^۱ Rathi & Lee

و نگرش شغلی با نقش تعدیل‌گر خصوصیات شخصیتی پرداختند که نتایج نشان داد که آزردهی عاطفی تأثیری منفی بر نگرش شغلی (رضایت شغلی و تعهد سازمانی) داشته است، همچنین با پژوهشی که غفارزاده و همکاران^۱ (۲۰۱۵) با موضوع رابطه بی‌تفاوتی سازمانی با سکوت سازمانی انجام دادند و با نتایج اسماعیلی و همکاران (۱۳۹۴) همخوانی دارد؛ اما آزردهی عاطفی با ضریب مسیر (-۰,۷۸۴) و ضریب معناداری (۱۸,۶۰۸) بر هوش فرهنگی و هوش فرهنگی با ضریب مسیر (-۰,۵۶۶) و ضریب معناداری (۵,۹۵۱) بر بی‌تفاوتی سازمانی کارکنان تاثیر معکوس دارد یعنی با افزایش یک متغیر دیگری کاهش و با کاهش یکی، دیگری افزایش می‌یابد که با نتایج صباح و بهشتی‌فر (۱۳۹۵)، همخوانی دارد که نتایج آن‌ها نشان داد رابطه معکوس بین سرمایه اجتماعی و بی‌تفاوتی سازمانی کارکنان ستاد مرکزی دانشگاه علوم پزشکی کرمان وجود دارد همچنین با یافته‌های سلجوقی و تنابنده^۲ (۲۰۱۶) و مسلمی (۱۳۹۵) نیز همخوانی دارد. همچنین مقدار t-value حاصل از آزمون سوبل (فرضیه چهارم) برابر با ۵,۶۶۲۱ شد که به دلیل بیشتر بودن از $\pm 1/96$ می‌توان اظهار داشت که در سطح اطمینان ۹۹ درصد، تاثیر متغیر میانجی هوش فرهنگی در رابطه‌ی علی بین آزردهی عاطفی و بی‌تفاوتی سازمانی معنادار است. همچنین نتایج به‌دست آمده نشان داد که هوش فرهنگی نقش یک میانجی در تاثیر بین دو متغیر آزردهی عاطفی و بی‌تفاوتی سازمانی دارد و بیش از ۶۹ درصد از اثر کل آزردهی عاطفی بر بی‌تفاوتی سازمانی از طریق غیرمستقیم توسط متغیر میانجی هوش فرهنگی تبیین می‌شود.

به‌کارگیری توانایی و استعدادهای زنان به‌منظور بهره‌گیری حداکثری از نیروی انسانی، مستلزم شناخت دقیق و علمی این قشر از جوامع است. لذا آزردهی عاطفی زنان و هوش فرهنگی استادان خانم یک ابزار حیاتی برای افزایش توانایی زنان به‌منظور دسترسی به منابع و انتخاب زندگی هدفمند در جهت بهبود وضعیت اقتصادی، اجتماعی و سیاسی زنان در جامعه و دانشگاه است. در حقیقت هر چه زنان در خانواده از

^۱ Ghafarzadeh et al.

^۲ Salajeghe & Tanabandeh

قدرت بیشتری برخوردار باشند می‌توانند در تصمیم‌گیری‌های مختلف شرکت کنند و دسترسی بیشتری به منابع داشته باشند، اما وجود برخی موانع فرهنگی مانند وجود تبعیض در خانواده، فرهنگ‌های غلط پدرسالاری، سنت‌ها و دید مردم در بسیاری از مواقع، برخورد تحقیرآمیز استادان آقا باعث ایجاد محدودیت برای زنان می‌شود و برنامه‌های کاری آنان را با خلل مواجه می‌سازد که زمینه‌ساز آزرده‌گی عاطفی و طردشدگی زنان می‌شود؛ در این زمینه می‌توان با برگزاری دوره‌های فرهنگی ویژه آقایان و آشنایی آنان با اهمیت نقش زن در این راستا گام‌های مؤثری برداشت. همچنین مطابق با نتایج تحقیق، هوش فرهنگی می‌تواند بر بی-تفاوتی استادان خانم اثرگذار باشد. در حقیقت می‌توان اذعان داشت که پیشرفت و توانمندسازی زنان در جریان اصلی توسعه سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، با نهاد شدن حضور و مشارکت زنان میسر خواهد شد لذا باید دولت زمینه‌های لازم را برای حضور زنان در برنامه‌ریزی‌ها، خط‌مشی‌ها و سیاست‌گذاری‌ها فراهم آورد. نتایج همچنین نشان داد موانع فرهنگی از جمله باورهای انگیزشی و شناختی می‌تواند مانع توانمندی زنان گردد؛ باورهای مربوط به نقش‌های جنسیتی که از زمان‌های دور در فرهنگ افراد ریشه دوانیده است یکی از اساسی‌ترین عواملی است که مانع حضور زنان در جامعه می‌شود؛ در همین زمینه حذف کلیشه‌های جنسیتی، تغییر نگرش در برنامه‌های رسانه‌ها و توجه بیشتر به پژوهش در مورد مسائل و مشکلات زنان در حذف باورهای سنتی و به‌طور کلی رفع موانع فرهنگی بسیار سودمند خواهد بود که این امر هوش فرهنگی استادان خانم را بهبود خواهد داد. بخش عظیمی از جمعیت افراد شاغل را در جامعه، زنان تشکیل داده‌اند؛ زنان در حرفه‌ها و شغل‌های مختلفی نقش توجه برانگیزی در چرخه اقتصادی کشور داشته و سالانه بخش چشمگیری از سرمایه‌های اقتصادی را با فعالیت‌های خود در بخش صنعت و خدمات به خود اختصاص می‌دهند. شواهد موجود در جامعه نشان می‌دهد حرفه‌ها در دو گروه حرفه‌ها و مشاغل دولتی و مشاغل غیردولتی یا خصوصی قرار دارند. بخشی از گرایش‌های زنان به مشاغل، به نیازهای اقتصادی و مادی آن‌ها و بخشی نیز به علاقه و ذهن فرهنگی آن‌ها بازمی‌گردد. هوش و استعداد فرهنگی زنان نیز در مخیر شدن آن‌ها به انجام حرفه نقش دارد.

هوش فرهنگی از متغیرهای تأثیرگذار در تطابق با تفاوت‌های فردی و فرهنگی است که اخیراً در حوزه سازگاری فردی و اجتماعی مطرح شده است. همچنین هوش فرهنگی عمومی بوده و به فرهنگ خاصی اختصاص ندارد. هوش فرهنگی بررسی می‌کند چگونه کسی می‌تواند زمانی که در یک محیط بین فرهنگی از امکانات و مهارت‌های آن‌ها شناختی ندارد، خود را وفق دهد و پیشرفت کند. بنابراین، زنان شاغل بر اساس شناختی که در شغل خود از فرهنگ‌های مختلف نسبت به مراجعه‌کنندگان دارند، دارای هوش فرهنگی متفاوتی هستند. از آنجایی که هوش فرهنگی یک توان فردی برای اداره کردن به لحاظ فرهنگی در زمینه‌های مختلف و مشاغل و حرفه‌های مختلف است، لذا می‌توان بر متغیر بودن و انعطاف‌پذیر بودن این ویژگی در زنان شاغل تأکید کرد. امروزه زنان شاغل در حرفه‌های مختلفی مشغول به فعالیت هستند، وجود استعداد بالای هوش فرهنگی در زنان شاغل می‌تواند باعث شود تا آن‌ها در شغل‌ها و حرفه‌های خود سازگاری بهتری پیدا کرده و با شرایط مختلف خود را وفق دهند. این مسئله باعث می‌شود آن‌ها در شغل‌های خود عملکرد مطلوبی داشته و در سطح کلان وضعیت مشاغل آزاد در سطح جامعه، که زنان آن را مدیریت می‌کنند، بهتر باشند در مقابل آزرده‌گی عاطفی اعتماد به نفس خانم‌ها را تخریب می‌کند و نمی‌گذارد که حقیقتاً خودشان باشند. آزرده‌گی عاطفی با احساس خشم، تردید نسبت به خود، ترس از طرد شدن، ترس از تنهایی، حس عدم امنیت، شرم، حقارت یا ترس از اینکه دیگر شما را دوست نداشته باشند یا از فرد قدردانی نکنند همراه است. فردی که از آزرده‌گی عاطفی رنج می‌برد، فقط برای دیگران زندگی می‌کند و خودش را نادیده می‌گیرد. زمانی که با دوستانش است، خودش را فراموش می‌کند، زمانی که مشغول کاری می‌شود، خودش را تمام و کمال وقف آن کار می‌کند تا مورد پسند و قبول دیگران قرار گیرد و یا ذره‌ای از او قدردانی کنند.

هنگامی که به عوامل تشکیل‌دهنده آزرده‌گی عاطفی توجه شود می‌توان نتیجه گرفت که با مهندسی مجدد ساختار سازمانی می‌توان از شکل‌گیری آزرده‌گی عاطفی جلوگیری کرد که همین امر منجر به عدم ایجاد بی‌تفاوتی سازمانی می‌گردد. ضعف در سیستم‌ها، فرایندها و ساختار باید با علم به بازسازی ساختار و بازمهندسی سازمان انجام پذیرد؛ اما لزوم این تغییرات باید از

قبل برای کارکنان توجیه شود تا فرآیند تحول سازمان با کمترین مقاومت از سوی کارکنان روبرو شود. تغییرات نباید به کارکنان احساس ناامنی دهد، تغییرات لازم نیست به یکباره و انقلابی انجام شود بلکه می‌تواند در طی زمان در برنامه استراتژیک گنجانده شود.

بی‌تفاوتی سازمانی برای سازمان‌ها هزینه‌بر خواهد بود و تاثیر جبران‌ناپذیری بر پیکره سازمان وارد می‌کند. با طراحی ساختار سازمانی مناسب و منعطف، آگاه‌سازی، برگزاری سمینارها و کلاس‌های آموزشی می‌توان از به‌وجود آمدن این پدیده جلوگیری کرد.

امروزه اکثر سازمان‌ها و افراد، هوش فرهنگی را یک مزیت رقابتی و قابلیت استراتژیک می‌دانند. در محیط و بازار جهانی، هوش فرهنگی اهرم مورد نیاز رهبران و مدیران تلقی می‌شود. سازمان‌ها و مدیرانی که ارزش استراتژیک هوش فرهنگی را درک کنند، می‌توانند از تفاوت‌ها و تنوع فرهنگی در جهت ایجاد مزیت رقابتی و برتری در بازار جهانی استفاده کنند.

هوش فرهنگی به منزله چسبی است که می‌تواند در محیط متنوع، انسجام و هماهنگی ایجاد کند. افراد دارای هوش فرهنگی بالا قادرند اثر چشمگیری بر استراتژی‌های بازاریابی و توسعه محصول برای گروه‌های مشتریان در کشورهای مختلف داشته باشند. این افراد جزو دارایی‌های ارزشمند سازمان‌ها هستند و به‌خصوص در زمان بحران ارزش خود را بیشتر نمایان می‌سازند. خوشبختانه برخلاف سایر جنبه‌های شخصیت انسانی، هوش فرهنگی کسانی که روان سالم دارند و از نظر حرفه‌ای و شغلی توانمند هستند، قابل پرورش و توسعه است.

از سوی دیگر آموزش مهارت‌های هوش فرهنگی به کارکنان باید در رأس اقدامات سازمان قرار گیرد و فرصت‌های مناسبی جهت یادگیری مستمر و بهبود هوش فرهنگی کارکنان تدارک دیده شود. به مدیران پیشنهاد می‌شود که میزان هوش فرهنگی خود را بالا ببرند و تفاوت‌های فرهنگی را در نظر بگیرند و در برخورد با فرهنگ‌های متفاوت سازش داشته باشند و به همکاران و زیردستان خود اعتماد کنند و در تصمیم‌گیری‌ها آنان را مشارکت دهند و جو مناسبی را برای بروز خلاقیت و نوآوری فراهم کنند. هسته اصلی هوش فرهنگی، توانمندی افراد با گروه‌های اجتماعی در تعامل اجتماعی سازنده با افراد یا گروه‌های اجتماعی با فرهنگ‌های متفاوت است. مدیری که از هوش فرهنگی بالایی برخوردار است با کمک



تجربه‌های خود، رفتاری را از خود بروز می‌دهد که دقیقاً متناسب با شرایط موجود باشد. افراد دارای هوش فرهنگی بالاتر انگیزه‌های مشارکتی بیشتر و انگیزه‌ی شناخت‌شناسی بالاتری نسبت به افراد دارای هوش فرهنگی پایین‌تر دارند. از آنجاکه هوش فرهنگی اکتسابی بوده سازمان‌ها باید در جهت آموزش آن به تمام کارکنان به‌ویژه مدیران مربوطه اقدام نمایند.

ارلی و ماساکوفسکی (۲۰۰۴) بر مبنای نتایج حاصل از یک پیمایش که در ۶۰ شرکت مختلف و در میان ۲۰۰۰ نفر از مدیران به انجام رسیده است نشان داده‌اند که هرچند سهم اندکی از هوش فرهنگی را می‌توان ذاتی و درونی تلقی کرد اما بی‌تردید بخش یا سهم مهمی از هوش فرهنگی هر فرد ناشی از آموزش و یادگیری است. بر مبنای چنین دیدگاهی است که اندیشمندان مختلف به ارائه مدل‌های مختلفی برای تقویت هوش فرهنگی از طریق آموزش دست‌زده‌اند. مقوله محوری در بی‌تفاوتی سازمانی استادان ناشی از عارضه‌های موجود در دانشگاه است. در صورتی که آسیب دانشگاه به‌صورت مداوم شناسایی و بهبود یابد به تدریج کم‌رنگ شدن این مقوله محوری در مورد بی‌تفاوتی سازمانی مشاهده خواهد شد. با درمان سازمان، جو و برنامه انگیزشی بهبود می‌یابد. در آسیب‌شناسی سازمانی، مقولاتی مانند سیستم‌ها، ساختار، فرآیندها، محدودیت‌های ذاتی سازمان، مسائل مالی و برنامه‌ها باید بهبود یابند.

- مسائل خانوادگی و شخصی خواه‌ناخواه بر کار و بازدهی استادان اثر می‌گذارد و می‌تواند باعث بی‌تفاوتی استادان گردد. برای فائق آمدن بر این مشکل می‌توان با کمک مطالعه تطبیقی از تجربیات سایر ارگان‌ها و شرکت‌ها بهره جست.

- مدیران دانشگاه باید با تدابیر لازم سعی نمایند تا میزان بی‌تفاوتی سازمانی کارکنان را کاهش دهند که در این راستا می‌توانند با توانمند ساختن استادان، استخدام افراد لایق و برقراری نظام شایسته‌سالاری، ایجاد امنیت شغلی برای استادان، سهم کردن استادان در امر تصمیم‌گیری و کمک به استادان در توسعه توانایی‌ها و رسیدن به قابلیت‌ها در کاهش بی‌تفاوتی سازمانی استادان نقش به‌سزایی داشته باشند.

- بازنگری در شیوه‌های تخصیص پاداش در جهت به‌کارگیری معیارهای مبتنی بر عملکرد و شایستگی به‌جای معیارهای مبتنی بر رابطه‌مداری.
- در این پژوهش ابعاد آزرده‌گی عاطفی، بی‌تفاوتی سازمانی و هوش فرهنگی مورد بررسی قرار نگرفته است پیشنهاد می‌گردد برای پژوهش‌های آتی اثر ابعاد آزرده‌گی عاطفی بر بی‌تفاوتی سازمانی مورد بررسی قرار گیرد. از آنجایی‌که بی‌تفاوتی سازمانی و آزرده‌گی عاطفی در دانشگاه با دانشگاه‌های بخش دولتی و بخش خصوصی دیگر ممکن است متفاوت باشد پیشنهاد می‌گردد همین پژوهش در بخش ستادی یک دانشگاه دولتی هم انجام گیرد یا این‌که پژوهش به‌صورت هم‌زمان به‌صورت تطبیقی در دو دانشگاه خصوصی و دولتی انجام گردد و یا از آنجایی‌که سیاست‌های سازمان‌ها و دانشگاه‌ها در قبال حمایت از کارکنان و استادان متفاوت است بهتر است این پژوهش در صنایع دیگر از جمله خودرو، بیمه، شرکت‌های هواپیمایی مورد بررسی قرار گیرد. بهتر است پژوهشگران پژوهش‌های آینده متغیرهای کنترل یعنی سطح تحصیلات، جنسیت، سابقه کاری و موارد مشابه را مورد بررسی قرار دهند چراکه ممکن است نتایج براساس موارد ذکرشده متفاوت باشد. محدودیت کلی پژوهش حاضر این است که با توجه به اینکه جامعه آماری این پژوهش استادان خانم دانشگاه علامه طباطبائی هستند، می‌بایست به تفاوت‌هایی از لحاظ فرهنگی، ساختاری، محیطی توجه کرد، بنابراین، تعمیم آن به سایر نهادها به‌سادگی امکان‌پذیر نیست. از آنجایی‌که ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه بوده است ماهیت خودارزیابی استادان ممکن است گرایش به تظاهر در پاسخ به سؤالات پژوهش را ایجاد کند و نتایج پژوهش را تحت تأثیر قرار دهد.

منابع

- اسماعیلی، محمود رضا؛ ملاعباسی، حافظ و قربانی اورنجی، سمیه. (۱۳۹۴). نقش آزردهی عاطفی بر شکل‌گیری بی تفاوتی سازمانی کارکنان. سومین کنفرانس بین‌المللی حسابداری و مدیریت، تهران.
- الوانی، سید مهدی و دانایی فرد، حسن. (۱۳۸۰). مدیریت تعارض. تهران: موسسه تحقیقات و آموزش مدیریت.
- حسین پور، داود؛ قربانی پاچی، عقیل ویشلقی، مهدیه. (۱۳۹۸). تأثیر جوسازمانی مشارکتی بر اشتراک دانش با نقش تعدیلی انگیزش ذاتی و استقلال شغلی. *مطالعات اجتماعی روان شناختی زنان*، ۱۷(۱)، ۱۳۱-۱۶۴.
- دانایی فرد، حسن و اسلامی، آذر. (۱۳۹۰). کاربرد استراتژی پژوهشی نظریه داده بنیاد در عمل، ساخت نظریه بی تفاوتی سازمانی. تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- ستوده، هدایت الله. (۱۳۷۸). روان شناسی اجتماعی. تهران: آوای نور.
- سعیدی، نیما؛ عسگری، سعید و کوشان، ندا. (۱۳۹۰). بررسی رابطه‌ی میان هوش عاطفی و هوش فرهنگی و نقش آن‌ها در موفقیت مدیران. *نشریه صنعت لاستیک ایران*، ۱۶(۶۳)، ۸۳-۹۱.
- طولابی، زینب؛ خیری، علیرضا و صمدی، سعید. (۱۳۹۴). رابطه بین هوش فرهنگی و تعاملات اجتماعی در دانشجویان. *مجله روان‌شناسی*، ۱۹(۳)، ۲۸۶-۲۹۶.
- عسکری وزیری، علی. (۱۳۹۱). بررسی هوش فرهنگی، مؤلفه‌ها و راهبردهای آن در سازمان با رویکرد اسلامی. *اسلام و پژوهش‌های مدیریتی*، ۲(۱)، ۵۳-۸۰.
- فیاضی، مرجان و ساروی، نازلی. (۱۳۹۵). بررسی تأثیر تضاد کار- خانواده مادران شاغل بر فرسودگی عاطفی و بهزیستی روانی آنان. *مطالعات اجتماعی روان شناختی زنان*، ۱۴(۴)، ۹۵-۱۲۲.
- قبادی، زهرا؛ نریمانی، محمد و تکلوی، سمیه. (۱۳۹۷). نقش تعهد مذهبی و تعهد حرفه‌ای در پیش‌بینی هوش فرهنگی زنان شاغل اردبیل. *مطالعات اجتماعی روان شناختی زنان*، ۱۶(۳)، ۱۰۶-۱۱۹.
- کالیمو، رایجا؛ البطوی، مصطفی و کوپر، کاری. (۱۳۸۴). مدیریت عوامل روانی - اجتماعی محیط کار. مترجم محمد نقی براهنی، تهران: رسالت.

هاشمی، احمدرضا (۱۳۹۱). رابطه آزرده‌گی عاطفی بر تعهد سازمانی. (پایان نامه کارشناسی ارشد رشته مدیریت دولتی دانشکده مدیریت و حسابداری) دانشگاه علامه طباطبائی، تهران.

- Alvani, S. M., & Danaeifard, H. (2001). Conflict Management, *Institute for Management Research and Training*, Tehran. [Text in Persian]
- AskariVaziri, A. (2012.) A Review of Cultural Intelligence and Its Components and Strategies in Organization: Islamic Perspective. *Islam and Research Management magazine*, 2(1), 53- 80. [Text in Persian]
- Kalimo, R., El Batawi, M. A., & Cooper, C. L. (2005). *Psychosocial factors at work and their relation to health*. World Health Organization. (Translated by Mohammad Taghi Barahani).Tehran:Rasanesh. (Original work published 1987).
- Choi, C. H., Kim, T. T., Lee, G., & Lee, S. K. (2014). Testing the stressor-strain-outcome model of customer-related social stressors in predicting emotional exhaustion, customer orientation and service recovery performance. *International Journal of Hospitality Management*, 36, 272-285.
- Cordes, C. L., & Dougherty, T. W. (1993). A review and an integration of research on job burnout. *Academy of management review*, 18(4), 621-656.
- Danaeifard, H., Hasanzadeh, A., & Salariyeh, N. (2010). Designing the organizational indifference measurement: A combinative research. *Journal of Strategic management thought*, 4(2), 79-99. [Text in Persian]
- Danaeifard, H., & Islam, A. (2011). *Applying Fundamental grounded Theory Research Strategy to Practice, Making Organizational Indifference Theory*. First edition, Tehran: Imam Sadegh University. [Text in Persian]
- De Jonge, J., & Dormann, C. (2003). The DISC model: Demand-induced strain compensation mechanisms in job stress. In *Occupational stress in the service professions* (pp. 57-88). CRC Press.
- Diestel, S., & Schmidt, K. H. (2010). Interactive effects of emotional dissonance and self-control demands on burnout, anxiety, and absenteeism. *Journal of Vocational Behavior*, 77(3), 412-424.
- Earley, P. C., & Ang, S. (2003). *Cultural intelligence: Individual interactions across cultures*. Stanford University Press.



- Earley, P. C., & Ang, S. (2003). *Cultural intelligence: Individual interactions across cultures*. Stanford University Press.
- Fayazi, M., & Saravi, N. (2017). The effect of working mothers work-family conflict on their Psychological Well-being and emotional exhaustion. *Women's Studies Sociological and Psychological*, 14(4), 95-122. doi: 10.22051/jwsp.2017.10606.1230 [Text in Persian]
- Ghafarzadeh Ahangar, S., Boroumand, M. R., Hami, M. (2015). Relationship between organizational indifference and organizational silence in employees of youth and sport offices in Mazandaran province. *International Journal of Sport Studies*, 5 (3), 296-300. [Text in Persian]
- Gobadi, Z., Narimani, M., Taklavi, S. (2018). The roll of religious commitment and professional commitment in forecast of employed cultural intelligence women in Ardabil city. *Women's Studies Sociological and Psychological*, 16(3), 5-6. doi: 10.22051/jwsp.2019.20469.1746 [Text in Persian]
- Grandy, L., Hall, J., Ehrlich, S., Meyerson, R., Mahlum, E., Chasen, J., ... & Meghji, K. (2004). *U.S. Patent Application No. 10/668,824*.
- Henseler, J., Ringle, C. M., & Sinkovics, R. R. (2009). The use of partial least squares path modeling in international marketing. *In New challenges to international marketing (277 – 319)* Emerald Group Publishing Limited.
- Hosseinpour, D., Ghorbani Paji, A., Vishlaghi, M. (2019). The effect of cooperative organizational atmosphere on knowledge sharing: moderating role of intrinsic motivation and job autonomy. *Women's Studies Sociological and Psychological*, 17(1), 131-164. [Text in Persian]
- Hulland, J. S. (1999). Use of partial least squares (PLS) in strategic management research: A review of four recent studies. *Strategic Management Journal*, 20 (4), 195–204.
- Ismaili, M., Mollabassi, H., & Ghorbani Orangi, S. (2015). *The Role of Emotional Distress on the Formation of Organizational Indifference*. Third International Accounting and Management Conference. [Text in Persian]
- Ju, D., Qin, X., Xu, M., & DiRenzo, M. S. (2016). Boundary conditions of the emotional exhaustion-unsafe behavior link: The dark side of group norms and personal control. *Asia Pacific Journal of Management*, 33(1), 113-140.
- Koc, K., & Turan, M. B. (2018). The impact of cultural intelligence on social skills among university students. *Journal of Education and Learning*, 7(6), 241-249. [Text in Persian]

- Lee, R. T., & Ashforth, B. E. (1996). A meta-analytic examination of the correlates of the three dimensions of job burnout. *Journal of applied Psychology, 81*(2), 123.
- Li, J. J., Wong, I. A., & Kim, W. G. (2017). Does mindfulness reduce emotional exhaustion? A multilevel analysis of emotional labor among casino employees. *International Journal of Hospitality Management, 64*, 21-30.
- Li, F., Jiang, L., Yao, X., & Li, Y. (2013). Job demands, job resources and safety outcomes: The roles of emotional exhaustion and safety compliance. *Accident Analysis & Prevention, 51*, 243-251.
- Maslach, C., & Jackson, S. E. (1981). The measurement of experienced burnout. *Journal of organizational behavior, 2*(2), 99-113.
- Putranto, N. A. R., & Ghazali, A. (2013). The effect of cultural intelligence to knowledge sharing behavior in university students. *School of Business and Management ITB, Bandung*, 1-9.
- Rafaeli, A., & Sutton, R. I. (1987). Expression of emotion as part of the work role. *Academy of management review, 12*(1), 23-37.
- Saeedi, N., Asghari, S., & Koushan, N. (2011). Investigating the relationship between emotional intelligence and cultural intelligence and their role in managers' success. *Iranian Rubber Magazine, 16*(63), 83- 91. [Text in Persian]
- Salahshuri, R., & Tavakoli, S. (2014). *The impact of organizational indifference on corporate identity (Case Study: Municipal Branch of Rudehen)*, the first national conference on the future of research, management and development, Tehran, Iran's new Education Development Center (Mtana), http://www.civilica.com/Paper-FIMD01FIMD01_274.html. [Text in Persian]
- Salajeghe, S., & Tanabandeh, M. (2016). An explanation of the relationship between organizational indifference and job performance of staffs with the mediating role of cultural intelligence (A case study: customs office staffs in Tehran). *The IIOVE Journal, 7*, 452-459. [Text in Persian]
- Sotoudeh, H. (1999). *Social Psychology*. Tehran: Avay noor. [Text in Persian]
- Stallard, M. L. (2010). *The Indifferent Workplace. Helping Leaders Create Cultures that Connect*. Retrieved from August 10, 2016, from <http://www.michaelleestallard.com/theindifferent-workplace>.



- Tolabi, Z., Kheiri, A., & Samadi, S. (2015). The relationship between cultural intelligence and social interaction in students. *Journal of Psychology* .19(2),286-296. [Text in Persian]
- Vinzi, V. E., Chin, W. W., Henseler, J., Wang, H. (2010). *Handbook of Partial Least Squares: Concepts, Methods, and Applications*. Dordrecht, London, New York.
- Wu, W. W. (2010). Linking Bayesian networks and PLS path modeling for causal analysis. *Expert Systems with Applications*, 37(1), 134-139.
- Wetzels, M., Odekerken-Schröder, G., & Van Oppen, C. (2009). Using PLS path modeling for assessing hierarchical construct models: Guidelines and empirical illustration. *MIS quarterly*, 177-195.

نویسندگان

دکتر حبیب رودساز

دانشیار مدیریت دولتی و هیئت علمی گروه مدیریت دولتی دانشگاه علامه طباطبائی که دارای سه کتاب تالیفی و یک کتاب ترجمه شده در حوزه مدیریت است. ایشان ۴۰ مقاله علمی- پژوهشی دارند و راهنمایی و مشاوره بیش از ۵۰ پایان نامه کارشناسی ارشد و بیش از ۱۰ رساله دکتری را برعهده داشته است.

Aghil.ghorbani92@gmail.com

عقیل قربانی پاچی

دانشجوی دکتری مدیریت دولتی گرایش تصمیم‌گیری و خط‌مشی عمومی دانشگاه علامه طباطبائی که دارای ۱۵ مقاله علمی- پژوهشی و بیش از ده مقاله کنفرانسی و فارغ‌التحصیل برتر در مقطع کارشناسی ارشد و دکتری دانشگاه علامه طباطبائی است و در حال حاضر هم پژوهشگر پژوهشگاه قوه قضائیه است.

فرخنده صالحی

فارغ‌التحصیل مقطع کارشناسی ارشد رشته مدیریت دولتی از دانشگاه علامه طباطبائی که دارای دو مقاله علمی-پژوهشی است.

داوران این شماره

اسامی داوران	نام دانشگاه
مهسيما پورشهریاری	دانشیار دانشگاه الزهراء(س)
مهرانگیز پیوسته گر	دانشیار دانشگاه الزهراء(س)
خدیجه سفیری	استاد دانشگاه الزهراء(س)
عباس عبداللهی	استادیار دانشگاه الزهراء(س)
ام هانی علیزاده صحرانی	استادیار دانشگاه علامه محدث نوری
اعظم فرح بیجاری	استاد دانشگاه تهران
فاطمه مدیری	دانشیار مؤسسه مطالعات و مدیریت جامع و تخصصی جمعیت کشور
سیده فاطمه موسوی	دانشیار دانشگاه الزهراء(س)
محبوبه موسیوند	استادیار دانشگاه الزهراء(س)
افسانه نراقی زاده	دانشیار دانشگاه الزهراء(س)
سیده منوره یزدی	استاد دانشگاه الزهراء(س)